



فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس



سال نهم □ شماره سی و دوم □ بهار ۱۳۸۹

صاحب امتیاز	مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران
مدیر مسئول	سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری
سر دبیر	دکتر حسین اردستانی
هیأت تحریریه	دکتر غلامعلی رشید (دانشگاه امام حسین ^(ع))؛ دکتر حسین علایی (دانشگاه امام حسین ^(ع))؛ دکتر محمود یزدان فام (پژوهشکده مطالعات راهبردی)؛ سردار سرتیپ پاسدار حمید اصلانی
داوران این شماره	دکتر ابراهیم متقی، دکتر حمیرا مشیرزاده، دکتر حسین اردستانی، دکتر محمود یزدان فام، دکتر محمدعلی قاسمی، دکتر محمد حسین جمشیدی
مدیر اجرایی	سید مسعود موسوی
طرح جلد و صفحه آرایی	سیدعباس امجدزنجانی
حروفچینی	زهره طالعی
ناظر چاپ	محمد بهروزی
مدیر پشتیبانی	احمد عوض آبادیان
نشانی	تهران، میدان هفت تیر، خیابان مفتاح جنوبی، خیابان شهید ورکش، نبش کوچه برومند، پلاک ۸/۱، تلفن و دورنگار: ۸۸۳۰۷۲۸۲
پست الکترونیکی	neginiran@gmail.com
مرکز فروش	تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، مجتمع ناشران فخر رازی، انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تلفن: ۶۶۴۹۷۲۲۷ - ۶۶۴۹۵۵۷۲
قیمت	۱۲۰۰ تومان



مشاوران علمی

- دکتر محسن رضایی (دانشگاه امام حسین^(ع))
- دکتر رحیم صفوی (دانشگاه امام حسین^(ع))
- امیر دریابان علی شمعخانی (مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی)
- سردار سرتیپ پاسدار حسین سلامی
- دکتر امیر محمد حاجی یوسفی (دانشگاه شهید بهشتی)
- دکتر علی اکبر کجباف (دانشگاه اصفهان)
- سردار سرتیپ پاسدار جمال آبرومند
- سردار سرتیپ پاسدار محمد پاکپور
- سردار سرتیپ پاسدار مرتضی صفاری
- محمد درودیان
- محسن رخصت طلب

مقاله ها و مطالب درج شده در فصلنامه نگین ایران بیانگر دیدگاه نویسندگان آنهاست.

استفاده از مطالب این فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.

سر مقاله

۵ جنگ عراق با ایران از منظر جامعه‌شناسی

مقاله‌ها

دکتر نبی اله ابراهیمی

۹ نقش جنگ در جامعه‌پذیری و هویت ایرانیان؛ از معرفت‌شناسی لاکاتوش تا هستی‌شناسی ونت

دکتر حیدرعلی مسعودی
دکتر سمانه خان بیگی

۲۳ بررسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران؛ از منظر جامعه‌شناختی

دکتر فرهاد درویشی
دکتر اعظم امامی

۳۷ مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷)

دکتر ... قادری کنگاوری

۵۱ تحلیلی بر میزان کمک‌های مالی- تسلیحاتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران

دکتر مراد کاویانی راد

۷۱ جایگاه مفهوم فضای حیاتی در استراتژی ژئوپلیتیک عراق عصر صدام

دکتر مهدی خداوردی

۸۵ بررسی تاکتیک جنگ آب در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

اسناد و گزارش‌ها

گروه پژوهش فصلنامه

۱۰۵ اسناد مربوط به جنگ آب در جنگ عراق و ایران

معرفی و نقد کتاب

دکتر سیده اعظم حسینی
معرفی و نقد: دکتر عباس خلجی

۱۱۷ کندوکاوی درباره کتاب دا(خاطرات سیده زهرا حسینی)

دکتر مایکل کلی
معرفی و نقد:
دکتر حیدرعلی بلوچی

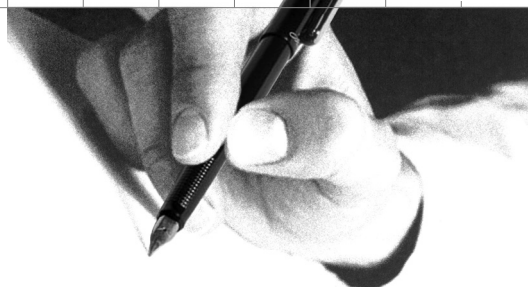
۱۲۳ ارواح حلبچه: صدام و نسل‌کشی اکراد

دکتر فردریک وهری و دیگران
معرفی و نقد:
دکتر غلامرضا خسروی

۱۲۹ خیزش سپاه؛ ارزیابی نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عرصه داخلی ایران

دکتر استیون آر. وارد
معرفی و نقد:
دکتر عبدالله قنبرلو

۱۳۳ جاوید؛ تاریخچه نظامی ایران و نیروهای مسلح آن



جنگ ایران و عراق از منظر جامعه‌شناسی

جنگ ایران و عراق همانند سایر پدیده‌های سیاسی - اجتماعی، ابعاد و سطوح گوناگونی دارد و تحت تأثیر عواملی، شکل گرفته و در بستری تداوم یافته و به پایان رسیده است. پدیده‌های اجتماعی از جنبه‌های گوناگون قابل مطالعه هستند. جوامع دانشگاهی و مراکز پژوهشی برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی، از جمله جنگ‌ها، از منظرهای متفاوتی به آنها نگاه کرده و مطالعه می‌کنند. آنها به رشته‌های متفاوتی تقسیم شده و در قالب هر یک از آنها نظریه‌های متعددی مطرح شده و مورد استفاده قرار می‌گیرند. علوم نظامی و راهبردی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، علوم اقتصادی و مدیریتی و ... از جمله رشته‌هایی هستند که در سطح دانشگاهی مطرح هستند و به مطالعه مسایل و موضوعات مورد نظر می‌پردازند.

جنگ، پدیده‌ای اجتماعی و از باورها، نگرش‌ها و رفتارهای افراد جوامع متأثر است. نیروهای اجتماعی با شرکت در جنگ، بستر لازم را برای پیدایش آن فراهم می‌آورند و از طریق مخالفت و بی‌تفاوتی در برابر آن روند آن را به سمت متفاوتی سوق می‌دهند. باورهای مذهبی و تاریخی، مردم را برای انجام اقداماتی تحریک کرده و جهان را به اردوگاهی متفاوت برای اقدام آماده می‌سازند. جامعه‌شناسی علم مطالعه باورها و رفتار و نیروها و بسترهای اجتماعی است. نیروهای اجتماعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر شکل‌گیری، شروع، تداوم و پایان جنگ‌ها مؤثرند.

جنگ عراق علیه ایران یک پدیده اجتماعی است که نیروهای گوناگون اجتماعی در آن مؤثر بوده‌اند. این پدیده، سطوح و ابعاد گوناگونی داشت و تحت تأثیر تحولات اجتماعی متحول شده و روندهای متفاوتی را طی نمود.

جنگ ایران و عراق گنجینه‌ای برای درک رفتارها، سیاست‌ها، فرایندها و پیامدهای آن است. تحلیل این جنگ به یکی از رشته‌ها و حوزه‌ها محدود نمی‌شود. به عبارتی، این جنگ یک پدیدهٔ چند وجهی است که مطالعه آن نیز باید از منظرهای متعدد صورت گیرد. رشته‌ها، روش‌ها، و نظریه‌های گوناگون می‌توانند جنگ ایران و عراق را مورد مطالعه قرار داده و دستاوردهای ارزشمندی در شناخت بهتر این جنگ و آزمون نظریه خود داشته باشند.

در طی سال‌های گذشته، صاحب‌نظران بر حسب رشته تحصیلی یا حوزه مورد علاقه‌شان به تجزیه و تحلیل جنگ پرداخته و دستاوردهایی را داشته‌اند. برخی از ابعاد جنگ بیشتر مورد توجه بوده و برخی پوشیده مانده است. یکی از رشته‌هایی که کمتر در موضوع جنگ ایران و عراق وارد شده و به بررسی آن پرداخته، رشته جامعه‌شناسی است؛ در حالی که ابعاد اجتماعی و جامعه‌شناختی جنگ بسیار چشم‌گیر بوده و عوامل اجتماعی در شکل دادن به آن موثر و پیامدهای اجتماعی آن قابل توجه بوده است. این غفلت را نمی‌توان به نقض در روش‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی نسبت داد. این رشته یکی از رشته‌های نسبتاً پیشرفته علوم اجتماعی است. اما جدا از چرایی عدم توجه به جنگ از این منظر، که موضوع ارزشمندی برای مطالعه است، نگاه و ارزیابی جامعه‌شناسانه از جنگ ایران و عراق اقدامی ارزشمند در درک و شناخت جنگ است.

جنگ ایران و عراق ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی عمیقی دارد. این موضوع هم در بسترهای شکل‌گیری و بروز جنگ و هم در فرایند آن قابل مشاهده است. اغلب اندیشمندان و صاحب‌نظران در بررسی علل بروز جنگ به تفاوت مذهبی، قومی و نژادی جنگ تحمیلی توجه می‌کنند و آنها را عوامل موثر در حمله گسترده عراق به ایران می‌دانند. در یک نگاه اجمالی، جنگ هدیه هستی هر فرد برای تأمین اهداف اجتماعی است و چنین رفتاری متأثر از باورها و ارزش‌ها شکل گرفته و در بستر اجتماعی بروز می‌یابد. در طول جنگ ایران و عراق این گونه رفتارها به شکل فردی و جمعی به صورت‌های گوناگون و گسترده بروز یافتند و نیروی پیش‌برنده در جنگ بودند. تأمین اهداف اساسی جنگ بدون حمایت و پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم مردم میسر نبود. حمایت یا مخالفت مردم در جنگ موضوعی کلیدی است. بدون پشتوانه مردمی، جنگ نمی‌تواند به جایی برسد و اهداف مورد نظر را تأمین کند و از تجاوز دشمن جلوگیری نماید. سنگینی جنگ بر دوش مردم است و میزان تحمل آنها به باورها، ارزش‌ها، و نگرش آنها به جنگ بستگی دارد. بدون حمایت مردم از سیاست‌ها و اقدامات مسوولان جمهوری اسلامی ایران، حمله گسترده عراق به ایران می‌توانست روند دیگری را طی کند و پیامدهای تخریبی فراوانی داشته باشد.

هشت سال دفاع از میهن اسلامی بر باورها و ارزش‌های اجتماعی ایرانیان تأثیر گذاشته و پیامدهای فرهنگی اجتماعی قابل توجهی در پی داشت. به رغم پایان عملیات نظامی و دشمنی میان دو کشور و حتی پایان نظام سیاسی عراق پیامدهای اجتماعی این جنگ همچنان تداوم یافته است. جنگ‌ها آثار اجتماعی دامنه‌داری دارند که با پایان جنگ خاتمه نمی‌یابند و فضای سیاسی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بررسی این موضوعات نیازمند استفاده از دانش جامعه‌شناسی و نظریه‌های رایج در این رشته مطالعاتی است. همچنان که ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی آن با بهرگیری از روش‌های معرفتی این رشته‌ها انجام می‌شود.

جنگ ایران و عراق تاکنون بیشتر از منظر سیاسی و نظامی مورد بررسی قرار گرفته است. مسوولان فصلنامه تخصصی دفاع مقدس، نگین ایران، در طول بیش از ۸ سال انتشار مجله تلاش کرده‌اند به جنگ از منظرهای دیگر هم نظر بیاندازند و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. در شماره‌های گذشته، جنگ از منظر اقتصادی مورد توجه قرار گرفت؛ با استفاده از نظریه‌های روابط بین الملل این بعد از جنگ با نگاهی متفاوت بررسی شد. در این شماره تمرکز مقالات بر بررسی جنگ از منظر جامعه‌شناسی، به ویژه جامعه‌شناسی سیاسی است.

مقاله نخست این شماره به تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر جنگ بر شکل‌گیری و تکوین هویت ایرانیان می‌پردازد. جامعه‌پذیری یکی از مباحث اساسی جامعه‌شناسی است که در آن فرایند درونی شدن ارزش‌ها و باورها مورد توجه قرار می‌گیرد. در این مقاله نویسنده تلاش می‌کند در دو سطح داخلی و بین‌المللی تأثیر هویت فرهنگ ایرانی بر جنگ و تأثیرات جنگ بر تکوین هویت ایرانی را بررسی کند. فرضیه نظری مقاله این است که در میان سه دستگاه معرفت‌شناسی علم همچون، ابطال‌گرایی پوپر، پارادایم کوهن و برنامه پژوهشی لاکاتوش، سومی بیش از سایر مکاتب فلسفه علم می‌تواند هویت ایرانی را به مثابه یک برنامه پژوهشی توضیح داده و جنگ ایران و عراق را به عنوان بخش مهم این هویت و تکمیل‌کننده آن به رسمیت بشناسد. از نظر نویسنده هویت ایرانیان در جریان جنگ ایران و عراق به عنوان یکی از تحولات مهم سیاسی اجتماعی جامعه بازسازی و بازتولید شد. بعد از جنگ، هویت ایرانی ضمن استمرار، تفاوت‌هایی نیز با هویت قبلی پیدا کرد که نشان دهنده میزان تأثیرگذاری جنگ در جامعه‌پذیری و هویت ایرانیان است.

بررسی جنگ ایران و عراق از منظر جامعه‌شناختی، عنوان مقاله دوم این مجموعه است. این مقاله با استفاده از ساختاریابی‌گیدنز در جامعه‌شناسی، کارگزاری رژیم عراق را در تعامل با ساختار داخلی و منطقه‌ای در آستانه جنگ تحمیلی و تعامل کارگزاری جمهوری اسلامی را با ساختار معنایی در طول جنگ تحمیلی و سپس تعامل کارگزاری آمریکا را با ساختار نظام بین‌الملل در خاتمه جنگ مورد بررسی قرار می‌دهد. کارگزاری کنش‌گران در درون محدودیت‌های ساختاری میسر می‌شود و خود این کارگزاری‌ها به بازتولید ساختارها می‌انجامند. جنگ ایران و عراق یک کنش جمعی انسانی بود که آغاز، سیر تحول و پایان آن، محصول کارگزاری بازیگران دخیل، در درون محدودیت‌ها و امکان‌پذیری‌های ساختاری در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بود. در این نوشته تلاش شده در طول جنگ، تعامل و محدودیت‌ها و فرصت‌ها و تأثیر متقابل ساختار و کارگزارها بر یکدیگر نشان داده شده است.

در بررسی‌های جامعه‌شناسانه، بازیگری و تأثیر نیروهای اجتماعی بر فرایند پدیده‌ها مورد توجه است. در مقاله سوم، مشارکت زنان ایرانی در جنگ ایران و عراق بررسی شده است. افزایش مشارکت زنان در جنگ به شدت از فرهنگ انقلابی متأثر بود که در جریان انقلاب اسلامی شکل گرفته بود. مقاله با این فرض به ارزیابی میزان نحوه مشارکت زنان در جنگ تحمیلی می‌پردازد و بر این باور است که جنگ موجب افزایش حضور زنان در عرصه اجتماعی ایران شد.

سه مقاله پایانی این شماره فصلنامه موضوعات متعددی را بررسی کرده‌اند. مقاله نخست، به تحلیل کمک‌های مالی و قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه به عراق می‌پردازد. مقاله دوم به ریشه‌یابی جنگ عراق و ایران پرداخته و آن را با توجه به مفهوم فضای حیاتی و جایگاه آن در استراتژی صدام توضیح داده است. نویسندگان، محدودیت‌های ژئوپلیتیکی عراق را عامل بنیادی در راهبرد عراق در تجاوز به همسایگان خود می‌دانند که در زمان‌های مختلف به شکل متفاوتی بروز می‌کند.

مقاله پایانی فصلنامه نگرین ایران و بخش اسناد به موضوع بکری به نام جنگ آب اختصاص دارد که در حوزه‌های دانشگاهی کمتر شناخته شده است. در آغاز جنگ و پیشروی ارتش عراق در جبهه جنوب، نیروهای مسلح و مردمی ایران متوجه شدند که با استفاده از آب موجود در منطقه می‌توانند موانعی را بر سر راه پیشروی نیروهای زرهی و پیاده عراق ایجاد کنند و از سرعت آن بکاهند. مقاله حاضر در قالب دو بخش نظری و تجارب ایران در جنگ آب، اصول، مبانی، و اقدامات انجام شده نیروها و یگان‌های مهندسی را توضیح می‌دهد. در بخش پایانی نیز، این موضوع از منظر اسناد موجود در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس مورد توجه قرار گرفته است.



نقش جنگ در جامعه پذیری و هویت ایرانیان؛

از معرفت شناسی لاکاتوش تا هستی شناسی ونت

نبی الہ ابراہیمی *

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۱۱/۳۰

[illegible]

مقدمه

بسیاری از جنگ‌های مدرن قرن بیستم، همچون جنگ ایران و عراق، به دلیل بار هنجاری و ارزشی خود بیش از آن‌که دارای ارزش‌های مادی باشند، از ارزش‌های معنایی برخوردارند. جنگ عراق علیه ایران مبتنی بر باورها و ارزش‌های منحصر به فرد است و در چارچوب نظریه هنجارگذار میان حاکمیت، هویت و فداکاری از منظر ایران، قرار

می‌گیرد. ارتباط میان جامعه مدنی و دولت در دوران جنگ هشت ساله، به فرایند جامعه‌پذیری در ایران پساانقلاب تا حد زیادی کمک کرد.

در جنگ‌های معنایی، فرد به دنبال دستیابی به هدف مشترکی است و بین جنگ و جامعه همبستگی وجود دارد. همان‌گونه که فرد فقط از طریق چالش با دیگری به هویت خودآگاه می‌رسد، هر دولت نیز باید با دیگری به رسمیت شناخته شود. اعلام حاکمیت

* دانشجوی دوره دکترای روابط بین الملل دانشگاه تهران

1. Role

2. Type

سال نهم □ شماره سی و دوم □ بهار ۱۳۸۹



دولت ها صرفاً از سوی خودشان کافی نیست و آن حاکمیت باید به رسمیت شناخته شود. جنگ یکی از ابزارهای دستیابی به این شناسایی است به عبارتی، جنگ به معنای قبولی در آزمون نهایی مردانگی سیاسی است. این دیدگاه اگرچه از نظر برخی فمینیست ها مطرح شده، اما به نوعی بار ارزشی جنگ را به تصویر می کشد.^(۱)

قدرت دولت ها در طول جنگ ها مشخص می گردد و از این طریق معلوم می شود

آیا افراد می توانند بر خودخواهی خود غلبه کنند و آیا آمادگی دارند برای تمام مردم وطن تلاش کنند و در حال خدمت، جان خود را برای خیری فراگیرتر قربانی کنند یا نه؟^(۲) این ورطه میان فداکاری و حاکمیت، در لفافه هویت اجتماعی و هویت دولت در چارچوب جامعه پذیری معنا می یابد. جنگ عراق علیه ایران با پارادایم فداکاری و از خودگذشتگی، از سویی هویت دولت را تحکیم بخشید و از سوی دیگر به بنیادی محکم برای تحلیل هویت ایرانی انجامید. ارنست کانتورویچ^۱ در اثر کلاسیک خود به نام «دو گروه پادشاهی؛ رد پای آرمان مرگ در راه میهن»^۲ معتقد است که: در الگوی فداکاری مدنی، سربازان فداکار تا سرحد مرگ وفادار باقی می مانند چرا که خود را شهید مفهوم جدید میهن می دانند. این عشق به هویت میهنی، در نوعی خیرخواهی ریشه دارد لذا امور شخصی را بر امور مشترک مقدم نمی شمارند، بلکه امور مشترک را بر امور شخصی مقدم می دانند. عشق به میهن مستلزم درجه ای از افتخار است که بر تمام فضیلت های دیگر برتری دارد.^(۳) جنگ هشت ساله به تولید و حتی بازتولید دلاوری و فداکاری ایرانی به عنوان یک فضیلت منجر شد و «سرباز وطن»

یا «شهید میهن» مفاهیم جدیدی را در هویت ایرانی سبب گشت.

هویت فرهنگی یک سرزمین نیز از نگاه رفتار سوژه های قوم نگاری، خود تا حدودی از دل تعامل و کنش و واکنش میان این سوژه ها و انسان شناسی مطالعه کننده آنان برمی آید. این تعامل میان سوژه خودآگاه و جنگ و شهادت، مستلزم داشتن یک هویت است. داشتن هویت، به معنی رابطه داشتن با دیگران به شیوه های بخصوص و فهم این مطلب است که چنین رابطه ای وجود دارد. برای «شخص» بودن، در میان سایر چیزها، باید حتماً فرد باشیم تا از واکنش های دیگران نسبت به خود آگاه باشیم و از این آگاهی نیز آگاه باشیم. باید قادر باشیم به دیگران بر مبنای این آگاهی واکنش نشان دهیم، و واکنش خود به دیگران و واکنش دیگران را به واکنش خود دریابیم، و از این درک و دریافت خود در چرخه ای دائماً پویا و متغیر از «آگاهی، واکنش و خودآگاهی» مطلع باشیم.^(۴)

این نوع آگاهی و واکنش عمیقاً بر همه چیز اعم از خواسته ها، ترس ها و امیدهای ما تأثیر می گذارد. این آگاهی در واقع هویت ما را تشکیل می دهد و هویت

1. Ernest Kantorowicz

2. Parpatria Mori

از لحاظ معرفت‌شناسی بررسی می‌کند. سپس به لحاظ هستی‌شناسی تأثیر این جنگ را در قالب پژوهشی در چارچوب هویت نوع و نقش (دولت و جامعه) مورد کند و کاو قرار می‌دهد و در نهایت به تأثیر جنگ بر جامعه‌پذیری ایرانیان اهتمام می‌ورزد.^(۸) لازم به یادآوری است بازسازی هویت ایرانیان از دو جنبه ملی و مذهبی، هم بر مبانی اسطوره‌ای و نمادین و هم ساخته شدن هویت ایرانی از سوی جامعه بین‌المللی استوار بوده است.

بنیاد معرفت‌شناسی بحث هویت ایرانی

انتخاب دستگاه معرفت‌شناسی مناسب در بحث‌های مربوط به مسائل اجتماعی، نقش بسیار زیادی در درک درست مشکلات جوامع، از جمله مشکلات هویتی و چاره‌جویی برای آنها دارد. آن نوع دستگاه معرفت‌شناسی برای علوم اجتماعی مناسب است که متضمن گسست و ابطال تمام

جنگ ایران و عراق
در طول دوره هشت ساله
خود بر دو نوع هویت
دولت و جامعه تأثیر گذاشته
و هویت ایرانی مدرن را
تعریف نموده است

عیار و انقلاب یا دگرگونی گسترده غیرمرتبط با میراث فکری، تاریخی و فرهنگی و سیاسی گذشته نباشد. در میان ابزارها، روش‌ها و دستگاه‌های معرفت‌شناسی که اکنون مورد استفاده دانشمندان علوم اجتماعی است، سه دستگاه معرفت‌شناسی ابطال‌پذیری کارل پوپر^۱، انقلاب پارادایمی^۲ توماس کوهن و برنامه پژوهشی ایمره لاکاتوش^۳ نسبت به دستگاه‌های معرفت‌شناختی دیگر، اهمیت بیشتری دارند. این دستگاه‌ها یا مکاتب معرفت‌شناسی یا علم‌شناسی، هر یک نگرش خاص خود را به چگونگی دگرگونی و پیشرفت علمی دارد.^(۹) در این پژوهش سعی بر این است از میان این سه دستگاه

ما از روایتی که با دیگران شکل می‌دهیم، نشأت می‌گیرد. کل‌گرایان متدلوژیک نیز بر کل‌های اجتماعی تأکید می‌کنند. آنها ساخته شدن سوژه‌ها را در یک کل اجتماعی، فرهنگ یا هویت می‌دانند. فوکو فرآیندی را تحلیل می‌کند که در جریان آن سوژه‌ها را فضای مادی، اجتماعی و گفتگویی، که این سوژه‌ها در آن فضا قرار دارند، خلق می‌کنند.^(۱۰) براین اساس، کارگزار فداکار و عاشق میهن در جنگ ایران و عراق سوژه‌ای است که در هویت ایرانی - اسلامی تولید شده و شهید یا جانباز، با کنش و تعاملات خود به بازتولید این هویت پرداخته است. اصولاً جنگ هشت ساله با تکیه بر خودآگاهی گفتمان انقلابی، به جامعه‌پذیری ایرانی نیز کمک نمود. این جامعه‌پذیری خود به خلق دال و مدلول‌های اجتماعی همچون ایثار، کشته شدن در راه وطن و مردانگی منجر شد که با ادبیات تطبیقی مدرن و باستانی ایران همخوانی زیادی دارد. از این منظر، کل‌گرایی هویت، یکی از تابعین فرهنگ‌گیده شدن است.^(۱۱)

ژان فرانسوا لیوتار^۱، یکی از بزرگان پسامدرنیسم، نیز بر این باور است که هیچ فردی جزیره جدا افتاده‌ای نیست. زیرا هر کس در ارتباط با مجموعه‌ای از مناسبات قرار دارد که تصور احساس امنیت، داشتن حریم و وابستگی‌های خاص از این جمله است. مسئله هویت بشر از منظر «هاول»، ارتباط میان انسان، ایده و میهن است که در جنگ‌ها، کنش‌های دفاع و فداکاری یا حریم حاکمیت، از همین هویت سرچشمه می‌گیرند.^(۱۲)

اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که پس از وقوع جنگ‌های معنایی و بازتولید آن در رویدادهای سیاسی و اجتماعی، جنگ چه تأثیری بر جامعه‌پذیری دولت و جامعه مدنی باقی می‌گذارد؟ به تبع آن، جنگ ایران و عراق در طول دوره هشت ساله خود بر دو نوع هویت دولت و جامعه تأثیر گذاشته و هویت ایرانی مدرن را تعریف نموده است. هویت مبتنی بر نوع و نقش از زوایای این تأثیر است. این نوشتار برای تحلیل و تبیین جنگ بر هویت و جامعه‌پذیری ایرانیان، «هویت ایرانی» را در قالب برنامه پژوهشی لاکاتوش

1. Jean francois lyotard

2. Fala Sifiability

3. Paradiymatic

4. Research Program

معرفت شناسی ابطال گرایان، دو متغیر غیر وابسته هستند. از نظر پوپر، دانشمندان به محض روبه رو شدن با هر مدرک ابطال سازنده، باید نظریه خود را رها کرده و فرضیات و نظریه های معتبر جدید را جایگزین آن کنند.^(۱۳)

با این وصف، این پرسش به ذهن متبادر می شود که آیا رخداد جنگ ایران و عراق با هویت ایرانی بی ارتباط است؟ آیا به محض بررسی جنگ ایران و عراق می بایست نظریه تکامل هویت ایرانی را کنار گذاشت و تنها تأثیر جنگ بر هویت ایرانی را مطالعه کرد؟ از این رو، به دلیل تکامل و تحول علوم اجتماعی و ارتباط معنادار حوادث اجتماعی با تاریخ آن پدیده، دستگاه ابطال گرایی پوپر نمی تواند نظریه هویت ایرانی را به طور منطقی تحلیل کند. چرا جنگ ایران و عراق به عنوان یک تغییر ناگهانی از منظر این دستگاه معرفت شناسی می بایست از نو به عنوان یک نظریه و جدا از ریشه های اجتماعی و تاریخی آن مورد کند و کاو قرار گیرد؟ اصولاً مسائل اجتماعی را بر خلاف پدیده های علمی - طبیعی یا ریاضی و فیزیک، نمی توان بدون ارتباط با گذشته و به تنهایی مورد بررسی قرار داد. بنابراین؛ می توان گفت گفتمان متأثر از جنگ ایران و عراق، جزئی از هویت ملی ایرانیان و مکمل هویت آنان است.

ب) دگرگونی پارادایمی

دستگاه یا مکتب معرفت شناسی یا فلسفه علم که در دهه اخیر، پس از کاهش محبوبیت دیدگاه ابطال پذیری مورد استقبال جامعه علمی قرار گرفت، تحول علمی یا انقلاب علمی است که از سوی توماس کوهن در کتاب معروف او یعنی "ساختار انقلاب های علمی" مطرح شد.^(۱۴)

براساس این نگاه نو، یک علم تکامل یافته، به وسیله پارادایم واحد نظارت و هدایت می شود. پارادایم، معیارهای کار و پژوهش مجاز را درون علمی که ناظر و هادی آن است تعیین می کند. پارادایم، مشتمل بر مفروضات کلی نظری و قوانین و فنون آنهاست که اعضای جامعه علمی خاص آنها را

معرفت شناسی، بهترین دستگاه را برای تبیین جنگ ایران و عراق و تأثیر آن بر هویت ایرانیان بکار ببریم. فرضیه اصلی تحقیق حاضر این است که هویت می تواند به مثابه برنامه پژوهشی قلمداد شود. هویت ایرانی نیز به مثابه نوعی برنامه پژوهشی است که رخداد جنگ بخشی از این هویت را تشکیل می دهد.

الف) ابطال گرایی

از نظر ابطال گرایان، رشته ای از نظریه های متوالی که مبین تکامل تاریخی یک علم است، از نظریه های ابطال پذیر ساخته شده که هر یک از نظریه های این رشته، ابطال پذیرتر از نظریه قبلی است. این شرط ابطال گرایان، که هم زمان با پیشرفت هر علم، باید نظریه های آن علم ابطال پذیرتر و در نتیجه پر محتوا و اخباری تر شوند، هرگونه جرح و تعدیل برای حفظ نظریه از ابطال را رد می کند.^(۱۵) پوپر از هنگام انتشار نخستین چاپ آلمانی کتابش تحت عنوان

در بحث امنیت ملی،
نظریه معرفت شناسی
لاکاتوش مناسب ترین شیوه
مواجهه با ناهنجاری های
ناشی از تحولات نوین
اجتماعی، سیاسی،
اقتصادی و فرهنگی است

"منطق اکتشاف علمی در ۱۹۳۴، همواره بر این نکته تأکید داشت که کوشش های علمی باید صرف ابطال نظریه ها شود. به باور وی، نظریه را می توان در پرتو شواهد مناسب به طور قطع ابطال کرد.^(۱۶) این محدودیت های ابطال گرایی، مشکلاتی را باعث شد. این اشکال مهم وجود داشت که اگر اندیشمندان بی کم و کاست از روش شناسی ابطال گرایان تبعیت می کردند، نظریه هایی که عموماً از بهترین نظریه های علمی محسوب می شوند هرگز تحول نمی یافتند زیرا در اولین مراحل کنار گذاشته می شدند.^(۱۷)

به عنوان مثال، نظریه هویت ایرانی و تحول آن با رخداد جنگ ایران و عراق، طبق دستگاه

ج) برنامه پژوهشی

لاکاتوش، تصور خود را از علم، برای اصلاح و فائق آمدن بر مشکلات رویکرد ابطال گرایی طرح کرد. برخلاف ابطال گرایی که چارچوب مشخص و منظمی ندارد و با هر برنامه یا تصمیم روش شناختی ابطال ناپذیر همراه است، برنامه لاکاتوش از ابطال محفوظ بوده و از تحول و توسعه استقبال نموده است؛ از این رو، پدیدارهای از پیش شناخته شده را در برگرفته و پدیدارهای بدیعی را پیش بینی می کند.

در برنامه پژوهشی لاکاتوش، توانایی مقایسه برنامه های

پژوهشی رقیب وجود دارد. این کار در قالب یک برنامه پژوهشی منفرد شامل بسط و تفصیل فرضیه های گوناگون صورت می گیرد.^(۹۸) از نظر لاکاتوش، آن چه باعث پیشرفت علم و تکامل آن

می شود نه ابطال و کنار گذاشتن فرضیه ها و نه از میان رفتن یک پارادایم است، بلکه انباشت تدریجی نظریه ها و فرضیه ها هسته اولیه علم و معرفت علمی را شکل می دهند و به آن استحکام می بخشند. از نظر لاکاتوش، نظریه های علمی استحکام یافته که بنای علم و معرفت را شکل می دهند حاصل فرضیه ها و شیوه های تجربی گوناگونی است که در طول زمان تحول یافته و به هسته مستحکم یا محور سخت^۲ تبدیل می شوند. این محور سخت که شامل مفروضات اساسی معرفت علمی یا چارچوب اصلی آن است قابل ابطال و کنار گذاشتن نیست. به عبارت دیگر، این محور

به کار می گیرند.^(۹۵) به عبارتی، نحوه ای که دانشمندان چهره خاصی از جهان را مشاهده می کنند به وسیله پارادایمی که در آن کار می کنند تعیین می شود.

کوهن معتقد است پارادایم های رقیب «غیر قابل قیاس» هستند.^۱ به باور وی، پیشرفت متزاید علم، که صفت تبیین علم استقراء گرایان می باشد، از رهگذر انقلاب ها شکل می گیرد.^(۹۶) به نظر کوهن، هر مجموعه خاص از معیارهای ارزیابی، بخشی از یک پارادایم خاص است لذا بیرون از پارادایم های مختلف، هیچ مبنایی برای مقایسه نقاط قوت پارادایم های علمی مختلف وجود ندارد. این که یک نظریه در نهایت بر نظریه دیگر برتری می یابد نتیجه ملاحظات عقلانی صرف نیست بلکه نتیجه عوامل روان شناختی، حوادث و جامعه شناختی است، که با مناسبات قدرت در جامعه گره خورده اند.^(۹۷)

این رویکرد معرفتی نیز در مورد این که دوره هشت ساله جنگ ایران و عراق یا هویت تاریخی ایرانیان هر دو به عنوان پارادایم های جداگانه در نظر گرفته شوند رویکرد علمی و قابل تبیین نیست. اگرچه میان کوهن و پوپر بر سر چگونگی شکل گیری و تکامل و نابودی یک نظریه علمی یا فرضیه تفاوت نظر وجود دارد و یکی آزمون و خطا و تجربه گرایی و عقلانیت را مبنای شناخت و پیشرفت علوم می داند و دیگری ذهنیت و اجماع جامعه علمی و نه تجربه و منطق عقلانی را، اما این دو مکتب معرفت شناسی علمی در یک نقطه با یکدیگر اشتراک دارند و آن ظهور و سقوط نظریه ها و وجود گسست و انقطاع کامل در تکامل علم است.^(۹۸)

هویت بازتولید شده در طول جنگ بر خلاف رویکرد کوهن، از هویت تاریخی ایران منقطع نیست و هویت ایران نیز تا حد زیادی در دوران جنگ بازتولید شده و این دو عنصر یعنی هویت ایرانی و تاریخ جنگ مرتبط و در تعامل کامل بوده اند. این ارتباط از منظر ابطال گرایی که بر انقطاع و ابطال نظریه های قبلی استوار است از ارائه پاسخ به این تعامل دیرینه ناتوان است.

1. Incommen Surable

2. Hard Core

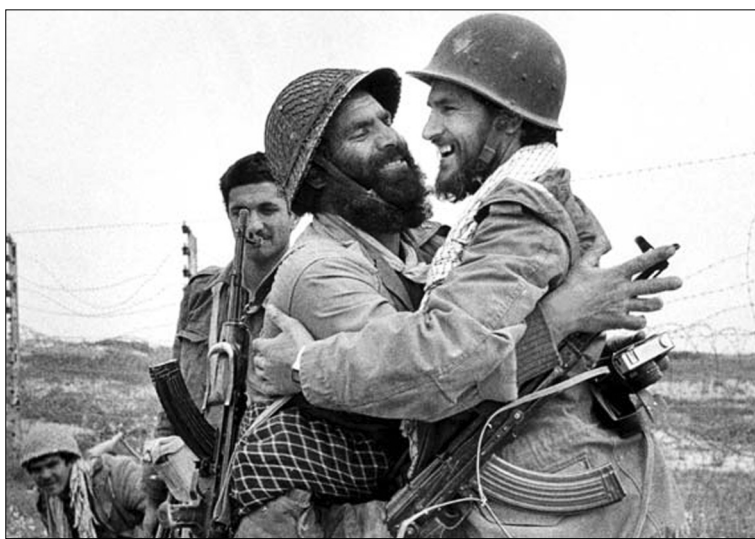
می توان از طریق اصلاح و تقویت عناصر متشکله در دوران جنگ به عنوان یکی از موارد و شرایط نوین یا به تعبیر لاکاتوش «واقعیت های نوین»، تقویت و بازسازی کرد.^(۳۲)

برنامه پژوهشی (هویت ایرانی) برای تبیین رویدادهای گذشته و معطوف ساختن توجه ما به رویدادهایی که پیش تر مشاهده نکرده ایم از مجموعه نیرومندی از اصول ناظر بر عمل جهان کمک

می گیرد. یک برنامه پژوهشی را در صورتی باید به برنامه پژوهشی دیگر ترجیح داد که از رهنمودهای اکتشافی پیروی کند و ما را به واقعیت های تازه ای رهنمون کند که باید آنها را کشف کنیم. اگر برای سازگار نمودن برنامه پژوهشی با مشاهدات جدید در هسته انکارناپذیر آن تغییراتی جزئی بدهیم آن برنامه پژوهشی محدودتر می گردد و به تباهی کشیده می شود.^(۳۳)

بنابراین؛ در میان سه بنیاد یا دستگاه معرفت شناسی مورد بحث، یعنی ابطال پذیری کارل پوپر، تغییر و تحول پارادایمی کوهن و برنامه پژوهشی ایمره لاکاتوش، دستگاه سوم بیش از دو بنیاد معرفت شناسی دیگر برای بحث پیرامون هویت ملی (برنامه پژوهشی) با حقایق نوین (جنگ ایران و عراق) تناسب دارد. این تناسب به این خاطر است که برنامه پژوهشی لاکاتوش بیش از هر چیز با ماهیت علوم اجتماعی و شیوه تطبیقی آن منطبق است.

در این راستا، جنگ ایران و عراق به عنوان حقیقت نوینی به هویت ایرانی اضافه شده است. در ادامه، حقایق جدید و کم و کیف آن در بازسازی و تقویت هویت ملی ایران و تأثیر آن بر بازتولید هویت ایرانیان را مورد بررسی قرار می دهیم.



سخت و هسته اصلی، یعنی مفروضات اساسی، با کمر بند محافظی^۱ که شامل فرضیه های کمکی است از ابطال مصون می ماند.^(۳۴) امروزه آن چه در چارچوب نظریه های عمده اجتماعی مطرح است، برآیند برداشت تدریجی خرده گفتمان ها و گفتمان هایی است که با گذشت زمان به نظریه های قابل قبول تبدیل شده اند. معرفت شناسی و یافتن رهیافت مناسب آن در بحث هویت و همبستگی ملی باعث می شود با کمترین هزینه بتوان چنین گذاری را در فرآیند سیاسی و اجتماعی جامعه طی کرد.^(۳۵)

در بحث هویت ملی نظریه معرفت شناسی لاکاتوش در مقایسه با ابطال پذیری پوپر یا تغییر پارادایمی توماس کوهن، مناسب ترین شیوه مواجهه با ناهنجاری های ناشی از تحولات نوین اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. چرا که کنار گذاشتن یک نظریه هویت ملی که خود در طول زمان ایجاد شده و دربرگیرنده عناصر گوناگون هویتی یک اجتماع می باشد و پذیرش کامل مجموعه هویتی جدید امری غیرممکن و غیرسودمند است. در طول جنگ ایران و عراق، هویت ملی ایرانی در مواجهه با هویت های نوین، کامل تر شد. «محور سخت» هویت ملی را که در بازتاب دوره های تاریخی شکل گرفته،

1. Protective Belt

نمی توانستند نسبت به این مولفه های هویت بخش بی تفاوت باشند.

مقاومت در خرمشهر و هویت سازی افراد شاخصی مانند محمد جهان آرا - الگوی نوین هویت بخش ایرانی - و همچنین نقش مردم، اسطوره جدیدی را ترسیم کرد که نمادهای هویتی ایران را با جنگ مرتبط ساخت. مقاومت در خرمشهر با مقاومت مردم شهر لنین گراد در برابر هیتلر از منظر کارشناسان خارجی مقایسه می شود.^(۳۵) از دیگر ابعاد این حقیقت نو بر هویت ایرانی، شأنیت تاریخی این رخداد است. حوادث بزرگ، شأن تاریخی دارند

زیرا تاریخ ساز هستند و موجب تمایز یک دوره از دوره های پیش و پس از خود می شوند. این همان چیزی است که در دوره بندی تاریخی به آن توجه می شود. علاوه بر این، شأنیت تاریخی یک حادثه یا واقعه از همراهی و توأمانی آن حادثه

فتح خرمشهر، هویت ایرانی را در قالب اسطوره های ملی و نمادسازی ملی بازسازی کرد

و واقعه با تذکر یک حقیقت آشکار می شود. رژیم های خاص حقیقت با شأنیت تاریخی خود جزئی از فرهنگ و هویت جوامع محسوب می شوند. به عنوان مثال، بخشی از هویت ایرانیان، مذهبی - شیعی است. در تاریخ نگاری جنگ، ذیل عنوان دفاع مقدس از همان روزهای آغازین، جنگ به شکل جبهه دفاعی - نظامی انقلاب در برابر هجوم دشمن و با عطف به واقعه عاشورا پذیرش عام پیدا کرد. مدافعان ایران، رزمندگان اسلام نام گرفتند و سربازان مهاجم، پیروان صدام یزید کافر و فضای جنگ و درگیری، فضای کربلا را احیا کرد.^(۳۶) این مفاهیم به نوعی به بازتولید هویت مذهبی - شیعی

جنگ ایران و عراق و ابعاد و ارزش های آن به مثابه حقایق پایداری در هویت ملی

سرزمین، تاریخ ایران، میراث سیاسی و نهاد دولت، میراث فرهنگی ایران و میراث معنوی ایران (دین)، همگی محور سخت گفتمان هویت ملی ایرانی را شکل می دهند.^(۳۷) جنگ ایران و عراق و ارزش های آن براساس رویکرد لاکاتوش، جنگ ایران و عراق به عنوان «حقیقتی نو» در هویت ملی ایرانیان (برنامه پژوهشی) در نظر گرفته می شود. به عبارتی، این جنگ به خلق رویدادهایی منجر شد که امکان بازسازی و بازتولید هویت ایرانیان را فراهم کرد. به عنوان مثال، واکنش مردم ایران نسبت به فتح خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ با حضور یکپارچه در خیابان ها و برگزاری مراسم جشن و شادمانی بسیار شگفت انگیز بود و اعجاب ناظران را برانگیخت. جایگاه خرمشهر از لحاظ تاریخی و نقش سرنوشت ساز این شهر و همچنین پیامدهای آن بر فضا و موقعیت آن دوران، از دلایل مهم هویت بخشی این شهر است. علاوه بر آن، موقعیت خرمشهر در کنار اروندرود، نزدیکی به خلیج فارس و دروازه غربی ایران به جهان عرب از چنان اهمیتی برخوردار بود که فتح آن به یکی از مراحل حساس و مهم در بازسازی هویت ایرانی مبدل گشت. علاوه بر این موارد، واکنش مردم به آزادسازی این شهر، در دغدغه و نگرانی آنها از پیامدهای جنگ بر سرنوشت سیاسی اجتماعی شان ریشه داشت.

تعلق خاطر به رخدادهای جنگ و فرآیند آن، جامعه ایران را به تحولات جنگ و پیروزی و ناکامی در آن حساس کرده بود. در واقع، جنگ به بخشی از امنیت هستی شناختی آن تبدیل شده بود. اهداف و آرمان ها و خواسته های مردم ایران با سرنوشت جنگ پیوند خورده بود؛ لذا نتایج جنگ به همان میزان که بر سرنوشت سیاسی مردم تأثیر می گذاشت، سرنوشت جامعه و هویت ایرانیان نیز از آن متأثر می شد. چراکه مردم با انقلاب خود سرنوشت جدیدی را رقم زده بودند که آن در چنبره نتایج رخدادهای سرنوشت ساز جنگ گرفتار شده بود و مردم

براساس مفاهیمی همچون هویت مورد بررسی قرار می دهیم. از آنجا که در معرفت شناسی، مفروضات بنیادین، اساسی و دانشی که به طور اجتماعی ساخته می شود، مورد توجه است؛ فلسفه وجودی و واقعیت هستی شناسی در باب هویت دولت و جامعه و سپس تأثیر این دو نوع ساخت اجتماعی بر هویت ملی ایرانی در طول جنگ، مبحث دیگری است که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

الکساندر ونت^۱ با ارائه نظریه اجتماعی سیاست بین المللی^۲ مفهوم هویت را به طور اساسی و از لحاظ هستی شناختی وارد روابط بین الملل کرد.^(۳) از این منظر، هر هویتی برگرفته از تعریف اجتماعی کنش گر است و منشاء آن تصوراتی است که کنش گران به طور جمعی درباره خود و دیگران دارند و به ساختار اجتماعی قوام می بخشند. هویت ها، تجسم شرایط فردیتی هستند که کارگزاران از طریق آنها با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند.^(۴) لازم به ذکر است «شوتس» نیز به شکل گیری جامعه در تعامل متقابل و نهادین انسان ها معتقد بود. یعنی جامعه و پدیده های آن حاصل شبکه ای از تعامل های اجتماعی معنادار و مشترک افراد است. وی با رویکردی سازه انگارانه بیان می کند جامعه، به عنوان برساختی از تعامل انسان ها باید بر حسب وابستگی کامل به معیارهای تصویری و با توجه به انگاره ها و مبانی مشترک تحلیل شود.^(۵)

«میشل بارنت» نظر دیگری را درباره هویت ارائه کرده که می تواند در بررسی تأثیر جنگ بر هویت ایرانیان مفید باشد. اگر چه بسیاری از پژوهشگران جنگ، نوع هویت بازتولید شده در طول جبهه نبرد را در چارچوب ارتباط میان جوامع و غرور^۲، مورد ارزیابی قرار می دهند و بیشتر جنگ های بین وستفالی و انقلاب فرانسه را از این نوع می دانند اما پژوهشگران متأخر، از جمله ونت و میشل بارنت، درخصوص ارتباط میان جنگ و هویت، نظر دیگری دارند.^(۳)

چارچوب روش شناسی بارنت، براساس حکایات، دیدگاه ها و نمادها دربرگیرنده و معرف دو

ایرانی منجر شد و فتح خرمشهر، هویت ایرانی را در قالب اسطوره های ملی و نمادسازی ملی بازسازی کرد. این حقایق نو در واقع همان واقعیت های نو در برنامه پژوهشی لاکاتوش است.

با این توضیحات در ادامه از لحاظ بعد هستی شناختی، یعنی وجوه هستی شناختی هویت، تأثیر جنگ ایران و عراق را بر هویت نوع و هویت نقش، دولت و جامعه ایرانی مورد بررسی قرار می دهیم.

جنگ، هستی شناسی و هویت

پس از پایان جنگ جهانی دوم، مناظراتی در میان دانشمندان سیاسی ایالات متحده آمریکا درخصوص رابطه میان دولت و جنگ شکل گرفت. این مناظرات اغلب در میان دانشمندان مکتب واقع گرایی صورت می گرفت. ارائه الگوهای

جنگ ایران و عراق

به عنوان جنگی معنایی و ارزشی به ایجاد سرمایه اجتماعی برای دولت انقلابی انجامید

ریاضی وار بر پایه نظریه بازی ها توسط برخی از واقع گرایان این مناظرات را به مراحل نوینی وارد کرد. این رویکرد به ویژه با استفاده از ریاضیات برای توصیف رفتار انسانی در زیر چتر نظریه انتخاب عقلانی، انتقادات بسیاری را برانگیخت. در دوران جدید، سازه انگاران این ارتباط میان جنگ و دولت را در قلمرو هستی شناسی^۱ و تحت تأثیر عوامل معنایی مهمی چون هویت می دانستند.^(۷)

در مباحث گذشته و از لحاظ معرفت شناسی، وجود ارتباط معنادار میان هویت ملی - مذهبی ایرانی با هویت شکل گرفته در طول جنگ را مبرهن ساختیم؛ اکنون از دریچه هستی شناسی، این ارتباط را

1. Ontology

2. Alexander Wendt

3. Honor

اساساً به صورت اجتماعی از طریق بین‌الذهانی ساخته می‌شوند. جنگ نیز به صورت یک واقعیت از طریق بین‌الذهانی منجر به ساخته شدن حکایات و هویت‌ها می‌شود.

قبل از جنگ ایران و عراق، ایرانی‌ها در چندین مرحله با دگری به نام عثمانی و روسیه تا حد زیادی به هویت خود رجوع نموده و حکایات را با خوانشی نو در قالب هویت ملی بازتولید کرده بودند. در جنگ ایران و عراق، بار دیگر ایرانیان با

خوانشی جدید به بازسازی و بازتولید هویت ایرانی پرداختند که در آن ارزش‌های اسلامی پررنگ‌تر از همیشه بود. برای پی بردن به تأثیر جنگ ایران و عراق بر هویت ایرانیان ضرورت دارد تحول هویت نوع و نقش را در طول جنگ، مورد بررسی قرار دهیم:

الف: هویت نوع، جنگ ایران و عراق

شناخت بین‌المللی از هویت ایرانی پس از سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹ ش، هویت شیعی - انقلابی بود. ایران انقلابی، بخشی از جهان معترض به نظم بین‌المللی آن زمان بود. نقش هویتی ایران در خاورمیانه نیز هویت تاریخی و تمدنی بود. هویت شیعی - ایرانی تا حد زیادی در هویت فارسی - ایرانی ریشه داشت و از این منظر از جانب اعراب به عنوان تهدید دو گانه (شیعی - ایرانی) تحلیل می‌شد.

ایران هویت خود را از منظر ام‌القری جهان اسلام به تصویر می‌کشید و هویت دیگران را در دریچه‌ای آمیخته با هویت مرتجع و آمریکایی می‌پنداشت. «هویت نوع شیعی» ایرانی با ریشه‌های فارسی (تاریخی)، از لحاظ بین‌المللی و منطقه‌ای پس از رویارویی با دشمن بعثی (آمریکایی - شوروی)



دسته از هویت است: یکی هویت نوع^۱ و دیگری هویت نقش^۲. در طول جنگ‌ها این دو هویت بر سیاست خارجی (سطح بین‌المللی) و سیاست داخلی (جامعه و سطح داخلی) تأثیر می‌گذارند. محیط داخلی و بین‌المللی از ساخت این دو نوع هویت در جنگ‌ها متأثر است. بارنت مثلاً از تز حکایات تاریخی در مورد نوع هویت کشورها سخن به میان می‌آورد و ارتباط معنادار هویت‌های کنونی کشورهای درگیر منازعه با روایت‌های فرهنگی و تاریخی آنها را گوشزد می‌کند.^(۳)

مثلاً جنگ در مقابل دشمن خارجی برای نوع هویت نظام سیاسی (مردم سالار، اسلامی، شیعی، شرقی یا غربی)، بر حسب «نوع هویت» تفسیر می‌شود و دارای منزلت امنیت هستی‌شناختی است. رویکرد ریشه‌ای بارنت ثابت می‌کند که «نقش هویت» بیشتر در سطح بین‌المللی نمود می‌یابد. مثلاً هویت نوع انقلابی - شیعی ایران در طول جنگ ایران و عراق بازتولید شد و ارتباط معناداری با حکایات مذهبی شیعه در ایران پیدا کرد. این نوع هویت در برابر هویت بعثی - عربی - سنی اشکال جدیدی به خود گرفت. سازه‌انگاران معتقدند که واقعیت‌ها

1. Type Identity

2. Role Identity



تقویت شد. به عبارتی، هویت نوع در ایران طبق «حقیقت نو» رویکرد لاکاتوشی، در رویارویی با عراق و کشورهای حامی این کشور، به طور بین المللی و در شکل نوع هویت ساخته شد.^(۳۳) به هر حال به همین دلیل بود که ایران توجه خود را در جهت مقابله و محدود کردن نفوذ دیگر قدرت های بزرگ نیز قرار داد. این امر به مفهوم آن است که قالب های ایدئولوژیک و نشانه های جدیدی تولید شد که

می توانست بر تحولات سیاسی و سیاست خارجی ایران تأثیر بگذارد.

در این جا هویت سیاست خارجی ایران در چارچوب «نوع هویت» مشخص و نهادینه شد. این هویت مقاومتی، در فضای گفتمانی خاورمیانه بعد از انقلاب اسلامی و به ویژه در طول جنگ ایران و عراق تقویت شد و نشانه ای از واکنش سیاسی و ایدئولوژیک نسبت به الگوهای موجود بین المللی بود. هویت نوعی اسلام سیاسی متأثر از جنگ فوق، برای کنش گری گروه های سیاسی و جنبش های اسلامی قابلیت اعتباری ایجاد کرد. این ایدئولوژی صرفاً تا زمانی کارآمد بود که به کنش گری برای نیل به اهداف هویتی قادر باشد.^(۳۴)

ب: هویت نقش و جنگ ایران و عراق

تاریخ و فرهنگ ملی کشورها به طور اجتماعی و بین الادهانی از طریق حکایات ساخته می شوند و در چارچوب هویت نقش می باشند. به عنوان مثال، هولوکاست برای اسرائیلی ها نوعی هویت نقش و جزئی از هویت ملی آنان محسوب می گردد. هویت های مدرن اغلب در حکایات تاریخی تعریف می شوند.^(۳۵) هویت نقش از لحاظ سطح داخلی در

طول جنگ ها ریشه دارتر است. هویت انقلابی ایران در طول جنگ با تولید ادبیات شهادت، مقاومت و با ارتباط معنایی خود با فرهنگ و تاریخ مردانگی و شجاعت ایرانی به خلق آثاری درخور هویت ملی ایران منجر شد.

هویت شکل گرفته در طول جنگ با بهره گیری از گفتمان های ایرانی - دینی، و عدم نفی تمام عناصر هویتی، سعی در پایان دادن به منازعه های هویتی داشت. با توجه به تغییرات به وجود آمده در نوع حکومت و ایده و افکار مردم، مسئله هویت، نمود بیشتری یافت. در این هویت، اسلام و ایران به عنوان دو عنصر محوری هویت ملی ایرانیان، بیش از همه عناصر دیگر مطرح شدند.^(۳۶)

این واقعیت نوین یا به تعبیر لاکاتوش، حقایق نو در هویت ملی ایرانی، باعث بازسازی دوباره و محوری هویت ایرانی گردید. این هویت به طور اجتماعی و بر اثر کنش و واکنش های جمعی مردم و بر حسب ایده های مشترک خلق گردید. گفتمان هویتی شکل گرفته در طول جنگ ایران و عراق، به دلیل مواجهه با پان عربیسم ابعاد تازه ای به خود گرفت و مطالعات ایران شناسی را در حوزه دانشگاهی گسترده کرد.

را کشف کنیم.^(۳۹) در این پیوندها، جامعه پذیری به سرعت در زیر چتر سرمایه اجتماعی و سازماندهی اجتماعی گفتمان جنگ ایران و عراق صورت پذیرفت.

تأثیر دیگر جنگ بر جامعه پذیری ایرانیان را می توان در قالب نظریه کنش ارتباطی تحلیل کرد. واکنش میان جامعه مدنی و دولت، مطابق الگوی اخلاق گفتگویی است. هابرماس پس از نظریه کنش ارتباطی، مجموع مقالاتی را در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ منتشر ساخت که در آنها «اخلاق گفت و گویی» را مطرح و تلاش کرد اجزاء اساسی ارزش شناسی اخلاق کانتی را در

نمونه بین الاذهانی و مبتنی بر گفتگو وارد کند که در اثر سابقش آن را مطرح کرده بود.

در دهه ۱۹۹۰ نظریه اخلاق و حقوق هابرماس نیز منتشر شد. این نظریه بین واقعیات و هنجارها (۱۹۹۶) به دنبال بازسازی رابطه درونی

حقوق موضوعه مدرن، نظریه اخلاقی ارزش شناسی مدرن و بنیان گفتگویی دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی است.^(۴۰) در همین ارتباط، یعنی تأثیر جنگ ایران و عراق بر جامعه پذیری ایرانیان، مفروضات مکتب کنش متقابل نهادین (مکتب شیکاگو) مصداقیت است. هربرت بلامر (۱۹۶۹) موجدترین صورت بندی ممکن را از مفروضات کنش متقابل به شرح زیر ارائه کرده است:

۱. انسان ها بر مبنای معناهایی که چیزها برای آنها دارند روی آن عمل می کنند.
۲. این معانی محصول کنش اجتماعی در جامعه بشری اند.

لازم به یادآوری است که جنگ به عنوان یک عامل تغییر و دگرگونی در هر جامعه ای، وجدان گروهی و جمعی انسان ها را حساس می کند و در این رابطه روی هویت فردی، اجتماعی و ملی تأثیر می گذارد.^(۴۱) حال پس از بررسی ارتباط و تأثیر جنگ ایران و عراق بر هویت ایرانیان، تأثیر این مولفه مهم بر جامعه پذیری ایرانیان بررسی می شود.

جنگ ایران و عراق و جامعه پذیری ایرانیان

جنگ ایران و عراق به عنوان جنگی معنایی و ارزشی به ایجاد سرمایه اجتماعی برای دولت انقلابی انجامید. در همین زمینه، کتاب «بگذاریم دموکراسی کار کند»^۱ از پونتام در چارچوب فرهنگ مدنی و جامعه پذیری به همین پیوند اشاره می کند که «شکی در این نیست که فرهنگ مدنی (یا سرمایه اجتماعی) نقش مهمی در فرآیندهای سیاسی دارد، اما آنچه جای تردید دارد نقش نسبت داده شده به فرهنگ مدنی در تحلیل این فرآیندها و نیز ارتباط این بعد و جنبه های دیگر ساختار اجتماعی است. آن چه مایه حیرت است تبیین نهایی پونتام از پایداری و استمرار فرهنگی^۲ است که در فرآیندهای جامعه پذیری و کنترل اجتماعی بازتولید می شود.^(۴۲)

این جامعه پذیری در سیاق سرمایه اجتماعی صورت می پذیرد. بنابراین، جنگ ایران و عراق به دلیل بازتولید و بازسازی فرآیند هویتی (دینی - ایرانی) تا حد زیادی توانست به پایداری و استمرار فرهنگی و جامعه پذیری منجر شود. این جامعه پذیری در بطن تولید سرمایه اجتماعی دولت انقلابی با تکیه بر گفتمان هویت مذهبی، در طول جنگ شکل گرفت. همجوشی مفهومی^۳ دولت و جامعه مدنی، معانی فراوانی به خود گرفته است. یک شیوه استفاده از این همجوشی، شناسایی محدودیت های سیاست است. اگر سیاست، کلیت جامعه را سازماندهی می کند، جامعه مدنی نیز قابلیت و فضای لازم را برای سازماندهی اجتماعی فراهم می کند.

سرمایه اجتماعی به ما امکان می دهد این فضاها

موفقیت‌ها و عدم موفقیت‌های جبهه‌های جنگ درگیر ساختند. این بزنگاه، با خود شیفتگی جمعی، معنای هویت ایرانی را در قالب معناها و نمادهای مذهبی - شیعی بازتولید نمود.^(۳۳) این بازتولید مستمر با استمرار فرهنگی جامعه پذیری همراه شد. بنابراین جنگ ایران و عراق تأثیر فزاینده‌ای بر جامعه پذیری ایرانیان داشته است.

سخن پایانی

رهیافت گفتمانی^۱، با تمرکز بر چگونگی تولید و سازمان یافتن تمایزات و کنش‌های گفتمانی و انکار نقش هرگونه عامل طبیعی و نیز عنصر و کارگزار اجتماعی از قبل موجود، رویکرد متفاوتی در شکل‌گیری و تعریف هویت‌ها دارد. به بیان دیگر، در نزد یک تحلیل‌گر گفتمانی، هویت در گردونه‌ای تنیده شده از استمراریتها و عدم استمراریتها، سنت‌ها و بدعت‌ها، تکرارها و انقطاع‌ها، و در رابطه‌ای برآمده از مناسبات در زمانی^۲ و هم‌زمانی^۳، جانشینی^۴ و همنشینی^۵، سازواره و ناسازواره و عقلانی و غیرعقلانی شکل می‌گیرد. معنی‌یابی یا هویت‌یابی، محصول موقعیت، منزلت و جایگاه سوژه است.

پساساختارگرایان و پسامدرنیست‌ها نیز، همچون نظریه پردازان گفتمانی، هویت را محصول زمان و تصادف می‌دانند که توسط منطق یا اصلی فراتاریخی معین نمی‌شود.^(۳۴) این رویکرد در مورد هویت ملی ایرانیان و کامل شدن آن در طول جنگ ایران و عراق، که هویت را امری تصادفی و غیرمنقطع فرض می‌کنند، قابل استناد نیست؛ چرا که هویت ایرانیان در جریان تحولات تاریخی - اجتماعی و وابسته به جریان‌ها و شرایط سیاسی و اجتماعی ایران بازسازی و بازتولید می‌شود و جنگ مذکور از چنین ویژگی‌ای برای تکمیل هویت ایرانی برخوردار بود.

در بخش مربوط به ارتباط میان هویت ملی ایرانیان و جنگ ایران و عراق، در این نوشتار با تأکید بر لزوم برخورداری از دستگاه معرفت‌شناسی مناسب، برای بحث پیرامون هویت ملی و شرح و توصیف سه دستگاه معرفت‌شناسی

۳. در جریان یک فرآیند، هر فرد در برخورد با نشانه‌ها تفسیری را به کار می‌گیرد.

این سه فرضیه تقریباً بر ذهن، خود و جامعه متکی است. مید، در همین پیوند توجه خود را به زبان یا نماد معنادار معطوف می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت نهاد معنادار، نوعی معنای مشترک است. این معنای مشترک در جریان کنش متقابل تکوین یافته است چراکه مردم در هماهنگی با یکدیگر به دنبال رسیدن به نتایج عملی‌اند.^(۳۵)

در جنگ ایران

و عراق، نتایج

عملی مردم در

جریان کنش

متقابل، با تکیه بر

نمادها و معناهای

ایرانی و دینی در

یک فرآیند تفسیری

پیرامون پیروزی در

جبهه‌های جنگ

معنا می‌شد. این

فرآیند، همان

جامعه‌پذیری

نهادین مردم ایران

در طول دوران جنگ بود. زمانی که افراد بایک دولت ملی همانسازی می‌کنند، در حقیقت آنان خود را با موفقیت‌ها و شکست‌های آن دولت درگیر می‌سازند. اگر در کنار این همانسازی، نهادها و معناهای دینی با رهبری کاریزما به این روند اضافه شود آن گاه جامعه‌پذیری به میزان بالایی انجام می‌پذیرد. هر قدر افراد با شدت بیشتری با ملتی «همانسازی» کنند، رهبران ملی - دینی در بکارگیری نهادهایی مانند پرچم، قانون اساسی، حکایات دینی و ... برای بسیج افراد به منظور پیگیری هدف‌هایی که مورد قبول نخبگان باشد، توانایی بیشتری خواهند داشت.

در جنگ ایران و عراق، این جامعه‌پذیری با همانسازی تقویت شد و مردم ایران خود را با

جنگ ایران و عراق به دلیل بازتولید و بازسازی فرآیند هویتی (دینی - ایرانی) تا حد زیادی توانست به پایداری و استمرار فرهنگی و جامعه‌پذیری منجر شود

یادداشت‌ها

۱. جین بتکه الشتاین، منابع حاکمیت، هویت و فداکاری، در کتاب مفاهیم در روابط بین الملل، اندرو لینکلتر، ترجمه لیلا سازگار، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۵-۱۱۴.

2. Jean Bethke Elshtain, **woman and war** (Nwe york: Basic Books, 1987) p. 113.

۳. الشتاین، پیشین، ص ۱۲۰.

۴. برایان فی، **فلسفه امروزی علوم اجتماعی**، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو، ۱۳۸۶، ص ۸۶.

۵. همان، ص ۹۶.

۶. همان، ص ۱۰۲.

۷. الشتاین، پیشین، ص ۱۲۳.

8. Vachar Hwvel, **letters to olga** (new york: Itolt, 1989) p, 145.

۹. حمید احمدی، **بنیادهای هویت ملی ایرانی، چهارچوب نظری هویت ملی شهروند محور**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸، صص ۳۶۲-۳۶۳.

۱۰. آلن اف چالمرز، **چیستی علم، درآمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفی**، ترجمه: دکتر سعید زیبا کلام، تهران: سمت، ۱۳۵۸، ص ۶۶.

۱۱. همان، ص ۷۶.

۱۲. همان، ص ۸۳.

۱۳. احمدی، پیشین، ص ۳۷۲.

۱۴. همان، ص ۳۶۴.

15. M. Polayani, **Personal knowledge** (London: Routledge and kegan paul, 1973) and **Knowing and Being** (London: Routledge and kegan, 1969) p.p 112- 113.

۱۶. چالمرز، پیشین، ص ۱۱۹.

۱۷. فرد چرنوف، **نظریه و زیر نظریه در روابط بین الملل**، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی، ص ۲۱۶.

۱۸. احمدی، پیشین، ص ۳۶۶.

19. L. lakatos, **Ufaslification and methdoloigt of scientific Research programmes in criticism and the Growth of knowlegw**, eds, L. lakatos and A. Musgrave (combride combrideg university perss, 1970) p.p. 196 - 198.

ابطال پذیری پوپر، دگرگونی پارادایمی کوهن و برنامه پژوهشی لاکاتوش، به مناسب بودن «برنامه پژوهشی» لاکاتوش برای تحلیل و تبیین هویت ملی ایرانی و بازسازی آن در شرایط جنگ ایران و عراق تأکید کردیم. در دومین گفتار با بهره گیری از هویت نوع و نقش (ونتی) گفته شد که هویت ملی ایران به عنوان پدیده ای دیرپا در طول دوران های طولانی گذشته، یعنی قرن های پیش و پس از اسلام و در جریان سال های ثبات و بحران داخلی - خارجی، دارای فرضیه های محوری و بنیادهای اساسی اشاره شده است، که عوامل و عناصر سازنده و شکل دهنده هویت و ملیت ایرانی را به وجود آورده اند.

این عناصر که با اقتباس از مفهوم محور سخت لاکاتوش از آنها به عنوان محور سخت و بنیادهای هویت ملی ایرانی نام بردیم شامل سرزمین، تاریخ، میراث سیاسی (دولت - ایران شهری) و میراث فرهنگی ایران هستند. بر طبق شرح بسط هنجارها و قواعد تولید شده در طول جنگ ایران و عراق می توان گفت این معناها و ارزش های تولید شده بر مبنای هویت دینی - ملی ایرانی، به نوعی دگرگونی و «حقیقت نو» یا به تعبیر لاکاتوش «واقعیت های نوین» منجر شد. این دگرگونی مولد در طول جنگ، از طرفی واقعیت های نو را در هویت ایرانی به ثبت رساند و از طرف دیگر به تکمیل و بازسازی این هویت انجامید. لازم به یادآوری است گفتمان ارزشی - دینی تولید شده در طول جنگ با تکیه بر اسطوره ها، نهادها و معناهای بومی و مذهبی می بایست از نگاه علمی و جامعه شناختی در جهت اعتلا و ارتقای مفهوم هویت ملی ایرانی بکار گرفته شود. با توجه به نقش محوری مردم در میراث سیاسی و فرهنگ ایرانی، در بخش پایانی این نوشتار اشاره شد که چگونه مردم و جامعه مدنی با تکیه بر استمرار فرهنگی و میراث ایرانی - شیعی، با کنش متقابل نهادین بر مبنای خودشیفتگی جمعی در طول جنگ به روند جامعه پذیری در جامعه کمک نمودند.

۲۰. چالمرز، پیشین، صص ۹۹-۹۸.
۲۱. احمدی، پیشین، ص ۳۷۱.
۲۲. همان، صص ۷۴-۳۷۳.
۲۳. چرنوف، پیشین، ص ۲۱۱.
۲۴. احمدی، پیشین، ص ۴۰۲.
۲۵. محمد درودیان، **علل تداوم جنگ**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲، صص ۱۶-۱۷.
۲۶. محمد درودیان، **تاریخ و تاریخ نگاری جنگ ایران و عراق**، دقایق و درنگ ها، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس، ۱۳۸۷، صص ۳۰-۲۹.
27. R. Harrisn Wagner, **War and the State The Theory of International politics**, Rosi michigan: The univresity of michigan press, 2007, p. 1.
28. Vincent pouliot, **sojectivism Toward a constructivist methodology**, **International studies Quarterly** (2007), 51 , 361.
29. Maia zebfuss, **Constructivism in International Relations**, combridge: combridge university press, 2002, p. 39.
۳۰. وحید اسدزاده، **بررسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از منظر سازه انگاری**، فصلنامه نگین ایران، سال ششم، شماره بیست و هفتم، ۱۳۸۷، ص ۵۰.
31. Richara Ned lebow, **Acultral Theory of International Relations**, combridge .combridge university press, 2008. p. 278.
32. M. Baenett, **The Israeli Identity and the Peace Process: Recreating the unthinkable in Telhami and M. Barnett (eds) identity and foreign policy in the middle East**, (It haca and london cornell university press (2002), p. 60.
33. Joanna Tidy **"The social construction of identity: Israeli: foreign policy and the 2006 war in Lebanon"**. Center for Governence and International Affairs .university of Bristol working parer, No. 5 - 8. p. 57.
۳۴. ابراهیم متقی، **نظام دو قطبی و جنگ عراق و ایران**، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، ۱۳۸۸، صص ۲۲۸-۲۳۷.
35. T. Segev, **The seventh million: The Israelis and the Holocaust** (new york: Henry Holt, 1991) p. 11. See also. s. Herman, **Israelils and Jews, The continuity of an identity**, (New York: Randon House, 1970) p. 8.
۳۶. رحمتی، پیشین، ص ۴۵.
۳۷. حمید احمدی، **هویت ملی ایران در گستره تاریخ**، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۲، ص ۵۴.
۳۸. آرنالدو باگناسکو، **اعتماد و سرمایه اجتماعی**، در کتاب راهنمای جامعه شناسی سیاسی، ترجمه: محمد خضری، فرامرز تقی لو و فرامرز پور سعید، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۳۸.
۳۹. باگناسکو، همان، ص ۴۱.
۴۰. مکس پنسکی، **جامعه، اخلاق و حقوق**، یورگن هابرماس، در کتاب راهنمای جامعه شناسی سیاسی (جلد اول) ترجمه: قدیر نصری و محمد علی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۷۹.
41. Mead, j. G. and meltzer, B. N. **symbolic Interaction: A reader social psychology**, Allen and Bacon, Boston, 1972, p. 39.
42. Hermann, M. G. "Explaining foreign policy behavior using the personal charactr istics of political leaders", **International studies Qurtely**, 24, 1989, p. 16.
۴۳. محمد رضا تاجیک، **روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان**، تهران: مرکز بررسیهای استراتژیک، ۱۳۸۴، ص ۵۵۵۷.

از منظر جامعه‌شناختی

تاریخ تأیید: ۸۸/۱۲/۱۳

[illegible]

جنگ ایران و عراق بزرگ‌ترین جنگ جهان‌سومی در قرن بیستم نامیده شده است. صدها هزار کشته و زخمی، لطمات فراوان اقتصادی و اجتماعی، نابسامانی‌های سیاسی و انزوای جهانی دستاوردهای این جنگ ۸ ساله بوده است. پیامدهای این جنگ برای زندگی امروز مادر دودهنه بعد از آن، این ضرورت را بیش از پیش عیان می‌کند که با رهیافت‌های جدیدی به این جنگ بنگریم و ابعاد تازه‌ای از آن را کشف کنیم. رویکردهای

جامعه‌شناختی، این امکان تحلیلی را در اختیار ما قرار می‌دهند که برداشت منسجم‌تری از شروع، ادامه و پایان جنگ به دست دهیم. کاربرست رویکردهای جامعه‌شناختی در تحلیل پدیده جنگ به طور عام و جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران به طور خاص امر چندان جدیدی نیست و آثار درخور توجهی در این باره موجود است.^(۱) یکی از این رویکردها، الگوی پارسونزی است. براساس این الگو، چهار خرده نظام زیستی، شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی، مورد بررسی قرار می‌گیرد و

* دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه تهران



کاربست آن در تحلیل جنگ ایران و عراق این نتیجه را به دست می‌دهد که جنگ به اختلال خرده نظام زیستی، یعنی نظام اقتصادی و به تبع آن خرده نظام‌های دیگر جامعه ایران منجر شد. خرده نظام زیستی به دلیل تبعات منفی جنگ دچار صدمات فراوانی شد. فشارهای اقتصادی و نظامی، پیشبرد اهداف برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی را با مشکل مواجه کرد و بیشتر شاخص‌های

اقتصادی کشور دچار رکود شد. به تبع آن، خرده نظام شخصیتی قادر به تحقق اهداف تعیین شده خود نشد؛ زیرا تحقق این اهداف بیشتر با کمک ستانده‌های اقتصادی و مهم‌ترین آن یعنی سرمایه، عملی می‌شد. خرده نظام اجتماعی نیز از تبعات جنگ مصون نماند و قوانین سربازگیری، مسکن، خدمات درمانی و نظایر اینها دوباره تدوین یا قوانین قبلی براساس مقتضیات جنگ بازنگری شد. آثار منفی جنگ در نهایت به خرده نظام فرهنگی نیز رسید. این خرده نظام براساس شرایط جدید، اطلاعات متناسب با شرایط جدید را برای خرده نظام‌های دیگر ارسال و با تجزیه و تحلیل اوضاع، ارزش‌های جدیدی را بسته به مقاطع مختلف جنگ، خلق یا برخی ارزش‌ها را احیا نمود. روشن است این تحلیل پارسونزی صرفاً بر پیامدهای جنگ برای جامعه ایران متمرکز است و نمی‌تواند تحلیل جامع‌تری از علل و عوامل شروع، تداوم و پایان جنگ عرضه کند. هدف این مقاله، استفاده از چارچوب‌های کلان جامعه‌شناختی برای یافتن این علل و عوامل است. از این رو پرسش اصلی مقاله این است که چگونه می‌توان این جنگ را از منظر نظریه ساخت یابی گیدنز در

جامعه‌شناسی مورد تحلیل قرار داد. به عبارت دیگر، پرسش این است که کارگزاری یا عاملیت دولت‌های دخیل در این جنگ، یعنی عراق، ایران و آمریکا چه تعاملی با ساختارهای زمینه‌ای کنش این دولت‌ها داشته است. در پاسخ به این پرسش، در ابتدا نظریه ساخت یابی گیدنز تشریح شده و سپس با استفاده از الگوی تعامل دوسویه ساختار - کارگزار، برگرفته از این نظریه، تعامل ساختارهای موجود و کارگزاری دولت‌ها در جنگ ایران و عراق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چارچوب نظری: ساختاریابی گیدنز

نظریه ساختاریابی گیدنز که برای اولین بار در دهه ۱۹۷۰ توسط این جامعه‌شناس انگلیسی مطرح شد، به دنبال یافتن راه میانه‌ای برای غلبه بر نارسایی‌های نظریات جامعه‌شناختی موجود بود. از نظر او نظریه‌هایی مانند کنش متقابل نمادین که بر فعالیت آزاد کنشگران تأکید دارد و یا نظریه‌هایی چون کارکردگرایی ساختاری که بر الزامات ساختاری توجه دارند، راه به جایی نمی‌برند و باید دو سطح تحلیل خرد و کلان را تلفیق کرد. از نظر گیدنز «پهنه اساسی بررسی علوم اجتماعی، بنا به نظریه

به کنشگران اجازه می دهد جزئیات منحصر به فرد قرائن، ایما و اشاره ها و طرز رفتارها را ثبت و ضبط کرده و از این طریق به تولید معنا بپردازد.^(۷) کنش گران با استفاده از پیش شرط ها و لوازم کنش انسانی، یعنی همان ساختارها، به اعمال توان کارگزاری تاریخی و «قابلیت دگرگون ساز» خود قادر می شوند. سه مؤلفه ساختاریابی عبارتند از: معناسازی، مشروع سازی و سلطه یابی. بر این اساس، کنش گران با بهره گیری از قواعد و تدابیر مناسب از طریق به هم بافتن عناصر معنایی، هنجاری و عنصر قدرت به موقعیت های کنش شکل می دهند.

**جنگ ایران و عراق حاصل
تعامل متقابل کارگزاران
منطقه ای و بین المللی در
قالب محدودیت های
ساختاری داخلی، منطقه ای
و بین المللی بود**

قواعد حاکم بر معناسازی، ارتباط و تفاهم معنی دار را امکان پذیر می سازند. ساختارها، فعالیت های خاص را در یک موقعیت یا چارچوب معین امکان پذیر می سازند و همین امر است که وجود آنها را تثبیت می کند، چرا که ساختارها تنها از یک

وجود امکانی برخوردارند؛ یعنی در جریان خلق مداوم آنهاست که به وجود می آیند. این نکته به این معنا نیست که کنش گران، فاقد مقاصد و نقشه های پیشینی اند، بلکه به این معناست که عاملیت آنها خصیصه ساری و جاری کنش متقابل است. این کارگزاری، مداوم و پیوسته است. در صورتی که کنش گران، کارگزاری خود را وقف اهداف خود کنند در تصمیم گیری درنگ نخواهند کرد.^(۸)

از نظر گیدنز، ساختارها شکل قابل بهره برداری ای از گذشته و منتقل کننده زمان هستند. بنابراین؛ کارگزاری، وابسته به آگاهی از میراث گذشته است. کارگزاری به میزانی که ساخته

ساختاربندی [ساختاریابی]، نه تجربه کنش گر فردی و نه وجود هر نوع جامعیت اجتماعی است، بلکه آن عملکردهای اجتماعی است که در راستای زمان و مکان سامان می گیرند.^(۹) براساس دوگانگی ساختاری گیدنز، ساختارها هم به دست کنش گران انسانی به وجود می آیند و هم این کنش ها را امکان پذیر می سازند.^(۱۰)

منظور گیدنز از ساختاریابی، شرایط سازمان دادن مستمر یا تغییر ساختارهاست که به بازتولید نظام های اجتماعی می انجامد. این نظریه با بررسی جریان تولید، بازتولید و انتقال ساختارها نشان می دهد چگونه این ساختارهای اجتماعی به واسطه کارگزاران انسانی ساخته می شوند و در ضمن همین ساختارها، واسطه های فرآیند ساختاریابی اند. ساختاریابی، هم میانجی و هم پیامد عملکردهایی است که همین خواص را به گونه ای واگشتی انجام می دهند. در واقع ساختار، همان عملکردهای بازتولید شده کنش گران در بستر زمان و مکان، در دو سطح خرد به صورت خاطره ها و در سطح کلان در قالب نظام های اجتماعی می باشد. این فرآیند، از برخی منابع و قواعد متأثر می گردد.^(۱۱) در اندیشه گیدنز، جایگاه اصلی به شخص کنش گر تعلق دارد؛ چرا که این شخص است که با اتکا به دیگران شرایط امکان پذیری کنش مندی خود را درک می کند و از خلال این کنش متقابل اجتماعی، به یک فاعل شناسای قادر به کنش معنادار تبدیل می شود. تنها کنش متقابل اجتماعی است که زبان و چارچوب استفاده بین الاذهانی از آن را در اختیار افراد قرار می دهد؛ چارچوبی که پیش شرط تفسیر تجربه ها و معناسازی در جهان اجتماعی افراد است. شخص تنها با ورود به جهان اجتماعی دیگران، یعنی کسانی که می توان با آنان به کنش متقابل مطمئن پرداخت، می تواند به «امنیت هستی شناختی»^(۱۲) دست یابد. امنیت هستی شناختی، احساس مستمر نسبت به استواری واقعیت است.^(۱۳) از نظر گیدنز، کنش متقابل رو در رو اهمیت اساسی دارد. زیرا «حضور مشترک» بدن ها

کردها و سنی‌ها به عنوان سه گروه قومی و مذهبی با وفاداری‌ها و روابط خویشاوندی خاص خود در سه مرکز جغرافیایی متفاوت در درون عراق، کردها در شمال، شیعیان در جنوب و سنی‌ها در مرکز و تا حدی در غرب این کشور پراکنده‌اند. نخبگان هر یک از این گروه‌ها نیز به هویت‌های قومی و قبیله‌ای خود پایبند بوده‌اند. در سلیمانیه، هویت رنگ و بوی کردی داشت. در کربلا و نجف شیعیان به دنبال پاسداشت سرنوشت سیاسی و اخلاقی پیروان‌شان بودند. در بغداد و بصره اهل سنت به دنبال حفظ برتری از دست رفته خود پس از فروپاشی عثمانی بودند و از آنجا که از نظر جمعیتی نسبت به دو گروه دیگر در اکثریت بودند، حاضر به پذیرش هر نوع کمکی نظیر حمایت انگلیسی‌ها یا حتی حاکمان داخلی برای رسیدن به این مطلوب بودند.^(۹)

در کنار این مسئله اساسی که کاملاً بر ضد هویت مدرن و جمعی عراق عمل می‌کرد، هویت جدیدی لازم بود تا این گروه‌های پراکنده را دور هم جمع کند. این کار، وظیفه حزب بعث بود. این حزب با عقاید سوسیالیستی سعی داشت هویت جمعی را از حد پیشانی‌فراتر برد و در قالب یک دولت تعریف نماید. در این راستا، نقش دولت بسیار محوری بود؛ چراکه از یک سو، باید این گروه‌های مختلف را راهبری می‌نمود و از سوی دیگر، در سوسیالیسم، نقش دولت برجسته است. تجربه نخست قدرت یابی حزب بعث و شکست آن در سال ۱۹۶۸، صدام و رهبران حزب را نسبت به جایگاه مهم دولت واقف نمود. صدام و حزب بعث با طرح قانون اساسی و به دست گرفتن قدرت، سعی در ایجاد انسجام ملی در عراق داشتند.

در کنار این سیاست که در داخل عراق اجرا می‌شد، ضروری بود ملت عراق به عنوان یک ملت عرب در کنار اعراب دیگر باشد. مسئله فلسطین و حمایت‌های صدام از این امر، جو داخلی را به مسایلی معطوف می‌کرد که مربوط به تمام عراقی‌ها می‌شد و تعارضات داخلی را تشدید نمی‌کرد. اما

قواعد، متکی به تدابیر و وابسته به گذشته باشد به صورت عینی درمی‌آید و سوژه و اُبژه را متحد می‌سازد. گیدنز ساختارها را هم میانجی کارگزارها و هم برآیند و حاصل آن تعریف می‌کند. ساختارها حاصل و برآیند کارگزارینند، زیرا استفاده کنش‌گران از آنها آثار تکرارشونده‌ای را در پی دارد. تکرارشوندگی، لازمه منطقی بهره‌گیری از واقعیات امکانی است. ساختارها به مثابه امکانات بالقوه باقی‌مانده از گذشته، با مورد بهره‌برداری قرار گرفتن در زمان حاضر، حفظ شده و تداوم می‌یابند. بنابراین؛ تداوم ساختارها متضمن فعال شدن گذشته کنش‌گران در زمان حال است.^(۹)

جنگ تحمیلی از منظر ساختاریایی گیدنز

براساس آنچه گفته شد، این آموزه را می‌توان از جامعه‌شناسی گیدنز فراگرفت که کارگزاران انسانی در بستری از ساختارهای انسانی عمل می‌کنند که خود در تولید و بازتولید آن ساختارها مشارکت دارند. در این چارچوب نظری، هم به مقاصد راهبردی کنش‌گران و هم به محدودیت‌ها و امکان‌های ساختاری پیش روی آنها توجه می‌شود. جنگ ایران و عراق حاصل تعامل متقابل کارگزاران منطقه‌ای و بین‌المللی در قالب محدودیت‌های ساختاری داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. در ادامه، این تعاملات ساختاری/کارگزاری را در سه بخش جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم:

ساختار داخلی و منطقه‌ای در آستانه شروع جنگ و کارگزاری رژیم عراق

ساختار داخلی عراق

عراق کشوری است که از سابقه چندانی به عنوان ملت مستقل برخوردار نیست. فروپاشی امپراتوری عثمانی و استعمار انگلیس باعث شد تا عراق در یک وضعیت ناپایدار قرار گیرد. وجود و تداوم دسته‌بندی‌های پیشانی‌فراتر در عراق، یکی از عارضه‌های همیشگی این کشور است. این وفاداری‌ها عبارتند از: کنار هم قرار گرفتن شیعیان،

پادشاهی ایران در چارچوب معادلات قدرت جهانی قادر بود نظم منطقه‌ای مورد نظر آمریکا را تأمین کند. فروپاشی رژیم شاه این ساختار منطقه‌ای با محوریت ایران را به هم زد. از بین رفتن ساختار منطقه‌ای موجود براساس ژاندارمی ایران، بازتاب‌های گوناگونی در مناسبات و معادلات منطقه‌ای به همراه داشت. به گونه‌ای که با سرنگونی حکومت پهلوی، نوعی خلأ قدرت در منطقه ایجاد شد و وضعیت امنیتی موجود را، که به نفع رژیم صهیونیستی و آمریکا بود، دگرگون کرد. انقلاب اسلامی با ایجاد جمهوری اسلامی بدون تکیه بر دو ابرقدرت

موجود، نیروی جدیدی را در منطقه به وجود آورد که در معادلات پیشین امنیتی نمی‌گنجید. بر این اساس نوعی عدم توازن قدرت میان ایران و عراق ایجاد شد. به این معنا که زمینه برای رشد نظامی عراق نسبت به ایران و در پی آن شرایط مناسب نظامی برای تجاوز

از نگاه رزمندگان ایرانی، جنگ ایران و عراق جنگ اسلام و کفر قلمداد می‌شد

عراق به ایران فراهم شد.^(۱۴) بروز تنش در روابط ایران و آمریکا، تحولات داخلی ایران و بروز فضای نامناسب سیاسی در منطقه علیه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نخبگان عراق را به این نتیجه رساند که فرصت مناسب برای اقدام نظامی جهت سرنگونی نظام انقلابی ایران فراهم شده است.^(۱۵) انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای یک نیروی چالش‌گر و تهدیدکننده وضع موجود به شمار می‌رفت، زیرا ترغیب مسلمانان به سرنگونی دولت‌های وابسته، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه و تحریک نیروهای انقلابی با انگیزه‌های مذهبی در تمام کشورهای اسلامی،

صدام در برخی از زمینه‌ها با مشکل جدی مواجه بود. به عنوان نمونه اختلاف ایران و عراق در قضیه اروندرود باعث شد تا از یک سو صدام از آن برای انسجام ملی و همگونی درونی استفاده کند و از سوی دیگر حمایت شاه ایران از کردهای عراق، این کشور را در معرض بحران داخلی قرار داد و از آنجا که عراق توان مقابله با ایران را نداشت، سعی نمود ابتدا مسئله خود را با ایران حل نماید و سپس کردها را سرکوب کند. این راه حل موقت منجر به این شد که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به عنوان سندی متضاد با تبلیغات انجام شده توسط حزب بعث در پرونده صدام قرار بگیرد. حزب یا فردی که ادعای پاسداری از انسجام ملی را داشت، به راحتی به خواسته‌های حکومت ایران تن داد.^(۱۶) انقلاب اسلامی با قرائتی نوین از تشیع انقلابی، برای کشورهای نظیر عراق با اکثریت شیعه، می‌توانست تهدید بالقوه‌ای محسوب شود،^(۱۷) اما صدام سعی کرد این تهدید را به فرصت تبدیل کند. نیروهای امنیتی عراق با برآورد وضعیت موجود به این نتیجه رسیدند که یک حمله غافلگیرانه به ایران، می‌تواند در طول یک هفته خواسته‌های عراق را برآورده نماید.^(۱۸)

بنابراین از مطالب این بخش و در چارچوب ساختاریابی می‌توان به این جمع‌بندی رسید که ساختار داخلی عراق و کارگزاری رژیم عراق در حمله به ایران از رابطه متقابل معنادار برخوردار هستند. به این معنا که بافت متکثر قومی و مذهبی عراق و خصوصاً قرابت شیعیان این کشور با ایران، امکان ساختاری داخلی را برای کارگزاری حمله به ایران فراهم کرد و این کارگزاری به نوبه خود، به معنای تکوین مجدد بافت قومیتی عراق و خنثی‌سازی تهدیدات امنیتی ناشی از آن توسط رژیم این کشور بود.

ساختار منطقه‌ای

ساختار منطقه‌ای خاورمیانه پیش از وقوع انقلاب اسلامی مبتنی بر هژمونی منطقه‌ای ایران بود. نظام

از انقلاب ایران»^(۱۵)، نهایتاً درگیری نظامی را اجتناب ناپذیر ساخت. مجید خدوری، تحلیلگر عراقی الاصل مقیم آمریکا، در تحلیلی جانبدارانه تجاوز عراق به ایران را «عمل پیشگیرانه‌ای» برای مقابله با حکومت انقلابی ایران می‌داند. به نظر وی، این حکومت انقلابی ایران بود که با توسل به مفهوم صدور انقلاب و تحریکات عملی خود، حکومت عراق را در موقعیتی قرار داد که ناگزیر شد برای دفاع از خود به حمله اقدام کند.^(۱۶)

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت وقوع انقلاب ایران و ایجاد خلأ ساختاری در معادلات امنیتی منطقه خاورمیانه این امکان ساختاری را برای رژیم عراق به عنوان یک کنش گر فعال به وجود آورد که با بسط معنایی جنگ و استفاده از موقعیت‌های منطقه‌ای به ایران حمله کند. در واقع این ساختار منطقه‌ای قدرت بود که کارگزاری خشونت بار صدام را امکان پذیر می‌کرد و همین کارگزاری صدام نیز منجر به بازتولید ساختارهایی می‌شد که کنش گری او را از نگاه دیگر بازیگران منطقه‌ای توجیه پذیر می‌ساخت. اگرچه ایران در شرایط نابسامان ابتدای انقلاب مورد تهاجم دشمن خارجی قرار می‌گیرد، اما به این معنا نیست که این کشور فاقد هرگونه قدرت کارگزاری در تکوین سیر تحولات جنگ است. در ادامه نشان داده می‌شود که رهبران ایران با هوشمندی کامل از این رخداد غیرقابل پیش بینی، بهره‌برداری کرده و روند بازتولید نظام معنایی انقلاب اسلامی را در داخل سرعت بخشیدند.

ساختار معنایی انقلاب اسلامی ایران و کارگزاری جمهوری اسلامی

منظور از ساختار معنایی انقلاب اسلامی ایران مجموعه‌ای از مولفه‌های به هم پیوسته است که جوهره حرکت دگرگون‌ساز مردم ایران را در انقلاب ۱۳۵۷ نشان می‌دهند. در این قسمت به مولفه‌های این ساختار معنایی اشاره می‌شود تا نشان داده شود کارگزاری جمهوری اسلامی ایران

ایران را از نظر کشورهای منطقه به کانون خطر و عامل بی‌ثباتی در خاورمیانه مبدل کرده بود؛ به گونه‌ای که از نیمه دوم سال ۱۹۷۹ میلادی بسیاری از ناآرامی‌ها در کشورهای منطقه به ایران نسبت داده می‌شد. ایران موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود را از دست داده بود و در انزوای سر می‌برد. انقلاب اسلامی حامل اندیشه و پیامی بود که پایه‌های مشروعیت دولت‌های منطقه را متزلزل می‌ساخت. از این رو، هر کشوری که می‌توانست این خطر را از دولت‌های منطقه دور کرده و آرامش گذشته را به آنان بازگرداند، از موقعیت ممتازی در منطقه برخوردار شده

و دامنه نفوذش گسترده‌تر می‌شد تا آنجا که رهبری منطقه را به دست می‌گرفت. این درست همان آرزویی بود که از دیرباز زمامداران عراق را به خود مشغول کرده بود.^(۱۶)

تصمیم رژیم عراق برای تبدیل جنگ ایران و عراق به جنگ شیعه/سنی و عرب/عجم

نمونه‌ای از تلاش این کشور برای گسترش مفهومی جنگ و استفاده از پتانسیل‌های هویتی کشورهای منطقه بود.^(۱۷) براساس این برداشت، انقلاب اسلامی پدیده جدیدی بود که عراق و کشورهای منطقه را نگران ساخت و باعث شد عراق با توسل به جاه‌طلبی‌های شخصی صدام، مشکلات ژئوپلیتیک با ایران و پیامدهای انقلاب در ایجاد خلأ قدرت، جنگی را بر ضد ایران آغاز کند تا از به حاشیه رفتن رادیکالیسم عراق و هویت ناسیونالیسم عربی پیشگیری کند.^(۱۸) ترس از انقلاب ایران تا آنجا پیش رفت که فضای تردید و ابهام را در ذهن رهبران منطقه دامن زد. این «نامشخص بودن آینده و ترس

ایستادگی در برابر ظلم
که از عناصر فرهنگ ملی و
مذهبی ایرانیان است،
یکی از مؤلفه‌هایی بود که
در جنگ تحمیلی مورد
استفاده قرار گرفت

کسه در کمال از خودگذشتگی، شهامت و ایمان به جنگ با نماینده این بدی ها در داخل یعنی شاه رفته اند بپاخیزند تا یک بار دیگر علیه یک شیطان خارجی دست به نبردی الهی و جهادی مقدس بزنند. انگیزه و هیجان وصف ناپذیر ملت ایران در دفاع از سرزمین خود، در قالب این نظام معناسازی تاریخی قابل فهم است. هیچ انگیزه ای همانند «حقانیت» و «مشروعیت» مردم را به

جوش و خروش نمی آورد به ویژه اینکه نبرد حق و باطل با مفهوم نبرد همیشگی روشنایی/ تاریکی و نبرد خوب/ بد در ذهن مردم ایران مطابقت می یافت.^(۳۱)

مبارزه مذهبی

مبارزه مذهبی یکی از ستون های استوار نظام معنایی انقلاب ایران بود. در این مبارزه مذهبی، صدام نماد یزید کافر بود و سربازان ایرانی به یاد مظلومیت امام حسین (ع) و واقعه عاشورا قدم به میدان نبرد می گذاردند. در واقع، جنگ ایران و عراق از نگاه رزمندگان ایرانی، جنگ اسلام و کفر قلمداد می شد. از نظر امام خمینی (ره) «صدام هم خودش بر حسب حکم شرعی کافر است و هم طرفدار کفار است».^(۳۲) امام خمینی (ره) همچنین در پیام دیگری به ملت و ارتش ایران و عراق فرمودند که: «امروز جنگ بین اسلام و کفر است و بر همه مسلمین واجب است که دفاع کنند از اسلام...».^(۳۳)

به زودی هدف اصلی ایران از جنگ با صدام کافر اعلام شد. چنانچه امام خمینی (ره) اعلام نمودند: «به هر حال اصرار ما در نبرد تا رفتن صدام و حزب کثیف بعث عراق و رسیدن به شرایط برحق



در جنگ تحمیلی چگونه با این بسترهای ساختاری در آمیخته و اساساً در درون آنها امکان پذیر می شود.

مبارزه خیر و شر

یکی از مفاهیم دیرپای فرهنگ ایرانی که در مفاهیم انقلاب نیز متبلور است مبارزه خیر و شر است. بر اساس این برداشت، انقلاب ایران یک انقلاب الهی است و مردم ایران وظیفه خود می دانند برای اصلاح جامعه بشری، نشر ارزش های الهی و ریشه کن کردن فساد در جهان تلاش کنند. در مقابل این انقلاب، تمام نیروهای شیطانی در نهایت پستی و پلیدی دست به دست هم داده و علیه این انقلاب توطئه کرده اند و در این توطئه از یک مزدور ناشایست و پلید به نام صدام که در حقیقت صدام یزید کافر است استفاده کرده اند. به قول امام خمینی (ره) «آمریکا از جهالت و غرور و بلندپروازی های صدام استفاده کرد و او را به هجوم به ایران واداشت».

صدام شیطانی است که می خواهد ریشه خوبی ها را در ایران کنده، زشتی و پلیدی را به این سوی مرزها نیز گسترش دهد. بنابراین، تمام کسانی

جنگ نداریم و طالب صلح و صفا برای همه هستیم و تاکنون نیز به دفاع که برای هر کس فریضه‌ای الهی و حقی انسانی است، برخاسته‌ایم»^(۳۶) و آقای هاشمی رفسنجانی نیز در نماز جمعه اعلام داشتند: «ما مظلوم هستیم و مورد تجاوز واقع شده‌ایم و خدا به ما اجازه دفاع داده است و خدا از مظلوم حمایت می‌کند».^(۳۷) در واقع، ایستادگی در برابر ظلم که آن نیز از عناصر فرهنگ ملی و مذهبی ماست یکی از مولفه‌هایی بود که در این جنگ مورد استفاده قرار می‌گرفت. «امروز روز عاشورا است و باید مقابل ظلم بایستیم و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را پیاده کنیم».^(۳۸) همدردی با ملت عراق و وجوب دفع ظلم از آنها نیز بارها در کلام و گفتار رهبران جمهوری اسلامی انعکاس یافت.^(۳۹)

استقلال و نفی سیل

یکی از اصول مهم و اساسی شکل دهنده هویت دولت و به تبع آن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، عزت و اقتدار اسلام و دولت اسلامی است. در واقع، علاوه بر آیات و روایات متعددی که در زمینه وجوب رعایت اصل عزت و اعتلای اسلام در سیاست‌های نظام اسلامی وجود دارد، متون مربوط به فقه، سیاست خارجی اسلام و حقوق بین‌الملل اسلامی نیز زمانی تدوین و تنظیم شده که مسلمانان در دو قرن اول و دوم هجری در اوج اقتدار خود به سر می‌برده و همواره قلمرو آنها در حال توسعه و گسترش بوده است. از این رو، متون تدوین شده، اساساً بر پایه اقتدار و اعتلای اسلام و دولت آن استوار بوده و انعکاسی از عزت و شوکت دولت اسلامی در آن زمان و برخورد قاطعانه و مقتدرانه‌اش در صحنه جهانی است.^(۴۰)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول «۱۵۲» و «۱۵۳» بر نفی سلطه‌پذیری و حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور تأکید داشته و اعطای هرگونه قراردادی را که موجب سلطه بیگانه بر شوئن کشور شود منع کرده است. در اصل ۱۵۲ آمده است: «سیاست خارجی

و عادلانه دیگر ما، یک تکلیف شرعی و واجب الهی است که هرگز از آن تخطی نمی‌کنیم».^(۴۱) اما در پشت این مواضع رسمی آنچه به سربازان ایرانی نیرو می‌داد، رسیدن به اماکن مقدس شیعه و یاد واقعه عاشورا بود. قرار گرفتن در ردیف یاران امام حسین(ع)، نوشیدن شربت شهادت را آسان، بلکه گوارا می‌ساخت. یادآوری ایثارگری‌های حضرت عباس و علی اکبر سرمشق آنها بود. این اسطوره‌های تاریخ مذهب شیعه از کودکی در روح و جان این سربازان حک شده بود و اینک فرصتی فراهم شده بود تا ارادت و عشق خود را در عرصه عمل بیازمایند. در این

راه، مدد گرفتن از امام غایب که بر اعمال ما ناظر و شاهد است بر شهامت رزمندگان می‌افزود. رزمندگان در جبهه‌های جنگ، خود را سربازان آن حضرت می‌دیدند و چنین نگاهی عطش آنها را برای شهادت صد چندان می‌نمود. از حالات عرفانی، به ویژه در میان داوطلبان

رفتن به میادین جنگ و علاقمندان به شهادت، نباید غافل شد. این دسته از رزمندگان در بالاترین مرتبه عشق و آگاهی قرار داشتند و می‌رفتند تا به لقاء... پیوندند. وصیت‌نامه بعضی از شهدا نشان می‌دهد آنها به این یقین رسیده بودند که در صورت شهادت در جوار قرب حضرت دوست قرار خواهند گرفت.^(۴۲)

از نظر ایرانیان، در جنگ تحمیلی هم به ملت ایران و هم به ملت عراق ظلم روا شد. از این رو موضع ایران موضعی تدافعی است و به دفاع مشروع از خود می‌پردازد. چنانکه امام خمینی(ره) فرمودند: «ما با هیچ کشوری چه اسلامی و چه غیر اسلامی سر

ساختار منطقه‌ای قدرت

از عواملی بود که

کارگزاری خشونت بار

صدام را امکان‌پذیر می‌کرد

ایران به شمار می‌آمد. از این رو، اصول هویت بخش دولت جمهوری اسلامی ایران را در این مقطع می‌توان آرمان خواهی، ایدئولوژی گرایی، عدالت خواهی، به چالش کشاندن قواعد ناعدلانه نظام بین الملل، از جمله حق «وتو» در شورای امنیت سازمان ملل متحد، رایحه تفسیر فراملی با تأکید بر امت گرایی، اندیشیدن به مسئولیت های فرامرزی در قبال امت اسلامی، پشتیبانی از منافع مستضعفان در قبال مستکبران، حمایت از نهضت های آزادی بخش، گسترش بیداری اسلامی و ترویج ارزش های انقلاب در جهان اسلام، برقراری نظام عادلانه

بین المللی و مبارزه با نظام سلطه جهانی دانست.^(۳۲)

حاکم شدن گفتمان ارزش محور بر حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال های اولیه جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی محوریت اصل «صدر انقلاب اسلامی» و

رابطه متقابلی بین ساختارهای معنایی و کارگزاری جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی وجود داشت

«حفظ دارالاسلام» در معنای موسع آن در تشکیل هویت دولت جمهوری اسلامی ایران بود و دیگر اصول را تحت الشعاع خود قرار داده بود؛ اما از اواسط دهه ۱۳۶۰ یعنی اواسط جنگ عراق علیه ایران، گفتمان امت محور به تدریج و تحت تأثیر مشکلات داخلی و متأثر از فشارهای بین المللی به گفتمانی مرکز محور با تأکید بر ضرورت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ ام القری شیعه تبدیل شد. به عبارت دیگر، در این دوره که تمام کشورها بالأخص کشورهای همسایه با عراق در جنگ علیه ایران متحد شده بودند، برای ام القرا مرکزیتی در نظر گرفته شد که حفظ این مرکز و تقویت امنیت

جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیرمحابرب استوار است». همچنین اصل ۱۵۳ نیز گویای همین امر می باشد: «هر گونه قراردادی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و شوؤن کشور گردد، ممنوع است».^(۳۳)

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، جوهره سیاست خارجی ایران را تغییر داد. ایران با اتخاذ سیاست «نه شرقی - نه غربی» و نفی اتحاد با بلوک های شرق و غرب، راهبرد عدم تعهد را به عنوان جهت گیری سازگار با تجربه تاریخی و بافت فرهنگی ایران در پیش گرفت و با خروج از «سازمان پیمان مرکزی» یا سنتو و پیوستن به جنبش عدم تعهد و لغو بسیاری از سفارش های خرید اسلحه از غرب، سیاست مستقل از قدرت های بزرگ را براساس «دوری گزینی همسان» اتخاذ کرد.

تأکید جمهوری اسلامی ایران بر اتخاذ دیپلماسی مستقل و فارغ از وابستگی به قدرت های استکباری - هویت نه شرقی نه غربی - از تحولات داخلی ایران بی تأثیر نبود. برداشتی اخلاقی از وظایف دولت، همزمان با تأکید بر خودباوری، خوداتکایی، دستیابی به حاکمیت تام، تحقق فرهنگ استقلال و نفی هژمونی دو ابر قدرت امپریالیستی، تلاش برای برقراری نظام عادلانه بین المللی و اهتمام به صدور فرهنگ انقلاب را فراهم آورد که به مکتبی شدن سیاست خارجی و به تبع آن شکل گیری هویت دینی در دولت منجر شد. در این برهه، علی رغم شکاف بین مکتبی ها و لیبرال ها، گفتمان «بسط محور» مبتنی بر گسترش بخشی از ایدئولوژی اسلامی و صدور انقلاب، بسط افکار و پیام ها و شعارهای انقلابی و جایگزین کردن مرزهای ایدئولوژیک به جای مرزهای جغرافیایی به عنوان مصداق هویت دولت جمهوری اسلامی



درون مرزی آن، امنیت کل جهان اسلام را تأمین نمود و ستیزه‌جویی با استکبار جهانی و ایادی منطقه‌ای آن به عنوان چارچوب گفتمان حفظ محور سیاست خارجی قرار گرفت.

در این دوران، تلاش برای خنثی کردن تهدیدها و توطئه‌های دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، موجبات بازتولید ارزش‌های ایدئولوژیک را فراهم آورد. شرایط جنگ تحمیلی، روح رزمندگی را

می‌گردد. از این رو؛ صدور انقلاب اسلامی نیز به عنوان گسترش ایده‌های اسلامی به ورای مرزهای ایران مطرح می‌شود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل صدور انقلاب اسلامی به بیان‌های مختلفی آورده شده است: «سعادت انسان در کل جامعه بشری»، «حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در مقابل مستکبرین در هر نقطه از جهان»، «انقلاب و اتحاد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام»، «دفاع از حقوق همه جانبه مسلمانان» و «تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان».

امام خمینی (ره) در رابطه با صدور انقلاب اسلامی اظهار داشتند: «ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم، ما باید در صدور انقلاب مان به جهان کوشش کنیم... تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی مان بسته‌اند و اگر در محیطی در بسته بمانیم، قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد». البته صدور انقلاب همواره موضوعی مسالمت‌آمیز بوده است. ایشان همچنین در اینباره می‌فرمایند: «مسئله دیگر، صدور انقلاب است که بارها گفته‌ام ما با کسی جنگ نداریم. باید با تبلیغات صحیح اسلام را آنگونه که هست به دنیا معرفی نماییم. ما چیزی جز پیاده شدن اسلام در جهان نمی‌خواهیم.»^(۳۵)

در جامعه ارتقا بخشید و اهتمام جمهوری اسلامی ایران در به دست گرفتن ابتکار عمل در حفظ ارزش‌ها از خطر تهدیدهای داخلی و خارجی، موجب اتخاذ رویکرد مقابله جویانه در مقابل دو ابرقدرت شرق و غرب شد که سردی روابط با شوروی در پی ارسال اسلحه از سوی ابرقدرت شرق به عراق، کاهش روابط تجاری با بلوک شرق، توقف مذاکرات تهران - مسکو بر سر انتقال گاز طبیعی و خصمانه تر شدن روابط تهران - واشنگتن در پی تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان از تجلیات آن به شمار می‌آید.^(۳۳)

آنچه از واژه استقلال برداشت می‌شود عدم دخالت قدرت‌های بیگانه در امور کشور و استقلال عمل دولت در برابر قدرت‌های خارجی است و در ایدئولوژی اسلامی، این حق ناشی از حقوق برابر و آزادی انسان‌هاست و آزادی و حق انتخاب، نعمتی است که خداوند به تمام انسان‌ها داده است.^(۳۴)

صدور انقلاب

اصل صدور انقلاب اسلامی به اصل وحدت جهان اسلام، ایده شکل‌گیری امت اسلامی، ارزش عدالت و گسترش آن و پیشبرد ایده‌های اسلامی بر

مقابل عراق به عنوان نماد کارگزاری جمهوری اسلامی، نشانه‌ای از بازتولید هوشمندانه ساختارهای معنایی انقلاب اسلامی ایران بود. در ادامه، نحوه خاتمه جنگ در قالب کارگزاری ایالات متحده آمریکا در ساختار نظام بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سال‌های پایانی جنگ ایران و عراق با تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل همزمان بود. ساختار نظام بین‌الملل در حال گذار از نظام دو قطبی به نظام سلسله‌مراتبی هژمونیک آمریکا بود. براین اساس، جنگ ایران و عراق در نظام بین‌الملل دو قطبی

براساس منطق توازن قوا توجیه می‌شود. اگرچه ایران براساس آموزه‌های انقلاب اسلامی و شعار «نه شرقی - نه غربی» خود را متعهد به هیچ یک از دو ابرقدرت جهانی نمی‌دانست، اما آمریکا در مقطعی از جنگ استراتژی جنگ فرسایشی را برای تضعیف جایگاه منطقه‌ای دو کشور

تداوم دفاع مقدس در مقابل عراق به عنوان نماد کارگزاری جمهوری اسلامی، نشانه‌ای از بازتولید هوشمندانه ساختارهای معنایی انقلاب اسلامی ایران بود

دنبال می‌کرد. با این حال، در ساختار سلسله‌مراتبی قدرت که قواعد و معادلات امنیتی مناطق پیرامونی مانند خاورمیانه در چارچوب قدرت هژمون شکل می‌گیرد، تداوم جنگ در منطقه استراتژیک خاورمیانه منابع بالقوه قدرت هژمون را برای مدیریت نظام سلسله‌مراتبی با خطر مواجه می‌کرد. آمریکا براساس نظم نوین جهانی خود درصدد بود نشان دهد تمام تحرکات و رویدادهای استراتژیک در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را تحت کنترل خود دارد.

در این راستا، آمریکا مدت‌ها درصدد بود قطعنامه‌ای را در سازمان ملل به تصویب برساند که

بنابراین، این اصول کلی که در فرهنگ شیعه ریشه دارد، به عوامل تعریف‌کننده هویت جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل تبدیل شده و به شکل آشکار در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در قالب اصول مختلف منعکس شده‌اند. تمام این اصول، بازتاب‌های فرهنگ اسلامی هستند که می‌توان این قواعد را به شکل قواعد حقوقی آن هم ملاحظه کرد.^(۳۶)

مصلحت نظام اسلامی

اصل اساسی دیگری که هویت دولت جمهوری اسلامی ایران را شکل می‌دهد، حفظ مصلحت دولت اسلامی است. در وهله اول، حفظ دولت به معنای حفظ منافع ملی و بقای ملی است که در هر برداشت واقع‌گرایانه از روابط بین‌الملل نیز به عنوان هدف اصلی سیاست خارجی دولت‌ها مطرح می‌شود. لیکن تعریفی که حفظ بقا در چارچوب ایدئولوژی اسلامی پیدا می‌کند، این است که بقا فقط بقای دولت سرزمینی نیست؛ بلکه حفظ ارزش‌ها و قواعد اسلامی، سنت‌های فرهنگی اسلامی و جلوگیری از نفوذ بیگانه را نیز در برمی‌گیرد.^(۳۷)

ساختار نظام بین‌الملل در آستانه خاتمه جنگ و کارگزاری آمریکا

پیش‌تر گفته شد که ساختار منطقه‌ای امکان بهره‌گیری رژیم صدام از فرصت‌های ساختاری برای حمله به ایران را فراهم کرد. کارگزاری صدام در حمله به ایران در کوتاه‌مدت، ساختارهایی را تکوین بخشید که مشروعیت بخشی حمله نظامی به ایران را دربر داشت. از طرف دیگر، ساختار معنایی انقلاب ایران با تکیه بر مفاهیم الهام‌بخش و ریشه‌دار تاریخی، امکان ساختاری کارگزاری جمهوری اسلامی را در قالب دفاع مقدس فراهم کرد. به عبارت دیگر، بین ساختارهای معنایی کارگزاری جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی رابطه متقابلی وجود داشت. تداوم دفاع مقدس در

اصابت به مین آسیب دید. در ۲۷ مهر، آمریکا به سکوی رشادت و رسالت حمله کرد و در اثر این حمله بالغ بر نیم میلیارد دلار به تأسیسات نفتی ایران خسارت وارد شد. در نیمه شب ۳۰ مهرماه، بالگردهای آمریکایی در پنجاه مایلی شمال شرقی بحرین، کشتی باری ایران موسوم به «ایران اجر» را با راکت و مسلسل های سنگین به بهانه مین گذاری مورد حمله قرار دادند. در ۲۵ فروردین ۱۳۶۷ در راس اخبار دنیا حادثه برخورد ناو جنگی آمریکایی با مین های ساخت ایران در آب های خلیج فارس مطرح شد. در مقابل، آمریکا نیز به سکوه های نفتی سلمان و نصر حمله کرد و تولیدات نفت فلات قاره ایران را تا میزان پنجاه هزار بشکه در روز کاهش داد و به نوعی ایران را در محاصره اقتصادی خود قرار داد. آخرین نماد کارگزاری آمریکا در واداشتن ایران به پذیرش قطعنامه، سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران بود. آمریکا در ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷ با شلیک دو فروند موشک توسط رزمناو آمریکایی «وینسنس» به سوی یک هواپیمای ایرباس مسافربری ایران، ۲۹۰ انسان بی گناه را قتل عام کرد.^(۴۰) بعد از دخالت مستقیم آمریکا در جنگ بر علیه ایران و تغییر توازن جبهه های جنگ، ایران شرایط صلح حداقلی پیش بینی شده در قطعنامه ۵۹۸ را در ۲۸ مرداد ۱۳۶۷ پذیرفت.^(۴۱)

نتیجه گیری

سوال اصلی این مقاله این بود که چگونه می توان با استفاده از ابزارهای نظری جامعه شناسی به تحلیل جامعی از عوامل آغاز، تداوم و پایان جنگ دست یافت. نظریه ساختاریابی گیدنز به این دلیل به عنوان چارچوب این مقاله انتخاب شد که اولاً تاکنون در تحلیل جنگ تحمیلی مورد استفاده قرار نگرفته بود و ثانیاً می توانست به تحلیل نقاط عطف جنگ کمک شایانی بکند. در بحث نظری، گفته شد که ساختار کارگزار در رابطه متقابل با یکدیگر به سر می برند و هیچ کدام نسبت به یکدیگر از تقدم هستی شناختی برخوردار نیستند.

ایران را به پذیرش صلح وادار نماید. در این راستا، در سیزدهمین اجلاس سران هفت کشور صنعتی در ونیز، این کشورها در ۲۰ خرداد ۱۳۶۶ طی یک بیانیه سیاسی رسمی در مورد جنگ ایران و عراق از سازمان ملل می خواهند با فشار به ایران و عراق برای قبول مذاکره، هرچه سریع تر اقداماتی را برای پایان جنگ به عمل آورد. سرانجام سازمان ملل قطعنامه ۵۹۸ را در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ به اتفاق آرا به تصویب رساند و آمریکا اولین قدم را برای اعمال فشار بیشتر بر ایران برداشت.^(۴۲) آمریکا علاوه بر فشارهای سیاسی، اقدامات نظامی را برای وادار نمودن ایران به پذیرش قطعنامه آغاز کرد.

در سال های پایانی جنگ که نیروهای رزمی ایران در صدد نفوذ به خاک عراق بودند استراتژی ایالات متحده در خلیج فارس بر تأمین امنیت و آزادی عبور و مرور دریایی از تنگه هرمز متمرکز بود. واشنگتن برای تضمین امنیت آزادی کشتیرانی بین المللی در خلیج

فارس بر تعداد ناوگان هایش در اقیانوس هند و دریای عمان افزود و پایگاه های نظامی و دریایی خود را در دیگوگارسیا، عمان و بحرین تقویت کرد.^(۴۳)

اما بر خوردهای نظامی در خلیج فارس، اوضاع را بحرانی تر کرد. در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۶ ناو استارک آمریکا هدف ۲ فروند موشک اگزوسه میراژ اف - ۱ عراق قرار گرفت که ۳۷ ملوان آمریکایی در این بین کشته شدند. در ۲ مرداد نفتکش چهارصد هزار تنی بریجستون که با پرچم آمریکا برای بارگیری نفت کویت عازم بندر الاحمدی آن کشور بود در فاصله ۱۲ مایلی غرب جزیره فارسی در اثر

صدام با حمله به ایران

قصد داشت ساختار

متکثر داخلی عراقی را

بر اساس مطامع شخصی اش

مجدداً سامان دهد

یادداشت‌ها

۱. گاستون بوتول، جامعه‌شناسی جنگ، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات علمی فرهنگی ۱۳۷۹؛ مهدی ادیبی سده، جامعه‌شناسی جنگ و نیروهای نظامی، تهران: سمت و دانشگاه اصفهان ۱۳۸۷؛ ساسان ودیعه، تحلیل جامعه‌شناختی جنگ ایران و عراق در قالب نظریه پارسونز، فصلنامه علوم اجتماعی، بی تا و محمد کارکنان نصرآبادی، 'جنگ و هویت (با رویکردی جامعه‌شناختی به جنگ ایران و عراق)'، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۲، سال ششم، شماره ۲، ۱۳۸۴.
۲. جورج ریتزر، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی ۱۳۸۵، صص ۶۰۲-۶۰۰.
۳. پیتیر کیویستو، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، تهران: نشرنی ۱۳۷۸، ص ۲۰۲.
۴. تقی آزاد ارمکی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سروش ۱۳۸۱، صص ۲۸۴-۲۸۸.
۵. برای بحث مفید در مورد امنیت هستی‌شناختی نک: Jennifer Mitzen, "Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma", *European Journal of International Relations*, Vol. 12, No. 3, (2006).
۶. جان پارکر، ساخت‌یابی، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی ۱۳۸۶، ص ۹۵.
۷. همان، ص ۹۶.
۸. همان، ص ۹۷-۹۸.
۹. همان، ص ۹۹-۱۰۰.
10. Shahrām Chubin and Charles Tripp, *Iran and Iraq at War*, Colorado, Westview Press, 1991, pp. 14-15.
11. Ibid, pp. 54-56.
۱۲. ماندانا تیشه‌یار و مهناز ظهیری نژاد، سیاست خارجی عراق: بررسی نقش ژئوپلیتیک عراق در روابط با همسایگان، تهران: انتشارات توسط مولفین، ۱۳۸۴، ص ۴۳.
13. Chubin and Tripp, *op. cit.*, p. 1.
۱۴. حسین یکتا، «وضعیت نظام بین‌الملل در آستانه جنگ ایران و عراق»، فرهاد درویشی و گروه نویسندگان، ریشه‌های تهاجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۶۳-۶۲.

کارگزاری کنش گران در درون محدودیت‌های ساختاری میسر می‌شود و خود این کارگزاری‌ها به بازتولید ساختارها می‌انجامند. بنابراین ساختارها هم جنبه محدودکنندگی و هم جنبه امکان‌پذیری دارند.

جنگ ایران و عراق یک کنش جمعی انسانی بود که آغاز، سیر تحول و پایان آن، محصول کارگزاری بازیگران دخیل، در درون محدودیت‌ها و امکان‌پذیری‌های ساختاری در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بود. رابطه متقابل ساختار قومی-مذهبی و کارگزاری رژیم عراق، آغاز حمله به ایران بود. صدام با حمله به ایران می‌خواست ساختار متکثر داخلی را براساس مطامع شخصی خود مجدداً سامان دهد. رابطه متقابل ساختار معنایی انقلاب اسلامی و کارگزاری جمهوری اسلامی، بخش بزرگی از سیر تحولات جنگ را رقم زد؛ چرا که جمهوری اسلامی نوپای ایران می‌خواست با نشان دادن قدرت بسیج خود، ارزش‌ها و معانی انقلابی خود را حیات بخشیده و در جامعه نهادینه کند. به گونه‌ای که تداوم بسیاری از مفاهیم اولیه انقلاب، مرهون دفاع مقدس است. رابطه متقابل تغییر ساختار نظام بین‌الملل و کارگزاری ایالات متحده، نقطه پایانی بر این جنگ ۸ ساله گذاشت. اگرچه پایان رسمی جنگ با پذیرش نهایی قطعنامه توسط ایران رقم خورد اما در این میان، محدودیت‌های ساختاری تحمیل شده توسط آمریکا علیه ایران را نباید نادیده گرفت. در واقع، آمریکا به این نتیجه رسیده بود که هژمونی طلبی در جهان بدون شوروی، نیازمند برقراری صلح در مهم‌ترین پهنه آبی نفت خیز جهان یعنی خلیج فارس است و آمریکا باید توانایی خود را در مدیریت مسایل این منطقه نشان دهد. به عبارت دیگر، ورود عملی آمریکا به جنگ و تلاش برای پایان دادن به آن، گویای امکانات ساختاری جدیدی بود که آمریکا را به بازتولید ساختار دلخواه در عرصه جهانی رهنمون می‌کرد.

۳۴. محمد ستوده، تحولات نظام بین الملل و سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران، قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۶، ص

۹۲

۳۵. مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۱۵، صص ۳۲۱-۳۲۲.

۳۶. سازمند، پیشین، ص ۴۹.

۳۷. حمیرا مشیرزاده، «نقش ارزش ها و هنجارها در شکل دادن به

سیاست خارجی: رهیافت سازه انگارانه»، بولتن مرکز مطالعات

عالی بین المللی، سال سوم، ۱۳۸۲، شماره ۳، صص ۴۷.

۳۸. منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران:

اصول و مسایل، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۱۷۳.

۳۹. امیر اسدیان، سیاست امنیتی امریکا در خلیج فارس، تهران:

پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹.

۴۰. محمدی، پیشین، ۱۷۷-۱۷۵.

۴۱. سید جلال دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران، تهران: سمت، ۱۳۸۸، ص ۳۵.

۱۵. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی، تأملی در جنگ ایران و عراق: چند مسئله راهبردی

(مجموعه مقالات)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ،

۱۳۸۰، صص ۳۶-۳۸.

۱۶. یکتا، پیشین، صص ۶۵-۶۴.

۱۷. محمود یزدان فام، «عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و

عراق»، فصلنامه نگین ایران، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۱، ص ۳۸.

۱۸. محمد درودیان، اجتناب ناپذیری جنگ، تهران، مرکز مطالعات

و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، صص

۶۷-۶۶.

۱۹. فرهاد درویشی، «تمهیدات سیاسی و نظامی برای آغاز جنگ»

در فرهاد درویشی و گروه نویسندگان، ریشه های تهاجم،

تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۸.

۲۰. درودیان، پیشین، ص ۱۳۰.

۲۱. احمد نقیب زاده، نقش فرهنگ ملی بر سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران، تهران: وزارت خارجه، ۱۳۸۱، ص

۲۶۸.

۲۲. پیام امام به مناسبت آغاز سال تحصیلی (۱۳۵۹/۶/۳۱)، صحیفه

نور، جلد ۱۳، ص ۹۲.

۲۳. همان، جلد ۱۳، ص ۱۰۴.

۲۴. پیشین، جلد ۲۰، ص ۱۲۲.

۲۵. نقیب زاده، پیشین، ص ۲۷۲.

۲۶. صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۱۰۲.

۲۷. همان، جلد ۴، ص ۱۱۰.

۲۸. همان، جلد ۹، ص ۲۰۲.

۲۹. نقیب زاده، پیشین، ص ۲۷۴.

۳۰. بهاره سازمند، «تحلیل سازه انگارانه از هویت ملی در دوران

جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۲، سال ششم، شماره

۲، ۱۳۸۴، ص ۴۷.

۳۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بی جا: بی نا، ۱۳۷۱، ص

۹۶.

۳۲. محمدرضا دهشیری، «چرخه آرمانگرایی و واقع گرایی در

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست

خارجی، سال پانزدهم، ۱۳۸۰، شماره ۲، ص ۳۷۴.

۳۳. همان، ص ۳۷۶.

(1367-1359)

تاریخ تأیید: ۸۸/۱۷/۱۵

[illegible]

اجتماعی است. البته میزان مشارکت سیاسی افراد در هر جامعه‌ای معلول عوامل متعددی است که خود این عوامل متأثر از شرایط آن جامعه می‌باشند.

در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی و هم‌زمان با شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹، زنان به موازات مردان با حضور در عرصه دفاع، نقش مهمی در پیشبرد اهداف جنگ داشتند، به صورتی که هر گونه

حیات سیاسی و اجتماعی هر جامعه‌ای در حلقه نخست، مرهون مشارکت فعال همه اعضای آن جامعه می‌باشد و توسعه اجتماعی آن نیز منوط به بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل نیروهای انسانی آن، اعم از زن و مرد و مشارکت آگاهانه و متعهدانه آحاد آنان در صحنه‌های

****دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)**



داوری درباره جنگ بدون در نظر گرفتن نقش آفرینی زنان، ناقص و ناتوان از تحلیل جامع واقعیت خواهد بود. از تبلور نقش آفرینی زنان در طی جنگ، می توان تحت عنوان مشارکت سیاسی زنان در جنگ یاد نمود. در این مقاله تلاش خواهد شد ضمن شناخت نحوه مشارکت سیاسی زنان در جنگ تحمیلی، به تبیین عوامل موثر و بازدارنده آن بپردازیم. بررسی پیشینه تحقیق حاکی از آن است که

مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق اختصاص دارد و در قسمت سوم عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق مورد بررسی قرار گرفته است. قسمت چهارم و پایانی مقاله نیز به نتیجه گیری از مباحث مطرحه در مقاله اختصاص یافته است.

مبانی نظری مشارکت سیاسی زنان

انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است که میل و علاقه او نسبت به مشارکت در سرنوشت اجتماعی خودش را، باید از ویژگی های ذاتی وی به حساب آورد. حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش یکی از اولین دغدغه های او پس از ورود به جامعه بوده که در گذر زمان، ابعاد و پیچیدگی های تازه پیدا کرده است.

اگر این گزاره را که انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است بپذیریم آنگاه شاید مجبور به اقرار شویم که انسان به تبع اجتماعی بودنش، باید سیاسی هم باشد، چرا که تشکیل هیچ اجتماعی بدون تدبیر امور و اداره آن ممکن نیست. درباره این نحوه مداخله انسان در تعیین زندگی جمعی خودش، که از آن به مشارکت سیاسی یاد می شود، دیدگاه های

آثاری که درباره این موضوع به رشته تحریر درآمده، عمدتاً ماهیتی توصیفی داشته و کمتر به بررسی تبیین علل و عوامل موثر در آن پرداخته اند.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که چه عاملی در مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق نقش اصلی را داشته است؟ بدیهی است قبل از پاسخ به این پرسش، ضروری است به برخی پرسش های دیگری همچون؛ مشارکت زنان در عرصه های سیاسی و اجتماعی به طور کلی تابع چه الگوهایی بوده است؟ عوامل موثر بر مشارکت زنان در جنگ ایران و عراق چه بوده اند؟ مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق از چه جلوه هایی برخوردار بوده است؟ پاسخ داده شود. فرضیه اصلی مقاله این است که: انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن جنگ تحمیلی، با احیای ارزش های اعتقادی شیعه، سایر مولفه های موثر در مشارکت سیاسی زنان در ایران دوره جنگ را تحت تأثیر خود قرار داده و مشارکت منفعلانه آنان را به مشارکت فعال تبدیل نموده است.

برای پاسخ گویی به پرسش فوق و محک فرضیه، این مقاله در چهار قسمت سازماندهی شده است. در قسمت اول به مبانی نظری مشارکت سیاسی زنان پرداخته می شود. قسمت دوم به جلوه های

متفاوتی ارائه شده که در ادامه به طور مختصر به بیان تعریف و ویژگی های آنها می پردازیم.

مفهوم مشارکت سیاسی

بحث و بررسی در خصوص تعریف مفهوم، ماهیت، گستره و انواع مشارکت سیاسی، علاقه متفکران متعددی را به خود جلب کرده و بر همین اساس، مشارکت سیاسی نیز مانند دیگر مفاهیم اجتماعی، به محل برخورد آرا و عقاید مختلف تبدیل شده است. از این رو به منظور بکارگیری مفهوم مناسب برای مشارکت سیاسی در این مقاله، کوشش می شود از میان تعاریف فراوان ارائه شده از سوی محققان، تعریفی پذیرفته شود که قابلیت بکارگیری، به عنوان یک تعریف عملیاتی را داشته باشد.

به طور کلی دو تفکر مهم مسلط در این زمینه وجود دارد: تفکر اول مشارکت را با ذکر خصوصیتی مانند داوطلبانه، انتخابی و قانونی بودن، آن را فقط در چارچوب نظام های لیبرال دموکرات قابل تحقق می داند. تفکر دوم نگاه عام تری به مسئله داشته و مشارکت را شامل کوشش های مردم در هر نوع نظام سیاسی، برای اثرگذاری بر آن می داند. مشارکت سیاسی در این تفکر حیطه وسیع تری از مشارکت تفکر اول دارد و همه گونه اعمال را در بر می گیرد.^(۱)

برداشت و تعریف پذیرفته شده از مفهوم مشارکت در مقاله حاضر این است که: «مشارکت سیاسی و اجتماعی، فرآیندی مبتنی بر حضور آگاهانه و فعال فرد به عنوان عضو جامعه و نظام در صحنه های سیاسی و اجتماعی جامعه و ایفای نقش یا نقش های اجتماعی است.» طبق این تعریف، مشارکت سیاسی، عمل قابل مشاهده ای است که به طور داوطلبانه صورت می گیرد.^(۲)

عوامل زمینه ساز مشارکت سیاسی

درباره پیش شرط های مشارکت سیاسی به عوامل مختلفی اشاره شده است. برخی معتقدند عواملی نظیر:

۱. وجود همبستگی ساختگی یا مکانیکی؛
 ۲. ساخت قدرت سیاسی دو جانبه؛
 ۳. آزادی های اساسی در جامعه که فرصت عمل لازم را برای فرد فراهم آورد؛
 ۴. سطح قابل قبول توسعه اقتصادی؛ و
 ۵. تبادل منطقی اطلاعات میان قشر های گوناگون جامعه، از الزامات اولیه تحقق مشارکت افراد در جوامع هستند.^(۳)
- برخی دیگر بر این باورند براساس پژوهش های موجود درخصوص حوزه عوامل جامعه شناسی، برخی از عوامل زمینه های مساعدتری برای مشارکت ایجاد

می کنند. بر این اساس، مشارکت سیاسی در جوامع دموکراتیک در بین دارندگان سطوح آموزش بالاتر، درآمد بیشتر و مشاغل برتر به نحو چشمگیری بیشتر است. همچنین مردان بیشتر از زنان مشارکت می کنند و نیز شهرنشینان بیش از روستائیان مشارکت دارند. طبیعتاً چنین

عواملی موجب کسب آگاهی بیشتر درباره زندگی سیاسی، دسترسی به اطلاعات، و سائل اطلاعاتی بیشتر و سازماندهی بهتر می شود.^(۴) از نظر میلیرات و گرنل نیز مشارکت سیاسی با چهار عامل مهم در ارتباط است که این عوامل عبارتند از: انگیزه های سیاسی، وضعیت اجتماعی، ویژگی های شخصی و محیط سیاسی.^(۵)

به طور کلی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی افراد را ذیل محورهای زیر می توان مورد بررسی قرار داد:

(۱) علل روانشناختی: عوامل روانشناختی که به باورها و عادات های ذهنی افراد جامعه باز می گردد، وقتی

مشارکت زنان در جنگ،

بعضاً در قالب سوژه

مطالعاتی دختران دانشجو

نمود می یافت، آنجا که

به ساختن ماکت های رزمی،

عملیاتی و آموزشی

می پرداختند

ضروری و خصوصاً نقش‌های اجتماعی‌ای را که زنان باید در جامعه ایفا کنند به آنان می‌آموزد و در نتیجه آنان را برای حضور در میدان‌های مختلف اجتماعی مهیا می‌کند.^(۱۱)

۳) آموزش: همان‌گونه که امیل دورکیم اظهار می‌دارد: آموزش، فرآیندی است که زن از طریق آن شیوه‌هایی را می‌آموزد که در اجتماع یا گروه، در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فکری دارای کارکرد هستند.^(۱۲) آموزش چگونگی مشارکت و آگاهی‌های لازم برای زنان به وسیله رسانه‌های گوناگون و در عین حال متناسب با شرایط و استعدادها و انگیزه‌های خاص زنان باید انجام پذیرد.

۴) فرهنگ سیاسی: فرهنگ سیاسی ترکیبی از پیشینه تاریخی، نظام ارزشی و تجربه‌های عملی گذشته و حال و خواسته‌های زنان در نظام سیاسی است.^(۱۳) البته به موارد فوق می‌توان استحکام بخشی به هویت عمومی زنان، علاقه به سرنوشت آینده جامعه در زنان، نقش تبلیغات تعلیم دینی و نقش مکانیسم‌های تشویقی را نیز افزود.

انواع و سطوح مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی پدیده بسیار پیچیده‌ای است. طیفی از انواع مختلف مشارکت سیاسی وجود دارد که در ادامه به چند نوع مهم آن اشاره می‌شود:

مشارکت فعال و منفعل: به مشارکت منفعلانه که از روی عدم اختیار و از روی اجبار و الزام باشد، مشارکت اطلاق نمی‌شود. اما مشارکت فعال در پی وجود تقاضاها و حمایت‌ها از طرف شهروندان و قبول آن از طرف رژیم سیاسی شکل می‌گیرد.

مشارکت خودجوش و برانگیخته: در مشارکت خودجوش، افراد به گونه‌ای خودجوش و با توجه به علایق خود با تشکیل انجمن، حزب یا گروه به فعالیت می‌پردازند. مشارکت برانگیخته از طرف دولتمردان حمایت می‌شود و به نوعی سازمان یافته و هدایت شده است.^(۱۴)

مشارکت توده‌ای و مشارکت مدنی: مشارکت سیاسی مدنی، مشارکتی است که از طریق احزاب سیاسی

جلوه بیرونی و رفتاری پیدا می‌کنند، می‌توانند بر میزان و چگونگی عمل مشارکت سیاسی افراد تأثیر بگذارند^(۱۵) که این عوامل شامل موارد ذیل است:

- احساس شایستگی ذهنی برای فعالیت سیاسی: پایین بودن سطح احساس اثربخشی می‌تواند در دو حوزه مطرح شود؛ یکی ارزیابی از خود و شایستگی‌های خود که در نتیجه به ارزیابی مثبت از خود می‌رسد و حوزه دوم، ارزیابی از ساخت سیاسی و عرصه فعالیت‌های سیاسی است. به عبارتی، ارزیابی از محیط سیاسی می‌تواند به جلب اعتماد و یا عدم رضایت سیاسی منجر شود.^(۱۶)

- آگاهی نسبت به موقعیت

خویش: خودشناسی زیربنای تمام شناخت‌هاست. استاد مطهری در این‌باره می‌گوید: خودشناسی به این معناست که انسان مقام واقعی خویش را در عالم وجود درک کند و بداند که او آزاد، مختار و مسئول خویشتن و مسئول افراد و دیگران و مسئول آماده کردن

جهان و بهتر کردن جهان است.^(۱۷) در بررسی علل کم‌علاقگی زنان نسبت به سیاست، در حیطه عوامل روانشناسی چهار عامل محافظه‌کاری، فقدان انگیزه پیشرفت، احساس بی‌قدرتی در تأثیرگذاری سیاسی و عدم اعتماد به نفس در زنان موثر است.^(۱۸)

۲) جامعه‌پذیری سیاسی: فرآیند مستمر یادگیری است که به موجب آن افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات، به وظایف، حقوق و نقش‌های خویش در جامعه پی می‌برند.^(۱۹) این فرایند، زنان را با شیوه‌های پذیرفته شده زندگی سازمان یافته اجتماعی سازگار می‌کند و همچنین استعدادها و مطلوب‌های اجتماعی

زنان با اشراف خاصی که بر منطقه مسکونی خود داشتند، اطلاعات جمع‌آوری شده را در اختیار مقامات و مراجع ذیربط گذاشته و نقشه‌های ستون پنجم را خشی می‌کردند

آنها حتی به رغم مخالفت مردان، حاضر به ترک شهر و خانه خویش نشدند و سند افتخار و شکوه در صحنه بودن و مشارکت سیاسی فعال را در تاریخ سراسر عزت و سربلندی دفاع مقدس برای نسل های آتی و حاضر به یادگار و میراث گذاشتند. بانوان در این دوران، با کمک های بهداشتی، فرهنگی، هنری، اعتقادی، سیاسی و ... به یاری هموطنان خویش می شتافتند و برای مقابله با دشمن مشترک و دستیابی به پیروزی در سطح ملی، با نهایت تلاش و همت بالا جنگیدند و در عرصه های گوناگون پیشبرد اهداف دفاع مقدس، حضور فعال و چشمگیری داشتند.

در این بخش از مقاله به چگونگی مشارکت و فعالیت های زنان در طول هشت سال دفاع مقدس می پردازیم:

الف) نقش رزمی - دفاعی زنان

پاسداری از حریم مکتب، دین، عقیده، ایمان و همچنین دفاع از خود، خانواده، وطن و نوامیس، امری است که بر هر انسان آزاده ای در مقابل تجاوز دشمن، واجب است. لذا دفاع از این آرمان ها در برابر تهاجمات دشمن، امر فطری و ذاتی است که در نهاد هر انسانی اعم از زن یا مرد به امانت گذارده شده است.^(۷۷) البته در تبیین واژه جهاد و دفاع و وجوب آن بر افراد، دو گونه جهاد ابتدایی و دفاعی متصور است که بنا بر حکم اکثر فقها، از جمله امام خمینی (ره)، جهاد دفاعی بر همگان اعم از زن و مرد، واجب است.

با شروع تهاجم دشمن به شهرهای مرزی ایران، زنان نیز همچون مردان در محورهای مختلف جبهه های نبرد همچون جبهه های خرمشهر، آبادان، سوسنگرد و هویزه مشارکت مستقیم داشتند و با انجام فعالیت هایی چون نگهبانی از مقرهای خواهران، مساجد و حتی سنگرها، محافظت از مهمات، تخلیه کمک های مردمی، پرکردن گونی های سنگری و تهیه کوکتل مولوتف، حضور موثری در جبهه داشتند.^(۷۸)

نهادمند محقق می گردد و مردم با واسطه هایی در فعالیت سیاسی شرکت می کنند، اما در مشارکت توده ای افراد با هدایت دولتی به صورت توده ای شرکت می کنند.^(۷۵)

خانم مصفا در تقسیم بندی دیگری از انواع مشارکت سیاسی معتقد است به دلیل اختلاف بین زنان از نظر سواد، اشتغال، آگاهی و ... می توان مشارکت سیاسی زنان را در دو سطح (توده و نخبگان) تحلیل و برای هر یک، انواعی را بر حسب مطالب قبلی به شرح ذیل مشخص کرد.

۱) مشارکت در سطح توده ای: مشارکت سیاسی زنان در سطح توده ای به روش های زیر می تواند صورت گیرد:

الف) شرکت در انتخابات و استفاده از حق رای که یک راه عمومی مشارکت زنان در سطح توده هاست.
ب) شرکت در گروه ها و انجمن ها و احزاب سیاسی.

ج) شرکت در تجربه های اجتماعی (مانند جنگ، خدمات انسان دوستانه، جنبش های محیط زیستی و بهداشتی). این فعالیت ها به افزایش ارتباط بین زنان و جامعه منجر می گردد و در نتیجه به عنوان نوعی از مشارکت سیاسی می تواند تلقی شود.

۲) مشارکت در سطح نخبگان: این سطح مشارکت سیاسی معمولاً در حیطه زنانی است که دارای تحصیلات عالی، متخصص، آگاهی، علاقه و تعهد اجتماعی می باشند. حضور در وضعیت اخذ تصمیم برای جامعه، مهم ترین ویژگی این سطح از مشارکت است.^(۷۶)

جلوه های مشارکت سیاسی زنان در جنگ تحمیلی

با تهاجم و تجاوز دشمن به شهرهای مرزی ایران و به موازات خیزش عمومی و حضور مردان در جبهه ها، بانوان غیور و شجاع کشور نیز مقاومت در برابر دشمن تا بن دندان مسلح را بر خود فرض دانسته و در کوران حوادث و حملات ناجوانمردانه و نابرابر، به یاری دلیر مردان سپاه اسلام بپاخواستند و از بذل مال، جان، فرزند و همسر نیز دریغ نورزیدند.



از مهم ترین فعالیت زنان، مبارزه با ستون پنجم دشمن بود. زنان با اشراف خاصی که بر منطقه مسکونی خود داشتند حرکات و شایعات دشمن را به دقت زیر نظر گرفته و بدون اینکه دشمن متوجه نظارت آنها باشد، اطلاعات جمع آوری شده را در اختیار مقامات و مراجع ذیربط گذاشته و نقشه های ستون پنجم را خنثی می کردند.^(۱۹) طبق آمار بنیاد شهید انقلاب اسلامی، در طول هشت سال

دفاع مقدس، از میان زنان بیش از ۴۰۰۰ نفر جانباز و آزاده^(۲۰) و تعداد ۴۳۶۳ نفر شهید شدند.^(۲۱)

ب) نقش پشتیبانی زنان

در جنگ هشت ساله اگرچه بخش عظیمی از درآمد کشور صرف هزینه جنگ می شد، اما به لحاظ وسعت میدان جنگ، طولانی بودن مدت درگیری، محاصره اقتصادی و وضعیت نامطلوب اقتصاد داخلی، دولت قادر به تأمین تمام هزینه های پشتیبانی جبهه ها نبود. از این رو، استفاده از توان نیروهای مردمی در امر پشتیبانی جنگ بسیار ضروری بود. در این میان، زنان با حضور فعالانه در ستادهای پشتیبانی نقش مهمی را در این عرصه ایفا کردند.^(۲۲)

ایجاد ستادهای جمع آوری کمک های مردمی در مساجد و مدارس، دسته بندی و ارسال انواع نیازمندی های رزمندگان، تعمیر تجهیزات، بازسازی وسایل و البسه، پتو و وسایل زیستی رزمندگان در جبهه ها،^(۲۳) تهیه مواد غذایی و شستشوی پتو، ملحفه و البسه رزمندگان،^(۲۴) برخی از فعالیت های پشتیبانی زنان از جبهه ها را دربر می گرفت.

از مهم ترین جلوه های پشتیبانی زنان، کمک های اقتصادی آنان به جبهه ها در ضمن نیازمندیشان بود. آنان با آگاهی از شرایط جنگ، ساده زیستی را نصب العین خود قرار داده و ضمن محدود نگه داشتن سطح توقعات خود، در امر کمک رسانی به جبهه ها اهتمام ویژه ای داشتند.^(۲۵) در این راستا، زنان روستایی نیز، به صورت خود جوش، با ایجاد تشکلهایی برای پشتیبانی از جبهه ها به تهیه و تدارک مواد غذایی و پوشاک می پرداختند.^(۲۶)

ج) نقش امدادی زنان

بیمارستان ها، نقاهتگاه ها و سایر مراکز درمانی و پزشکی در دوران دفاع مقدس، شاهد ایثارگری های زنان شاغل در حرفه پزشکی و زنان داوطلبی بودند که با گذراندن دوره های کوتاه مدت امدادگری خدمت می کردند.^(۲۷) در زمینه خدمات امدادی، زنان ایفاگر دو نقش بودند:

۱. حضور پرستاران و کادر پزشکی در شهرهای جنگی و خطوط مقدم و درمان رزمندگان و حتی اسرای جنگی؛ و
۲. راه اندازی ستادهای امداد و درمان در شهرها و تهیه اقلام دارویی.^(۲۸)

د) نقش فرهنگی، تبلیغی و عاطفی زنان

شاید بتوان مهم ترین نقش زنان در عرصه جنگ را نقش فرهنگی آنان دانست. این بخش هم از حیث گوناگونی فعالیت های فرهنگی که زنان به آن می پرداختند و هم از نظر تأثیرگذاری، دارای اهمیت به سزایی بود. انجام این نوع فعالیت ها هم باعث ترویج فرهنگ ایثار و شهادت می شد؛ و فضا سازی لازم را ایجاد می کرد و هم موجب بالا رفتن روحیه رزمندگان و خانواده های آنان می شد. نمود عینی این تأثیرگذاری را در موارد ذیل می توان مشاهده کرد:

۱. حضور در عرصه های فرهنگی و تبلیغ و تجلیل و تکریم مقام شهیدان و عیادت مجروحان و سرکشی به خانواده شهدا، اسرا و رزمندگان و مقابله با شایعات و عوامل تخریب روحیه، مقابله با منافقان و ضدانقلاب، شرکت یکپارچه در تشییع پیکر شهیدان و محافل بزرگداشت یاد و خاطره آنان.
۲. راه اندازی کاروان های خانواده شهدا و خواهران برای حضور در جبهه ها و توزیع هدایا، ایراد سخنرانی و راه اندازی کاروان های زیارتی برای تقویت روحیه رزمندگان.
۳. صبر و بردباری در مقابل شهادت، مجروحیت و اسارت عزیزان و تحمل دوری آنان و تقبل سهم مردان در قبال تربیت فرزندان.^(۲۹)
۴. انجام ازدواج های آگاهانه و با هدف پشتیبانی انقلاب و زمینه سازی حضور بیشتر مردان در عرصه جنگ.^(۳۰)

۵. پوشش دادن اخبار

مربوط به جنگ در قالب انجام فعالیت های خبرنگاری و رسانه ای. در مجموع، نقش آفرینی زنان متناسب با توانمندی های آنها بود، گاه به ضرورت به شهرهای جنوبی و غربی درگیر جنگ

می رفتند و فعالیت های گوناگونی را انجام می دادند و گاه در منزل برای رزمندگان کلاه و شال و لباس می دوختند. مشارکت زنان در جنگ، گاهی اوقات در قالب سوژه مطالعاتی دختران دانشجو نمود می یافت، آنجا که به ساختن ماکت های رزمی، عملیاتی و آموزشی می پرداختند. این ماکت ها در منطقه عملیاتی کاربردی حساس داشت و عملیات ها روی آنها پیاده می شد که این خود در سرنوشت عملیات ها بسیار موثر بود و تعداد شهداء را به حداقل می رساند.^(۳۱) در قالب یک کار تحقیقی، فراوانی شاخص های مربوط به نقش زنان در امور پشت جبهه های جنگ و صحنه دفاع نظامی در جمهوری اسلامی در جدول پایین صفحه بیان شده است.^(۳۲)

عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق

در دو بخش گذشته، مبانی نظری مشارکت سیاسی زنان و نمود های مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق را مطرح کردیم حال به بررسی عوامل موثر بر این مشارکت می پردازیم.

هر نظام سیاسی در تعامل با عوامل مختلف محیط داخلی قرار دارد. تنها با در نظر گرفتن کلیه شرایط ویژه محیطی اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ارزشی است که می توان یک تحلیل درست از اتفاق مشارکت سیاسی زنان در طرح جنگ تحمیلی به دست داد. در بحث محیط داخلی ما به چهار عامل توجه خواهیم کرد:

مقدمه	معرف (شاخص)	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
نقش زنان در امور پشت جبهه	فعالیت ها زنان در پشت جبهه های جنگ تحمیلی	۲۷	۵۵/۱۰
در صحنه دفاع نظامی	نقش مادران و همسران در جنگ تحمیلی	۱۰	۲۰/۴۰
	وجوب دفاع و تعلیمات نظامی برای زنان مسلمان	۱۲	۲۴/۵
	جمع	۴۹	۱۰۰

تغییرات مهم در میدان رقابت قدرت سیاسی و دولت بود. جنگ تحمیلی، قدرت سیاسی را به دولت منتقل کرد. همچنین به علت شرایط اجتماعی، قدرت سیاسی متمرکز به قدرت نامتمرکز تبدیل شد و به همین نسبت مشارکت مردم در جنگ نیز افزایش یافت. بر این اساس، جنگ جنبه تدافعی پیدا کرد و نیروهای داوطلب مردمی در حرکت های خودجوش مردمی عهده دار پشتیبانی و دفاع شدند و این امر به مشارکت وسیع مردم انجامید.^(۳۵)

در نظر اقتصادی، رویارویی با دشمن مهاجم مستلزم فراهم نمودن امکانات عظیم مادی و اقتصادی بود؛ اما به لحاظ وسعت میدان جنگ، طولانی بودن مدت درگیری، محاصره اقتصادی و کاهش قیمت جهانی نفت، مسدود بودن دارایی های ایران در بانک های خارجی و ... دولت قادر به تأمین تمام هزینه های پشتیبانی جبهه نبود، لذا مداخله نیروی عادی مردمی در امر پشتیبانی جنگ افزایش یافت و سبب شد تا مردم به تکیه گاه اصلی جنگ تبدیل شوند.^(۳۶)

۳) تغییرات فرهنگی

مهم ترین تغییر ناشی از جنگ تحمیلی در بخش فرهنگی اتفاق افتاد. آلمال در مقاله خود تحت عنوان «نقش زنان در جنگ هشت ساله ایران و عراق» این تغییرات را چنین تبیین می کند: «در زمان جنگ تحمیلی، جامعه استبدادزده پیش از انقلاب اسلامی، که در آن ارزش های والا در خفا به سر می بردند، ناگهان در دوران جنگ تحمیلی با شکوفایی ارزش های جدیدی مواجه شد که جنگ به آنها ثبات و تداوم بخشیده بود. بخش دیگر تغییرات فرهنگی، به نقش افراد و نیروهای اجتماعی مربوط می شود که فرآیند تغییرات ناشی از جنگ را بر عهده دارند.

جنگ صرفاً با کنش فردی تغییر نکرد بلکه اعمال ارادی همه افراد، که «اجزای نیروی اجتماعی» به شمار می روند موجب تغییر در فرآیند جنگ شد. مشارکت وسیع زنان در دوره جنگ تحمیلی از مهم ترین دستاوردهای تغییرات

۱) پیشینه تاریخی مقام سیاسی زنان در ایران

زن ایرانی در طول تاریخ موجودی است که به لحاظ فرهنگ حاکم بر جوامع در حاشیه تحولات قرار داشته است. به طوریکه تا پایان عهد قاجار، نامی از زن و حقوق زن و آزادی زن و ... وجود ندارد. در عصر پهلوی هر چند شعار آزادی زنان محور سیاست ها قرار گرفت و زنان در مرکز سیاست های تبلیغاتی رژیم قرار داشتند و از برخی حقوق برخوردار شدند، اما در عمل همچنان در حاشیه ای قرار داشتند. در این دوران بیش از آنکه حضور کیفی زنان مدنظر باشد، حضور کمی آنها مورد توجه گرفت و در عرصه های مختلف زنان از نقش های کلیدی بی بهره ماندند.^(۳۷)

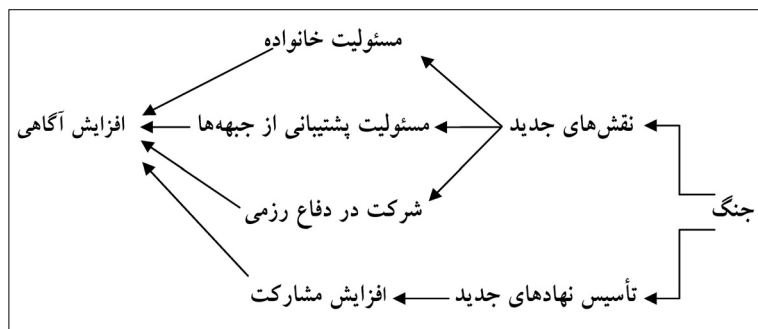
با چنین پیشینه ای، زنان در جریان انقلاب به صحنه آمده و به صورت یک نیروی عظیم وارد متن تحولات می شوند و با نفی وضع موجود، برای سرنوشت خود و آینده کشور تصمیم می گیرند. این حضور

را باید اعتراض گسترده ای به اندیشه نفی زن به عنوان یک انسان، شیء گونگی و مبنا قرار دادن فیزیک زن، حاشیه گرایی و آزادی ظاهری، که به تدریج طی سال ها و قرون متوالی به صورت یک فرهنگ در جامعه ایران جا افتاده بود، دانست.^(۳۸)

۲) تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در زمان جنگ

جنگ مهم ترین شکل حیات اجتماعی است، زیرا نوعی تحول شتابان است که تغییرات رایج فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را به دنبال دارد. در بخش سیاسی آنچه در جریان جنگ تحمیلی مشهودتر بود ایجاد

نقش های جدیدی که زنان در دوره جنگ تحمیلی بر عهده گرفتند به مفهوم گسست باور سستی حیات اجتماعی زنان در چارچوب اجتماع بود



اجتماعی دوره جنگ بود. جنبه‌های مختلف این مشارکت را در نمودار روبه‌رو می‌توان مشاهده کرد.

نقش‌های جدیدی که زنان در دوره جنگ تحمیلی بر عهده گرفتند به مفهوم

گسست باور سنتی حیات اجتماعی زنان در چارچوب خانواده و دستیابی به باور حیات خانوادگی زنان در چهارچوب اجتماع است.

با وقوع جنگ تحمیلی و افزایش مشارکت‌های مردمی، نهادهای سازمان‌های اجتماعی جدیدی شکل گرفتند. زنان پس از ۵ سال حضور فعالانه در عرصه دفاع مقدس، سازمان مخصوصی را تحت عنوان «بسیج خواهران» برای خودشان تأسیس کردند. بسیج خواهران در حکم سازمانی رسمی در کنار سایر سازمان‌ها، به فعالیت پرداخت. این تشکل بیانگر این واقعیت بود که فعالیت مستمر زنان سرانجام اندیشه ایجاد سازمان و نظم مخصوص آنها را به جامعه تحمیل کرد و این امر در تاریخ ایران بی‌سابقه بود.^(۳۷)

۴) نظام ارزشی حاکم

گذشته از مجموعه عوامل یادشده، مجموعه اصول اعتقادی و قانونی ناظر بر مشارکت سیاسی زنان حائز اهمیت می‌باشد؛ در این راستا، مجموعه عواملی که همراه یکدیگر موجبات اعتقادی و اجرای قانونی مشارکت سیاسی زنان در زمان جنگ را فراهم آورد در چهار مورد قابل بررسی است:

الف. آموزه‌های اسلامی

درباره موافقت اسلام با مشارکت سیاسی اجتماعی - سیاسی زنان، دلایلی از قرآن و سنت وجود دارد. در این میان، قرآن کریم مهم‌ترین منبع مشروعیت حقوق سیاسی زنان به شمار می‌آید. از جمله اینکه خداوند در سوره ممتحنه آیه ۱۲ بیان می‌کند: «ای

پیامبر چون زنان با ایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند ...

و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه زیرا خداوند آمرزنده مهربان است.»^(۳۸)

همچنین تاریخ صدر اسلام نیز بیانگر ایفای نقش‌های سیاسی زنان است که می‌توان به بیعت زنان با پیامبر (ص) و امیرالمومنین (ع)، سیره

حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) اشاره نمود.^(۳۹) با توجه به این موارد، از لحاظ آموزه‌های دینی، هیچ شبهه‌ای در مشارکت زنان در حیات اجتماعی وجود ندارد.

ب. نظرات امام خمینی (ره)

مجموعه نظریاتی که امام خمینی (ره) در طی جنگ تحمیلی درباره مشارکت زنان ابراز کردند، نقطه عطفی در مباحث مربوط به این موضوع است. مجموع نظرات حضرت امام (ره) در زمینه نقش امنیتی زنان در امنیت ملی کشور را می‌توان به سه بعد تقسیم بندی کرد:

طبق آمار بنیاد شهید

انقلاب اسلامی، در طول

هشت سال دفاع مقدس، از

میان زنان بیش از ۴۰۰۰ نفر

جانباز و آزاده و تعداد

۴۳۶۳ نفر شهید شدند

تزریق ارزش گرایی و باورهای ایدئولوژیک به جامعه بود. جنگ ایران و عراق به یکی از مفاهیم سیاسی اسلام تبدیل شده بود. حفظ جمهوری به معنی حفظ جهان اسلام در برابر سراسر جهان کفر تلقی می گردید و وظیفه تک تک مسلمانان حمایت از آن بود. وظیفه زنان در چهارچوب این رویکرد معنی می یافت. دولت به مداخله و تعیین تکلیف در مورد زنان برای استمرار و بازتولید خویش اقدام نمود. در این دیدگاه، زنان هم حامیان و مدافعان جمهوری اسلامی بودند و باید در عرصه های عمومی حضور مستقیم می داشتند و هم به عنوان مربی و معلم جامعه دست اندرکار تربیت نسل های بعدی بودند. لذا سیاستگذاری ها باید هر دو حد مورد نظر این رویکرد را تأمین می نمود.^(۴۳)

در مجموع حضور گسترده زنان در جبهه و پشت جبهه و تلاش ها و فعالیت های بی شائبه آنان از عوامل ذیل متأثر بود:

۱. **عامل انقلاب اسلامی:** اصولاً ایدئولوژی انقلاب براساس آموزه های اسلامی بر آن بود که زنان ایرانی را که تحت تأثیر الگوهایی خاص از زنان غربی، به تدریج به شیء گشتگی هدایت می شدند و درگیر بحران هویتی بودند، از بند برهاند و شخصیت و هویت محکمی براساس آموزه های جدیدی که امام خمینی (ره) و ... مطرح می کردند به آنان اعطا کند.^(۴۴) در سایه این ایدئولوژی نو، زن از چهار دیواری محدود خانه به بیرون آمد و شخصیت واقعی خود را پیدا کرد. تحولات ناشی از تأثیر انقلاب اسلامی را بر روی زن مسلمان ایران می توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

الف) خودشناسی: زنان از طریق انقلاب اسلامی مقام و موقعیت خود را در جامعه بازشناختند و نسبت به مسئولیت های فردی و اجتماعی خود آگاهی یافتند که این امر در نقش آفرینی آنان در جنگ تأثیر فراوانی داشت. آیت... مطهری در خصوص تأثیر شناخت بر رفتار آدمی می گوید: «خودشناسی به این معناست که انسان مقام واقعی خویش را در عالم وجود درک کند و نسبت به این

۱. جواز عضویت در نیروهای مسلح و وجوب آن در زمان دفاع همه جانبه از اسلام (شامل عضویت در سپاه، بسیج، ارتش و وجوب دفاع و آموزش نظامی که مقدمه آن است).

۲. نقش غیرمستقیم در حمایت از مدافعین (شامل مواردی نظیر تأکید بر نقش شهیدپروری، کمک به جبهه ها حتی با پختن نان، ایثار در ازدواج با جانبازان و تأکید بر نقش ترغیبی زنان بر غیرت مردان می باشد).

۳. نقش مستقیم (شامل حضور زنان به عنوان عامل پیروزی در پشت جبهه و در جبهه و حضور همگی در جبهه هنگام وجوب دفاع می باشد).^(۴۵) در یک تحقیق انجام شده، رتبه بندی نقش های زنان در کلام امام (ره) چنین آمده است:^(۴۶)

نقش	فراوانی	درصد نسبت به کل
سیاسی - اجتماعی	۲۵	۴۰/۵۴
تعلیم و تربیت و تهذیب کودکان	۲۱۱	۳۳/۵۴
علم و فرهنگ همراه با تهذیب نفس	۹۵	۱۵/۱۰
دفاع و مبارزاتی در احقاق	۴۹	۷/۸
اقتصادی	۱۹	۳/۰۲

ج. قانون اساسی

قانون اساسی کشورها اصول کلی و قانونی حاکم بر نظام مشارکت جامعه را مشخص می کند. زمینه های قانونی مشارکت سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. بند هشتم قانون اساسی مشارکت عامه مردم را در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیان می کند و هیچ تبعیضی بین زن و مرد قائل نیست. همچنین در اصل بیستم آمده که همه از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.^(۴۷)

د. ماهیت ایدئولوژیک نظام سیاسی

توجه غالب نظام سیاسی در ایران دوران جنگ،

سرنوشت و فعالیت های
خود را انتخاب کند.»

هـ) مسئولیت پذیری در زنان:
پیدایش احساس مسئولیت
جدید و پذیرش آن از سوی
بانوان ایرانی، باعث تحول و
دگرگونی روحی بزرگی در
آنان شد و آنان را به
صحنه های اجتماعی و
سیاسی کشور سوق داد.^(۴۷)

۲. نقش الگوی زنان نمونه
تاریخ اسلام: زنان مسلمان
ایرانی از نمونه ها و الگوهای
ارائه شده در قرآن، همچنین
زنان موثر در تاریخ معاصر

ایران همچون جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت
تأثیر پذیرفته و سیره آنان خصوصاً حضرت
زهرا(س) و حضرت زینب(س) در زمینه های جهاد
و دفاع را فصل الخطاب فعالیت خود قرار دادند.

نتیجه گیری

در سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ که جوانان این مرز و بوم
به همراه اقشار مختلف جامعه در جبهه های جنگ
حضور داشتند، زنان نیز علاوه بر مدیریت امور
خانواده و انجام فعالیت های روزمره خود، به
صورت خودجوش، تشکلهایی را ایجاد کرده
بودند که طیف های مختلفی از گستره فعالیت های
رزمی و پشتیبانی را در بر می گرفت. این موضوع
تجربه جدیدی در مجموعه مشارکت های مردمی
در کشور بود، چیزی که در طول تاریخ ایران با این
کیفیت مشاهده یا ثبت نشده است. در این مقاله، علل
زمینه ساز این حرکت تاریخی در قالب مشارکت
سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق، در سه بخش
مورد بررسی قرار گرفت:

بخش اول با تعریف مشارکت سیاسی به مثابه
«فرآیند مبتنی بر حضور آگاهانه فرد به عنوان عضو
جامعه و نظام در صحنه های سیاسی و اجتماعی



موضوع شناخت پیدا کند که او آزاد و مختار خلق
شده و مسئول خویشتن و افراد دیگر - و مکتب و
جامعه خود - می باشد.»

ب) دگرگونی در فرهنگ سیاسی جامعه زنان: یکی از
دستاوردهای مهم انقلاب، تبدیل فرهنگ سیاسی
محدود جامعه زنان، به فرهنگ سیاسی مشارکتی
بود. منظور از فرهنگ سیاسی مشارکتی این است که
فرد خود را به عنوان عضو فعالی از جامعه بداند. زن
بعد از انقلاب خود را عضوی فعال از جامعه به
حساب آورد و نسبت به نظام انقلاب احساس
تکلیف نموده و در صحنه حضور داشت.^(۴۵)

ج) ایجاد نگرش مثبت نسبت به زن: فضای پس از
انقلاب اسلامی فرصت مناسبی برای پالایش
اندیشه های منفی نسبت به زنان ایجاد کرد. تعریف
هویت زن در نظام ارزشی پس از انقلاب، به ویژه در
دوران دفاع مقدس و حاکمیت ارزش های معنوی،
دگرگون شد و زنان دریافتند که هویت انسانی که
اسلام برای آنان قائل است در فضای جنگ، حضور
در صحنه و اثبات می باشد.^(۴۶)

د) اعطای آزادی واقعی از دست رفته به زن مسلمان: امام
خمینی (ره) می فرمایند: «اسلام هیچ گاه مخالف آزادی
زنان نبوده است. در اسلام زن مانند مرد آزاد است که

ساختارهای گوناگون حاکم بر جامعه نیز از علل مهمی است که بر نحوه و میزان مشارکت سیاسی زنان موثر است. مشارکت سیاسی زنان در هر جامعه‌ای در چهارچوب ساخت اجتماعی و سیاسی آن جامعه معنا خواهد یافت. مطابق با این دیدگاه، مشارکت سیاسی زنان در ارتباط با ساخت‌های جامعه و روابط پایدار آن شکل می‌گیرد و تحت تأثیر نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تغییرات اجتماعی است. ساختارهای متفاوت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سبب تفاوت مشارکت سیاسی زنان در جوامع مختلف و مقاطع زمانی متفاوت می‌شود.

اظهار نظر در مورد اینکه مشارکت سیاسی بالای زنان در دوران جنگ معلول کدام تحول ساختاری، مخصوصاً ساختار فرهنگی در کشور است، انگاره‌ای است که خود نیازمند پژوهش‌های علمی بسیار در این زمینه است. بررسی ادبیات تحقیق حاکی از آن است که مسئولان و پژوهشگران کشور از کنار این واقعه مهم با کم‌توجهی گذشته و توجه لازم را به آن نداشته‌اند.

با مرور کلی بر نحوه فعالیت زنان در این دوران و با نگاهی گذرا به خاطرات به جا مانده از آن دوران، می‌توان به این نتیجه کلی دست یافت که پیروزی انقلاب اسلامی و به تبع آن وقوع جنگ تحمیلی، ارزش‌های اعتقادی شیعه و مفاهیمی چون دفاع از حریم دینی و ... را به اعلا مرتبه درجه احیا کرد و این ارزش‌ها خود به عنوان متغیر مستقل، متغیرهای بسیاری در امر مشارکت را به صورت وابسته در آورده و فضای مناسبی را جهت فعالیت زنان ایرانی در دوران جنگ ایجاد کرد.

همان‌طور که در بخش نخست گفته شد، گروهی از محققان بر این باورند برخی از عوامل زمینه‌های مساعدی را برای مشارکت ایجاد می‌کنند. براساس این دیدگاه، مشارکت در بین دارندگان سطوح آموزشی بالاتر، درآمد بیشتر و مشاغل برتر به نحو چشمگیری بیشتر است. همچنین مردان بیشتر از زنان مشارکت می‌کنند و نیز

جامعه و ایفای نقش یا نقش‌های محوله مطمح نظر قرار گرفت که برای تبیین وضعیت مشارکت زنان در جنگ ایران و عراق بسیار مهم است. نکته حائز اهمیت این تعریف، حضور آگاهانه و فعالانه فرد به عنوان کنش‌گر تعاملات اجتماعی است که به صورت داوطلبانه صورت می‌پذیرد. در واقع این همان وجه متمیزه فعالیت زنان در دوره هشت ساله دفاع مقدس می‌باشد.

در بخش دوم، جلوه‌های مشارکت سیاسی زنان در جنگ که جلوه‌گر نقش‌های گوناگون رزمی، امدادی، پشتیبانی، فرهنگی، تبلیغاتی و تربیتی توسط آنان بود، مورد بررسی قرار گرفت. با دقت نظر در این نوع نقش‌آفرینی‌ها، می‌توان الگوی مشارکت سیاسی زنان در طول جنگ را مشارکت خودجوش و فعال و در سطح توده‌ای دانست، چرا که اولاً از روی اختیار و عدم اجبار و الزام ساینده بود؛ ثانیاً در این مشارکت، افراد به گونه‌ای خودجوش و با توجه به علاقه‌ها و سلیقه‌های خود با تشکیل انجمن، حزب یا گروه به فعالیت دست زدند.

در بخش سوم تحت عنوان عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان در جنگ، نقش عوامل محیطی در قالب پنج محور، پیشینه تاریخی، تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زمان جنگ، تغییرات فرهنگی در زمان جنگ، نظام ارزشی حاکم و مشروعیت مورد بررسی قرار گرفت که مجموعه آنان تبیین‌کننده وضعیت مشارکت‌های مردمی و مشارکت زنان در دوران جنگ می‌باشد.

از یک دیدگاه، مشارکت سیاسی زنان ناشی از نقش، کارکرد و تأثیری است که مشارکت آنها در تحولات سیاسی جامعه برجای می‌گذارد. چنانچه برای مشارکت زنان در مسایل سیاسی جامعه کارکردی تصور نشود، یا این کارکرد در حد بسیار پایین قرار گیرد، زنان نسبت به مسائل سیاسی، بی‌تفاوت شده و میزان مشارکت سیاسی آنان تنزل خواهد کرد. تمایل زنان به مشارکت سیاسی، تابع عوامل گوناگونی نظیر احساس بی‌قدرتی، عدم اعتماد به نفس و فقدان انگیزه پیشرفت است.

یادداشت‌ها

۱. نسرین مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، ص ۳۴۴.
۲. عنایت... یزدانی، «دفاع مقدس و رسالت زن مسلمان»، مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت سرداران و بیست و سه هزار شهید استان اصفهان، اصفهان: لشکر ۱۴ امام حسین، ۱۳۷۴، ص ۳۴۵.
۳. ایمان نگینیان، مشارکت سیاسی زنان و بررسی نقش آنان در قدرت از دهه ۹۰ تا کنون، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۷، صص ۶۱-۶۳.
۴. حسین بشیریه، «حدود و موانع مشارکت زنان در زندگی سیاسی»، پیام هاجر، سال هفدهم، شماره ۲۷، ۱۳۷۶، ص ۲۸.
۵. شهلا کاظمی پور، «نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی کننده در مشارکت سیاسی زنان»، مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی، بی جا، بی نا، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷.
۶. کمال اکبری، رابطه مشروعیت و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴، ص ۱۲۹.
۷. نگینیان، پیشین، ص ۶۷.
۸. یزدانی، پیشین، ص ۳۴۶.
۹. ام البنین چابکی، «نقش عوامل روان شناختی در مشارکت سیاسی زنان»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۹، صص ۱۱۸-۱۲۵.
۱۰. عبدالعلی قوام، توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۱، ص ۳۴۷.
۱۱. یزدانی، پیشین، ص ۳۴۷.
۱۲. جرج ریتزر، نظریه های جامعه شناسی، احمد رضا غروی زاده، تهران: نشر ماجد، ۱۳۷۳، ص ۹۶.
۱۳. مصفا، پیشین، ص ۱۲۵.
۱۴. اکبری، پیشین، ص ۶۵-۷.
۱۵. همان، ص ۷۰.
۱۶. مصفا، پیشین، صص ۶۶-۶۷.
۱۷. ملک فام، «نقش زنان در دفاع»، مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین سمینار زن در دفاع مقدس، کمیسیون امور بانوان اهواز، اهواز: بی نا، ۱۳۷۴، ص ۲۹۶.
۱۸. محمدباقر نیکخواه، «بررسی حضور زنان در جنگهای صدر اسلام و مشارکت و نقش زنان در هشت سال دفاع مقدس»، مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین سمینار زن و دفاع مقدس، کمیسیون امور بانوان استان خوزستان، اهواز: بی نا،

شهرنشینان بیش از روستائیان مشارکت می کنند؛^(۴۸) اما اطلاعات به دست آمده از پژوهشی که بر روی شهدای زن صورت گرفته، حاکی از آن است که عوامل فوق الذکر به عنوان عوامل زمینه ساز مشارکت در طی جنگ ایران و عراق، کاربرد چندانی ندارند. این پژوهش نشان می دهد همه شهدای زن، ما تحصیلات عالی و کافی نداشته اند اما با درک شرایطی که پیش آمد به خودآگاهی رسیدند و آگاهانه از حقیقت متعالی اسلام دفاع کردند. طبق آمار بنیاد شهید انقلاب اسلامی تعداد ۴۳۶۳ نفر از زنان این مرز و بوم در طول هشت سال دفاع مقدس به شهادت رسیدند. که از این میان، حدود ۱۸۳ درصد دانش آموز، ۳ درصد دانشجوی و ۲/۰ درصد طلبه بوده اند. حدود ۵۶ درصد از این تعداد، خانه دار و ۱۵ درصد نیز شغل شان اعلام نشده است. از دیگر یافته های پژوهش فوق این است که با افزایش سن زنان، تعداد شهدا کاهش یافته است. همچنین حدود ۸۴/۸ درصد از شهدای زن در شهرها و ۱۵/۲ درصد در روستاها ساکن بوده اند.^(۴۹)

در پژوهش دیگری چنین آمده: «زنان روستایی در طی جنگ تحمیلی، علاوه بر همکاری در اداره روستا، به صورت خودجوش تشکل هایی را برای پشتیبانی از جبهه ها و تأمین بخشی از مایحتاج فرزندان، برادران و همسران شان در جنگ ایجاد کرده بودند که به تهیه و تدارکات مواد غذایی و پوشاک می پرداختند. میانگین سنی افرادی که این تشکل ها را خلق کرده بودند بین ۳۵ تا ۳۶ سال بوده که ۹۵/۵ درصد آنها خانه دار بوده اند. از نظر تحصیلات ۸۱ درصد آنها بی سواد و ۱۹ درصد باسواد بوده اند.^(۵۰) با توجه به این ارقام و آمار به راحتی می توان دریافت که مشارکت سیاسی زنان در جنگ با هیچ یک از مولفه های رایجی که در بحث های مشارکت سیاسی سنجیده می شود، قابل ارزیابی نیست. فهم الگوی مشارکت زنان در این مقطع، نیازمند الگویی می باشد که یقیناً ارزش های برخاسته از مکتب اسلام، در آن از نقش محوری برخوردار است.

- ۱۳۷۴، صص ۱۸۰-۱۸۱.
۱۹. بیژن سیدی، «زنان، فرهنگ ایثار و شهادت و چالش های پیش رو»، مجموعه مقالات فرهنگ ایثار و شهادت، دبیرخانه شورای هماهنگی و نظارت بر امر ترویج فرهنگ شهادت، ۱۳۸۴، صص ۳۷۹.
۲۰. بی نام، نیمه پنهان ایثار و شهادت، تهران: ریحانه، ۱۳۸۱، صص ۵۵.
۲۱. فرنگیس آلمال، «زن- جنگ: نقش زنان در جنگ هشت ساله ایران و عراق»، علیرضا کمری، نام آورد، تهران: دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۳۹۰.
۲۲. زهرا رحمانیان، نقش پشتیبانی - رزمی زنان در دفاع، تهران: سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج، ۱۳۷۶، صص ۱۹.
۲۳. گنجور طهماسبی، «مشارکت سیاسی زنان در دوران دفاع مقدس و شرایط کنونی»، فاطمه محبی، گزارش تفصیلی همایش اول و دوم آیه های ایثار، تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۲، صص ۶۴.
۲۴. نیکخواه، پیشین، صص ۱۳۸.
۲۵. احمد لطفی، «نقش زن در دفاع مقدس»، مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت سرداران و بیست و سه هزار شهیدی استان اصفهان، اصفهان: لشکر ۱۴ امام حسین، ۱۳۷۵، صص ۲۹۱.
۲۶. عزت ... سام آراء، «تشکل های خودجوش زنان روستایی برای پشتیبانی جبهه های جنگ تحمیلی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۴۵.
۲۷. رحمانیان، پیشین، صص ۵.
۲۸. طهماسبی، پیشین، صص ۶۴.
۲۹. همان، صص ۶۵-۶۴.
۳۰. فرزانه مافی، آشنایان ناآشنا، تهران: دبیرخانه دائمی کنگره برای نقش زنان در دفاع و امنیت، ۱۳۷۶، صص ۶۶.
۳۱. همان، صص ۱۵۹.
۳۲. فاطمه صفری، الگوی اجتماعی، پایگاه و نقش زنان مسلمان در جامعه اسلامی براساس دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، صص ۱۰۸.
۳۳. مریم حسن، بررسی اوضاع اجتماعی، فرهنگی زنان در دوره قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ۱۳۷۹، صص ۱۲۹.
۳۴. همان، صص ۱۳۰.
۳۵. آلمال، پیشین، صص ۴۰۸.
۳۶. رحمانیان، پیشین، صص ۱۹.
۳۷. آلمال، پیشین، صص ۴۰۹.
۳۸. مصفا، پیشین، صص ۱۱۴.
۳۹. حسن، پیشین، صص ۹۳.
۴۰. مجتبی اسکندری، «مقایسه برنامه های بین المللی در زمینه توسعه و امنیت زنان در دیدگاه های امام خمینی»، مجموعه مقالات همایش زن- امنیت- توسعه، تهران: دفتر امور مشارکت زنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۷۹، صص ۹۱.
۴۱. صفری، پیشین، صص ۱۲۰.
۴۲. مصفا، پیشین، صص ۱۲۰.
۴۳. آسیه میرآقایی، بررسی وضعیت زنان در سپهر عمومی ایران (۱۳۷۷-۱۳۵۷)، پایان نامه دکتری تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، صص ۱۱۶.
۴۴. علی ناجی راد، موانع مشارکت زنان در فعالیت های سیاسی، اقتصادی ایران پس از انقلاب، تهران: نشر کویر، ۱۳۸۲، صص ۳۱۹.
۴۵. عنایت ... یزدانی، «دفاع مقدس و رسالت زن مسلمان»، مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت سرداران و بیست و سه هزار شهید استان اصفهان، اصفهان: لشکر ۱۴ امام حسین، ۱۳۷، صص ۵۶.
۴۶. فاطمه محبی، تأثیر دفاع مقدس بر نگرش های زنان، گزارش تفصیلی همایش اول و دوم آیه های ایثار و تلاش، تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۲، صص ۱۳۹.
۴۷. مرتضی شیرودی، نقش سیاسی و اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران، تهران: نشر زمزم هدایت، ۱۳۸۶، صص ۵۴.
۴۸. بشیریه، پیشین، صص ۳۰.
۴۹. آلمال، پیشین، صص ۳۹۴-۳۹۰.
۵۰. سام آراء، پیشین، صص ۶۶-۶۰.



اجتماعی در هر دو کشور را
تحت تأثیر قرار داد.

قدرت نظامی ایران و
عراق از آغاز جنگ در سال
۱۹۸۰ میلادی تا پایان جنگ
در سال ۱۹۸۷ هیچگاه با
یکدیگر برابری نمی نمود.
عراق پس از مصر دارای
بزرگ ترین ارتش عرب
بود.^(۳) این ارتش از زیاده ترین
و مجهزترین ارتش های
منطقه محسوب می شد. در
سال ۱۹۸۰ بودجه نظامی
عراق ۶۳ درصد افزایش
یافت و ۱۵ کشور جهان بیش

قرار می دهد، موضع گیری و اقدام کشورها، به ویژه
کشورهای منطقه و قدرت های بزرگ جهانی در
قبال آن نیز اجتناب ناپذیر است. واکنش کشورهای
منطقه و قدرتمند جهان به جنگ ایران و عراق و مقدم
بر آن به انقلاب اسلامی بر سه قسم بود: حمایت از
عراق، حمایت از ایران و بی طرفی. در طول هشت
سال جنگ، حمایت ها و بی طرفی ها در حالت
سکون نبود و پویایی آنها افزون بر تحولات خود آن
کشور و نظام بین الملل به تحولات صحنه جنگ و
روابط با دوطرف درگیر بستگی داشت.^(۴) با گسترش
گستره جغرافیایی جنگ، حملات هوایی در دریا و
خشکی تشدید شد و ارتش عراق از سلاح های
متنوع تر و پیچیده تری استفاده کرد و کشورهای
دیگر منطقه از جمله عربستان و کویت، دو ابرقدرت
وقت (آمریکا و شوروی) و همچنین قدرت های
بزرگ اروپایی نیز در آن درگیر شدند.

یکی از ویژگی های آشکار جنگ تحمیلی عراق
علیه ایران این بود که نبرد زمینی به نبرد دریایی
گسترش پیدا کرد. نوع اخیر جنگ، ماهیتاً به گونه ای
است که تأثیرپذیری دولت های ثالث و بی طرف در
آن، برخلاف جنگ های هوایی و زمینی، بیشتر
است. دولت عراق به مرور زمان، متأثر از اوضاع و

از ۶ میلیارد دلار تجهیزات نظامی در اختیار این
کشور قرار دادند. در مجموع، عراق در آغاز دهه
۱۹۸۰ به بزرگ ترین قدرت نظامی منطقه تبدیل شده
بود. این قدرت نظامی به همراه قدرت اقتصادی با
پشتوانه ۲۴ میلیارد دلار درآمد نفتی در سال ۱۹۷۹ و با
ارائه چهره ای با ثبات از لحاظ سیاسی، موقعیت
ممتازی در معادلات منطقه ای به دست آورد.^(۵)

پس از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که براساس آن مرز
مشترک آبی در رودخانه اروندرود طبق قوانین
بین المللی خط تالوگ شناخته شد، رهبران عراق به
تجدیدنظر در سیاست خارجی خود پرداخته،
سیاست نزدیکی به کشورهای غربی به ویژه
کشورهای اروپایی را مورد توجه قرار دادند. رهبران
عراق با حفظ رابطه استراتژیک خود با شوروی، به
تقویت روابط با کشورهای غربی اقدام نمودند. در
این دوره فرانسه پس از شوروی، اصلی ترین
تأمین کننده سلاح های عراق بود از این رو در اواخر
دهه ۱۹۷۰ ارتش عراق به یکی از مجهزترین و
قوی ترین ارتش های منطقه مبدل شد.^(۵)

از آن جا که جنگ به عنوان یک پدیده بین المللی
بیشتر از قاعده بازی با حاصل جمع جبری صفر (برد-
باخت) پیروی می کند و منافع دیگران را تحت تأثیر

حامیان عراق در جنگ تحمیلی

الف) ابر قدرت ها

آمریکا

کشورهای زیادی در تسلیح و تجهیز رژیم صدام به سلاح های مرگ بار نقش داشتند؛ اما در این میان، دولت آمریکا بیشترین سهم را در مسلح کردن رژیم صدام و حمایت های سیاسی، اقتصادی و نظامی از این رژیم داشت. با آغاز جنگ در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، نگرانی ها و امیدهای بالقوه ای برای ایالات متحده مطرح شد که ناشی از موقعیت استراتژیک خلیج فارس و مطرح بودن منافع حیاتی برای این کشور در منطقه بود. یکی از

نگرانی های دولت کارتر، گسترش خشونت در منطقه و بروز اختلال در صدور بیش از ۶۰ درصد نفت مصرفی بود. نگرانی دیگر واشنگتن، برخورداری اتحاد شوروی از آزادی عمل دیپلماتیک بسیار بیشتری نسبت به آمریکا و افزایش نفوذ سیاسی آن کشور در

دولت آمریکا بیشترین
سهم را در مسلح کردن
رژیم صدام و حمایت های
سیاسی، اقتصادی و نظامی
از این رژیم داشت

منطقه بود. روس ها نه تنها با هر دو کشور درگیر روابط سیاسی داشتند و تأمین کننده اصلی سلاح های عراق به شمار می آمدند، بلکه به ایران نیز پیشنهاد فروش تسلیحات را داده بودند. در حالی که ایالات متحده با هیچ یک از طرفین درگیر، روابط دیپلماتیک نداشت.

برژینسکی، به عنوان مغز متفکر و تصمیم گیرنده آمریکا برای مقابله با ایران، در تیرماه ۱۳۵۹ برنامه مذاکره محرمانه مقامات عالی رتبه آمریکا و عراق را طراحی کرد. به گزارش نشریه نیویورک تایمز، هدف از این دیدار بحث و مذاکره درباره راه های هماهنگ کردن فعالیت های آمریکا و عراق در مخالفت با

احوال سیاسی، نظامی و اقتصادی منطقه، و هم به انگیزه بین المللی کردن منازعه و دخالت دادن دولت های ثالث و فشار بر ایران و محروم ساختن آن از درآمد نفت، تعمداً جنگ را به صحنه دریا کشاند و بر دامنه و شدت آن افزود؛ از منطقه ممنوعه بهره برد و از سلاح های ممنوعه نیز علیه کشتی های بی طرف استفاده کرد. از این رو، آسیب پذیری دولت های ثالث و بی طرف موضوعیت یافت و عملاً به دخالت دولت های ثالث و در نهایت مشارکت در جنگ به نفع عراق منجر گردید.

در ابتدای جنگ، قدرت های بزرگ به طور آشکار در جنگ درگیر نشدند؛ اما به مرور زمان ایالات متحده، فرانسه، آلمان، انگلیس، شوروی و چین به میزان کمک ها به عراق افزودند.^(۷) برای غرب و آمریکا، ایران دیگر یک متحد محسوب نمی شد و برای چین و شوروی نیز انقلاب اسلامی می توانست امنیت و ثبات را در اقطار مسلمان این کشورها برهم بزند.^(۸) سال ۱۹۸۲ بزرگ ترین نقطه عطف هم به لحاظ نظامی و هم به لحاظ سیاسی در جنگ عراق علیه ایران بود. در اواخر بهار، نیروهای ایرانی مناطق نزدیک به دزفول و شوش و همچنین شهر خرمشهر را که همه آنها از لحاظ استراتژیک اهمیت فوق العاده ای داشتند آزاد ساختند.^(۹) پس از فتح خرمشهر، قدرت های بزرگ به این نتیجه رسیدند که در صورت بی توجهی به جنگ ایران و عراق، این جنگ به تغییر رژیم بعث توسط نیروهای ایرانی و برهم خوردن توازن قدرت منطقه ای منجر خواهد شد. در چنین شرایطی قدرت های بزرگ به صورت آشکار حمایت شان را از رژیم بعث اعلام کردند. در همین دوران، ایالات متحده روابط سیاسی اش را با عراق که از جنگ بین اعراب - اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به بعد قطع شده بود، از سر گرفت. علاوه بر آن کشورهای بزرگ اروپایی و همچنین شوروی و چین به صورت آشکار، اطلاعات و کمک های نظامی را در اختیار رژیم صدام قرار دادند.^(۱۰) با افزایش کمک های بین المللی، عراق حوزه جنگ را در خلیج فارس و به پایانه های نفتی ایران در خارک گسترش داد.^(۱۱)

هماهنگی را در جهت حمایت از عراق، مسلح کردن کشورهای منطقه و تقویت حضور نظامی خود در آب های اقیانوس هند و خلیج فارس انجام داد. در این راستا، آمریکا نه تنها تجاوز عراق به خاک ایران را محکوم نکرد، بلکه دولت ریگان روابط فیمابین را با عراق تعمیق بخشید و وزارت امور خارجه آن کشور نام عراق را از فهرست کشورهای حامی تروریسم حذف کرد.^(۱۶) با این اقدام، ممنوعیت صادرات کالاهای آمریکایی به عراق برطرف شد. همزمان با آن، دولت ریگان به فروش سلاح به کشورهای حاشیه خلیج فارس اقدام کرد و به آنها اجازه داد این سلاح ها را در اختیار عراق قرار دهند. این اقدام دولتی، راه را برای دولت ریگان باز کرد تا اجازه صدور ۶ هواپیمای نظامی CBO , Lockheed را به عراق صادر کند.

اگر چه اجازه فروش این هواپیماها به منظور خطوط هواپیمایی کشوری (غیرنظامی) صادر شد، (اما) هواپیماهای مزبور، شکل غیرنظامی هواپیماهای نفربر نظامی C-130 است. در وضعیت مشابهی، چهارماه بعد، وزارت بازرگانی اجازه فروش ۶ فروند هواپیمای جت کوچک به عراق را صادر کرد که ۴ فروند آن واقعاً کاربردهای نظامی داشت. علاوه بر این، آمریکا از سیاست متحدان اروپایی خود از جمله فرانسه و انگلیس در زمینه تأمین تجهیزات نظامی عراق حمایت کرد و کشورهای ثروتمند عرب منطقه را به اعطای وام های کلان به بغداد تشویق نمود.

با پیروزی های بزرگ ایران در اواخر سال ۶۰ و بهار سال ۶۱، آمریکا با موضوع جنگ، حساس تر برخورد کرد و اعلام نمود نگران پیروزی ایران در جنگ با عراق است. وزیر دفاع آمریکا در این رابطه اظهار کرد: کشورش هر زمانی که صلاح بداند، از دوستان عرب خود در این جنگ پشتیبانی خواهد کرد.^(۱۷) در این مقطع، آمریکا کمک نظامی و تسلیحاتی به عراق را در صدر برنامه های خود قرار داد و وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد: کمک به عراق برای واشنگتن در جهان عرب منافع زیادی به همراه

سیاست های ایران بود. برژینسکی صدام را «نیروی متعادل کننده» امام خمینی تلقی می کرد. ملاقات محرمانه صدام و برژینسکی در مرز اردن به منزله «چراغ سبز آمریکا» به عراق برای آغاز جنگ بود و این تلقی را در صدام به وجود آورد که در صورت حمله به ایران مورد حمایت آمریکا قرار خواهد گرفت.^(۱۸)

در مارس ۱۹۸۱، حزب کمونیست عراق توسط صدام سرکوب شد. به دنبال این اقدام، رسانه های اتحاد شوروی پایان جنگ و خروج سربازان عراقی از ایران را خواستار شدند.^(۱۹) در همان ماه، وزیر امور خارجه آمریکا، الکساندر هیک، به کمیته روابط خارجی سنا اعلام کرد امکان بهبود روابط با بغداد را در نظر داشته باشند. به دنبال این اظهارات، وی فروش پنج هواپیمای بوئینگ به عراق و اعزام مشاور وزیر امور خارجه را برای مذاکرات به بغداد تأیید کرد.^(۲۰) آمریکا عراق را از فهرست کشورهای

حامی تروریسم بین الملل برداشت و ۴۰۰ میلیون دلار ضمانتنامه (وثیقه) را برای صادرات به عراق تمدید اعتبار کرد.^(۲۱)

موضع دولت کارتر در خصوص جنگ تحمیلی، اعلام بی طرفی بود، اما بی درنگ، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد: بی طرفی آن کشور دلیل بر بی تفاوتی نیست و ایالات متحده برای تضمین تداوم جریان نفت در مقابل تهدیدهای خارجی، از نیروهای نظامی استفاده خواهد کرد و در صورت درخواست کمک نظامی از سوی کشورهای منطقه به کمک آنها خواهد شتافت. بنابراین ایالات متحده برای رویارویی با هدف های ایران، اقدامات

ریگان پیشاپیش از نحوه
استفاده عراق از سلاح های
شیمیایی مطلع بوده و برای
موفقیت طرح های عملیاتی
عراق، جزییات مربوط به
تجمع نظامیان ایران را در
اختیار عراقی ها قرار داده بود

است. از جمله روزنامه نیویورک تایمز اخیراً اعلام کرده آمریکا در جریان جنگ ایران و عراق، اطلاعات جاسوسی را در اختیار بغداد قرار داده است و منبع خبر را گزارش مأموران پیشین سازمان اطلاعاتی وزارت دفاع آمریکا اعلام کرده است. این اطلاعات شامل جزئیات اطلاعات جاسوسی مربوط به تغییر و تحولات نظامی و حمله‌های هوایی و نقشه‌های جنگی ایران بوده است.^(۳۳) همچنین مطبوعات آلمان فاش کرده‌اند ریگان پیشاپیش از نحوه استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی مطلع بوده و برای موفقیت طرح‌های عملیاتی عراق، جزئیات مربوط به تجمع نظامیان ایران را در اختیار عراقی‌ها قرار داده بود. علاوه بر این، عراق بخش عمده‌ای از مواد و عوامل شیمیایی و بیولوژیک را در سال‌های جنگ از آمریکا وارد می‌کرد که این موضوع پس از بررسی کارشناسان سازمان ملل و در طی سال‌های اخیر روشن شده است.^(۳۴)

با گذشت زمان و آشکار شدن توانایی‌ها و قابلیت‌های نظامی نیروهای نظامی ایران، ریگان تأکید کرد: پیروزی ایران با منافع آمریکا مغایرت دارد و در همین راستا، اطلاعات نظامی جبهه‌های نبرد را توسط دولت عربستان در اختیار دولت عراق قرار داد. وی هم‌چنین، دولت‌های اروپایی و عرب را تشویق کرد به عراق اسلحه ارسال نمایند. در سال ۱۳۶۲ یک وام ۴۲۵ میلیون دلاری توسط آمریکا در اختیار دولت عراق قرار گرفت. طی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ سیل کمک‌های مالی خارجی به سوی عراق سرازیر شد. عربستان سعودی ۶ میلیارد دلار، اردن ۶۵ میلیون دلار، فرانسه ۶۰۰ میلیون دلار و آمریکا در دو مرحله ۹۵ میلیون دلار در اختیار عراق قرار دادند. در تمام این مدت ایران تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی، سیاسی و تسلیحاتی قرار داشت. آمریکا در همین سال از تمام متحدان اروپایی و غیروپایی خود خواست تا به ایران، سلاح نفروشد؛ و کشورهایی مثل کره شمالی را نیز تحت فشار قرار داد تا از فروش سلاح به ایران خودداری کنند.^(۳۵) با اعلام تحریم فروش سلاح به ایران کشورهایی

خواهد داشت. وی پس از آن با سفر به منطقه خلیج فارس با سران کشورهای عرب مذاکره نمود تا بتواند سلاح‌های بیشتری را به آنها بفروشد و آنها را برای افزایش کمک به عراق، ترغیب نماید.^(۳۸) شرایط ایجاد شده زمینه لازم را برای برقراری روابط دیپلماتیک و رسمی بین دو کشور ایجاد کرد.^(۳۹) وزارت خارجه آمریکا طرحی برای کمک به عراق تهیه کرد که براساس آن، در آذرماه ۱۳۶۱ مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار وام برای خرید برنج و گندم به عراق پرداخت شد و در مرحله بعد، یک میلیارد دلار دیگر نیز با شرایط بازپرداخت بسیار آسان، در اختیار عراق قرار داد.^(۴۰) به طور کل در این دوره، اقدامات آمریکا را برای تحت فشار قرار دادن ایران و کمک به عراق، به چهار بخش می‌توان تقسیم کرد:

۱. تقویت وضعیت اقتصادی عراق؛
 ۲. ایجاد محدودیت در منابع ارزی ایران؛
 ۳. اجرای عملیات استانچ با هدف جلوگیری از فروش سلاح به ایران؛
 ۴. ایجاد محدودیت در استخراج و فروش نفت ایران.^(۴۱)
- دولت آمریکا در اواخر سال ۱۳۶۲، روابط رسمی خود را با عراق به طور کامل برقرار کرد و با تصویب مجلس سنا اعطای کمک‌های ذیل را به عراق در صدر برنامه‌های خود قرار داد:
۱. تخصیص حدود یک میلیارد دلار برای خرید محصولات کشاورزی؛
 ۲. تصمیم بانک صادرات و واردات آمریکا برای ضمانت ۸۵ درصد از ۵/۷ میلیارد دلار مبلغی که برای ساخت خط لوله نفتی عقبه لازم بود؛
 ۳. حمایت آمریکا از قطعنامه‌های شورای امنیت برای محکومیت ایران؛ و
 ۴. حمایت شدید آمریکا از تحریم فروش تسلیحات به ایران.^(۴۲)

در این میان، ارائه کمک‌های اطلاعاتی و دانش مربوط به سلاح‌های شیمیایی از سوی آمریکا به عراق دارای اهمیت خاصی بود که اخیراً توسط برخی از مطبوعات و رسانه‌های آمریکا افشا شده

عراق در زمان جنگ، در مصاحبه ای اعلام کرد: اگر حمایت غرب نبود صدام نمی توانست جنگ علیه ایران را ادامه دهد. وی نقش آمریکا را در کمک به صدام چنین برمی شمرد:

۱. ارائه اطلاعات کامل نظامی که از طریق ماهواره ها و وسایل الکترونیک مختلف و منابع انسانی به دست می آمد؛

۲. تشویق کشورهای منطقه به اعطای کمک مالی بیشتر به عراق؛ و

۳. تحریم جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از دستیابی آن به تسلیحات و تجهیزات مدرن.^(۳۲)

در این خصوص، آژانس امنیت ملی ایالات متحده به طور منظم و مرتب اطلاعات و تصاویر ماهواره ای راجع به آرایش نظامی سربازان ایرانی را در اختیار عراق قرار می داد. در سال ۱۹۸۶ سیایک ارتباط مستقیم بین واشنگتن و بغداد ایجاد نمود تا اطلاعات جاسوسی، سریع تر از ماهواره های آمریکایی به عراق ارسال شود.^(۳۳) این اطلاعات جاسوسی به طور عمده به ارتش عراق کمک کرد تا در مقابل حملات نظامی ایران در ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ ایستادگی و مقاومت کند. در مراحل بعدی جنگ، نیروی دریایی ایالات متحده مستقیماً در خلیج فارس علیه واحدهای وابسته به نیروی دریایی و نظامی ایران وارد جنگ شد. بعلاوه در جولای ۱۹۸۸ (۱۲ تیر ۱۳۶۷)، ناو جنگی وینسنس ایالات متحده در فضای هوایی بین المللی هواپیمای مسافربری ایرباس ایران را هدف قرار داد که بر اثر آن تمام ۲۹۰ سرنشین آن به شهادت رسیدند.^(۳۴) آمریکا هرچند در طول جنگ، به طور غیرمستقیم عراق را در تمامی زمینه ها مورد حمایت سیاسی و نظامی قرار می داد، اما در سال ۱۹۸۸ به صورت مستقیم و آشکارا با ایران وارد نبرد شد. حمله به سکوها ی نفتی، ایجاد مزاحمت برای نفتکش های ایرانی و حمله به هواپیمای مسافربری ایران نمونه بارز آن بود. مداخله مستقیم نظامی ایالات متحده علیه ایران در سال ۱۹۸۸ نشان داد که واشنگتن حاضر نیست پیروزی ایران را در جنگ بپذیرد.^(۳۵)

مثل کره جنوبی تحت فشار قرار گرفتند تا از مبادله کالاهایی که توان جنگی ایران را افزایش می دهد خودداری کنند.^(۳۶) در دسامبر ۱۹۸۲، ناو هواپیمابر آمریکایی، ۶۰ فروند هلی کوپتر را به مقصد عراق حمل کرد. بعلاوه از این تاریخ تا پایان جنگ تحمیلی اداره اطلاعات ارتش آمریکا اطلاعات مربوط به آرایش نیروهای ایران در مرز و نقاط آسیب پذیر ارتش ایران در طول مرزها را در اختیار اداره اطلاعات ارتش عراق قرار می داد. آمریکایی ها همچنین اطلاعات جاسوسی را در اختیار عراقی ها قرار دادند، که البته برخی از آنها نیز گمراه کننده یا ناقص بود.^(۳۷)

همچنین در اکتبر ۱۹۸۳ دولت ریگان به اردن، عربستان سعودی، کویت و مصر اجازه داد تسلیحات نظامی آمریکایی را به عراق ارسال کنند که این امر تخطی از قانون کنترل صادرات اسلحه در سال ۱۹۷۶ بود.^(۳۸) در نوامبر ۱۹۸۳ شورای امنیت ملی ایالات متحده مستقیماً اعلام

داشت: «آمریکا باید هر کاری که قانونی و لازم است انجام دهد تا عراق را از شکست نجات دهد».^(۳۹) در نوامبر ۱۹۸۳ سیاست اداره امنیت ملی آمریکا بر آن قرار گرفت تا هر آن چه لازم باشد برای جلوگیری از شکست عراق در برابر ایران انجام دهد. همچنین براساس سفارش دولت آمریکا، شعبه بانک ناسیونال ایتالیا در ایالت آتلانتا، ۵ میلیارد دلار وام در اختیار عراق قرار داد تا آن دولت بتواند انواع ابزارهای نظامی را از آمریکا خریداری کند.^(۴۰) حمایت های اقتصادی آمریکا از عراق از سال ۱۳۶۳ روند صعودی پیدا کرد.^(۴۱) در مورد این حمایت ها و فیک سامرایی، رئیس استخبارات نظامی

براساس پیمان دوستی

بغداد - مسکو که در سال

۱۹۷۲ منعقد گردید، شوروی

متعهد شد سالانه ۱/۵ میلیارد

دلار تجهیزات نظامی به

عراق تحویل دهد

مانده که قرار بود پیش از اعلام تحریم اقتصادی به ایران ارسال شود جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر آمریکا با فشار مستمر بر چین، خواستار پایان بخشیدن به ارسال سلاح از سوی این کشور به ایران شد.^(۳۷)

با بررسی نحوه برخورد آمریکا در جنگ ایران و عراق، به نظر می‌رسد این کشور با چنین عملکردی، به دنبال تحقق اهداف ذیل بوده است:

۱. جلوگیری از پیروزی ایران یا عراق؛
 ۲. جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی ایران به کشورهای همسایه؛
 ۳. جلوگیری از بهره‌برداری احتمالی شوروی از تحولات آینده منطقه؛
 ۴. ایجاد یک جبهه متحد از اعراب در مقابل ایران؛
 ۵. حفظ جریان آزاد نفت خلیج فارس و تسلط بر این منطقه؛
 ۶. کاهش احساسات انقلابی حکومت و مردم ایران؛
 ۷. زمینه‌سازی برای سرکوب ایران به وسیله سازمان ملل؛
 ۸. جلوگیری از گسترش جنگ به کشورهای منطقه؛ و
 ۹. مهار ایران و جلوگیری از ورود تسلیحات استراتژیک و موشک‌های دوربرد به این کشور.^(۳۸)
- در اینجا به برخی از کمک‌های دولت آمریکا به عراق در خلال دوره جنگ تحمیلی، که از سوی رسانه‌های غربی فاش شده، اشاره می‌کنیم. بدون شک سهم دولت آمریکا در مسلح کردن رژیم صدام بیش از این بوده است:



می‌توان گفت از زمان روی کار آمدن دولت ریگان در سال ۱۹۸۱، همه ادعاهای بی‌طرفی آمریکا در قبال جنگ عراق علیه ایران نادیده گرفته شده است. مطابق حقوق بین‌الملل، چنین اقدامات و فعالیت‌هایی نقض آشکار اصول بی‌طرفی است.^(۳۶) در پی ناکامی عراق در دستیابی به اهدافش در جنگ با ایران، این کشور استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در جبهه‌ها تشدید کرد. دولتمردان آمریکا استفاده عراق از گاز خردل را تلاش برای دفع حملات موج انسانی ایران قلمداد می‌کردند. ایالات متحده برای رد گم کردن و نپذیرفتن تبعات منفی استفاده عراق از تسلیحات غیرمتعارف، سعی داشت نشان دهد شوروی تأمین‌کننده اصلی این سلاح‌ها برای عراق است.^(۳۶)

در سال ۱۳۶۶ تصمیمات جدیدی در خصوص تحریم اقتصادی ایران از سوی دولت آمریکا اعلام شد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت هرگونه وادرات نفت خام از جمهوری اسلامی ایران و نیز خودداری از پذیرش هرگونه واردات دیگر از این کشور بود. ریگان همچنین اعلام کرد: ایالات متحده اقدامات مربوط به جلوگیری از رسیدن کالاهای حساس به ایران را تشدید نموده و از صدور اکثر کالاهای باقی

این کشور در سال ۱۹۷۶ پس از ناامیدی از حمایت مسکو در رویارویی با ایران و آمریکا، قراردادی را با فرانسه منعقد کرده بود که به او کمک می کرد تا ساختار ارتش وابسته به شوروی را به تدریج تغییر دهد و تنوع بیشتری در منابع تسلیحاتی خود ایجاد نماید.

به دنبال آن، در اوائل سال ۱۹۷۷ خرید هواپیماهای میراژ و طرح خرید یک نیروگاه هسته ای از فرانسه به بروز مشاجراتی بین بغداد و مسکو منجر شد. از سوی دیگر، روابط نزدیک با اردن، ایجاد روابط حسنه با عربستان سعودی و مهم تر از همه متلاشی کردن حزب کمونیست عراق و اعدام بیش از صد نفر از اعضای آن و محکومیت شدید تجاوز شوروی به افغانستان، همگی گویای تیرگی روابط بین بغداد - مسکو بود. با این حال، این اختلافات به قطع کامل روابط بین دو کشور نیانجامید و هر دو دولت تلاش کردند مناسبات خودشان را حفظ کنند. عراق به سبب وابستگی ساختاری ارتش و نیازمندی به تسلیحات و ادوات نظامی، به قطع کامل روابط با شوروی قادر نبود و مسکو نیز تمایلی به از دست دادن تنها متحد خود در حاشیه خلیج فارس نداشت، مگر اینکه متحدی با موقعیت جغرافیایی بهتر و دربردارنده منافع بیشتر - مثل ایران - جایگزین آن شود.

با حمله عراق به ایران، شوروی فوراً صدور سلاح را به عراق متوقف کرد، چرا که در اینباره مورد مشورت قرار نگرفته بود. وقوع جنگ عراق علیه ایران، سیاست خارجی شوروی را در موقعیت ناخوشایندی قرار داد. مسکو در پشتیبانی از متحد سر به عصیان گذاشته اش دچار تردید گردید. حمایت از عراق می توانست زمینه های هر گونه بهبود مناسبات با بزرگ ترین کشور منطقه را از بین برده، ایران را به جهت نیازمندی های تسلیحاتی و تدارکاتی بار دیگر به آغوش آمریکا بازگرداند. از سوی دیگر، پشتیبانی از انقلابی که منافع شوروی را در منطقه تهدید می کرد، به از دست رفتن تنها متحد مسکو در حاشیه خلیج فارس منجر می شد، بدون

(۱) در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۳ دونالد رامسفلد، نماینده ویژه ریگان در بغداد، طی دیدار با صدام به وی اطمینان داد آمریکا سیاست دوستی با عراق را در پیش گرفته و از هر نوع حمایت از آن کشور به خصوص در زمینه تأمین تجهیزات نظامی دریغ نخواهد کرد.^(۳۹)

(۲) در می ۱۹۸۶ اداره صدور جواز صادرات آمریکا اجازه داد تا هفتاد بسته از مواد بیولوژیک نظامی (میکروبی) به عراق صادر شود. تا سال ۱۹۸۹ مجموعاً ۲۱ محموله از گازهای مرگ آور که مهم ترین آنها میکروب سیاه زخم بود، به رژیم صدام تحویل داده شد. همچنین در آوریل و سپتامبر ۱۹۸۸ آمریکایی ها مقدار زیادی گازهای کشنده و میکروبی مانند گاز خردل و میکروب سیاه زخم را به عراق صادر کردند. در همین زمان «ریچارد مورفی» معاون وزارت خارجه آمریکا اظهار داشت: رابطه آمریکا و عراق بسیار مهم است و در زمینه های سیاسی و اقتصادی استمرار خواهد داشت.

(۳) در دسامبر ۱۹۸۸ دولت آمریکا، مواد حشره کش زیادی که می توانست برای ساخت سلاح شیمیایی به کار گرفته شود به ارزش ۷۵ میلیون دلار به عراق فروخت.

(۴) در ژوئیه ۱۹۹۹ هنگامی که کویت به کمک آمریکا و متحدانش از چنگال ارتش صدام آزاد گردید، روزنامه فاینشال تایمز چاپ لندن فاش کرد که شرکت فلوریدا کمیکال در مدت ۸ سال جنگ عراق علیه ایران، گاز سیانور به عراق فروخته است. (۵) در اوت ۲۰۰۲، کلنل والتر لانگ، افسر پیشین اطلاعات ارتش آمریکا، در مصاحبه با نیویورک تایمز اظهار داشت: گازهای سمی که ما به عراق دادیم برای از بین بردن ناامیدی سربازان ارتش صدام و دادن اطمینان به آنها برای پیروزی در مقابل ایران بود.

شوروی

براساس پیمان دوستی بغداد-مسکو که در سال ۱۹۷۲ منعقد گردید، شوروی متعهد بود سالانه ۷۵ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به عراق تحویل دهد.

حملات ایران به داخل خاک عراق، روس‌ها ناگهان تغییر رویه داده، در حمایت علنی از عراق حمله ایران را شدیداً محکوم کردند. به دنبال آن، مسکو برای برقراری توازن در جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران، کمک مالی و تسلیحاتی خود را به عراق افزایش داد و یک کمک ۷۵ میلیارد دلاری در اختیار بغداد قرار داد. در ادامه این کمک‌ها، میگ‌های ۲۳ و ۲۵ و تانک‌های تی ۷۲ و موشک‌های زمین به زمین و زمین به هوا و سیل جنگ‌افزارهای مختلف روسی به عراق سرازیر شد و دو هزار مستشار شوروی برای تقویت روحیه ارتش عراق که بسیار ضعیف شده بود، به فعالیت پرداختند.^(۳۱)

پس از این که روس‌ها از داشتن روابط مطمئن از سوی ایران ناامید شدند، حمایت تسلیحاتی عراق را از سر گرفتند

مسکو نگران بود کمک‌های گسترده تسلیحاتی غرب به عراق برای رویارویی با ایران، موجب تغییر ساختار نظامی و سیستم ارتش عراق شده، آهنگ غرب‌گرایی همه جانبه را در آن کشور تشدید کند. علاوه بر این، روس‌ها نگران پیروزی

ایران در جنگ با عراق، تنها متحد خود در حاشیه خلیج فارس بودند.

دستگیری اعضای حزب توده ایران در سال ۱۹۸۳ به اتهام جاسوسی برای شوروی و دستور اخراج هجده نفر از دیپلمات‌های روسی، بر تیرگی روابط ایران و شوروی افزود. شوروی، اعدام اعضای فعال حزب توده در ارتش ایران را شدیداً مورد انتقاد قرار داد و جاسوس بودن آنان را تکذیب کرد. به دنبال تیرگی روابط شوروی و ایران، این کشور روابطش را با عراق تعمیق بخشید. در آغاز سال ۱۹۸۴ موافقتنامه اعطای یک وام بلند مدت ۲ میلیارد دلاری بین دو کشور به امضا رسید و مسکو

اینکه چشم‌انداز روشنی از ظرفیت نفوذ ابرقدرت شرق در ایران وجود داشته باشد.

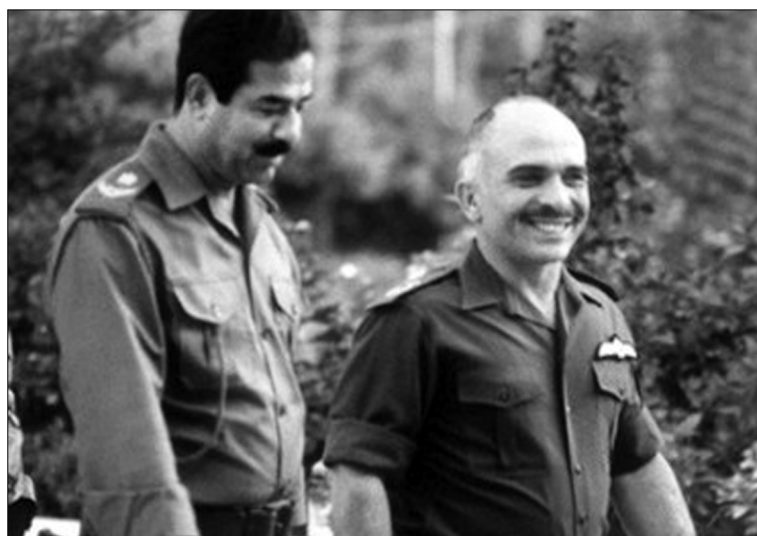
افزون بر این، از نظر مسکو، پیروزی هر کدام از طرفین در جنگ، نتایج نامطلوبی به بار می‌آورد. پیروزی عراق، نتیجه‌ای جز فروپاشی حکومت و شکست انقلاب ایران در پی نداشت که این امر نیز به تثبیت موقعیت آمریکا در ایران و منطقه منجر می‌گشت. پیروزی ایران نیز انقلاب اسلامی را به چنان نیرویی مبدل می‌ساخت که توازن موجود را در منطقه خاورمیانه بر هم می‌زد و مانعی جدی بر سر راه نفوذ شوروی در منطقه به وجود می‌آمد که با تحریک مسلمانان جمهوری‌های مسلمان‌نشین، امنیت ملی آن کشور را در معرض تهدید قرار می‌داد. بنابراین، سیاست شوروی در برابر جنگ عراق علیه ایران باید مجموعه‌ای از آینده‌نگری‌ها، مصالح و هدف‌های کوتاه و بلند مدت را شامل می‌شد تا می‌توانست حداکثر استفاده و حداقل زیان را برای آن کشور به دنبال داشته باشد.

چنین اهداف متناقضی باعث شد کرملین سیاست دوگانه و پرنوسانی را در برابر جنگ ایران و عراق در پیش گیرد. با آغاز جنگ، دولت شوروی موضع بی‌طرفی خود را اعلام کرد و برای حفظ بی‌طرفی خود در جنگ و جلب توجه ایران، فرستادن تسلیحات به عراق را معوق و معطل گذاشت. اما برای جلوگیری از رنجش دولت عراق، متحدان خود را در اروپای شرقی تشویق کرد نیازهای عراق را برطرف سازند. به دنبال این امر، کشورهای بلغارستان، چکسلواکی سابق و لهستان به تأمین‌کننده عمده سلاح برای عراق تبدیل شدند.^(۴۰)

موضع شوروی پس از آغاز جنگ

پس از این که روس‌ها از داشتن روابط مطمئن از سوی ایران ناامید شدند، حمایت تسلیحاتی از عراق را از سر گرفتند، اما در شرایطی که عراق در موضع تهاجمی قرار می‌گرفت، مسکو حمایت تسلیحاتی از بغداد را محدود می‌کرد. در ژوئیه ۱۹۸۲ با آغاز

مصاحبه ای اظهار داشت: «تا زمانی که ایران معتقد باشد می تواند از طریق نظامی بر عراق چیره شود، مسکو روش خود را تغییر نخواهد داد و هیچگونه تردیدی برای تأمین اسلحه عراق به خود راه نمی دهد.» همچنین مسئول سیاسی امور خاورمیانه در حزب کمونیست شوروی، اظهار داشت: «شوروی ارسال سلاح به عراق را به خاطر بازگرداندن موازنه نظامی و سیاسی میان ایران و عراق از



سرگرفت. ایرانیان امیدهای زیادی به برتری قدرت نیروی انسانی خود دارند و ممکن است این برتری به توازن نظامی اخلاص وارد آورد. از این رو شوروی ارسال سلاح به عراق را آغاز کرده و این کار همچنان ادامه دارد».^(۴۵)

به هر حال در حالیکه شوروی با توسل به انواع ترفندها، در هر دو کشور ایران و عراق نفوذ می کرد، بزرگ ترین فروشنده تسلیحات به عراق محسوب می شد. جالب اینکه وقتی عراق در مرحله اول جنگ در حالت تهاجمی قرار داشت، شوروی کشتی های جنگی اش را از راه عراق برگرداند و تسلیحات را برای عراق مهیا نکرد.^(۴۶) در واقع، این اقدام برای حفظ موازنه نظامی میان ایران و عراق صورت پذیرفت.

به هر حال خاورمیانه از منظر استراتژیک و توازن قوای جهانی برای شوروی بسیار مهم بود. فروش جنگنده بمب افکن های سوخو-۲۴ به عراق، نشان داد که شوروی به سیاست توازن قوا و پی گیری آن در خاورمیانه اهمیت زیادی قائل است.^(۴۷) فروش تسلیحات شوروی بین سال های ۱۹۸۸-۱۹۸۶ به عراق حدود ۹۳ میلیارد دلار بود که شامل ۲۰۰۰ دستگاه تانک شامل ۸۰۰ تانک تی ۷۲، ۳۲۰

میزان خرید نفت خود را از عراق افزایش داد و تعهد نمود در برابر نفت، تجهیزات نظامی در اختیار آن کشور قرار دهد.^(۴۸)

اتحاد جماهیر شوروی بعد از پیروزی ایران در شلمچه (عملیات کربلای پنج)، بیش از پیش بر کمک های تسلیحاتی خود به عراق افزود. واگرایی میان عراق و آمریکا و همچنین سردی روابط اعراب و آمریکا که از ماجرای مک فارلین ناشی می شد، زمینه مناسبی را برای مسکو به وجود آورد تا خود را حامی اصلی عراق نشان دهد و نزدیکی به اعراب را نیز به عنوان یک مسئله مهم در سیاست خارجی منطقه ای اش دنبال کند.

استراتژی شوروی در حمایت از عراق که از سال ۱۳۶۱ هجری شمسی و پس از اقدام ایران در ورود به خاک عراق اتخاذ شد، به نوعی در مقابل اقدامات نظامی ایران بی اثر شده بود؛ لذا دولتمردان مسکو برای جلوگیری از کاهش اعتبار سیاسی و کارآمدی تسلیحات روسی، برای ارسال انواع تسلیحات پیشرفته روسی به عراق مصمم شدند.^(۴۹)

در بهمن ۱۳۶۶/ژانویه ۱۹۸۷ رئیس هیئت شوروی در سازمان ملل اعلام کرد: «کشورش فعالانه عراق را تقویت می کند.»^(۵۰) وی طی

بر ایران و تهدید جریان فروش نفت و محدود ساختن منابع ارزی ایران، فرانسه هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک اگزوست را به عراق فروخت. این روند پس از عملیات بدر با فروش میگ ۲۵ از طرف روس ها ادامه یافت و پس از عملیات کربلای پنج، سلاح های شیمیایی با کیفیت بهتر همچون سیانور به عراق داده شد.^(۴۹)

در حقیقت، تحولات نظامی عراق از توان داخلی آن کشور ناشی نمی شد، بلکه قدرت های بزرگ، اصلی ترین عامل در تجهیز و تقویت عراق بودند. عراق به عنوان یک کشور توسعه نیافته در آغاز

جنگ، فاقد فناوری پیشرفته نظامی بود اما در طول جنگ، از انواع سلاح ها و ادوات نظامی پیشرفته که دارای جدیدترین فناوری ها بودند، بهره مند شد.

این در حالی بود که چند دفتر وزارتی و شرکت های دولتی ایران در کشورهای غربی، به ویژه انگلستان به بهانه خرید سلاح

برای ایران بسته شد. از سوی دیگر، آمریکا ایران را به طور کامل تحریم اقتصادی کرد و حتی دولت سوئد برای جلوگیری از فروش قایق موتوری با ظرفیت پایین، به جمهوری اسلامی فشار زیادی به شرکت های سوئدی و مراکز ایرانی در سوئد وارد آورد.^(۵۰)

کشورهای اروپایی که در آغاز جنگ چنان سکوت کرده بودند که مجله نیویورک تایمز آن را «سکوت پرمعنای اروپا» نامیده و درباره آن نوشته بود: «این مسئله عجیب است که چگونه اروپاییان در برابر تهاجم عراق به ایران ساکت نشسته اند و حال آنکه واردات نفت آنان که در امنیت شان بسیار حائز

فروند جنگنده، ۳۰۰ فروند موشک زمین به زمین و موشک های اسکاد B و اس - اس ۱۲ بود که تقریباً تمام این تسلیحات از طریق اردن و بنادر این کشور وارد عراق می شد.^(۴۸)

به این ترتیب، سیاست شوروی از سال ۱۹۸۶ یعنی پس از فتح فاو تا پذیرش قطعنامه، بیانگر عزم این کشور برای تأمین تسلیحات عراق بوده، به میزانی که این کشور شرایط جنگ را در زمین به نفع خود تغییر دهد و ایران را به پذیرش قطعنامه وادار سازد. غرب و کشورهای عرب منطقه نیز در چنین تحلیل هایی با شوروی هم عقیده بودند. از این رو در این دوره شاهد بزرگ ترین خریدهای نظامی یک کشور جهان سومی درگیر در یک مناقشه نظامی هستیم. از طرف دیگر، فروش موشک های دوربرد و همچنین هواپیماهای پیشرفته میگ ۲۹ و ۳۱ به عراق، این امکان را برای بغداد فراهم کرد که جنگ شهرها را با شدت هر چه بیشتر که تا قبل از آن سابقه نداشت، ادامه دهد. این اقدام، فشار فوق العاده زیادی را بر جمهوری اسلامی وارد کرد. اوج جهت گیری سیاست شوروی به نفع عراق، پاسخ مثبت به درخواست کویت مبنی بر نصب پرچم شوروی بر روی نفتکش های این کشور در خلیج فارس بود. شوروی با این اقدام، بهره برداری از ماجرای ایران گیت و نزدیک شدن به اعراب را دنبال می کرد. آنها همچنین در صدد برآمدن ناوگان جنگی خود را در خلیج فارس تجهیز کنند.

ب) قدرت های بزرگ

هم زمان با تحولاتی که با پیروزی های ایران در جبهه های جنگ حاصل شد، نظام جهانی به تجهیز و تقویت توان نظامی عراق مبادرت کرد. به عنوان مثال، پس از آن که آشکار شد عراق توان پیشروی در خاک ایران را ندارد، فرانسه در بهمن ماه ۱۳۵۹ به فروش هواپیماهای میراث به عراق اقدام کرد. هم چنین پس از آن که توان نظامی ایران در طراحی عملیات خیر مشخص شد، سلاح های شیمیایی در حد گسترده به عراق فروخته شد و برای فشار بیشتر

فروش تسلیحات

شوروی بین سال های

۱۹۸۸-۱۹۸۶ به عراق

حدود ۹/۳ میلیارد دلار بود

دریافت داشت. این در حالی بود که آلمان از تحویل سه ناوچه ایرانی خریداری شده پیش از انقلاب خودداری می کرد.^(۵۲)

این کمک های تسلیحاتی به همراه وام های کوتاه مدت و بلند مدت، در طول سال های جنگ تحمیلی به سوی عراق سرازیر شد. در سال ۱۹۸۲ فرانسه بالغ بر ۴۰ میلیارد فرانک سلاح به عراق فروخته بود و این کشور در ردیف دوم فروشندگان تسلیحات به عراق بعد از شوروی قرار داشت. در سال ۱۹۸۳ فرانسه جنگ افزارهایی به ارزش ۵/۶ میلیارد دلار به عراق فروخت و هواپیماهای سوپراتاندارد را به همراه موشک های آگروسه به این کشور تحویل داد. همچنین پاریس در سال های ۸۶ - ۱۹۸۵ حدود ۵ میلیارد دلار وام در اختیار بغداد گذاشت و به این ترتیب به بزرگترین شریک اروپایی عراق تبدیل شد.^(۵۳) همزمان با این اقدامات، پاریس همواره از پرداخت بدهی یک میلیارد دلاری خود به ایران طفره رفت و در تمام سال های جنگ از فروش کالاها و سلاح هایی که توازن جنگ را به نفع ایران تغییر دهد، خودداری ورزید.

با عدم کارایی استراتژی دفاع متحرک در نتیجه شکست فاو و بازپس گیری سریع مهران توسط نیروهای ایرانی، تحلیل گران نظامی شرقی و غربی متقاعد شدند چنانچه عراق شیوه استراتژی خود را از دفاع متحرک به یک موضع آفندی تغییر ندهد امکان شکست های بعدی نیز فراهم خواهد شد؛ در نتیجه آن و احساس خطری که شرق و غرب از امکان پیروزی ایران داشتند فروش همه جانبه تسلیحات از هر نوع آن - غیر از هسته ای - به عراق شروع شد. در این زمینه در کمتر از دو سال، فرانسه به تنهایی ۵/۶ میلیارد دلار از جمله هواپیماهای جنگی، هلیکوپتر، تانک، توپ، موشک های هوا به زمین و تجهیزات الکترونیکی به عراق فروخت. اسپانیا نیز خودروهای سبک و سنگین نظامی به عراق فروخت و برزیل نفربرهای زرهی که با تجهیزات نیروی دریایی ایتالیا و تانک های چیفتن انگلیسی تکمیل می شد در اختیار رژیم بعث قرار داد.^(۵۴)

اهمیت می باشد متکی به امنیت منطقه است.^(۵۱) با وجود این، با آغاز حملات ایران و چرخش نتیجه جنگ به سود نیروهای ایرانی آنها به حمایت گسترده از عراق پرداخته و با ارسال کمک های تسلیحاتی و اقتصادی کوشیدند از شکست عراق جلوگیری کنند. برای رویارویی با این خطر، که ژیسکاردستن، رئیس جمهور فرانسه، آن را نیروی بنیانی می نامید، سیل کمک های نظامی و مالی دولت های اروپایی به سوی عراق سرازیر شد. عراقی ها به زودی تسلیحاتی را از کشورهای عضو پیمان ورشو، چین، مصر، کره شمالی و به ویژه فرانسه دریافت نمودند. در فوریه سال ۱۹۸۱

درست چهارماه پس از آغاز جنگ، سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه اعلام کرد: فرانسه ۶۰ فروند هواپیمای میراژ از نوع اف-۱ را در ادامه اجرای قرارداد سال ۱۹۷۷ به عراق ارسال داشته است. در همین سال صدور مواد غذایی از سوی شرکت های فرانسوی به عراق به

۴/۷ میلیارد دلار بالغ گردید. همزمان با کمک های فرانسه، ایتالیا اجازه فروش ۱۱ فروند کشتی جنگی و یک لنگرگاه شناور نفتی را به ارزش ۷/۸ میلیارد دلار به عراق صادر کرد. انگلستان نیز در طول سال ۸۲ - ۸۱ با انعقاد چند قرارداد عمده، مقدار زیادی سلاح در اختیار عراق قرار داد. در مارس ۱۹۸۲ انگلیس موافقت خود را برای تحویل تانک به عراق به ارزش یک میلیارد دلار اعلام داشت. در کنار آن، لندن مذاکره درباره فروش ۳۰۰ هواپیمای هاوک به عراق را به مبلغ ۲ میلیارد دلار با بغداد از سر گرفت. در همین سال، آلمان غربی نیز سفارشی به مبلغ ۴ میلیارد مارک برای خرید ضد هوایی رونالد از عراق

اوج جهت گیری سیاست
شوروی به نفع عراق، پاسخ
مثبت به درخواست کویت
مبنی بر نصب پرچم شوروی
بر روی نفتکش های این
کشور در خلیج فارس بود

به عربستان سعودی تحویل داد و یک قرارداد ۱۴ میلیارد دلاری برای تحویل تجهیزات نظامی نیروی دریایی با آن کشور منعقد کرد. همچنین با فروش تسلیحات به کویت، عمان و امارات متحده عربی در سال‌های بین ۸۶ - ۱۹۸۲ به سومین صادر کننده سلاح در جهان تبدیل شد.^(۵۸) انگلستان نیز در این سال‌ها قراردادهای فروش هواپیماهای جنگنده، تانک و خودروهای زرهی را با کشورهای حاشیه خلیج فارس امضا کرد و برای حفظ نفوذ سنتی خود در منطقه بیش از پیش کانون فعالیت خود را در عمان متمرکز نمود.^(۵۹) نتیجه اینکه اروپا در طول جنگ ایران و عراق، نه

تنها درآمدهای سرشاری از فروش سلاح و تجهیزات نظامی به عراق (سلاح‌های غیر استراتژیک) و کشورهای منطقه به دست آورد، بلکه توانست در حفظ ثبات و امنیت منطقه با آمریکا سهیم گشته، از سلطه مطلق آن کشور بر ابزار استراتژیک نفت جلوگیری کند.^(۶۰)

آلمان و انگلیس نیز مرکز تولید گازهای جنگی و موشک‌های دورپرواز را در نزدیکی سامراء و سلمان پاک ایجاد کردند. کنت تیمرمن در کتاب سوداگری مرگ می‌نویسد: «انگلیسی‌ها با استراق سمع در دفتر خرید تسلیحات ایران در لندن اطلاعات دریافتی را در اختیار عراق قرار می‌دادند».^(۶۱) با توجه به چنین حجم تسلیحاتی که به عراق داده شد، ماشین جنگی این کشور در مدت کمتر از دو سال دو برابر شد و عراق توانست میزان نیروی زمینی خود را از ۲۶ لشکر به ۴۵ لشکر در ۱۹۸۸ افزایش دهد.^(۶۲) بر طبق گزارش عراق به سازمان ملل متحد، مواد

طی دوره جنگ تحمیلی، نیروی هوایی عراق توسط متخصصان فرانسوی تجدید سازمان شد و از اوایل سال ۱۹۸۰ حدود ۶۰ فروند هواپیمای میراژ ۱۰۰ تحویل بغداد گردید و مذاکراتی برای خرید هواپیمای میراژ ۲۰۰۰، هلی‌کوپتر، موشک و تجهیزات دریایی نیز صورت گرفت. همچنین این کشور با ارسال جنگنده‌های سوپراتاندارد و موشک‌های آگوزوست در نوامبر ۱۹۸۳ به جاه طلبی‌های صدام کمک شایانی نمود. این اقدام به او اجازه داد تا به کشتی‌های ایرانی در خلیج فارس و جزیره خارک حمله کند.^(۵۵) فرانسه همچنین در ساختن مرکز تولید سلاح هسته‌ای در نزدیکی بغداد به رژیم صدام کمک کرد؛ براساس گزارش‌های موجود، فرانسه بالغ بر ۹ میلیارد دلار تسلیحات کیفی در اختیار عراق قرار داد.^(۵۶) کمک‌های خارجی فرانسه به عراق به جایی رسید که فرستاده حکومت فرانسه در زمان ریاست جمهوری «والری ژیسکاردستن» به عراق آمد و با وزیر دفاع وقت «عدنان خیرا...» ملاقات نمود و به او اطلاع داد که «فرانسه به طور جدی زمینه‌های اعطای یک بمب اتمی به عراق را بررسی می‌نماید. می‌توان برای مجبور کردن ایران به متوقف کردن جنگ این بمب را به هدف مشخصی پرتاب نمود».^(۵۷)

علاوه بر فرانسه، کشورهای دیگر اروپایی نیز معاملات زیادی در زمینه‌های نظامی، مالی و اقتصادی با عراق انجام دادند تا جایی که عراق در طول جنگ به یکی از بزرگ‌ترین مشتریان غرب تبدیل شد و دولت‌هایی مثل انگلستان، اتریش و تا اندازه‌ای آلمان توانستند نفوذ اقتصادی زیادی در عراق به دست آورند. جنگ عراق علیه ایران فرصت مناسبی را در اختیار کشورهای اروپایی گذاشت تا با فروش تسلیحات بسیار پیشرفته به دولت‌های حاشیه خلیج فارس که از گسترش جنگ در هراس بودند، علاوه بر به دست آوردن درآمد سرشار و بهبود اقتصاد داخلی، موقعیت خود را در منطقه تثبیت کنند. به دنبال آغاز جنگ در سال ۱۹۸۰، پاریس ۴ رزمناو ۲۰۰۰ تنی و ۲۴ هلی‌کوپتر جنگنده را

در سال ۱۹۸۲، فرانسه
بالغ بر ۴۰ میلیارد فرانک
سلاح به عراق فروخته بود
و این کشور در ردیف دوم
فروشنده تسلیحات
به عراق بعد از شوروی
قرار داشت

۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار به صورت قرض یا وام بلاعوض در اختیار عراق قرار دادند. بعدها، پس از بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقام های عراقی مبنی بر «جنگ با ایران به تنهایی»، ابوغزاله، معاون اسبق رئیس جمهور و وزیر دفاع مصر، ادعای عراق را به عنوان یک دروغ بزرگ تعبیر کرد و گفت: «تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند». فهد پادشاه عربستان نیز در سخنانی اظهار کرده بود، «اگر عراق می گوید افرادش را فدا کرده است، ما نیز با پول، سلاح های پیشرفته و همکاری بین المللی در این فداکاری (!) سهمیم بوده ایم».^(۶۴)

هم زمان، «شیخ الصباح» سفیر کویت در آمریکا نیز در پاسخ به اظهارات عراقی ها اعلام نمود: «کویت ۱۴ میلیارد دلار کمک نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت کرده است؛ کویت در زمان جنگ بیش از نیاز نفت صادر می کرد تا به صدام در جنگ کمک کند». بعدها کویتی ها اذعان داشتند، افزون بر کمک های مالی، پایگاه نیروی هوایی در اختیار عراق قرار دادند که همین امر به عراقی ها برای حمله به جزیره خارک، پایانه های نفتی ایران و نفت کش ها کمک شایانی کرده بود.^(۶۵)

کویت در اواخر سال ۱۹۸۱ یک کمک مالی ۷ میلیارد دلاری در اختیار عراق قرار دارد. به دنبال آن، عربستان سعودی ۳ میلیارد دلار، امارات عربی ۱ میلیارد دلار و قطر ۵۰۰ میلیون دلار به عراق کمک کردند. بغداد به کمک این دلارها یک قرارداد تسلیحاتی با فرانسه به مبلغ ۷۵ میلیارد دلار، قراردادی برای تحویل تانک با انگلستان به ارزش یک میلیارد دلار و قراردادی با لهستان برای تحویل تانک های روسی منعقد ساخت.^(۶۶)

نگاهی به وام ها و کمک های اقتصادی دولت کویت به عراق در طی سال های جنگ نشان می دهد که کویت یکی از عمده ترین وام دهندگان به عراق بوده است. کارشناسان، هزینه جنگی عراق را ماهانه بین ۶۰۰ میلیون تا یک میلیارد دلار برآورد می کردند؛

لازم برای تولید سلاح های شیمیایی از شرکت هایی از آمریکا، آلمان غربی، انگلستان، فرانسه و جمهوری خلق چین تهیه شد بود. در دسامبر ۲۰۰۲ در گزارشی ۱۲۰۰ صفحه ای، نام شرکت های شرقی و غربی و از جمله اشخاصی که در مجموع ۱۷۶۰۲ تن مواد شیمیایی را در طول دو دهه در اختیار عراق گذاشته بودند، فاش شد. سنگاپور با ۴۵۱۵ تن، هلند با ۴۲۶۱ تن، مصر با ۲۴۰۰ تن، هندوستان با ۲۳۴۳ تن و آلمان فدرال با ۱۲۰۷ بیشترین ذخیره مواد خام را برای تولید سلاح های شیمیایی در اختیار عراق قرار داده بودند. شرکت هندی، اگزومت پلاستیک که اکنون بخشی از EPC می باشد ۲۲۹۲ تن از مواد پیش نیاز را به عراق صادر کرد. شرکت الخلیج شیمی که در سنگاپور قرار دارد و متعلق به سرمایه داران اماراتی می باشد، بیشتر از ۴۵۰۰ تن پیش نیازهای گازهای VX، سارین و خردل به همراه وسایل تولید آن را به عراق فرستاد. صدام در دادگاه دسامبر ۲۰۰۶ اظهار داشت: «با افتخار!! مسئولیت هرگونه حمله با سلاح های متعارف یا شیمیایی را بر ضد ایران به عهده می گیرد».^(۶۷)

ج) کشورهای منطقه و سایرین

این واقعیت که کمک های تسلیحاتی و اطلاعاتی کشورهای عربی به عراق در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران اگر از کمک های نظامی کشورهای غربی و اروپایی بیشتر نبوده کمتر هم نبوده است، بر هیچ کس پوشیده نیست. بی شک بررسی میزان این کمک ها و پرداختن به امار و ارقام موجود در این زمینه از واقعیت های تلخی پرده بر می دارد که گذشته از هر چیز میزان اعمال نفوذ و فشار آمریکا و سایر قدرت های بزرگ بر کشورهای عربی را عیان می کند.

کشورهای عربی به ویژه کویت و عربستان با ارسال کمک های مالی و نظامی به عراق بخشی از هزینه های این کشور را در دوران جنگ تحمیلی علیه ایران متقبل شدند. برابر گزارش محرمانه ای که در آن زمان منتشر شد، دو کشور یاد شده در مجموع

و با کمک‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی فراوان اش از جمله اعطای وام‌های چند میلیون دلاری به عراق، حمایت و پشتیبانی اش را از این کشور اعلام کرد.^(۶۸)

در طول جنگ هشت ساله، واردات کالا و سلاح به عراق از طریق اردن صورت می‌گرفت. در این چارچوب شبکه حمل و نقل وسیعی بین دو کشور ایجاد شد و بندر عقبه این کشور برای حمل و نقل سلاح و تجهیزات نظامی سبک و سنگین در اختیار عراق قرار گرفت. ملک حسین که نظامیان اردن را برای سرکوب رزمندگان ایران به عراق گسیل داشته

بود، در نطقی اظهار داشت: «اگر ضرورت ایجاد کند نیروهای بیشتری را به عراق اعزام خواهیم کرد».^(۶۹)

توجه به بخشی از اظهارات ملک حسین در جریان برگزاری جلسه عادی کابینه اردن در تاریخ ۱۳۵۹/۷۲ موضع آن کشور را در قبال جنگ ایران و عراق، نشان می‌دهد:

«وظیفه اعراب است که

برای وحدت خود و جلوگیری از سرایت خطرات، هر کجا که باشد همکاری کنند، ما وظیفه داریم جهان اسلام را آرام و قرین همبستگی داشته باشیم؛ ما به عنوان کشوری عربی نباید اجازه دهیم هیچ‌گونه تجاوزی از هر مصدر که باشد به هیچ جزئی از خاک عراق صورت بگیرد».^(۷۰)

همچنین تعدادی از کشورهای منطقه نیز در جنگ حضور مستقیم داشتند و با اعزام نیرو به عراق، رژیم بعث را در مقابل ایران حمایت می‌کردند. در این راستا، با گذشت بیش از یک دهه از پایان جنگ حسنی، مبارک، رئیس‌جمهور مصر، اعتراف کرد: «۱۸ هزار سرباز مصری در کنار بعثی‌ها در مقابل

در حالی که ارزش حاصل از صدور روزانه ۷/۸۹۳ میلیون بشکه نفت به قیمت متوسط ۱۲ دلار برای هر بشکه در سال‌های پایانی جنگ، رقمی در حدود ۶۸۱ میلیون دلار در ماه بود و این حتی تکافوی هزینه جنگی عراق را نمی‌کرد. از این جهت نقش حمایت کشورهای عربی به ویژه کویت و عربستان در جنگ تحمیلی از عراق به خوبی آشکار می‌شود. در ذیل به برخی از کمک‌های کویت و عربستان به عراق در طول جنگ تحمیلی اشاره می‌شود:

۱. در اوایل سال ۱۳۶۰ مطبوعات کویت گزارش دادند کویت و عربستان قرار است یک وام شش میلیارد دلاری در اختیار دولت عراق قرار دهند. سهم کویت از این مبلغ، دو میلیارد و سهم عربستان چهار میلیارد دلار تعیین شده بود.

۲. هفت ماه پس از اعطای وام نخست کویت به عراق، در تاریخ ۱۳۶۰/۸/۱۹ گزارشی مبنی بر واگذاری یک اعتبار ۴/۷ میلیارد دلاری از سوی کویت به دولت عراق منتشر شد.

۳. در تاریخ ۱۳۶۵/۱/۹ نیز واحد مرکزی خبر در تهران گزارش داد دولت کویت در ادامه حمایت مالی اش از عراق، وامی به مبلغ هشت میلیون و ۹۰۰ هزار دینار کویتی به عراق پرداخت خواهد کرد.

۴. از سال ۱۹۸۲ کویت و عربستان توافق کردند عایدات صدور نفت از منطقه بی‌طرف (روزانه ۳۰۰ الی ۳۵۰ هزار بشکه) به حساب عراق واریز شود. این توافقنامه تا سال ۱۹۸۶ اعتبار داشت و عراق در صدد تمدید آن برای یک سال دیگر بود.^(۷۱)

در طول جنگ تحمیلی، اردن نیز که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابطه حسنه‌ای با ایران نداشت، روابط بسیار نزدیکی با عراق برقرار کرده بود. پس از کنفرانس سران کشورهای عربی در بغداد و تونس، روابط بین عراق و اردن روز به روز نزدیک‌تر و عمیق‌تر شد؛ تا آنجا که ملک حسین صراحتاً به نفع عراق و علیه ایران موضع‌گیری کرده

پاریس در سال‌های

۸۶ - ۱۹۸۵ حدود ۵ میلیارد

دلار وام در اختیار بغداد

گذاشت و به این ترتیب به

بزرگترین شریک اروپایی

عراق تبدیل شد

سیاست هایش در قبال رژیم صهیونیستی بودند، نفرت داشت. سومین دلیل نیز عدم تمایل شیخ نشین های ثروتمند حوزه خلیج فارس به ایفای چنین نقشی توسط مصر بود.^(۷۶) این دلایل باعث شد تا مصر در این دوران تنها به فروش تسلیحات به عراق اکتفا کند. اما با ترور سادات در اکتبر ۱۹۸۱ و چند ماه بعد از فتح خرمشهر و پیروزی هایی که نیروهای ایرانی در جبهه های جنگ به دست آوردند، شرایط برای مداخله گسترده مصر در دوران حکومت حسنی مبارک فراهم شد. عراق در سال ۱۹۸۲ با اعزام یک هیئت نظامی به قاهره خواستار افزایش سطح همکاری نظامی مصر شد. مصر در واکنش به تقاضای عراق و شرایط به وجود آمده با احتیاط عمل کرد. مصری ها ضمن اینکه پذیرفتند سطح کمک و همکاری های نظامی خود را با عراق افزایش دهند، اما از پذیرش همکاری فراتر از چارچوب های تعریف شده که به منزله مداخله مستقیم در جنگ بود، خودداری کردند.^(۷۷)

یکی از حوزه های همکاری مصر و عراق در طول جنگ، همکاری در پروژه های موشکی بود. مصری ها در سه پروژه موشکی عراق به نام های العباس، الحسین و بدر ۲۰۰۰ همکاری کردند. البته تمرکز این همکاری ها روی پروژه بدر ۲۰۰۰ بوده است. هدف از این پروژه، تولید موشک های بالستیک با برد ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر بود. یکی دیگر از حوزه های همکاری مصر و عراق، در زمینه تسلیحات شیمیایی بود. روزنامه ژورنالم پست در سال ۱۹۸۹ به نقل از منابع قابل اعتماد نوشت: «مصری ها سال ها با عراق در زمینه تولید و ذخیره سازی تسلیحات شیمیایی همکاری کرده اند».^(۷۸) روزنامه نیویورک تایمز نیز با درج گزارشی در این زمینه نوشت: «مصر در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق در کنار تسلیحات متعارف در زمینه تسلیحات شیمیایی نیز با عراق همکاری کرده است».^(۷۹)

در طول جنگ تحمیلی، مصر می کوشید تا نقش یک موازنه گر را ایفا کند؛ نقشی که بر مبنای آن،

ایران می جنگیدند.^(۸۰) مصر همچنین قطعات یدکی و تسلیحات دیگری هم چون ۲۵۰ فروند تانک «تی ۵۵» و «تی یو ۱۶» و هواپیماهای بمب افکن ایلوشین ۲۸ را در اختیار عراق قرار داد. در طول جنگ، عراقی ها در حدود ۲ میلیارد دلار سلاح از مصر خریداری کردند.^(۸۱)

در آستانه جنگ، مصر با ایران و عراق رابطه دیپلماتیک نداشت. هم عراق و هم ایران، انور سادات، رئیس جمهور مصر، را به دلیل سفر به اسرائیل در ۱۹۷۷ و امضای قرارداد کمپ دیوید در ۱۹۷۸ و پیمان صلح در ۱۹۷۹ خائن به آرمان های اعراب و اسلام می دانستند. با وجود این با آغاز جنگ، معامله اقتصادی و نظامی بزرگی بین عراق و مصر صورت گرفت. این معامله شامل تحویل سلاح های سنگین و هلیکوپتر به عراق از طریق مصر و پرداخت نقدی آن توسط عراق بود.^(۸۲) با حمله عراق به ایران، سادات با وجود

اختلافاتش با رهبران عراق از این کشور حمایت کرد و به این کشور تسلیحات فروخت.^(۸۳) تحلیلگران سیاسی این اقدام را نشانه نفرت بیش از اندازه سادات از انقلاب اسلامی ایران قلمداد می کنند.^(۸۴) از آغاز جنگ تا آزادسازی خرمشهر در ۳ خرداد ۱۳۶۱ به دست رزمندگان ایران، شرایطی که مستلزم ایفای نقش فعال مصر در جنگ باشد، وجود نداشت. این امر سه دلیل عمده داشت: نخستین و مهم ترین دلیل، موضع برتر نیروهای عراقی در جبهه های جنگ بود. دومین دلیل، عدم تمایل سادات به ایفای چنین نقشی بود؛ زیرا او به طور یکسان از رهبران دو کشور درگیر در جنگ که مخالف سرسخت

مصری ها در سه پروژه
موشکی عراق به نام های
العباس، الحسین و
بدر ۲۰۰۰ همکاری کردند

مشارکت مستقیم کشورهای عربی در جنگ تحمیلی، یمن تیپ پیاده «العروبه» را در طول جنگ با ایران به عراق فرستاده بود. اردن نیروی «الیرموک» را به عراق گسیل داشت و سودان داوطلبانی را اعزام نمود که در منطقه شرق میسان، در خط مقدم جبهه فعالیت می کردند.^(۸۲) از سوی دیگر، کلیه کشورها به جز کره شمالی و گاهی چین و برخی کشورهای عربی درهای خود را بر روی ایران بسته بودند.

در سال های پایانی جنگ عراق علیه ایران، بین المللی شدن جنگ در حوزه سیاسی موجب تغییر موضع در میان معبود کشورهای طرفدار ایران در منطقه شد. متحدان عرب عراق تلاش گسترده ای را برای جدا کردن متحدان منطقه ای ایران آغاز نمودند. در نتیجه این تلاش ها، لیبی مجدداً روابط دیپلماتیک خود را با عراق از سرگرفت و حتی مقابل ایران موضع گرفت. سوریه نیز با وجود تداوم حمایت خود از جمهوری اسلامی ایران، اعلام نمود نمی تواند تصرف بصره را قبول کند و در صورت تعرض ایران علیه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، در کنار اعراب قرار خواهد گرفت.^(۸۳)

نتیجه گیری

بدون تردید جنگ فرسایشی و طولانی عراق علیه ایران جنگ نیابتی بود و به همین دلیل عراق نمایندگی مقابله با انقلاب اسلامی را در یک جنگ تحمیلی بر عهده داشت و لذا از یک حمایت تضمین شده، همه جانبه و گسترده برخوردار بود. در آغاز جنگ، به علت وجود شکاف در ساختار نظام بین الملل، هیچ یک از قدرت های بزرگ آمریکا، شوروی [سابق] و اروپای غربی به تنهایی توان تأثیرگذاری بر فرآیند این جنگ را نداشتند. در طول سال هایی که جنگ ادامه داشت، دولت های بزرگ تلاش کردند ظرفیت نفوذ خود را بر ایران و عراق فزونی بخشند و از تغییر وضع موجود جلوگیری کنند. تلاش برای حفظ وضع موجود به مداخله ابرقدرت ها در جنگ، تحت پوشش بی طرفی منجر گردید.

همکاری نظامی با عراق از حدود قدرت ایستادگی این کشور در برابر ایران فراتر نمی رفت. مبارک در مصاحبه اش با مجله لبنانی السفیر با تأکید بر سیاست موازنه، درباره نقش مصر در جنگ عراق و ایران ادعا کرد: «مصر هیچ گاه از جنگ میان عراق و ایران که هر دو جزو کشورهای اسلامی هستند و میان آنها رابطه دوستی برقرار بوده، حمایت نکرده است. من امیدوارم که ما نقش میانجی را میان ایران و عراق ایفا کنیم. من علت آنچه که باعث شده ایران موضع تندی در برابر ما اتخاذ کند را نمی دانم. اگر چه ما به عراق آن قدر کمک نمی کنیم که عملیات های نظامی تهاجمی [این کشور] را علیه ایران ممکن سازد. ما از مذاکرات و میانجیگری برای حل مسائل حمایت می کنیم. ما هرگز به عراق سلاح تهاجمی که با آن به ایران ضربه بزنند ارائه نکرده ایم. این هرگز اتفاق نیفتاده است. ما آن گونه که برخی تصور می کنند هیچ نیروی نظامی در عراق نداریم. ما در جنگ تخصص داریم. ما در جنگ نمی توانیم یک نیروی ناکامل اعزام کنیم. اگر ما می خواستیم که به عراق نیرو بفرستیم می بایست یک نیروی کامل می فرستادیم».^(۸۰)

با توجه به اینکه در طول جنگ تحمیلی، سوریه و لیبی طرفدار و حامی ایران بودند، مصر نیز از اینکه برای ایجاد موازنه در طرفداری از عراق ایفای نقش کند، ابایی نداشت. در واقع همچنان که سوریه و لیبی خود را موظف به تأمین تسلیحات مورد نیاز ایران می دانستند، مصر نیز تدارک تسلیحات، مشاوره نظامی و همکاری در پروژه های نظامی عراق را وظیفه خود می دانست. حمایت تمامی کشورهای عربی به جز سوریه از رژیم بعث عراق و حمایت مالی و تسلیحاتی بسیاری از کشورهای جهان از این رژیم، تفاوت نابرابری قدرت نظامی میان دو کشور را به خوبی نمایان می کند.^(۸۱)

کمک هایی که عراق در طول جنگ با ایران دریافت نمود به موارد مشخصی محدود نمی شد، بلکه این کمک ها همه زمینه های اقتصادی، نظامی و سیاسی را در بر می گرفت. به عنوان مثال، در زمینه

یادداشت ها

1. Ervand Abrahamian, **A History of Modern Iran**, Cambridge University Press, 2008, p150.
2. Samir al-Khalil, **Republic of Fear: The Politics of Modern Iraq**, University of California Press, 1989. P261.
3. Martin J. Martinson, "The Iran-Iraq War: Struggle Without End," **Research Paper, Marine Corps Command and Staff College**. Quantico, Virginia, 1984. p5.
۴. غلامرضا ثانی نژاد، ریشه یابی تهاجم عراق به ایران، برگرفته از: <http://www.dsirc.ir/view/articleframe.aspx?ID=227&PF=true8>. Ibid, p24.
۵. همان.
۶. محمود یزدان فام، «عوامل و دلایل گسترش جنگ ایران و عراق»، فصلنامه نگین ایران، سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۸۱، ص ۳۵.
7. Mazi bahadori, "**The history and geopolitics of the Iran-Iraq war**", Department of History University of colifornia, May 2005, p. 23
8. Ibid, p24.
9. **Security Council official Records** United Nations publishing office 1980 -1992, p 55.
10. Bahadori, **op.cit**, p. 25
11. Moez Faraji, **Captivity and Prisoners of War in the Battle of Truth Against Falsehood**, Tehran: ministry of Islamic Guidance, 1984, p75.
۱۲. محمد درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق (آغاز تا پایان)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۰، صص ۴-۲۳.
13. Anthony H. Cordesman, **The Gulf and the Search for Strategic Stability**, Boulder: Westview, 1984, p. 717.
14. Robert O. Freedman, "Soviet Policy toward the Persian Gulf from the Outbreak of the Iran-Iraq War to the Death of Konstantin Chernenko", in **U.S. Strategic Interests in the Gulf Region**, ed. Wm. J. Olson, Boulder: Westview, 1987, p. 55.
15. Joe Stork and Martha Wenger. "U.S. Ready to Intervene in the Gulf War", **MERIP Reports**, nos. 125/126, July-Sept 1984. p45.

ناتوانی آمریکا، شوروی و کشورهای غربی در افزایش نفوذ خود بر ایران و همچنین منافع متقابل قدرت های بزرگ در جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ، به حمایت گسترده بازیگران اصلی نظام بین الملل از عراق انجامید. پشتیبانی همه جانبه قدرت های بزرگ از عراق موجب برقراری توازن در جنگ و تداوم آن به مدت هشت سال گردید.

سیاست خارجی مستقل ایران و عدم همکاری آن با نهادهای بین المللی و قدرت های بزرگ، ویژگی خاصی به جنگ ایران و عراق بخشید. ناتوانی سازمان ملل به عنوان نماد وجدان بشری در حل و فصل این جنگ، نشانگر جنبه هایی از دوره جنگ سرد بود، اما صدور قطعنامه های مختلف به اتفاق آراء، نوعی توافق بین قدرت های بزرگ را نشان می داد. این تعارض، ناشی از حساسیت منطقه خلیج فارس و وجود منافع حیاتی دولت های خارجی در این منطقه بود. در طول مدت جنگ، آمریکایی ها در فکر تجدید موقعیت گذشته خود در منطقه بودند. اروپا از قطع صدور نفت و نیز سلطه انحصاری ایالات متحده بر منابع نفتی نگران بود. روس ها نیز نگران از دست دادن تنها متحد خود در ساحل خلیج فارس و نادیده گرفته شدن نقش شان در منطقه بودند.

سیاست اصلی قدرت های بزرگ در طول جنگ تحمیلی، حفظ توازن قوا در منطقه و استفاده از فرصت های به دست آمده در گسترش حوزه نفوذ بود. این رویکرد، از طرفی همکاری قدرت های بزرگ برای برقراری توازن در جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران بر عراق را در برداشت و از طرف دیگر به رقابت پنهان این قدرت ها در جهت کسب موقعیت بهتر انجامید که تداوم جنگ را در پی داشت. بدون تردید اگر تنها بخشی از حمیت و عصبیت عربی کشورهای عربی در حمایت همه جانبه از عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران، متوجه مبارزه با رژیم صهیونیستی می شد، شاید تاکنون این رژیم از نقشه خاورمیانه و جهان محو و فقط نامی از آن در تاریخ برای عبرت آیندگان به یادگار مانده بود!

- نمی دهند. اگر ایران قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را می پذیرفت فاجعه هواپیمایی پرواز ۶۵۵ اتفاق نمی افتاد». دو هفته بعد از حمله ناجوانمردانه آمریکا به پرواز ۶۵۵، ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت.
35. Enayatollah Yazdani and Rizwan Hussain, "United States' policy towards Iran after the Islamic Revolution: An Iranian Perspective", **International Studies**, 2006, P 273.
۳۶. آنتونی فرانسیس بویل، «سیاست خارجی آمریکا در قبال جنگ ایران و عراق»، مترجم: دکتر حسین شریفی طرازکوهی، **مجله سیاست دفاعی**، شماره ۱۶-۱۵ تابستان و پاییز ۷۵، ص ۴۸.
۳۷. بوستون گلوب، ۶۲/۱۲/۱۶.
۳۸. آمریکا و جنگ ایران و عراق به روایت مطبوعات خارجی: اتخاذ سیاست های خصمانه علیه ایران، بی نا، بی تا، ص ۱۱۰.
۳۹. علی اکبر علیخانی، «موانع و عملکرد نظام بین المللی در قبال جنگ علیه ایران»، **مجموعه مقالات انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین الملل**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۷۱.
40. John King, "Arming Iraq: A Chronology of U.S. Involvement". March 2003. available at: http://www.iranchamber.com/history/articles/arming_iraq.php
41. Renfrew. **Op.cit**, p110.
42. David Evans and Richard Campany. "Iran-Iraq: Bloody Tomorrows". **U.S. Naval Institute Proceedings**. January 1985. p40.
43. John W. Amos II, "The Iraq-Iran War: Conflict, Linkage, and Spillover in the Middle East," in **Gulf Security into the 1980s: Perceptual and Strategic Dimensions**. ed. Robert G. Darius, John W. Amos II, Ralph H. Magnus, Stanford: Hoover Institution Press, 1984. p. 65.
۴۴. یکتا، پیشین، ص ۱۶۵.
۴۵. حسین اردستانی، **جنگ عراق و ایران: رویارویی استراتژی ها**، تهران: دوره عالی جنگ، ۱۳۸۷، ص ۸۵.
۴۶. رالف کینگ، **جنگ ایران و عراق: مفاهیم سیاسی، نشریه آدلفی پیپر**، ترجمه: گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، شماره ۲۱۹، سال ۱۹۸۷، ۶۶/۴/۲۹، ص ۶۵.
۴۷. محمد درودیان، **نبرد در شرق بصره**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، ۱۳۷۴، صص ۱۸۵-۱۸۲.
48. John.W.AmosII, "The Iraq-Iran war. Conflict, Linkage

16. War in the Persian Gulf. The U.S Takes sides-Staff report to the committee on Foreign Relations, **U.S Senate**. Nov, 1987. Committee Print S.prt.100-60. pp 21-22.
۱۷. علی اکبر ولایتی، **تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲.
۱۸. درودیان، پیشین، ص ۵۶.
۱۹. همان، ص ۶۱.
۲۰. همان، ص ۷۵.
۲۱. همان، ص ۹۱-۹۰.
۲۲. همان، ص ۹۲-۹۱.
۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷/۵/۸۱.
۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۷/۵/۸۱.
۲۵. حسین یکتا، «مواضع قدرت های بزرگ و جنگ ایران و عراق»، **مجموعه مقالات جنگ تحمیلی**، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۳، ص ۱۶۲.
۲۶. همان، ص ۱۶۵.
27. Stephen Engelberg, "Iran and Iraq Got Doctored Data.U.S Officials Say", **New York Times**, 12 Jun 1987, pp: A1, A6.
28. Track Adam, **The superpowers in the Iran Iraq war**, New York: Nova Science Publishing, Inc, 1998, p128.
29. Ronald Reagan, **State Department Bultan**, Washington: Department of State, 1983. P 120.
30. Nita M.Renfrew, "Who Standard the war?", **Foreign Policy**, no,66.spring1987, PP 98-108.
۳۱. **العالم**، ۶۳/۴/۲۳ شماره سند ۱۷۳۷.
۳۲. **روزنامه اطلاعات**، ۷۶/۸/۵، ص ۱۲.
33. Bob Woodward, Veil: **The Secret wars of the CIA**, 1981-1987. New York: Simon&Schuster, 1987. p480.
۳۴. در ۳ جولای ۱۹۸۸ پرواز ۶۵۵ بندرعباس به دوی که حامل ۲۹۹ سرنشین بود بعد از ۷ دقیقه از پرواز، با ۲ موشکی که از ناو وینسنس آمریکایی شلیک شد سقوط کرد و همه سرنشینان آن کشته شدند. حمله به ایرباس مسافربری حکم تیر خلاصی بود که بر پیکره تصمیم بر تداوم جنگ وارد شد. در این مورد ریگان در بولتن سیاست خارجی نوشت: «مسئولیت این فاجعه تراژیک و نیز صدها هزار قربانی این جنگ بر دوش آنهاست که بر پایان بخشیدن به جنگ رضایت

۶۷. درودیان، آغاز تا پایان، صص ۳۱، ۳۲.
۶۸. همان، صص ۳۵-۳۶.
۶۹. سواء فیلی رودباری، کتاب سبز کویت، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، صص ۱۶۲ و ۱۶۳.
۷۰. همان، ص ۱۶۵.
۷۱. همان، ص ۱۶۶.
۷۲. سایت اینترنتی خبرگزاری دانشجویان ایران (تاریخ: ۱۳۸۲/۰۶/۲۴، ساعت: ۴:۱۰:۴۱).
۷۳. همان.
74. Evans and Company. **Op.cit.** p 37.
۷۵. العالم، ۶۴/۲/۱۴.
۷۶. به نظر می رسد مواضع و نقش مصر در جنگ تحمیلی در چارچوب ملاحظات این کشور در دفع تهدیدها و بهره گیری از فرصت های ناشی از جنگ در سه سطح ملی، عربی و منطقه ای قابل ارزیابی است. از جمله این ملاحظات می توان به تسریع فرآیند تجدید رابطه با جهان عرب که به واسطه سیاست های سازش کارانه سادات در قبال رژیم صهیونیستی آسیب دیده بود، احساس خطر از گسترش دامنه مبارزات و فعالیت های بنیادگرایان اسلامی که ایران انقلابی حمایت از آن را جزء اولویت های سیاست خارجی خود قرار داده بود و دستیابی به منافع اقتصادی اشاره کرد. جهت کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص رک به:
- Jane's Defence Weekly, 28 February, 1996, pp 22-24.
77. Ibid, p 26.
78. Philip H. Stoddard, "Egypt and Iran-Iraq War, "in **Persian Gulf Security And The Iran-Iraq War** , Edited by Thomas Naff , National Defense University Press, 1985.p44.
۷۹. حسینی، پیشین، صص ۶۴-۶۳.
80. Gordon M. Burch & Charles C. Flouerrece, **International Handbook on Chemical Weapons Proliferation**, New York: Greenwood, 1991.P229.
81. Ibid, p235.
۸۲. وفیق السامرای، همان، ص ۱۳۹.
۸۳. همان، ص ۳-۱۴۱.
- and spill over in the Middle East", in Robert G.Darius.John W.Amosll.Ralph.Magnus, (ed), **Gulf Security in to the 1980s: perceptual and strategic Dimensions**. Stanford: Hower Institute Press, 1984.P65.
49. Stephen Engelbarga and Barnand E. Trainor, "Soviets Sold Libya Advanced Bornber", **New York Times**, 15April 1989, p12.
50. Ibid, p15.
51. Ibid, p18.
۵۲. کنت آرتیمرمن، سوداگری مرگ: ناگفته های جنگ ایران و عراق، ترجمه: احمد تدین، تهران: مؤسسه فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۵۵.
۵۳. همان، ص ۶۲.
۵۴. دلایل و زمینه های برتری عراق در ماه های پایانی جنگ چه بود که باعث تسریع در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شد؟ در: <http://www.sajed.ir>
55. Diana Johnstone, "Little Satan' Stuck in the Arms Export Trap", **MERIP Reports**, No, 148. Sept.-Oct.1987.pp 8-9.
56. James Kelly. "Battling for Advantage," **Time**. 24October, 1983. p. 35.
۵۷. وفیق السامرای، ویرانی دروازه شرقی، مترجم عدنان قارونی، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی سپاه، ۱۳۸۰، صص ۱۳۹-۱۳۸.
58. Drew Middleton, "Will Iran's 'Vietnam' Be Khomeini's Downfall." **Navy Times**, 11February 1985. p. 23.
59. Ibid. p38.
60. Evans and Company. **Op.cit.** p40.
۶۱. یکتا، پیشین، ص ۱۶۶.
۶۲. ثانی نژاد، پیشین، ص ۶۵.
۶۳. آرتیمرمن، پیشین، ص ۵۶.
64. Mansour Farhang, "The Iran-Iraq war:The Feud, The Tragedy,The Spoils", **World Policy Journal**, Vol 2, Fall 1985.p 668. See also Cordesman, Op.cit. pp 23-36.
65. Rasheed Ahmed, "Saddam admits Iran gas attacks", **The Australian**, 19 December 2006. at: <http://www.theaustralian.news.com.au/story/0,20867,20950607-1702,00.html>
66. Ibid.



قدرت ها نقش انکارناپذیری داشته است.

رویکرد یاد شده تحت عنوان لبنسروم^(۱) (فضای حیاتی) به همراه گرایش های نژادگرایانه، در جهت دهی به سیاست خارجی نازیسم در آلمان و توسعه طلبی آن کشور نقش اساسی داشت. به نظر می رسد ویژگی های جغرافیای سیاسی عراق و مرام سیاسی عملگرایانه حزب بعث، باعث بروز رفتار تهاجمی در سیاست خارجی این کشور شده

است. در این نوشتار، نویسنده بر آن است با رهیافتی تاریخی و روش شناسی توصیفی - تحلیلی جایگاه نظریه لبنسروم در سیاست خارجی عراق عصر صدام که نتیجه آن تهاجم به ایران بود را بازشناسی کند.

ادبیات تحقیق

۱) لبنسروم یا فضای حیاتی

لبنسروم، واژه ای آلمانی به معنای فضای حیاتی و فضایی برای زندگی است.^(۱) فضایی که توسط ملتی که جمعیت آن رو به فزونی است اشغال می شود.^(۲) این واژه در اندیشه فردریش راتزل^(۳) (۱۹۰۱)، بنیانگذار جغرافیای سیاسی در آلمان، و نظریه پرداز دولت به مانند موجود زنده (جانور) نقش مستقیم داشت. براساس این دیدگاه، دولت به مثابه پدیده ای طبیعی و زیستی بهتر قابل درک است تا این که پدیده ای مکانیکی و اجتماعی قلمداد شود. دولت از طریق مؤسسات مختلف کارکردهای مختلفی دارد. کارکردهای مناسب، نشان دهنده صحت تمام بخش های تشکیل دهنده دولت است.^(۴) لبنسروم مورد نظر راتزل، سرزمینی است که پیکره ای ارگانیک دارد. دولت ها در فضای حیاتی همانند گیاه و انسان به تغذیه در قالب گسترش سرزمینی و منابع

نیاز دارند. بر این اساس، دولت ها پیوسته با هم در رقابت هستند.

راتزل با رویکرد زیست شناسی، برای نخستین بار به شکل نظام مند، داده ها و مسائل را در جغرافیای سیاسی کنار هم گذاشت. او معتقد بود دولت باید به عنوان پدیده ای مرتبط با زمین و جایی که جوامع در آن زندگی می کنند، پویایی دارند و هویت شان را از آن می گیرند، مورد واکاوی قرار گیرد. در طرح مفهوم دولت به مثابه موجود زنده، دیدگاه راتزل به شدت از داروینیسم اجتماعی^(۵) و مفهوم لبنسروم متأثر بود. راتزل مفهوم زیستی توسعه را به صورت مفهوم کلیدی در جغرافیا، به ویژه جغرافیای سیاسی، وارد کرد که در آن مرز، مفهوم پویا و متغیری دارد. او با استفاده از استعارات و تشبیهات زیست شناسی، دولت را به مفهوم ارگانیک در تحلیل علوم سیاسی و جغرافیایی به کار برد. در دیدگاه او دولت ها ماهیت ارگانیک و رشدیابنده ای دارند که در توسعه و گسترش آنها، مرزها کارکرد موقتی داشته اند. همچنان که انسان بر روی زمین زندگی می کند دولت هم به مانند اندامواره ای (ارگانیک) بر روی زمین با قوانین طبیعی پیوند پیدا می کند. بر این اساس، توسعه به محیط

1. Lebensraum

2. Friedrich Ratzel

3. Social Darwinism

سرزمینی، ده‌ها سال پیش تر از به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان رایج بود و توسط فرهیختگان دانشگاهی همانند کارل هوسهوفر^۱، هالفورد مکیندر^۲، فردریچ راتزل و هانس گریم^۳ (ملت بدون فضا) طرح مسئله و نظریه پردازی شده بود. اما دوره زمانی پیش از جنگ جهانی دوم که هیتلر در آن به نقش آفرینی سیاسی پرداخت، کارکرد مؤثری در عملیاتی کردن جستار فضای حیاتی داشت.

عملیاتی سازی لبنسروم با حمله آلمان در یکم سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان آغاز شد. تفاوت اساسی فضای حیاتی مورد نظر هیتلر با لبنسروم در گذشته

این بود که فضای حیاتی مورد نظر هیتلر، در اروپای شرقی بود. دیگر آنکه هیتلر مقوله نژاد و خون را نیز به جستار لبنسروم افزود که در قالب آن سرزمین‌های اروپای شرقی می‌بایست تأمین کننده فضای حیاتی در قالب جمعیت آلمانی و تأمین کننده مواد خام و محصولات کشاورزی آن کشور باشند.^(۴)

۲) ژئوپلیتیک

جان رودلف کلین^۵ سوئدی (۱۹۱۶) که به شدت از اندیشه‌های فردریک راتزل متأثر بود در سال ۱۸۹۹ براساس نظریه دولت اندام وار^۶ راتزل، اصطلاح ژئوپلیتیک را ابداع کرد. در نظریات وی آلمان تنها کشوری بود که با توجه به بنیادهای قدرت زای آن، توان تبدیل شدن به قدرت جهانی را دارد. اندیشه‌های کلین پس از جنگ جهانی دوم به شدت مورد استقبال آلمانی‌ها قرار گرفت.

طبیعی، وابسته است زیرا دولت فی نفسه یک اندامواره (ارگانیزم) است.

در ایده دولت ارگانیک، گسترش مرزهای دولت، بازتابی از سلامت و توان توسعه آن ملت است و دولت‌ها همانند جانوران رشد پیدا می‌کنند و در صورت فقدان فضای حیاتی، ناتوان می‌شوند و سرانجام می‌میرند. اندیشه لبنسروم (فضای حیاتی) راتزل، مفهوم دولت ارگانیک را رشد داد. راتزل هفت قانون برای رشد دولت مطرح کرد:

۱. فرهنگ فضای دولت متناسب با گسترش جمعیت رشد می‌کند.

۲. رشد سرزمینی، تابعی از دیگر ابعاد توسعه است.

۳. دولت‌ها از طریق جذب (مکیدن) واحدهای کوچک تر رشد می‌کنند

۴. مرز، ارگان (سازمان) پیرامونی دولت و بازتابی از توان و رشد دولت به شما می‌رود؛ از این رو، دائمی نیست.

۵. دولت‌ها در دوره رشدشان از نظر سیاسی به دنبال جذب سرزمین‌های با ارزش هستند.

۶. مقدار حرکت برای رشد دولت اولیه، از تمدن بسیار توسعه یافته فراهم می‌شود.

۷. روند رو به رشد سرزمینی، در مسیر گذار^۱ فراگیر^۲ و فزاینده تأمین می‌شود.^(۳)

دیدگاه جبرگرایانه راتزل، تجاوز دولت‌های قوی به مناطقی که توسط دولت‌های ضعیف کنترل می‌شد را توجیه می‌کرد.^(۵) به طور کلی، راتزل توسعه سرزمینی را به عنوان روشی برای تحصیل فضا معرفی کرد. فضایی که دفاع از نژاد ژرمن و محافظت از نابودی آن، جنگ را برای دستیابی به لبنسروم ضرورتی زیستی^۳ و حیاتی می‌دانست. راتزل بر مستعمرات فراسوی دریاها تأکید داشت که آلمانی‌ها باید به آنجا مهاجرت کنند، اما بعدها سیاستمداران نازی به خاطر اهداف سیاسی، آن را به سوی اروپای شرقی منحرف کردند. در اندیشه لبنسروم، جنگ مقوله‌ای گریزناپذیر است. بر این اساس، اندیشه فضای حیاتی و توسعه طلبی

1. Tansmission

2. Contagious

3. Biological Necessity

4. Haushofer

5. Sir Halford Mackinder

6. Hans Grimm

7. Johan Rudolf Kjellén

8. Organic State

داشته باشند به دلیل مطرح بودن نقش کمیت در آنها جزء عوامل متغیر به شمار می روند؛ همانند: جمعیت، منابع طبیعی (منابع غذایی و معدنی) و نهادهای سیاسی و اجتماعی.^(۸)

در بسیاری از نظریه های ژئوپلیتیک (سنتی) که با سیاست واقع گرایی همبستگی بالایی نیز داشته اند دولت در جایگاه بازیگر اصلی صحنه روابط بین الملل به منظور تأمین فضای حیاتی ناگزیر از قدرت یابی روزافزون از طریق نفوذ در دیگر قلمروهاست. بر پایه این رویکرد، هر اندازه کشوری پهناورتر باشد قدرت و تمدن آن کشور توسعه بیشتری خواهد داشت.^(۹)

مقوله وسعت، هر دو گستره خشکی و دریا را در بر می گیرد. از این رو، نظریه های ژئوپلیتیک یا دریا محور (آلفرد تایر ماهان^(۱۰))، یا خشکی محور (سر هالفورد مکیندر^(۱۱)) و یا هر دو قلمرو را شامل می شوند (نیکولاس اسپایکمن^(۱۲)).

۳) سیاست خارجی

سیاست خارجی عبارت از خط مشی و روشی است که دولت ها در برخورد با امور و مسایل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت، تعقیب و تحصیل منافع خود اتخاذ می کنند.^(۱۳) از این رو، شیوه تعامل آنها با کشورهای دیگر را تعیین می کند.^(۱۴) مفهوم قدرت و میل به افزایش آن خصیصه ذاتی هر اقدام سیاست خارجی است.

جدول نقش متغیر محیط در تحلیل محتوای سیاست خارجی^(۱۵)

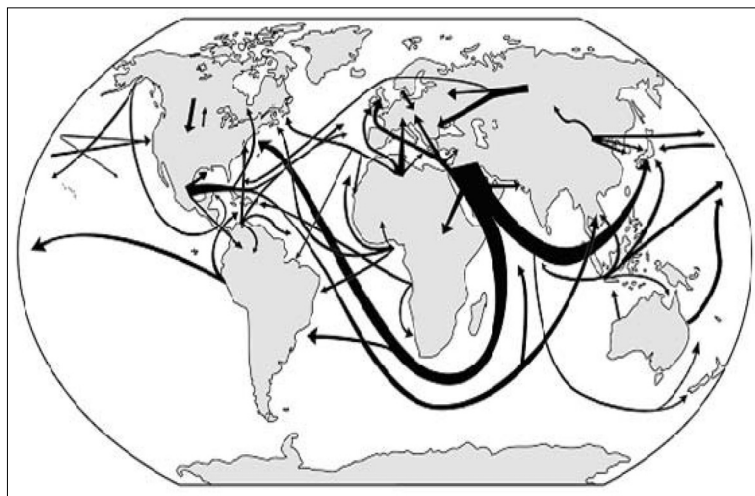
نسبت محیط (جغرافیا) با سیاست	ماهیت تحلیل	ماهیت تفسیری و یا تبیینی فرضیات
تأثیر محیط بر ابعاد سیاست خارجی از طریق ادراک	تحلیل سیاست خارجی با توجه ویژه به تأثیر محیط بر سیاست	تفسیر یا تبیین با توجه به تفسیر محیط بر تصمیمات سیاست خارجی در گذشته یا آینده
تأثیر محیط عملیاتی بر تصمیمات، نتایج و ابعاد سیاست خارجی	تحلیل محتوا از طریق توجه خاص به تأثیر محیط بر سیاست	تفسیر یا تبیین با توجه به پیامدهای عملیاتی تصمیمات سیاست خارجی در گذشته یا آینده

1. Geopolitics

2. Alfred Thayer Mahan

3. Sir Halford Mackinder

4. Nicholas John Spykman

جایگاه خلیج فارس در تأمین و انتقال نفت به سراسر جهان^(۶)

عوامل و متغیرهای بسیاری در تعیین و اجرای سیاست نقش دارند که این عوامل تابعی از دو محیط داخلی و بین‌المللی هستند و میزان تأثیرگذاری هر متغیر با توجه به اوضاع و شرایط دولت‌ها متفاوت است.^(۱۳)

۴) محیط‌شناسی مسئله

گستره جغرافیایی خاورمیانه به واسطه تنوع و تعارض فرهنگی، زبانی، قومی، مذهبی، سرزمینی، اقتصادی، سیاسی، رقابت

قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، و ... از جمله بخش‌های بی‌ثبات و آشفته جهان بوده است. در مباحث ژئوپلیتیک از این گستره با عنوان کمر بند شکننده یاد می‌شود.^(۱۴) جغرافیای سیاسی آشفته دولت‌ها در این منطقه به راهبرد ژئوپلیتیک آنها جهت می‌دهد؛ از این رو، یکی از مناطق بحران خیز دنیا به شمار می‌رود.

در این میان منطقه خلیج فارس در قلب خاورمیانه با مساحتی بیش از ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع از طریق تنگه هرمز و دریای عمان با اقیانوس هند در ارتباط است و نزدیک به ۶۳ درصد از کل ذخایر نفتی و ۳۰ درصد از ذخایر گاز شناخته شده جهان را در خود جای داده است. بیش از ۴۰ درصد از صادرات نفت جهان، از تنگه هرمز می‌گذرد و سالانه حدود ۱۳ هزار شناور از طریق تنگه هرمز به خلیج فارس وارد می‌شوند. وجود ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خلیج فارس، موجب شده این منطقه همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گیرد.^(۱۵) در منطقه نیز دسترسی کشورهای حاشیه خلیج فارس به منابع و سواحل آن و تنگه هرمز متفاوت است. همچنین به واسطه اختلافات سرزمینی و

تفاوت‌های فرهنگی-فضایی گسترده کشورهای یاد شده، این منطقه به یکی از کانون‌های بحران خیز جهان تبدیل شده است.

در منطقه خلیج فارس هم مسئله اصلی میان ایران و عراق موضوع حاکمیت بر اروندرود است. اروندرود در جنوب غربی ایران و هم‌مرز با کشور عراق قرار دارد که از پیوستن رودهای دجله، فرات و کارون پدید آمده است. طول بخش مرزی این رودخانه ۸۴ کیلومتر است. دجله و فرات پیش از پیوستن به کارون در شهر قرنه در ۱۱۰ کیلومتری شمال غربی آبادان به هم می‌پیوندند. طول اروندرود از قرنه تا ریزشگاه آن در خلیج فارس ۱۹۰ کیلومتر است. ریزشگاه اروندرود در میان شهر ایرانی اروندکنار و شهر عراقی فاو است که این رود در نهایت در ۸ کیلومتری جنوب اروندکنار به خلیج فارس می‌ریزد.^(۱۶) عرض این رود بین ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و عمق آن تا حدود ۱۸ متر متغیر است. بنادر ایرانی خرمشهر و آبادان و همچنین بزرگ‌ترین بندر عراق یعنی بصره در کناره‌های این رودخانه واقع شده‌اند.

از آنجا که این رود میان دو کشور مشترک است طبق قوانین بین‌المللی هر دو کشور حقوق یکسان

1. Shatter Belt

بحران جدیدی شد که حسن البکر ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود را مطرح کرد و مقامات بعثی اقدام به بازرسی و کنترل اسناد و مدارک کشتی های وارد شده به اروندرود کردند. به دنبال این اقدام، در ۲۶ فروردین ۱۳۴۸ وزارت امور خارجه عراق آب راه اروندرود (شط العرب) را جزء جدایی ناپذیر خاک عراق دانست و از ایران خواست پرچم های خود را از روی کشتی هایی که در اروند حرکت می کند پایین بیاورد. به دنبال این اقدام، دولت ایران در اردیبهشت ۱۳۴۸ عهدنامه مرزی ۱۹۳۷ را ملغی و تمایل خود را به انعقاد قراردادی مبتنی بر خط تالوگ اعلام کرد. این رویداد روابط دو کشور را تا حد برخورد نظامی پیش برد که با میانجیگری هواری بومدین در جریان اجلاس سران اوپک، توافق هایی در این زمینه صورت گرفت. به موجب عهدنامه الجزایر و با پذیرش خط تالوگ به عنوان خط مرزی دو کشور، عملاً حاکمیت ایران بر اروندرود پذیرفته شد. با این حال، پس از این قرارداد به ویژه با فروپاشی نظام شاهنشاهی ایران، رهبران عراق بارها در سخنان خود خواستار برقراری حاکمیت مطلق آن کشور بر اروند رود شدند و اعلام کردند می خواهند به موضع پیش از قرارداد الجزایر برگردند.^(۳۰)

جغرافیای سیاسی عراق

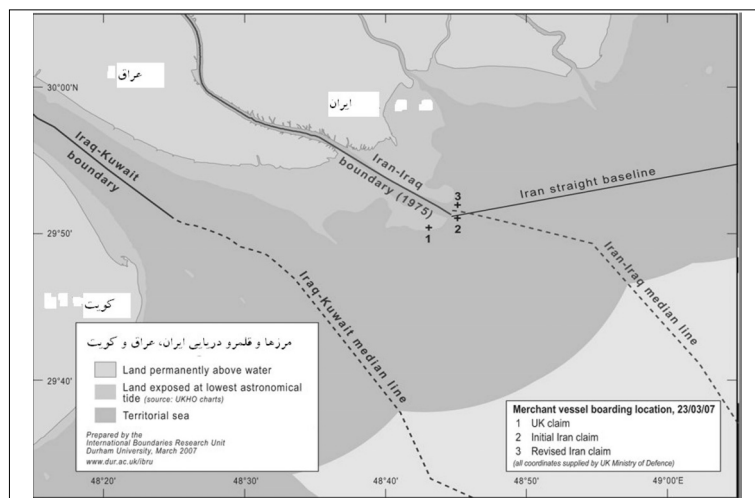
بین النهرین به عنوان بخشی از سرزمین عراق امروزی، منطقه پیدایش و شکوفایی بسیاری از نمودهای درخشان فرهنگی و مدنی بشر و همچنین منطقه هموردی و کشمکش قدرتهای منطقه ای و جهانی، تعارضات دینی و مذهبی، فرهنگی و ... بوده است. سرزمین عراق در سال ۱۵۳۵م پس از شکست قوای ایرانی از سپاهیان عثمانی به تصرف آن امپراتوری درآمد و تا پایان جنگ جهانی اول، به جز سال های (۱۶۲۵-۱۶۳۸) که در تصرف ایران بود، بخشی از عثمانی به شمار میرفت. پس از جنگ جهانی اول، بر پایه معاهده سور در ۱۰ اوت ۱۹۲۰م با فروپاشی

بر رودخانه دارند و نحوه تعیین خط مرز بر رودخانه های مرزی یا به روش خط فرض مقسم المیاه (خط فرض منصف وسط رودخانه) و اگر قابل کشتیرانی باشد مرز مشترک به روش تالوگ است که به معنای خط القعر قابل کشتیرانی در حالت جزر کامل است و این شیوه ای است که با توجه به مشخصات رودخانه اروند بایستی حاکم باشد، اما عراق مدعی مالکیت کامل بر تمامی رودخانه بود و مرز دو کشور را ساحل ایران و نه در امتداد خط تالوگ می دانست که این ادعا نه مبنای حقوقی دارد و نه عملی است. زیرا با این فرض، اروندرود جزء آب های داخلی عراق به شمار می آید که در این حالت حق استفاده ایران برای کشتیرانی، ماهیگیری و برداشت آب از این رودخانه باید با اجازه و تصویب عراق و پرداخت عوارض انجام شود. نزدیک به ۱۳ رودخانه در طول مرز مشترک ۱۶۰۰

کیلومتری ایران و

عراق حالت رودخانه مشترک مرزی دارند که در همه آنها خط منصف به عنوان مرز مشترک پذیرفته شده است. اما عراق این استثناء غیرقانونی را برای اروندرود قائل بوده است.^(۳۱) البته ریشه این ادعای عراق به قرار ۱۳ تیرماه ۱۳۱۶ میان دو کشور ایران و عراق بر می گردد که طبق آن حق کشتیرانی در سراسر اروندرود به استثنای ۵ کیلومتر از آب های آبادان تا خط تالوگ، (با فشار انگلستان) به دولت عراق واگذار شد و مالکیت عراق بر تمام اروندرود گسترش یافت.^(۳۲) با کودتای عبدالکریم قاسم در آذر ۱۳۳۸ اروندرود به بحرانی حاد در روابط ایران و عراق مبدل شد. روابط دو کشور در شرایطی وارد

تصرف خوزستان،
افزون بر حل تنگنای
ژئوپلیتیک عراق در دسترسی
به خلیج فارس، مخازن و
منابع سرشار نفت ایران را در
اختیار عراق قرار می داد



مرزها و قلمرو دریایی ایران، عراق و کویت براساس معاهده ۱۹۷۵ الجزایر

امپراتوری عثمانی و تجزیه آن به دست متفقین، عراق کنونی مرکب از ۳ ولایت موصل در شمال (کردستان)، بغداد در مرکز (منطبق بر بخش سننشین کشور) و بصره (بخش شیعه نشین و اکثریت) در جنوب تشکیل شد و تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت. دوازده سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۲م قیمومیت انگلستان پایان یافت و عراق رسماً به استقلال

رسید. تا آغاز جنگ جهانی دوم، عراق در ظاهر مستقل بود اما در واقع زیر نفوذ انگلستان قرار داشت. در سال ۱۹۴۱م رشید عالی گیلانی با کودتا زمام قدرت را در عراق به دست گرفت اما نتوانست در برابر هجوم سربازان انگلیسی مقاومت کند. تا سال ۱۹۵۸ خاندان هاشمی در عراق حکومت کردند. سرانجام در همان سال، رژیم پادشاهی عراق به دنبال کودتای عبدالکریم قاسم سرنگون و رسماً در این کشور رژیم جمهوری اعلام شد. چند سال بعد، حزب بعث این کشور علیه قاسم کودتا کرد و زمام امور را به دست گرفت.

از آنجا که اصل شکل گیری عراق عمدتاً ریشه در فروپاشی امپراتوری عثمانی و منافع قدرت های فرامنطقه ای (انگلستان و فرانسه) داشت؛ نیروی نظامی، رویکرد سخت افزاری و اندیشه نظامی محور، در سازماندهی سیاسی فضا و راهبردهای ژئوپلیتیکی نقش اصلی را داشت. به طوری که از زمان قدرت گیری حزب بعث تا به امروز (۱۳۸۹)، عراق چند سال متوالی آرامش داخلی و صلح با همسایگان را تجربه نکرده است. ناهمگونی جمعیت از منظر زبانی، فرهنگی، دینی و مذهبی،

عدم مشارکت سیاسی، نبود سابقه ای از تساهل و مدارا، خودکامگی نظام های سیاسی، سرکوبی مخالفان، شورش های داخلی و ... از جمله معضلات دولت در این کشور بوده اند که به جغرافیای سیاسی و در نهایت راهبرد ژئوپلیتیک عراق جهت و معنا داده اند. از سوی دیگر، عراق وارث یکی از چالش برانگیزترین کرانه ها از نظر وسعت و ناکارآمدی در شمال باختری خلیج فارس بوده است.

۱. کرانه های دریایی عراق

طول کرانه دریایی عراق در خلیج فارس حدود ۵۸ کیلومتر است^(۱) که در فاصله خور عبدا... (مرز مشترک عراق با کویت) و جزیره آبادان قرار می گیرد. با احتساب طول آب راه خور عبدا...، عراق حداکثر ۸۰ کیلومتر در خلیج فارس ساحل دارد. بصره، ام القصر و فاو سه بندر معروف آن در خلیج فارس و دهانه اروندرود هستند که به علت عمق کم و باتلاقی بودن برای نفتکش ها قابل استفاده نیست.

همین مسئله یکی از چالش های ژئوپلیتیک عراق از نظر اقتصادی، ارتباطی، نظامی و راهبردی

جمه‌هور عراق، برگزار شد که نتیجه آن صدور اعلامیه الجزیره بود. مفاد اعلامیه و معاهده الجزایر به شرح زیر است:

۱. طرفین مرزهای زمینی خود را براساس پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ و صورت جلسات ۱۹۱۴ تعیین می‌کنند.

۲. دو کشور مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ^۱ تعیین خواهند کرد.

۳. طرفین متعهد می‌شوند بر مرزهای خود کنترل دقیق و مؤثری به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ خرابکارانه، اعمال کنند.

۴. مقررات فوق عوامل تجزیه ناپذیری برای یک راهحل کلی بوده، در نتیجه نقض هر یک از مفاد فوق با روحیه توافق الجزیره مغایر است.^(۳۳)

فشار کردهای شمال عراق بر حکومت این کشور از یک طرف و حمایت غرب از محمد رضا شاه که به تقویت قدرت نظامی ایران منجر شده بود موجب شد که صدام در پی کاهش تنش با ایران برآید. وزرات خارجه عراق مفاد اولیه قرارداد ۱۹۷۵ را تهیه و با میانجی‌گری الجزایر با ایران به توافق رسید. برای اجرای اعلامیه الجزایر، وزرای امور خارجه ایران، عراق و الجزایر از تاریخ ۱۵ مارس تا ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵، به ترتیب در تهران، بغداد، الجزیره و بغداد گرد هم آمدند.

آنچه به عنوان قرارداد ۱۹۷۵ مشهور است، نتیجه این چهار نشست و امضای عهدنامه مربوط به مرز مشترک و حسن هم‌جواری بین ایران و عراق در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ است. براساس این قرارداد دو کشور توافق کردند مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین کنند و در مرزها نیز کنترل دقیق و مؤثری به منظور رفع هرگونه نفوذ خرابکارانه داشته باشند.

این عهدنامه دارای سه پروتکل ضمیمه و یک الحاقیه است. محوریت پروتکل‌ها درباره علامت‌گذاری مجدد سرزمینی، تعیین مرز در رودخانه‌ها و امنیت در مرز ایران و عراق بود. الحاقیه

بوده است. این موضوع بر رفتار سیاسی-نظامی این کشور تاثیر گذاشته و بازدارنده جدی بازیگری آن در این منطقه ژئوپلیتیک بوده و چاره‌جویی برای تنگنای ناشی از کمبود فضای آبی و ساحلی را به صورت هدفی آرمانی برای آن کشور درآورده است.^(۳۴) زمامداران توسعه طلب عراق گسترش خط ساحلی و دسترسی مناسب به آب‌های ساحلی خلیج فارس را از اهداف راهبردی این کشور طرح کرده و راه برون‌رفت از این تنگنای ژئوپلیتیک را الحاق خوزستان ایران به عراق، حاکمیت انحصاری بر اروندرود، در اختیار داشتن کویت یا دست کم حاکمیت بر دو جزیره کویتی وره و بوبیان امکان‌پذیر می‌دیدند.

دسترسی آسان و گسترده به آب‌های آزاد خلیج فارس، در مقام فضای حیاتی و آرمان نظام‌های سیاسی به ویژه ایدئولوژیک این کشور عمل کرده و به رفتار سیاسی عراق جهت و معنا داده است. این وضعیت باعث شده تحدید حدود مرزهای دریایی در شمال خلیج فارس که به همکاری و تفاهم ایران، عراق و کویت نیاز دارد هرگز عملی نشود. زیرا عراق به دلیل وضعیت نامساعد کرانه‌ای انگیزهای برای حل مسئله ندارد و منافع خود را در عدم حل و فصل آن ارزیابی می‌کند. وضعیتی که همچنان دستاویزی برای تنش و مشاجرات در سالهای آینده خواهد بود.^(۳۵) با این حال، در دهه ۱۹۷۰ که ایران با حمایت غرب ژاندارم منطقه بود، عراق مجبور شد براساس معاهده ۱۹۷۵ الجزایر، حاکمیت ایران بر بخش باختری اروندرود را بپذیرد. هر چند که ۵ سال بعد در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، با تهاجم نظامی به ایران، طولانی‌ترین جنگ سده بیستم (۸ سال) را رقم زد.

۲. عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر

در جریان کنفرانس سران کشورهای عضو اوپک که از ۱۳ تا ۱۵ اسفند ۱۳۵۳ در الجزایر تشکیل شد با میانجی‌گری هواری بومدین، رئیس‌جمهور الجزایر، ملاقاتی میان شاه ایران و صدام، معاون رئیس-

۱. خط ممتد ژرفای دره یا رودخانه. خطی که عمیق‌ترین نقاط یک دره را به هم وصل می‌کند یا از اتصال این نقاط حاصل می‌شود و از سرچشمه تا مصب رود از بالای دره تا پایین آن به صورت خط ممتدی ادامه دارد. این خط معادل با نیم‌رخ طولی دره رود است.

عمل گرا بود. سیاست خارجی دولت عراق برای دستیابی به اهداف زیر با پیروی از قاعده عمل گرایی در طول حاکمیت حزب بعث جهت گیری شد:

(۱) ایجاد امنیت در برابر ایران و منطقه (از نظر مالی و سیاسی)،

(۲) ایجاد برتری عراق نسبت به دیگر کشورهای منطقه و به طور کلی تسلط بر جهان عرب یا رهبری جهان عرب،

(۳) تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه.^(۲۷)

دستیابی به هر یک از این اهداف، نیازمند ابزار و شرایطی بود که جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک عراق

اجازه آن را نمی داد. به

عبارتی، فضای سرزمینی

عراق اجازه عملی شدن

چنین برنامه ها و

خواسته هایی را نمی داد

مگر آن که بر تنگناهای

ژئواستراتژیک اش در

دسترسی آسان به

آب های آزاد خلیج

فارس چیره شود. تجربه

نشان داده در کشورهایی

که رژیم خودکامه دارند

نقش فرد و

شخصیت های دیکتاتور

در بروز تحولات ملی بسیار مؤثر است. بر این اساس، عمل گرایی حزب بعث نمی توانست از آرزوها و مطالبات شخص صدام به دور باشد.

صدام در آغاز تجاوز به ایران سه انگیزه عمده شخصی داشت و امیدوار بود با پیروزی سریع بر ایران خواسته های جاه طلبانه اش را برآورده کند. نخستین انگیزه وی، کسب رهبری جهان عرب بود. به دنبال مرگ جمال عبدالناصر و امضای پیمان کمپ دیوید و انزوای مصر، جهان عرب دچار خلأ رهبری شده بود و به شدت نیازمند شخصیتی بود که بتواند با بهره گیری از امکانات و توانایی های کشور خود در جهت آرمان

این قرارداد مربوط به بند ۵ ماده ۶ عهدنامه است. هم چنین عهدنامه ۱۹۷۵، ۴ موافقتنامه تکمیلی نیز دارد که در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵، در بغداد به امضا رسید. این موافقت نامه ها درباره مقررات مربوط به کشتیرانی در اروندرود، استفاده از آب رودخانه های مرزی، تعلیف احشام و کلانتران مرزی است. عهدنامه یادشده در قالب سه پروتکل و چهار موافقت نامه تکمیلی به تصویب قوه مقننه هر دو کشور^۲ رسیده است.^(۲۵)

۳. حزب بعث

حزب البعث العربی الاشتراکی که عمدتاً به نام حزب بعث عراق معروف است با کودتای سال ۱۳۴۷ (۱۹۶۸م) به قدرت رسید. مبانی نظری این حزب بر پان عربیسم، نوسازی اقتصادی و سوسیالیسم استوار بود. شعار «امه عربیه واحده، ذاته رساله خالده» یک امت عرب با یک رسالت تاریخی جاویدان، آرمان رژیم بعث به شمار می رفت که به عملکرد داخلی و خارجی این رژیم جهت میداد. مرامنامه حزب بعث عراق، به حزب این اختیار را می دهد که برای تغییر اوضاع نامناسب جهان عرب وارد نبرد شود. براساس چنین بینشی، رژیم بعث عراق از همان آغاز، سیاست توسعه طلبانه را اساس سیاست خارجی خود قرار داد.^(۲۶)

با این حال، مهم ترین عاملی که در روند قدرت یابی و تقویت حزب بعث مؤثر واقع شد نه ایدئولوژی بعث، بلکه شعارها و سیاست هایی همچون استبداد و خشونت در داخل بود که در جامعه اتخاذ می کرد. گرایش های متناقض دولت عراق در طول سال های حاکمیت حزب بعث موید این نظر است که این حزب نه تنها ایدئولوژی خاصی نداشت بلکه هدف اصلی آن کسب قدرت به هر شیوه ممکن بود. در صحنه بین المللی نیز حزب بعث رفتار عمل گرایانه داشت و شرایط و مناسبات منطقه ای و جهانی به سیاست خارجی حزب بعث جهت می داد. به عبارت دیگر، حزب بعث، سازمانی

۱. بنا بر ماده پنج این عهدنامه: «مرزهای زمینی و رودخانه ای که درباره آنها توافق شده است؛ غیر قابل تغییر، دائمی و قطعی است.

۲. عهدنامه الجزایر در ایران در جلسه تاریخ روز چهارشنبه بیست و نهم اردیبهشت ماه دو هزار و پانصد و سی و پنج به تصویب مجلس سنا رسید.

داخلی ایجاد شده بود و به هیچ وجه آمادگی شرکت در یک جنگ کلاسیک و مدرن را نداشت. سوم، درگیری های قومی و محلی در نواحی مختلف کشور، نیروهای مسلح ایران را به خود مشغول کرده بود.

تهاجم عراق

عوامل مختلفی در رخداد جنگ ایران و عراق مؤثر بوده اند. اختلافات تاریخی ایران و عراق، توسعه طلبی های ارضی و سیاسی حکومت عراق، اختلافات ایدئولوژیکی بین نظام های سیاسی دو کشور، برهم خوردن نظم منطقه ای و جهانی و رویکرد نظام بین الملل به تحولات منطقه خلیج فارس یا تنگنای ژئوپلیتیک عراق تنها می تواند بخشی از علت ها باشد.^(۲۹)

بروز پدیده جنگ را باید در علت ها و رخداد های دور دست و پایدار پی گرفت. از این رو، موضع گیری ها و بحران های نزدیک به زمان وقوع جنگ، زمینه و بهانه ای بیش نیستند. پیش از بروز هر جنگ، فرایندی از مذاکره، تطمیع، تهدید برای رسیدن به مطلوب طی می شود. هر کدام از این حلقه ها تابعی از ارزیابی توان رقیب خواهند بود. از اینرو، نوع و شدت موضع گیری ها با نوعی شناوری و سیالیت، توأم است. از آنجا که عوامل جغرافیایی از ثبات و ماندگاری بیشتری برخوردار هستند و رخدادها و دگرگونی های سیاسی، ماهیتی گذرا دارند، نویسنده علت اساسی لغو معاهده ۱۹۷۵ الجزایر و تهاجم عراق را تنگنای ژئوپلیتیکی این کشور ارزیابی می کند. محدودیتی که همیشه مراودات آزاد دریایی عراق را به وجود مناسبات دوستانه با ایران منوط می کند. در واقع، عدم دسترسی عراق به دریا و اهمیت ارون درود برای تسهیل دسترسی این کشور به آب های خلیج فارس، وضعیتی در روابط دو کشور ایجاد کرده که جدا از نوع حکومتی که بر عراق حاکم است به احتمال قوی درباره ارون درود و میزان تسلط هر یک از دو کشور بر این آب راه اختلافاتی بروز خواهد کرد. هر چند براساس عهدنامه الجزایر، رهبران دو

وحدت جهان عرب و جبران تحقیر اعراب در برابر اسرائیل این خلأ را پُر کند. صدام انتظار داشت با پیروزی در جنگ با ایران چنین جایگاهی را کسب کند. به همین دلیل این جنگ را جنگ قادسیه نامید تا یادآور شکست ایرانیان از اعراب مسلمان در اوایل ظهور اسلام باشد. انگیزه دوم صدام، استفاده از شرایط به وجود آمده پس از سرنگونی شاه ایران، برای کسب نقش ژاندارمی منطقه بود. انگیزه سوم وی، جبران تحقیری بود که شخصاً در امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر متحمل شده بود. صدام همواره احساس می کرد در این جریان تحقیر شده و به اجبار تن به امضاء این قرارداد داده

است؛ بنابراین مترصد فرصت مناسبی بود تا بتواند این احساس حقارت را جبران کند.^(۳۰) سرنگونی شاه، فرصت مناسبی را برای تأمین نیازهای ژئوپلیتیک عراق، عملیاتی شدن آرمان های حزب بعث و جاه طلبی های صدام فراهم کرد. پس از پیروزی انقلاب و پیش

از آغاز تجاوز نظامی عراق، اوضاع داخلی ایران در سه زمینه برای یک رژیم متجاوز، به شدت وسوسه کننده بود: نخست این که دولت انقلابی ایران هنوز دوران ناآرامی و جنگ قدرت پس از انقلاب را پشت سر می گذاشت. دوم، نیروهای مسلح کشور به دلایل متعدد از انسجام و آمادگی لازم برای مقابله با یک جنگ خارجی سراسری به دور بودند. سازمان و انتظام ارتش، پس از انقلاب به شدت دچار آشفتگی و نابسامانی بود و از نظر تجهیزاتی، تحریم تسلیحاتی آمریکا و خروج کارشناسان نظامی آن کشور از ایران، با مشکلات عدیده ای مواجه بود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز بیشتر برای مواجهه با ضد انقلاب

در تهاجم عراق به ایران
تنگنای ژئواستراتژیک این
کشور در عدم دسترسی به
آب های آزاد، نقش محوری
در سیاست تهاجمی
صدام داشت

مزیت های تصرف خوزستان

محدودیت عراق در دسترسی به آب های آزاد، گستره مانور این کشور را از منظر نظامی، اقتصادی در خلیج فارس محدود می کرد. همان گونه که پیشتر اشاره شد، زمامداران این کشور برای گریز از این چالش ژئوپلیتیک، چند گزینه را پیش روی خود داشتند:

(۱) حاکمیت بر خوزستان؛

(۲) حاکمیت انحصاری بر آب های اروندرود؛ و

(۳) در اختیار داشتن کویت یا حداقل دو جزیره وره و بویان.^(۳۲)

وجود اقلیت عرب خوزستان از همان آغاز پیدایش کشور عراق، این استان را در کانون توجه و مداخلات زمامداران بغداد قرار داد. به طوری که روابط گسترده عراق با گروهک ها و شیوخ قبایل عرب استان، در استراتژی ژئوپلیتیکی این کشور جایگاه ویژه ای یافت. عراق تلاش می کرد با القاء آموزه های پان عربیسم و جذب نواحی

به نظر می رسد تا زمانی که عراق در چالش و تنگنای ژئوپلیتیک قرار دارد این بخش از ایران همواره در مناسبات دو کشور موضوع تنش های آینده خواهد بود

عرب نشین، موجبات جدایی خوزستان را فراهم کند. چنین پنداری موجب شد در مرحله اشغال، زمامداران عراق به همراهی و کمک اقلیت عرب استان جایگاه ویژه ای قائل شوند. به باور آنان این همراهی سبب می شد اشغال خوزستان رنگ آزادسازی به خود بگیرد. از سوی دیگر، خوزستان به عنوان کانون اقتصادی و نفتی، داشتن بنادر آبادان، خرمشهر (با دسترسی به رود بهمن شیر)، ماهشهر، امام خمینی (ره)، و وجود رودهای کارون، کرخه، دز، هندیجان، جراحی، مارون و اروند، که عموماً از پرآب ترین رودهای ایران هستند، و زمین های کشاورزی حاصل خیز آن، از اهمیت ژئوپلیتیک

کشور توافق کردند اختلافات دو کشور در مورد مرزهای زمینی، آبی (شطالعرب) و امنیتی را بدون تفکیک از هم به صورت یکجا حل کنند. بنا بر ماده پنج این عهدنامه: «مرزهای زمینی و رودخانه ای که درباره آنها توافق شده است؛ غیرقابل تغییر، دائمی و قطعی است. پس از امضاء عهدنامه، عملیات اجرایی آن آغاز شد و پروتکل تعیین مرز رودخانه ای و امنیت مرزها به اجرا درآمد به ویژه بعد امنیتی آن، که برای عراقی ها به واسطه ناآرامی های کردستان از اهمیت بیشتری برخوردار بود. ایران اجرای پروتکل علامتگذاری مجدد مرز زمینی را به اداره مهندسی ارتش عراق واگذار کرد. با نصب هر میله صورت جلسه آن به امضاء نماینده ایران، عراق و الجزایر می رسید. با پیروزی انقلاب اسلامی روند اجرایی پروتکل یاد شده متوقف شد.^(۳۰)

تحولات پس از انقلاب ایران به همراه انزوای سیاسی این کشور، «فرصت مناسبی» برای عراق ایجاد کرد تا به آرزوی دیرینه خود دست یازد و با اشغال خوزستان و اروندرود و با کسب وجهه سیاسی در منطقه و جهان از طریق رویارویی با انقلاب ایران به قدرت برتر منطقه تبدیل شود و رهبری جهان عرب را به دست گیرد. چاپ نقشه هایی از عراق که خوزستان ایران نیز به آن منضم شده گواه آشکار بر اهداف عراق در حمله به ایران در شهریور ۱۳۵۹ است.^(۳۱) به طور کلی، توانمندی های عراق در کنار ضعف های سیاسی و ژئوپلیتیک آن و تلاقی اهداف این کشور با ایالات متحده در برخورد با انقلاب اسلامی مجموعاً اوضاعی را به وجود آورد که بروز جنگ را حتمی می ساخت. عراق با استفاده از این موقعیت در تلاش برای جبران ضعف های گذشته و عملی ساختن اهداف خود بر آمد.^(۳۲) از این رو، وزارت امور خارجه عراق در ۱۳۵۹/۶/۲۶ طی یادداشتی، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو و صدام با ادعای حاکمیت مطلق عراق بر اروندرود (شط العرب)، آن را در برابر دوربین های تلویزیونی پاره کرد و در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حملات هوایی و زمینی ارتش عراق به خاک ایران، جنگ تحمیلی ۸ ساله علیه جمهوری اسلامی را آغاز کرد.

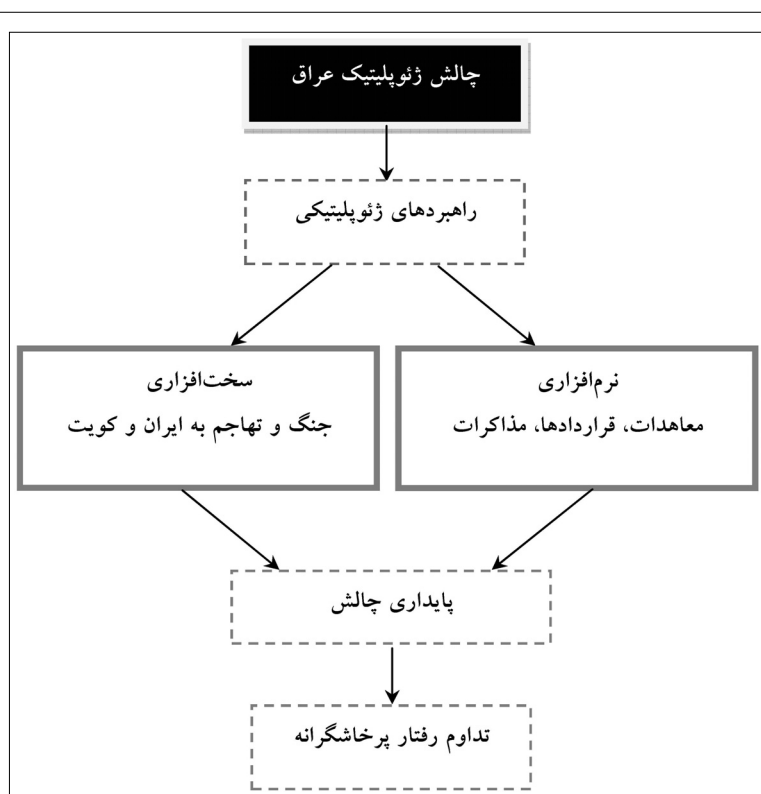
کشور در عدم دسترسی به آب های آزاد نقش محوری در سیاست تهاجمی این کشور در دوران صدام داشت؛ از این رو، به نظر می رسد عوامل دیگر عمدتاً زمینه ساز و تسهیل کننده بوده اند. به عبارتی، حزب بعث عراق فضای حیاتی این کشور را در دسترسی آسان به آب های آزاد از طریق اروندرود، خوزستان و کویت تشخیص داده بود. وضعیت نابسامان ایران پس از انقلاب فرصت بی نظیری را فراروی حاکمان بغداد قرار داد تا خواسته ها و آرمان های ملی و حزبی خود را عملیاتی کنند. به نظر می رسد تا زمانی که عراق در چالش و تنگنای ژئوپلیتیک قرار دارد این بخش از ایران همواره در مناسبات دو کشور موضوع تنش های آینده خواهد بود. بر این اساس رفتار سیاست خارجی عراق از الگوی زیر تبعیت می کند.

بسیار بالایی برخوردار بود. تصرف خوزستان، افزون بر حل تنگنای ژئوپلیتیک عراق در دسترسی به خلیج فارس، مخازن و منابع سرشار نفت ایران را در اختیار عراق قرار می داد.^(۳۴) از همین رو نوک پیکان حملات عراق متوجه تصرف استان خوزستان شد.

نتیجه گیری

تلاش برای تقویت قدرت ملی و توان اثرگذاری در مناسبات فراملی، به سیاست خارجی بسیاری از دولت ها جهت می دهد. قدرت ملی کشورها، ارتباط مستقیمی با عوامل و متغیرهای ژئوپلیتیک داشته است. در این میان سطح و عمق برخورداری یا عدم برخورداری از وسعت، موقعیت، منابع و ... فرصت ها یا محدودیت هایی را فرا روی دولت ها قرار داده است. نظریه لئنسروم یا فضایی حیاتی ناظر بر وضعیتی است که

دولت ها با توجه به تعریفی که از وضعیت موجود و وضعیت مطلوب دارند به تدوین استراتژی ژئوپلیتیک می پردازند که عموماً نیز با خشونت، جنگ و تصرف سرزمینی همراه است. ایده فضای حیاتی، صدها سال است که در ذهن حاکمان وجود داشته اما نظریه پردازی آن در آلمان صورت گرفت. وضعیت نابسامان آلمان پس از جنگ جهانی اول، زمینه ساز تقویت اندیشه و عملیاتی شدن جستار فضای حیاتی توسط این کشور شد که نتایج ویرانگری در مقیاس جهانی در پی داشت. درباره تهاجم عراق به ایران نیز تنگنای ژئواستراتژیک این



نمودار: الگویابی چالش ژئوپلیتیک و رفتار سیاست خارجی عراق

یادداشت‌ها

۱۵. پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۱۵.
۱۵. حمید پیشگاه هادیان، مناسبات جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی و عراق پس از ۱۱ سپتامبر، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۸، ص ۵.
16. Amir Sajedi, (2009), "Geopolitics of The Persian Gulf Security: IRAN AND THE UNITED STATES", *Ipr Journal IX*, no.2 (summer): 77-89.
۱۷. روزبه پارساپور، ارون رود یادگاری از هزاران سال تمدن کهن ایران زمین، کانون پژوهش‌های خلیج فارس، برگرفته از: www.persiangulfstudies.com/userfiles/image/PDFlog_o.jpg&imgrefurl.1389/4/26.
۱۸. پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، برگرفته از: <http://www.rasekhoon.net/Article/Show-22263.aspx>.
۱۹. حسین اردستانی، جنگ عراق و ایران رویارویی استراتژی‌ها، تهران: دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۸۷، ص ۷۱.
۲۰. جعفر ولدانی، اهداف عراق از تجاوز به ایران، مجموعه مقالات بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، چاپ اول، جلد دوم، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، ۱۳۶۸، ص ۶۳.
۲۱. بیژن اسدی، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت، ۱۳۸۱، ص ۲۳۳.
۲۲. محمدرضا حافظ‌نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: سمت، ۱۳۸۴، ص ۲۵۷.
۲۳. یداله کریمی‌پور، مقدمه‌ای بر روابط ایران و همسایگان، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم، ۱۳۷۹، ص ۴۱.
۲۴. اسماعیل منصوری لاریجانی، تاریخ دفاع مقدس، قم: خادم الرضا، ۱۳۸۲، ص ۱۹.
۲۵. علیرضا رضایی، زمینه‌های انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره و تأثیر آن بر موقعیت کردهای عراق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی به راهنمایی علی بیگدلی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴، ص ۵۵.
۲۶. اصغر جعفری ولدانی، «بررسی عهدنامه ۱۹۷۵ ایران و عراق»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴۷، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸، صص ۴۰-۴۵.
۲۷. سعید شمس‌الدین آرانی، حزب بعث عراق و نقش آن در تحولات سیاسی آن کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،
1. <http://wordnetweb.princeton.edu/perl/webwn?s=lebensraum.2010/5/10>.
2. Lebensraum definition. From: <http://www.yourdictionary.com/lebensraum>. 2010/5/5.
3. Jones, Greta, **Social Darwinism and English Thought: organic theory of the state**. (1980) (Brighton, from: <http://www.politicsprofessor.com/politicaltheories/organic-theory-of-the-state.php>).
4. Peter, marike, **Geopolitics from European Supremacy to Western Hegemony**, 2006.p4.from: <http://socgeo.ruhosting.nl/html/files/geoapp/Werks-tukken/Geopolitics.PDF>.
5. Vallecera, Virgil B: **A Paper on Friedrich Ratzel's Organic State Theory.**, August (2008) .from: <http://polscicity.blogspot.com/2008/08/paper-on-friedrich-ratzels-organic.html>.
6. Clarke, David and Marcus, "Doel: Holocaust topologies: singularity, politics": **Political Geography**. Volume 15, Issues 6-7, July-September 1996, pp 457-489.
۷. محمدرضا حافظ‌نیا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات پاپلی، ۱۳۸۵، ص ۳۷.
۸. عزت‌الله عزتی، ژئوپلیتیک، تهران: سمت، ۱۳۸۶، ص ۷۵.
۹. همان، ص ۸.
10. Shahram Chubin and Charles Tripp, **Iran and Iraq at War**, Colorado, Westview Press, 1991, pp. 14-15.
۱۱. جواد منصوری، نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۱.
12. Mahabir Raghunath, **what is Foreign policy definition?** From: http://wiki.answers.com/Q/What_is_Foreign_policy_definition 2010/4/11.
۱۳. عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱.
۱۴. محمود سریع‌القلم، مقدمه‌ای بر کتاب لی‌نور. جی مارتین، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه: قدیر نصری، تهران:

- معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)، استاد راهنما: داود باوند، استاد مشاور: عبدالعلی بیگدلی، صدرالدین قبانچی، ۱۳۸۶، ص ۶۵.
۲۸. منوچهر محمدی، «علل و عوامل جنگ تحمیلی: یک بررسی همه جانبه»، مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۷۳، ص ۱۸.
۲۹. فرهاد درویشی، جنگ ایران و عراق: پرسش ها و پاسخ ها، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۳۳.
۳۰. سیدکاظم سجادیپور و رضا امیری مقدم، «نقش سازوکارهای حقوقی در حل و فصل منازعات ژئوپلیتیکی: مطالعه موردی: عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ الجزایر»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره دوم، ۱۳۸۸، ص ۲۰.
۳۱. غلامعلی رشید، تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در راهبردهای دفاعی ایران در برابر عراق، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۸۸، ص ۲۶.
۳۲. غلامرضا ثانی نژاد، ریشه های تهاجم عراق به ایران، مجموعه مقالات جنگ تحمیلی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد، ۱۳۷۳، ص ۲۱۷.
۳۳. علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۵۷.
۳۴. حسین حسینی، «بررسی علل وقوع جنگ ایران و عراق»، مجموعه مقالات تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق: ریشه های تهاجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۸۷، ص ۳۴.



است که می‌تواند در دستیابی به الگوی بهینه دفاعی در آینده کمک کند. در این رابطه یکی از اقدامات شایسته و اعجاب برانگیز که از سوی رزمندگان به عنوان یک تاکتیک و تکنیک کارآمد مورد بهره‌برداری قرار گرفت بهره‌گیری از جنگ آب بود. تاکتیکی که ناشناخته بود اما به سرعت در جریان اولین روزهای جنگ توسط رزمندگانی که نگاهی جستجوگر و ذهنی

پرسشگرانه داشتند مورد توجه قرار گرفت و به سبب نبوغ فرماندهان نظامی و نیروهای داوطلب مردمی - که در میان آنها، متخصصین کارآمد نیز حضور داشتند - به سرعت علیه دشمن بکار گرفته شد.

- از این رو در این مقاله و در چارچوب موضوع تلاش بر این است موارد زیر مورد بررسی قرار گیرد:
۱. جنگ آب چگونه تاکتیکی است و با چه اهدافی به اجرا در می‌آید؟
 ۲. سازوکارهای لازم برای عملیاتی نمودن جنگ آب چیست؟
 ۳. بسترها و الزامات جنگ آب به چه عواملی بستگی دارد؟
 ۴. نبرد پدافندی جنگ آب برچه اصولی پایدار است؟
 ۵. تجربه و اقدامات ایران درخصوص جنگ آب چگونه آغاز و مورد بهره‌برداری قرار گرفت؟

اهداف جنگ آب

جنگ آب به عنوان یک پدیده تاکتیکی جدید و کاملاً اتفاقی و تصادفی در جریان اولین روزهای جنگ تحمیلی در یکی از مهم‌ترین محورهای جبهه‌های

جنوب نمود و ظهور پیدا کرد. اما اداره کنندگان جنگ چه در اردوی خودی و چه قوای متجاوز عراقی هیچ کدام تجربه و شناخت کارآمدی از چگونگی اجرا و بهره‌گیری از این تاکتیک را نداشتند. با این وجود به واسطه نگاه هوشمندانه‌ای که فرماندهان جوان و خلاق ایرانی و به تدریج عراقی‌ها از سلسله حوادث رخ داده در صحنه نبرد برداشت کرده و آن را تجزیه و تحلیل نمودند، به این درک و نتیجه رسیدند که با استفاده از موانع طبیعی نظیر دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، کانال‌های آب و باتلاق‌ها می‌توانند موانع گسترده‌ای را علیه یکدیگر ایجاد کنند و ویژگی‌های زمین را به گونه‌ای تغییر دهند که با طرح‌های تاکتیکی - رزمی، قابلیت انعطاف و تطبیق داشته باشد. نهایت آنکه این جمع‌بندی حاصل شد که برای بهره‌گیری از این پتانسیل، باید سازوکار و ساختاری فوری تشکیل شود، چراکه پیچیده‌گی‌های فنی و محاسبات علمی آن، چه در زمان طرح ریزی و چه در هنگام اجرا به فعالیت فکری و کار کاملاً تخصصی نیاز دارد. به خصوص با نخستین دستاوردهای اجرای این تاکتیک در روزهای اول جنگ، این مسئله برای فرماندهان محرز شد که طراحی و اجرای دقیق

کمیود برای تأمین نیروی بیشتر: به طوری که با ایجاد تدابیر پدافندی توسط نیروی کم و مناسب در آخر سیل بندها و گذرگاههای موجود در مناطق به زیر آب برده شده، از پیشروی دشمن جلوگیری می‌شد.

قرارگاه کنترل کننده

جنگ آب اگرچه به ظاهر چندان به تجهیزات نظامی پیشرفته و انبوه نیاز ندارد اما برای اجرای آن به نیروهای فکری جسور و خلاق، بسترهای طبیعی و ملزومات فنی و نیز سازوکار و ساختاری نیاز است که بتواند این شاخص‌ها و نیازها را در اقدام و فعالیتی هماهنگ فرماندهی، برنامه‌ریزی و در بهترین زمان و وضعیت ممکن عملیاتی نماید. به عبارتی، باید یک ستاد یا قرارگاه مرکزی به عنوان قرارگاه کنترل کننده آب که با قرارگاه در صحنه عملیات ارتباط بلافاصله داشته باشد تأسیس گردد، قرارگاهی که دارای ویژگی‌ها و وظایف و کارکرد زیر باشد:

جنگ آب به عنوان یک پدیده

تاکتیکی جدید و کاملاً

اتفاقی و تصادفی در جریان

اولین روزهای جنگ تحمیلی

در یکی از مهم‌ترین

محورهای جبهه‌های جنوب

نمود و ظهور پیدا کرد

الف) ویژگی‌ها

- توانایی لازم برای انجام کارهای اطلاعاتی در خصوص وضعیت زمین دشمن و شبکه‌های آبرسانی آنها را داشته باشد.
- از وضعیت تاکتیکی و سابقه عملیاتی یگان‌های مجری طرح جنگ آب مطلع باشد.
- از قدرت فنی جهت اجرای وظایفی که جنبه فنی دارند، بهره‌مند باشد.
- دارای امکانات گسترده از جهت ادوات و افراد باشد.^(۹)

جنگ آب می‌تواند آثار کاربردی مثبتی در پی داشته باشد و عملاً فرصت برتر با آزادی عمل بیشتر را برای اتخاذ تدابیر عملیات رزمی در اختیار اداره کنندگان جنگ قرار دهد. همچنین اجرای دقیق و بدون اشتباه طرح‌های جنگ آب علاوه بر آن که باعث تقویت امنیت نیروها و صرفه جویی در بکارگیری آنها می‌شد، با غرق آب ساختن منطقه وسیعی از زمین به منظور ایجاد مانع آبی گسترده و صعب‌العبور، اهداف ذیل را می‌توانست پوشش دهد:

- (۱) محدود کردن مجال مانور یگان‌های آفندکننده،
- (۲) وادار ساختن قوای در حال پدافند به تغییر سمت تعرض (حمله) و عقب راندن یگان‌های ارتش دشمن،
- (۳) مجبور کردن قوای در حال پدافند به ترک مواضع پدافندی و عقب راندن آنها به سوی مواضع درگیر و خارج نمودن اهداف غیرنظامی و صنعتی مهم خودی از زیر آتش دشمن.
- (۴) محروم کردن قوای دشمن در بهره‌برداری از منطقه معینی در صحنه نبرد و مجبور کردن آنها به استفاده از نفرات محدود اعزامی از معابر وصولی.
- (۵) محدود ساختن مانور تعرضی دشمن و یا منحرف کردن آن به مسیری که سودی برای او نداشته باشد و یا از رسیدن قوای مهاجم به منطقه‌ای حیاتی که عملیات بعدی آنها را ساده‌تر بکند ممانعت به عمل آید.
- (۶) جدا نمودن یگان‌های پدافندی دشمن از یکدیگر به وسیله ایجاد آب گرفتگی و اختلال در وضعیت تاکتیکی و عملیاتی آنها.
- (۷) قطع خطوط مواصلاتی یگان‌های دشمن به منظور محاصره و جدا کردن آنها از یگان‌های دیگر.
- (۸) با استفاده از سیل بندها و جاده‌های احداث شده بر روی سیل بندها و مناطق مرتفع، حملات دشمن محدود می‌شد.
- (۹) صرفه جویی در جایگزینی نیرو در صورت وجود

ب) وظایف

- اجرای دستورات فرماندهی کل در خصوص زیر آب بردن مناطق درخواستی،
- برقراری خطوط ارتباطی متعدد با قرارگاه فرماندهی،
- بازرسی مداوم و پی گیر از وسایل و ادوات مختلف مورد لزوم جهت اجرای عملیات غرق آب کردن منطقه،
- ارائه پیشنهادات در چهارچوب درخواست فرماندهی جنگ درباره اجرای طرح جنگ آب،

- اختصاص گروه های کار مورد نیاز برای هر منطقه و تعیین وظایف آنها،
- صدور راهنمایی ها و مقررات ویژه سیل و زیر آب بردن مناطق و مراقبت و ترمیم سیل بندها،
- تلاش برای جمع آوری مجدد آب در کانال ها و سدها پس از اجرای هر طرح.

برای اجرای جنگ آب به نیروهای فکری جسور و خلاق، بسترهای طبیعی و ملزومات فنی و نیز سازوکار و ساختار نیاز است

نیازمندی های جنگ آب

هدف از جنگ آب، ایجاد مانع برای سلب آزادی عمل دشمن در اجرای مانور و به تأخیر انداختن آنها در صحنه معین می باشد، اما برای اجرا و عملیاتی نمودن این تدبیر، بسترها و نیازمندی های تاکتیکی و فنی نیاز دارد.

الف) بسترها

به منظور اجرای جنگ آب باید زمینه ها و بسترهای بکارگیری این تاکتیک در میدان نبرد یا منطقه عمومی عملیات مهیا باشد تا نسبت به طرح ریزی آن تدبیر و اقدام لازم به عمل آید، چرا که موفقیت در جنگ آب

منوط به رعایت الزامات زیر است:

۱) **وجود آب:** انجام جنگ آب و زیر آب بردن مناطق، بدون وجود آب کافی غیرممکن است. تأمین مقادیر آب مورد نیاز برای ایجاد آب گرفتگی در هر منطقه منوط به برنامه ریزی اقتصادی و نظامی کشور در زمان صلح برای زمینه سازی جهت احداث سدهایی برای انبار کردن آب و احداث سیل بندهایی بر روی کرانه های رودخانه ها و کانال های مورد نظر به منظور روان ساختن آب به سمت مناطقی است که برای زیر آب بردن در نظر گرفته شده اند. لازم به ذکر است نیاز به آب صرفاً به خاطر زیر آب بردن یک منطقه نیست بلکه به منظور جبران آب از دست رفته در اثر تبخیر و جذب در خاک و خارج شدن آب از منطقه مورد نظر نیز می باشد.

۲) **سطح آب:** برای اجرای جنگ آب در یک منطقه، سطح آب باید بالاتر از منطقه استقرار دشمن باشد تا سرازیر شدن آب به منطقه به مقدار کافی و با سرعت و در کوتاه ترین زمان ممکن صورت گیرد. اگر سطح آب پائین تر از سطح زمین یا هم طراز با آن باشد برای زیر آب بردن زمین دشمن استفاده از تلمبه های پمپاژ ضروری است که علاوه بر وقت به هزینه فراوانی احتیاج دارد.

۳) **طبیعت خاک:** طبیعت خاک رابطه ناگسستگی با مقدار آب مورد نیاز جهت غرق آب کردن منطقه و مساحت آن و مدتی که باید زمین زیر آب باشد، دارد. زمین هایی که خاک آنها مخلوطی از خاک رس و شن و آبرفت باشد برای جنگ آب ایده آل است و همچنین زمین هایی که خاک آنها گل رسی است برای ایجاد آب گرفتگی مناسب هستند. اصولاً خاک مناسب برای جنگ آب باید دارای ویژگی های زیر باشد:

- سرعت اشباع آن، به طوری که در کوتاه ترین مدت به عمق ۵۰ سانتیمتر اشباع شود.
- خاک پس از اشباع برای تانک ها و نفربرها و خودروهای چرخ دار غیر قابل عبور شود.
- میزان آب تبخیر شده از خاک باید حداقل باشد.

سطحی از آب به ارتفاع حداقل ۵۰ سانتیمتر بر روی سطح زمین کافی است.

ج) برای جبران آب تبخیر شده و یا نفوذ آب به خارج از منطقه تعین شده، لازم است آب به میزان کافی تدارک دیده شود.

البته آن چه درباره بررسی طبیعت زمین تأکید می شود به خاطر تشخیص و شناخت امکان استفاده از ویژگی های زمین و یا برطرف ساختن نقاط ضعف آن به منظور محدود کردن خطرهای جنگ آب است. این بررسی و مطالعه می بایست در نخستین روزهای اجرای جنگ آب از سوی دشمن، صورت گیرد.

چنانچه جنگ به صورت فرسایشی ادامه پیدا کند، بررسی و مطالعات باید بر محورهای زیر متمرکز شود تا امکان بهره برداری از این نوع تاکتیک برای مقابله با اقدام و تحرکات دشمن مهیا باشد:

هدف از جنگ آب، ایجاد مانع برای سلب آزادی عمل دشمن در اجرای مانور و به تأخیر انداختن آنها در صحنه معین می باشد

- بهره گیری از عوارض طبیعی و مصنوعی که

سرعت حمله را تضمین و پدافند و حفاظت از یگان ها را تأمین کند.

- رودخانه ها، دریاچه ها، سدهای مصنوعی و سایر منابع آبی که در اجرای جنگ آب موثر است.

- میزان شیب سطح زمین، پستی ها، دره ها، شیارها، کانال های آب زمین های کشاورزی، طبیعت خاک و باتلاق های موجود در منطقه.

- راه ها، جاده های خاکی و گذرگاه ها و نوع آنها و قابلیت عبور وسایل نقلیه نظامی و طبیعت زمین مجاور آنها.

- مناطق سنگلاخی در منطقه که برای مقابله با

۴) **جذر و مد:** رودخانه هایی که به دریاها می ریزند و تحت تأثیر جذر و مد قرار می گیرند و دشمن به عنوان مانع آبی برای زیر آب بردن زمین به آنها متکی است، در زمانبندی اجرای جنگ آب تأثیر به سزایی دارند. زیرا آب مدی که وارد این رودخانه ها می شود به دبی آب موجود در آن می افزاید و آب رودخانه را بالا می برد و می توان همزمان با آن، سدهای تنظیمی را باز کرد و عمل رهاسازی آب (جنگ آب) را انجام داد.

۵) **سیل بندهای قابل انتقال:** اجرای عملیات جنگ آب به تأمین و تهیه سیل بندهای قابل انتقال نیازمند است. سیل بندهایی که با قفس های مشبک آهنی پر از سنگریزه (و یا کانتینر) و حجیم ساخته می شوند و قابل حمل و نقل هستند و می توان آن را توسط خودروها و جرثقیل های چرخدار از روی جاده ها و سیل بندهای خاکی عبور داد. هدف از ساختن سیل بندهای قابل انتقال، بستن شکاف هایی است که دشمن به وسیله فعالیت های تخریبی خود در برابر سیل بندهای کناره های رودخانه ایجاد می کند تا آنها را منهدم و معیوب سازد و آب به مناطقی جریان پیدا کند که بر روی فعالیت های او موثر نباشد.

همچنین این سیل بندها برای ترمیم خرابی های وارد شده به سدهای اصلی و مخازن آب به کار می رود. علاوه بر این ممکن است این سیل بندها برای سد کردن جریان آب رودخانه ها به منظور بالا بردن ارتفاع سطح آب رودخانه و انحراف آن به منطقه مورد نظر مورد استفاده قرار گیرند.

۶) **انبار مخزن آب:** اجرای موفق جنگ آب به انبار کردن مقادیر فراوان آب و رودخانه های اصلی و دریاچه ها نیاز دارد، به نحوی که این منابع آب اهداف زیر را تأمین کند:

الف) بالا بردن سطح آب انبار شده تا حد امکان نسبت به سطح منطقه ای که باید زیر آب برود.

ب) مقدار آب مورد نیاز برای ایجاد آب گرفتگی منطقه مورد نظر به منظور سیراب کردن خاک و تأمین

۱. مقدار آبی که از منبع آب برای استفاده در مقاصد مختلف خارج می گردد.

جنگ آب می تواند مورد استفاده واقع شوند و راه های منتهی به آن.

از جمله:

(۱) **مراقبت:** مناطق غرق آب شده مانند دیگر موانع به خودی خود به عنوان مانعی در برابر دشمن به شمار نمی رود، زیرا دشمن می تواند در صورتی که سطح آب مناسب باشد به وسیله قایق ها و یا خودروهای آبی - خاکی مانع را پشت سر گذاشته و یا از طریق جاده ها و سیل بندهای راه آهن یا مناطقی که زیر آب برده نشده اند و یا توسط بالگرد نفوذ نماید؛ لذا این کار به مراقبت پی گیر نیاز دارد. مراقبت را می توان جزئی از عملیات «جنگ آب» به حساب آورد. مراقبت پی گیر و فعال در چنین وضعیت هایی، دقت در برنامه ریزی و هماهنگی را ایجاب می نماید. مهم ترین وسایل مراقبت نیز عبارتند از: گروه های گشتی، دستگاه های رادار، شناسایی هوایی، نقاط مراقبت و دیده بانی^۱.

(۲) **حفاظت:** اجرای طرح جنگ آب به حفاظت سدها، آب انبارها و پمپ های آب، منبع سوخت یا برق پمپ ها و به طور کلی منابع آبی برای جلوگیری از تعرض زمینی و هوایی دشمن نیاز دارد و لازمه این امر اختصاص دادن نیروی کافی برای تأمین اصول حفاظتی می باشد.

همچنین به دلیل گستردگی و امکان شناخته شدن منطقه زیر آب رفته و نیز شناسایی گذرگاه ها و مناطق خشکی موجود در یک منطقه، مخفی نگاه داشتن آن تا زمان اجرا، کار اطلاعاتی زیادی را طلب می کند.

ب) نیازمندی های تاکتیکی

یگان های پدافند کننده برای مقابله با دشمن به ویژه اگر توازن قوا وجود نداشته باشد و میل دشمن به تهاجم زیاد باشد، باید تکنیک های متنوعی را بکار گیرند که از جمله آنها، بهره گیری از جنگ آب است. چنانچه این تاکتیک به صورت مدیرانه برنامه ریزی و اجرا گردد می تواند نه تنها مانعی جدی در برابر دشمن ایجاد کند بلکه میل و آمادگی او را برای انجام عملیات تحت تأثیر قرار داده و به تأخیر اندازد تا با کسب زمان، طرح های دیگری را برای مقابله برنامه ریزی کرد. با این حال پس از اجرای جنگ آب، اقدامات تاکتیکی ای نیاز است و باید به مرحله اجرا گذارده شود تا ایجاد این مانع، فعال و قابل اتکا و اطمینان باشد،

به منظور اجرای جنگ آب
باید زمینه ها و بسترهای
بکارگیری این تاکتیک در
میدان نبرد یا منطقه عمومی
عملیات مهیا باشد

۱. از مجموع فعالیت ها در این خصوص به دو نمونه از گزارش گروه های گشتی و دیده بانی اشاره می گردد:

گزارش اول: گزارش شناسایی (واحد اطلاعات و عملیات) از دب حردان و شکسته شدن سد خاکی دشمن ۱۳۵۹/۹/۳:

«امروز صبح با برادر بنی خالد، شهید حسن باقری، کریمی و بهرامی از جاده حمیدیه به دهلیز رفتیم و از آنجا پیاده (از کنار کانال آب) به طرف حردان رفتیم. به علت حجم زیاد آب، لبه کانال شکسته و آب به طرف شبکه آمده و جاده شبلیه به دهلیز زیر آب رفته است که هرچه زودتر باید با لودر جلوی آن را گرفت تا راه ما به دشمن بسته نشود. از آنجا با دوربین سد خاکی عراق را مشاهده کردیم و متوجه شدیم از چهار جا شکسته شده و آب به آن سوی سد خاکی نفوذ کرده است. یک تانک و یک نفربر مسلح به کالبر ۵۰ کنار سد خاکی دیده می شدند که شاید در آب گیر کرده باشند. سپس تصمیم گرفتیم به برج دیده بانی داخل جنگل برویم... از محل برج منطقه دب حردان را مشاهده کردیم. با دیروز تفاوت پیدا کرده بود زیرا سد خاکی شکسته شده و آب درون دب را پر کرده بود، لذا نیروها به داخل دهات حردان و پشت آن به طرف شطراق رفته اند و...»^(۷)

گزارش دوم: گزارش نوبه ای حسن باقری از شکسته شدن سد دوم عراقی ها (۱۳۵۹/۹/۱۰):

از وضعیت نیروهای دشمن در دب حردان حاکی است که تمام سنگرها و نفرات و لودرهای دشمن منهدم شده اند. آتش توپخانه خودی دائماً سداحداثی توسط نیروهای عراقی را می کوبد که سد دوم نیز شکسته و به طرف کنار نیروهای عراقی سرازیر شده است. دو نفر از برادران پاسدار که برای شناسایی رفته بودند در محاصره یک نفربر پی ام. پی و حدود هشت عراقی دشمن می افتند که پس از درگیری موفق می شوند تعدادی از عراقی ها را به هلاکت برسانند. نفربر دشمن فرار می کند و دو عراقی خود را تسلیم می کنند. ولی به علت این که دشمن در تعقیب برادران در حرکت بود، آنها اسرا را می کنند و سالم به پایگاه خود بازمی گردند.^(۸)



از این رو اهمیت انتخاب منطقه مورد نظر، باید بسیار دقیق و با بررسی تمام جوانب مختلف آن در جلسات کارشناسی^۱ و با در نظر گرفتن تمام زوایای فنی، انجام شود.

۳) وسعت منطقه زیر آب
رفته: هر چه منطقه زیر آب رفته گسترده تر باشد به همان نسبت عملیات عبور دشمن از آنها مشکل تر و دشوارتر می گردد. علاوه بر این، قوای مهاجم ناچار به عقب نشینی بیشتر از زمین های تحت

اشغال می شوند. البته وسعت مساحت زمین غرق آب شده باید با مقدار آب موجود متناسب باشد.^۲

البته زیر آب بردن یک منطقه به طبیعت زمین انتخاب شده بستگی دارد و از آنجا که ایجاد آب گرفتگی کل مساحت تعیین شده با توجه به طبیعت زمین و میزان آب در برخی موارد غیر ممکن است، در نتیجه آب در بعضی از قسمت های منطقه به صورت برکه هایی با مساحت مختلف جمع شده و مناطق خشکی در میان آنها باقی می ماند که این مناطق برای فعالیت گروه های گشتی دشمن و فعالیت های دیده بانی و ایدایی و تک های محدود بسیار مناسب است و چه بسا این مناطق خشک به عنوان مخفیگاهی برای سلاح های خمپاره انداز

دشمن مورد استفاده قرار گیرند.
از این رو در جنگ آب، نوع زمین باید چنان هوشمندانه انتخاب شود تا متوقف ساختن نیروی مهاجم و تک کننده را در مقابل مناطق زیر آب رفته تضمین نماید و فرصت عبور از مانع و پیشروی به سمت هدف را از دشمن سلب کند. البته دقت در انتخاب منطقه مورد نظر و نیز رابطه آن با موانع طبیعی دیگر نظیر رودخانه ها، جنگل ها و باغ ها، هماهنگی تأثیر متقابل موانع بر یکدیگر را ایجاد می نماید. مضاف بر این که باید انتخاب مناطق با طرح آرایش یگان های دشمن و موانع مصنوعی که به منظور افزایش موانع منطقه تهیه می گردد هماهنگی داشته باشد. چرا که به عنوان مثال، سراسیمی زمین مجاور منابع آب رودخانه و کانال ها،

۱. در این چهارچوب جلسات متعددی صورت می گرفت. از جمله در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۶ کمیسیونی با شرکت رئیس جمهور، سرهنگ فلاخی، مهندس عباسپور (وزیر نیرو)، سرهنگ فروزان (از فرماندهان ارتش در منطقه جنوب)، مهندس سرداری (مدیر عامل سازمان آب و برق خوزستان)، مهندس عطرچین، مهندس محمد قطبی و ... از مدیران و کارشناسان وزارت نیرو تشکیل و نسبت به استفاده از آب رودخانه های خوزستان برای پشتیبانی از عملیات، تبادل نظر شد و تصمیماتی در خصوص احداث کانال شمالی اهواز فولی آباد، نصب موتورهای پمپاژ آب و هدایت آب کنترل شده به مناطق غرب راه آهن اهواز خرمشهر اتخاذ شد. همچنین مقرر گردید موضوع آبگیری سواحل شرق و غرب کارون از اهواز تا آبادان به طور دقیق به وسیله وزارت نیرو به نحوی بررسی شود که با باز شدن دریچه های سدها و یا هم زمان که میزان آب در هر نقطه ای از طرفین کارون هدایت می شوند پیش بینی شود که چه میزان آب به سمت مواضع عراقی در غرب کارون سرازیر می گردد و غرق آب کردن زمین های شرق کارون خطر سیلاب برای روستاهای خودی نداشته باشد.^(۱)

۲. نظیر اجرای طرح سیلاب های کارون توسط ایران که با کمک آب سد سید شریف و آب ایستگاه پمپاژ و کانال چمران، فرماندهان عراقی را مجبور کرد نیروهای خود را کاملاً از شرق جاده اهواز خرمشهر (از جنوب اهواز تا سیل بند مارد) به غرب جاده اهواز خرمشهر عقب بکشند.^(۲)

محل خروج آب: محل خروج آب از منابع آبی که جهت ایجاد آب گرفتگی مورد استفاده واقع می شوند همراه با ارائه طرح چگونگی این منافذ و روش کنترل آن باید تعیین شود و با محاسبات دقیق و جامع از احتمال بروز سیلاب در سرزمین خودی خودداری شود.

طبیعت خاک: سرعت اجرای عملیات زیر آب بردن یک منطقه و میزان آب مورد نیاز، با ترکیب خاک آن منطقه نسبت مستقیم دارد، لذا کارشناسان و طراحان جنگ آب باید مطالعه موارد زیر را مدنظر داشته باشند:

- میزان تناسب حجم آب برای زیر آب بردن یک منطقه با طبیعت خاک آن منطقه.
- داشتن زمان لازم برای غرق آب کردن منطقه تا عمق مورد نظر (دلخواه).
- سطح آبی که پس از ایجاد آب گرفتگی می توان به طور دائم حفظ کرد.
- طبیعت و شکل برکه هایی که می توان در منطقه مورد نظر ایجاد نمود.
- رودخانه ها (کانال ها):** برای تأمین آب لازم جهت اجرای جنگ آب، باید جریان رودخانه ها تنظیم و کنترل شوند. طرح های کنترل آب رودخانه ها، باید امکان انتقال آب از رودخانه ای به رودخانه دیگر را تضمین نمایند؛ زیرا هدف از این اقدام، ایجاد موانع گسترده ای برای جلوگیری از عملیات دشمن از تغییر و انحراف سطح آب رودخانه ها در مدت زمان کوتاه (حداکثر ۲ روز) است. البته امکان تغییر سطح آب به ظرفیت کانال های ارتباطی میان رودخانه ها و مقدار آب ذخیره شده در پشت سدها بستگی دارد. همچنین وضعیت رودخانه هایی که به دریا می ریزند از نظر جذر و مد و تعیین میزان آب ورودی به آنها در حین مد و نیز میزان دبی آب در این موقع و تعیین مدت زمان مد باید مورد بررسی قرار گیرد.

انتخاب مناطق مورد نظر جهت زیر آب بردن زمین را با محدودیت مواجه می کند، زیرا سمت جریان آب در جنگ آب تأثیر فراوانی دارد. از این رو، ضرورت دارد مناطق مورد نظر این کار در کنار رودخانه ها، کانال ها و مناطقی که آب به آسانی به آنها سرازیر می شود و یا مناطقی که انتقال آب به آنها توسط کانال ها و پمپ ها به راحتی صورت گیرد، قرار داشته باشند. در غیر این صورت، ایجاد آب گرفتگی در مناطق فاقد این ویژگی ها به کوشش و صرف وقت بیشتری نیاز دارد.

نیازمندی های فنی و فعالیت های مهندسی

طراحی و اجرای جنگ آب یک عملیات فنی و پیچیده است که لازم است مهندسین و ادارات فنی ذیربط فعالیت هایی را به شرح زیر هنگام اجرای عملیات انجام دهند:

بررسی زمین: برای داشتن تصور دقیقی از طبیعت زمین، باید تناسب منطقه جهت زیر آب بردن آن با مطالعه سطوحی که بر روی نقشه ها ثبت شده، بررسی شود. بهترین مقیاس نقشه برای این منظور ۷۵۰۰۰۰ می باشد. همچنین باید نقشه برداری از منطقه انجام شود و کلیه جزئیات مربوط به غرق آب نمودن منطقه و یا حتی مناطقی را که نمی توان به زیر آب برد^۱ ثبت گردد. (۹) این فعالیت علاوه بر تشخیص و ثبت نقاط امتداد جاده های اصلی، شوسه و راه آهن می باشد.

شناسایی منطقه: مجریان جنگ آب موظفند حدود منطقه مورد نظر را از لحاظ نوع و میزان شیب و لزوم تقسیم منطقه به قسمت های متعدد به وسیله موانع و خاکریزهای میان آنها جهت محصور ساختن آب در منطقه، ثبت کنند و از شکل این موانع و خاکریزها و نحوه ساختن آنها طرح دقیقی را ارائه نمایند.

۱. با توجه به نوظهور بودن این تاکتیک جنگی و ضرورت دقت در اجرای غرق آب کردن مناطق و جلوگیری از خطرات ناشی از اشتباه در محاسبه، مسئولین تلاش داشتند اطلاعات دقیق و جامعی به دست آورند. به عنوان مثال آقای غرضی، استاندار خوزستان، قبل از اجرای طرح انحراف آب کارون توسط سد و با تلمبه خانه پمپاژ از کارشناسان می خواهد تا جوانب موضوع بررسی شود. ترابی زاده (رئیس اداره نظارت بر منابع آب خوزستان) می گوید: «در پی این دستور، زمین ها و باغات و جنگل های مصنوعی منطقه بررسی شد. علاوه بر آن به آقای بهزادی ماموریت دادم پیش از آب گرفتن اراضی بین اهواز دارخوین در خصوص میزان سوخت و قدرت تلمبه های پمپاژ و محل آنها گزارش کاملی تهیه کند.» (۹)

می‌ورزد تا با این تاکتیک تهدید را مقابله کند. برای اجرای تدابیر پیشگیرانه در برابر جنگ آب، سازوکارهایی وجود دارند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف) جمع‌آوری اطلاعات لازم: در این چهارچوب اولین و مهم‌ترین گام، شناسایی تأسیسات آبیاری و فعالیت‌های مربوط به عمق خاک یگان‌های آفندی است که به دور از صحنه نبرد در حال انجام فعالیت هستند. این تاکتیک، به ویژه در مراحل اولیه، یگان‌های آفندی را به میزان قابل توجهی محدود می‌نماید. البته یگان‌های پدافندی در مناطق عملیاتی

خود به ویژه اگر محدوده عملیاتی آنها در نزدیکی رودخانه‌ها باشد باید مراقب تحرکات یگان‌های آفندی باشند و با انجام عملیات شناسایی هوایی و عکسبرداری و نیز اداره این فعالیت‌ها و فعالیت‌های مداوم گروه‌های گشتی در عمق و مقایسه دقیق میان گزارش‌های شناسایی، زمان انجام

برای اجرای جنگ آب در یک منطقه، سطح آب باید بالاتر از منطقه استقرار دشمن باشد

جنگ آب از سوی یگان آماده آفند را مشخص کنند. همچنین احتمال انجام جنگ آب یا عدم اجرای آن را می‌توان با توجه به عوامل زیر مورد بررسی و تحلیل قرار داد:

- اختلاف و بی‌آبی رودخانه‌های اصلی مانند کمبود آب در زمان‌های معین،
- افزایش یا کاهش آب ذخیره شده (در سیل بندهای مصنوعی) و سد‌های کنترل شده (تنظیمی) و محصور ساختن آب رودخانه‌ها و کاهش دادن میزان خروج آب آنها،
- تقویت سیل بندها و موانع خاکی در مناطق گوناگون،

سیل بندها و موانع: زمین مسطح و یا شبه مسطح، مناطق مناسبی برای زیر آب بردن به شمار می‌روند و برای جمع‌آوری آب و محصور ساختن چنین مناطقی، به ویژه زمین‌هایی که سرآشویی تند دارند، لازم است سیل بند و موانعی مانند آن در حاشیه به دور از مواضع استقرار نیروها ایجاد شود. به عبارتی، سیل بندها و موانع میانی باید برای تقسیم منطقه زیر آب رفته به قسمت‌هایی که جمع‌آوری آب در آنها امکان‌پذیر باشد، ایجاد شوند. احداث عوارض، شامل جاده‌های آسفالت‌ه مرتفع، باید بالاتر از سطح زمین و خطوط راه آهن روی سیل بندها در زمان صلح و براساس طراحی دقیق و علمی صورت گیرد.

پمپ‌های آب: در صورتی که سطح آب انبارها و سدها هم تراز با سطح زمین مورد نظر و یا پائین‌تر از آن منطقه باشد. بالا آوردن آب و هدایت آن به منطقه معین نیاز به پمپ دارد. این امر نیازمند محاسبه تعداد و قدرت پمپ‌ها و مشخص نمودن مکان‌هایی است که از آنجا می‌توان آن منطقه را با مقدار معینی آب و در فرصت تعیین شده به زیر آب برد.

جاده‌ها: از جمله مکان‌هایی که در راستای اجرا یا مقابله با جنگ آب نیاز به محاسبه دقیق و کارشناسانه دارد احداث جاده‌ها و سیل بندهای مواصلاتی هستند. توجه به عرض و سطح مناسب جاده‌ها، تقاطع‌ها و تقویت سیل بندها، امکان نقل و انتقال جنگ افزارها را تسهیل نموده، همچنین در صورت مواجهه با جنگ آب از سوی دشمن می‌تواند در کاهش خطرات ناشی از آن موثر باشد. باید توجه داشت برای مقابله با جنگ آب، می‌بایست جاده‌هایی منتهی به اکیپ‌های اجرایی و مناطق سنگلاخی و نیز مناطق استقرار خط مقدم با دقت انتخاب و احداث شوند.

تدابیر و اقدامات پیشگیرانه

بدیهی است به میزانی که عملیات جنگ آب به اجرا در می‌آید یگان پدافند کننده تجربه کسب کرده و متقابلاً به اتخاذ تدابیر و اقدامات پیشگیرانه مبادرت

ج) انهدام شبکه‌های مخازن آب، سدها و مواضع پمپ‌های آب: این روش، جایگزین تدابیر فوق‌الذکر است و تا زمانی که هدف، جلوگیری از اجرای طرح‌های دشمن و محروم ساختن آنها از ایجاد موانع آبی گسترده برای ایجاد اشکال در عملیات آفندی نیروهای خودی باشد، می‌توان با انهدام تأسیسات فوق و جلوگیری از اجرای طرح‌های زیرآب بردن مناطق توسط آنها، این هدف را تحقق بخشید. البته این راهکار نیازمند رعایت موارد ذیل است:

- تشخیص فرصت مناسب برای انهدام و تخریب تأسیسات جنگ آب: انهدام تأسیسات باید زمانی صورت گیرد که آب جمع شده در آن به اندازه‌ای نباشد که منجر به زیر آب رفتن مناطق مجاور منابع آب مانند سدهای تنظیمی و دریاچه‌ها شود. این راه حل زمانی که دبی آب زیاد باشد خطرناک است زیرا در این صورت ایجاد آب گرفتگی در منطقه هرگز قابل کنترل نخواهد بود.
 - برای شرکت در این عملیات، یگان‌های پرتحرک و سریع‌الانتقال که آموزش آنها در سطح عالی است و عمده آنها از افراد پیاده، نیروی مخصوص و مهندسی تشکیل یافته‌اند و دارای تجهیزات ویژه‌ای هستند، همراه با نیروی هوایی و هوانیروز قوی که قادر به انجام عملیات بوده و توانایی فعالیت در مناطق جدا شده به مدت طولانی، با تحمل سختی فراوان را داشته باشند نیاز است. یگان‌های عملیاتی باید پیش از انجام چنین مأموریت‌هایی تمرین علمی و عملی انجام داده باشند.
 - بکارگیری نیروی هوایی جهت انهدام تأسیسات مزبور مستلزم آمادگی و فعالیت دقیق به منظور موفقیت در انهدام و همکاری صمیمانه و همیشگی با مراکز اطلاعاتی می‌باشد.
 - بهره‌گیری از عناصر جاسوسی و ستون پنجم برای تخریب تأسیسات جنگ آب.
- د) مهار و هدایت آب:** در اجرای عملیات هدایت آب

- ایجاد سیل بندها در کناره‌های رودخانه‌ها و در اماکن معین به ویژه در مناطق پست،
- گسترش و نگهداری و لایروبی کانال‌ها و جوی‌ها و اتصال دادن آنها به یکدیگر،
- توجه و حساس شدن به کوچ اهالی بعضی روستاها، به ویژه روستاهایی که در مناطق کشاورزی پست قرار دارند،
- نصب پمپ‌های آب در اماکن معین و احداث کانال برای انتقال آب از سدها و رودخانه‌ها به مناطق مجاور.

- ب) اشغال مناطق مخازن آب انبارها، سدها و مواضع پمپ‌های دشمن:** یکی از بهترین شیوه‌ها برای پیشگیری از مشکلات و دشواری‌های اجرای جنگ آب از سوی یگان‌های آفندی تلاش برای اشغال مناطق و مخازن آب، سدها، دریاچه‌ها و مواضع پمپ‌های آب آنهاست که از همان آغاز جنگ، گرفتاری‌هایی را برای قوای خودی ایجاد کرده است. این تأسیسات غالباً در عمق خاک دشمن قرار دارند و بی‌شک اشغال آنها با مشکلات نظامی استراتژیک همراه خواهد بود. اما به هر حال برای اجرای چنین تدبیری باید به موارد زیر توجه کرد:
- غافلگیرکردن یگان‌های دشمن هنگام عملیات آب: برای این منظور باید با روش‌های دفاع متحرک (جابه‌جایی) یک موضع دفاعی جدید تشکیل گردد. در این صورت زمین اجازه قدرت مانور را برای نیروهای خودی ایجاد خواهد کرد.^(۸)
 - سرعت در حمله و پیشروی به سمت هدف‌های مزبور: چنانچه حمله یگان‌های دشمن با تأخیر مواجه گردد می‌بایست یک گروه زرهی از یگان‌های خودی، به منزله نیروی پوششی و احتیاط تشکیل شود تا از آن برای هجوم به نیروهای دشمن استفاده شود.
 - اختصاص و آموزش یگان‌های مورد نیاز جهت تحقق این هدف به منظور بالا بردن میزان پایداری و مقاومت در برابر تهدایت گوناگون دشمن به ویژه تا زمان الحاق نیروهای تازه نفس.^(۹)

مناطق که برای استقرار دیده بان های عناصر دشمن مناسب است، بیفزایند.

- تقویت مواضع نیروهای هشدار دهنده بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.
- از موانع و مناطق عقبی (عقبه) و نیز معبرها و دریچه های تنظیم آب، حفاظت جدی به عمل آید و سازماندهی گروه های گشتی - رزمی برای انجام فعالیت شبانه روزی به طور مستمر ادامه یابد.

- یگان ها از جناح های موضع پدافندی شان، به ویژه معابری که احتمال نفوذ عناصر دشمن از آنجا بیشتر متصور است به خوبی حفاظت و مراقبت کنند.^(۱۱)

- تمهیدات و ملزومات لازم برای تخریب سیل بندها، راه ها و خطوط تماس را در اختیار داشته باشد.

- جزایری که به رغم آب گرفتگی امکان استقرار نیروها دشمن در آنها وجود دارد، باید اشغال شود و لبه های جنوبی خطوط پدافندی همواره باید از سوی گروه های گشتی و نیز تعیین پست های مراقبتی حفاظت شوند و یا با دیده بانی مناسب از موقعیت جزایری که احتمال حضور دشمن است، ثبت تیر شوند و با اجرای آتش توپخانه و نیز مین گذاری معابر وصولی به جزایر، در فعالیت های دشمن اختلال ایجاد شود.^(۱۲)

- ایجاد آب گرفتگی در منطقه دشمن، آزادی عمل نیروهای خودی را تأمین می کند، زیرا یگان های دشمن منطقه زیر آب رفته را رها می کنند (ناچار به عقب نشینی می شوند) و پس از آن صرفاً به مراقبت از آن اکتفاء می کنند. این امر دشمن را وادار می سازد در نحوه گسترش یگان های پدافند کننده اش و نیز عقب بردن بعضی یگان ها از یک محور به محورهای دیگر به منظور تقویت آن محورها، تجدیدنظر نماید. این جابجایی نیروها مستلزم تلاش و انرژی زیاد، اختصاص جاده و تأمین و آماده شدن

باید سمت مناطق پست، دره ها یا شیارها و رودخانه های واقع در منطقه عملیاتی را پیش بینی نمود. بررسی و مطالعه نقشه های ویژه آبرسانی و جلوگیری از سیل، به تعیین سمت و شیب این کانال ها کمک می کند. همچنین بررسی نوع خاک و سطح مناطق مختلف در تشخیص چگونگی سمت و شیب این کانال ها بسیار موثر است. در طراحی شبکه کانال های آبرسانی باید نکات ذیل مورد توجه قرار گیرد:

- طرح احداث کانال ها باید با سطوح مختلف زمین هماهنگ باشد.
- اتصال کانال ها با یکدیگر به صورت دقیق طراحی شوند.
- امتداد و گسترش کانال های آبرسانی و آبیاری موجود در منطقه، به طوری که در جلوگیری از زیر آب رفتن منطقه کمک کند.
- کانال ها به مناطق پست یا رودخانه ها منتهی گردند.
- در صورت لزوم باید سدهایی بر روی لبه های مناطق پست ایجاد گردد (سیل بند).
- سیل بندهایی بر روی کانال ها و نهرها در محل های انتخاب شده، به منظور بالا بردن ارتفاع آب و نیز انتقال آب از کانالی به کانالی دیگر و یا قطع جریان آب در آن کانال ها احداث گردد.
- پمپ هایی به تعداد و حجم مورد نیاز برای انتقال آب در کانال ها و یا هدایت آب به مناطق مورد نظر، نصب شود.^(۱۳)

ه) تدابیر پدافندی: جنگ آب، مانع آبی گسترده ای به وجود می آورد که از پیشروی یگان ها جلوگیری به عمل می آورد و آنها را وادار به توقف و اتخاذ حالت پدافندی می نماید. در این صورت، یگان های پدافند کننده، علاوه بر اجرای اصول اساسی نبرد پدافندی خود در پشت مانع گسترده آبی، باید موارد زیر را رعایت کنند:

- فعالیت های دیده بانی، مراقبت و هشدار را از کلیه جهات به ویژه از سمت جلو، جناحین و

ج) تسریع در امر گسترش توپخانه در صورت ناچار شدن به تغییر مواضع آن، و همچنین سرعت و دقت در تجدید هماهنگی طرح آتش،
د) جناح‌ها باید تا فاصله‌ای زیر دید و تیر بایستند که فرصت اعلام خطر و آماده شدن به منظور پاسخ‌گویی به هرگونه عملیات دشمن را داشته باشند.
ه) عملیات زیر آب بردن یک منطقه، خواه کل جبهه یا جزئی از آن را دربر بگیرد، جبهه غیرمنظمی برای پدافند نمودن ایجاد می‌کند، که بازسازی موضع پدافندی مستلزم بازسازی جبهه در کلیه محورها می‌باشد.^(۱۵)

به غیر از مواردی که برای تدابیر پدافندی ذکر شد باید دو نکته زیر را نیز همواره مدنظر داشت:
۱) هنگامی که طرف پدافند کننده اقدام به زیر آب بردن منطقه نموده و زمین‌کشورش را به خوبی می‌شناسد، می‌تواند با تکیه بر مواضع مستحکم پدافندی و جزیره‌های مقاومت، حملات موفقیت‌آمیزی به جناح‌های پدافندی دشمن که در آن سوی منطقه آب گرفته متوقف شده‌اند، بنماید و یا به منظور قطع خطوط مواصلاتی دشمن از پشت به آنان حمله کند. در این صورت قوای دشمن ناگزیر به حفظ خطوط مواصلاتی‌شان خواهند شد و توجه آن بیشتر بر روی این مسئله متمرکز خواهد شد. این امر تهدید مستقیم دیگری برای خطوط مواصلاتی محسوب می‌گردد چرا که ضرورت دارد نیروهای دیگری برای این خطوط اختصاص داده شود و چه بسا این نیروها از موجودی نیروهای اصلی تأمین شود.

پدافند بر روی کرانه دشمن در مقابل منطقه آب گرفته شده، اقدام بسیار خطرناک و متهورانه‌ای به شمار می‌رود. زیرا برای رسیدن به موضع پدافندی دشمن راهی جز عبور از روی سیل بندهای طویل، آن هم توسط یگان‌های محدود وجود ندارد. عبور از سیل بندها نیز به علت تسلط قوای دشمن با مشکلات و خطرات فراوانی همراه است. ضمن این

ملزومات آماد و پشتیبانی است و توان زیادی را از آنها خواهد گرفت. البته امکان دارد دشمن تلاش کند وضعیت نامناسبی را به وسیله جیب‌های مقاومت^{۱۶}، که عمده آنها از نیروهای پیاده و مجهز به سلاح‌های ضدتانک هدایت شونده هستند و با انبوه آتش توپخانه پشتیبانی می‌شوند، به وجود آورد. در چنین حالتی واحدهای رزمی نیروهای خودی نباید منفعل شوند بلکه باید سریعاً نیروها را به منظور تقویت منطقه دیگر یا گستردن جناح خود به سمت مناطقی که احتمال عملیات واحدهای زرهی دشمن از آنجا متصور

است اعزام و مستقر نمایند.^(۱۳)

یگان‌های

پدافندکننده که در اثر زیر آب رفتن منطقه شان ناچار به ترک مواضع خود می‌شوند باید بسیار هوشیار باشند و در اجرای عملیات اشغال مواضع پدافندی جدید سرعت عمل به خرج دهند؛ زیرا به احتمال

زیاد دشمن که منطقه را به زیر آب برده، اقدام به پیشروی و حمله ناگهانی و سریع از سمت جناحین خواهد کرد و از دستپاچگی این نیروها که در اولین مراحل عملیات پیش می‌آید بهره‌برداری خواهد کرد. لذا در عملیات تغییر مواضع پدافندی به خصوص در اولین مراحل آن باید موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

الف) سرعت عمل در احداث خاکریز و سیل بندهای جلو به منظور متوقف ساختن آب،^(۱۴)

ب) سرعت عمل در ایجاد استحکامات به ویژه برای تانک‌ها و نفربرها،

طبیعت خاک

رابطه ناگسستنی با مقدار آب

مورد نیاز جهت غرق آب

کردن منطقه و مساحت آن و

مدتی که باید زمین زیر آب

باشد، دارد

۱. جیب مقاومت (جزیره مقاومت) عبارت است از یک قطعه زمین، منطقه یا مرکز مهمی که توسط نیروی رزمنده دشمن به منظور دفاع و مقاومت اشغال گردیده و با وجود محاصره شدن آن توسط یگان‌های خودی، رأساً درباره ادامه و یا عدم ادامه نبرد تصمیم‌گیری می‌کند.

آماده باش درآمدند. این در حالی است که تعدادی از تانک های مهاجم دشمن که در باتلاق ها گیر کرده اند با آتش خودی منهدم شدند.^(۷۷)

البته گزارش های نگران کننده دیگری نیز از پیشروی نیروهای مهاجم ارسال می شد که تداوم آن می توانست برای جمهوری اسلامی ایران بسیار مخاطره آمیز باشد. شهید حسن باقری در ششمین روز جنگ از پیشروی دشمن تا منطقه دب حردان خبر می دهد و می گوید: «نیروهای عراقی از صبح امروز به روستای دب حردان واقع در جنوب غربی اهواز به فاصله حدود ۲۰ کیلومتری وارد شده اند و

طبق اطلاعات

دریافتی، دشمن توپخانه و تانک هایش را در این روستا مستقر کرده و با بهره گیری از آتش توپخانه بخش جنوب غربی اهواز را هدف گیری می کند که تلفات قابل توجهی به هموطنان ما وارد شده است، ضمناً تعداد تانک ها ۵۰ الی ۸۰ دستگاه برآورد شده است.»^(۷۸)

زمین هایی که خاک آنها مخلوطی از خاک رس، شن و آبرفت باشد برای جنگ آب ایده آل است

در هنگام هجوم نیروهای عراقی، حادثه عجیبی رخ داد و آن به گل نشستن ادوات زرهی به خصوص تانک های دشمن در دشت های صاف و بدون عارضه جنوب در اوایل فصل پائیز بود که بارش باران در آن مقطع سابقه نداشت. با این حال وقوع این حادثه، بیش از آنچه چرایی و علتش مورد توجه قرار گیرد، بیشتر باعث شور و شعف رزمندگان شد. اما این اتفاق آن قدر مهم بود که برخی دیگر نگاه هوشمندانه ای به آن داشته باشند و حس کنجکاوی شان تحریک شود تا علت آن را مورد بررسی قرار دهند. در روزهای اول جنگ در حوزه فرماندهی نظامی و حتی پشتیبانی آن قدر

که پشتیبانی این نیرو و عقب نشینی آن به هنگام ضرورت بسیار سخت و مشکل است.^۱

۲) میداین مین: هنگامی که دشمن به غرق آب نمودن منطقه معینی به منظور ناچار ساختن طرف مقابل به ترک مناطق استقرار خود اقدام می کند، آب، میداین مین دو طرف را فرا می گیرد و این امر باعث ایجاد شرایط زیر می شود:

- از بین رفتن شاخص های میداین مین.
- قرار گرفتن مین ها زیر گل و لای.
- پراکنده شدن مین ها توسط آب در مناطق گسترده و نامشخص.
- افزایش حساسیت مین ها در نتیجه تأثیر آب بر مواد منفجره و حلقه ضامن.

پس از خشک شدن منطقه، پیدا کردن مین ها مشکلات فراوانی را به بار می آورد که گاه به ایراد خسارت جانی و مالی منجر می گردد. از این رو طرح ریزی خوب و هماهنگی کامل در احداث میداین مین و عملیات جنگ آب از سوی طرف اقدام کننده از خطرهای فوق الذکر خواهد کاست، البته بهتر است از مین گذاری در مناطقی که قصد بهره گیری از تاکتیک جنگ آب وجود دارد، خودداری گردد.

تجربه و اقدامات ایران در جنگ آب

علیرغم اهمیت جنگ آب، این مهم از سوی فرماندهان عراقی در بدو تجاوز به خاک ایران مورد غفلت قرار گرفت؛ زیرا در سومین روز نبرد «تعدادی از تانک ها و نفربرهای دشمن در باتلاق های مرز شلمچه و تعدادی دیگر در زمین های کشاورزی منطقه حسینه در گل فرو رفتند و عده ای از خدمه آنها به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند.»^(۷۹)

به دنبال این رخداد، گزارشی که حاکی از اخلال در پیشروی واحدهای زرهی عراق بود به این شرح منتشر شد: «در پی پیشروی ۲۰۰ دستگاه تانک عراقی به سوی اهواز، بسیاری از نقاط حساس شهر سنگربندی شده و مردم و نیروهای نظامی به حال

۱. این حالت شبیه حالت رزمندگان در جزیره مجنون است که بعد از مرحله اول به وجود آمد.

نظارت کنترلی بر میزان پمپاژ داشته باشند، هم چنان در حال پمپاژ آب هستند. چون حجم آب بیش از حد نرمال افزایش یافته، لذا آب از کانال‌ها سرریز شده و به سمت غرب (که محل استقرار نیروهای عراقی است و فلش تهاجم آنها جهت پیشروی به سمت اهواز تلقی می‌شد) جاری شده بود. همین امر سبب آب‌گرفتگی وسیعی از منطقه و باتلاقی شدن زمین شده و عملاً امکان عبور هر



وسیله نقلیه‌ای از دشمن را مشکل یا غیرممکن کرده بود. شهید حسن باقری پس از بازگشت به محل ستاد عملیاتی (پایگاه گلف) پیشنهاد می‌کند این موضوع (تداوم پمپاژ تلمبه‌های آب) مورد بررسی قرار گیرد.

برخی از مقامات نظامی و غیرنظامی (به خصوص مدیران و کارکنان سازمان آب و برق خوزستان) که به خوبی به جنس زمین، طبیعت و جغرافیای شهر اهواز و شهرهای تابعه آشنا بودند و اطلاعات مفید و کارشناسانه از آثار طغیان رودخانه‌های مهم منطقه (کارون، کرخه، بهمنشیر) و جریان و سمت و سوی سیلاب‌های آنها داشتند، به محض اطلاع از آب‌گرفتگی منطقه توسط پمپاژ تلمبه آب درون کانال‌ها، به این فکر افتادند پمپاژ آب را ادامه دهند و عملاً با ایجاد سیلاب‌های مصنوعی در مناطقی که فلش حرکت دشمن به سمت اهواز محسوب می‌شد، مانع از پیشروی قوای متجاوز عراقی گردند. آنها بدون این که بدانند این اقدام در حوزه نظامی، تاکتیک بدیعی در ایجاد بازدارندگی تلقی می‌گردد، آن را به خوبی انجام دادند. آنها همچنین پیشنهادهای سازنده‌ای برای ایجاد سدهای مصنوعی در رودخانه و یا احداث

انسجام وجود نداشت که چنین حوادث مهمی به سرعت مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و متناسب با آن تدابیر لازم اتخاذ شود. با این وجود، درایت افراد تیزبین و باهوش به سبب بهره‌مندی آنها از ذهن خلاق و یا حتی تعصب ملی، باعث شد آنها علت را بررسی کرده و تمام هم و غم خود را بکار گرفتند تا با پیشنهادهای سازنده و بدیع با استراتژی نظامی ارتش عراق موسوم به "حمله برق‌آسا" به مقابله برخیزند. از جمله این افراد، شهید دکتر مصطفی چمران، برخی از مدیران سازمان آب و برق خوزستان و شهید حسن باقری بودند که در بررسی میدانی از خطوط تماس نیروهای خودی با دشمن، این حادثه برایشان بسیار جلب توجه کرد. شهید باقری با مشاهده این رخداد، در همان نگاه اول نقشه‌ای در ذهنش شکل گرفت که می‌توانست بارقه‌امیدی در جهت جلوگیری از پیشروی دشمن باشد. او در منطقه... آب‌گرفتگی وسیعی را مشاهده می‌کند که در اثر سرریز شدن آب داخل نهرها و کانال‌هایی که کشاورزان برای آبیاری زمین‌های خود استفاده می‌کردند، ایجاد شده بود. وی در بررسی منطقه متوجه می‌شود تعدادی تلمبه پمپاژ آب به صورت روشن بدون آن که صاحبان آنها

را ببندیم و آب را به سمت غرب رودخانه منحرف کنیم، می توانیم با سیلاب مصنوعی جلوی نیروهای عراقی را گرفته و مواضع آنها را زیر آب ببریم. در نتیجه عراقی ها مجبور به عقب نشینی می شوند. چمران این مسئولیت را به عهده من گذاشت و گفت شما این کار را انجام دهید، من با آرپی جی دشمن را سرگرم می کنم تا شما کارتان را تمام کنید.»^(۲۰)

مهندس سرداری به نقل از آقای شوشتری می گوید:

«من این کار را با نیروهایی که از مشهد آمده

بودند آغاز کردم. یکی

از کارگران، رانندگی

بولدزر بلد بود.

هنگامی که خاک

می ریختم تا دهانه نهر

باریک شود، آب پشت

خاک حجیم می شد و

شتاب بیشتری برای

خروج از دهانه باریک

پیدا می کرد، لذا دهانه

را می شست و ما را در

انجام کار ناکام

می گذاشت. پس از

مدتی به فکر افتادیم از

کانتینر پر از خاک برای بستن نهر استفاده کنم. لذا سه

عدد کانتینر از بندر ماهشهر آوردیم و با یکی از آنها

نهر را بستیم. پس از مدتی آب پشت سد مصنوعی

افزایش یافت و آن را به منطقه هدف (به سمت

مواضع عراقی ها) سرازیر کردیم. به این ترتیب، آب

مانع از پیشروی نیروهای عراقی شد، و آنها را

زمین گیر کرد. در واقع، آب کار سه لشکر را انجام

داد.»

در همین اثنا نیروهای واحد اطلاعات سپاه

گزارش می دهند: «نیروهای عراقی در جنوب اهواز

کانال های فرعی در رودخانه با هدف انحراف آب به سمت مواضع دشمن ارائه کردند. در این راستا، سرگرد هدایتی از فرماندهان لشکر ۹۲ زرهی ارتش در ساعت ۷/۳۰ صبح ۱۳۵۹/۷/۸ در تماسی با سازمان آب و برق خوزستان، از آنها می خواهد آب رودخانه کرخه را باز کنند و با استفاده از کانال های متروکه آب را به سمت مواضع عراقی ها سرازیر نمایند.^(۲۱)

به هر حال، مخاطرات ناشی از پیشروی سریع

نیروهای عراقی در محورهای مختلف خوزستان،

افراد و مقامات مسئول در اداره امور جنگ در بُعد

تکنیکی و تاکتیکی را به تکاپو می اندازد تا به هر

نحو ممکن دشمن را در تحقق اهدافش ناکام

گذارند. از این رو شهید چمران در بعد از ظهر

هشتمین روز جنگ پس از نبرد سنگینی که با

نیروهای عراقی داشت^۱ به بررسی موقعیت هجوم

نیروهای عراقی مشغول می شود. او به منزل یکی

از هم رزمان قدیمی خود (به نام محمدرضا

شوشتری) می رود و پس از استراحت کوتاه، از او

نقشه جغرافیایی منطقه خوزستان را می خواهد.

شوشتری در اینباره می گوید: «من به آقای

دهدشت تلفن کردم و ایشان نقشه را آورد. شهید

چمران حدود نیم ساعت به نقشه نگاه کرد. سپس

با ناراحتی گفت: خرمشهر رفته است؛ آبادان هم

۹۹ درصد رفتنی است. اگر بخواهیم خرمشهر و

آبادان را نجات دهیم باید اهواز را حفظ کنیم. من

به دکتر گفتم: دستور دهید چند لشکر بیاید و

خوزستان را حفظ کند. چمران پاسخ داد: تاکتیک

نظامی نیروهای ارتشی، مانند ارتش آمریکا،

کلاسیک است و معتقدند برای اینکه بتوانیم

جلوی یک لشکر دشمن بایستیم، باید سه لشکر

داشته باشیم. ضمن آن که جابجایی لشکر به

سرعت امکان پذیر نیست و یک تا سه ماه طول

می کشد. باید به هر نحو ممکن دشمن را زمین گیر

کنیم. وی سپس از روی نقشه توضیح داد که

چنانچه برخی از نهرهای منتهی به رودخانه کرخه

۱. دکتر چمران به اتفاق آیت ا... خامنه ای که هر دو نماینده حضرت امام(ره) در شورای عالی دفاع و نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی بودند، با نظر و

توصیه امام خمینی در روز هفتم مهرماه ۱۳۵۹ با یک فروند هواپیمای C130 به همراه ۶۰ نفر از رزمندگانی که در کردستان تجربه جنگی داشتند، وارد اهواز

شدند و از همان بدو ورود و شب اول حمله های چریکی و ضربتی خود را علیه نیروهای عراقی که تا حدود ۶۰ کیلومتری اهواز پیش آمده بودند، آغاز نمودند.

- اضافه کردن آب کرخه و آب کانال سمت چپ سد کرخه (کانال وصیله)، که باعث سرریز شدن آب و باتلاقی شدن منطقه جنوب حمیدیه گردید.

- طرح سیلاب های کارون که به کمک آب سد سید شریف و آب ایستگاه پمپاژ و کانال چمران انجام شد و موجب شد لشکر ۵ عراق نیروهای خود را کلاً از شرق جاده اهواز خرمشهر (از جنوب اهواز تا سیل بند مارد) به غرب جاده منتقل و عقب نشینی نماید.

در اثر این سلسله اقدامات بازدارنده، نه تنها اهواز از خطر سقوط نجات یافت بلکه با اجرای دقیق جنگ آب و به محاصره درآمدن دشمن در منطقه آب گرفته، این فرصت پیش می آمد تا رزمندگان اسلام ضربات جدی را به نیروهای عراقی وارد نمایند. به طوری که در روز ۱۳۵۹/۷/۱۴ در پی گزارش تیم شناسایی از منطقه حمیدیه و کانال های متروکه که در حاشیه رودخانه کرخه و مسلط بر زمین دشمن بود، شهید حسن باقری طرح استفاده از کانال متروکه برای محاصره قوای عراقی را مورد تأکید قرار می دهد و توصیه می کند چنانچه نیروهای خودی با افزایش آب کانال ها، زمین دشمن را که در روستاهای زیر کرخه صف آرایی کرده اند زیر آب ببرند، عملاً راه گریز عراقی ها محدود می شود و با بستن راه فرار آنها از جاده هویزه، امکان انجام حمله علیه این نیروها فراهم می شود.^(۲۶)

بهره گیری از طرح های جنگ آب و دستاوردهای آن در ناکام گذاشتن استراتژی نظامی عراق، چنان بازتاب پیدا کرد که جلسه ای با حضور تعدادی از اعضای شورای عالی دفاع (حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی و

در روستای مکطوع، ضمن انهدام ۴ تانک ایران قصد احداث پل بر روی رودخانه کارون را دارند که در این صورت اهواز در خطر جدی محاصره قرار خواهد گرفت.»^(۲۷) این خبر کافی بود تا پیشنهاد شهید باقری در خصوص فعال نگاه داشتن پمپاژ تلمبه خانه های آب (با هدف تداوم پمپاژ آب) و نیز استفاده از کانال های متروکه، بیش از پیش مورد توجه مدیران و کارکنان سازمان آب و برق خوزستان قرار گیرد. آنان از حیث شناخت منابع آب و زمین خبره بودند و بر پمپاژ تلمبه ها نظارت داشتند^(۲۸) و با محاسبه دقیق اقدام به هدایت آب به سمت مواضع دشمن می کردند. پس

از مدتی برای ساماندهی و کنترل امور، ستاد عملیاتی موسوم به ستاد عملیات مرکزی سازمان آب و برق تشکیل گردید.^(۲۹) که مهم ترین زیرمجموعه های آن، گروه راه اندازی موتور تلمبه ها، گروه میرآب ها و تنظیم آب و گروه لایروبی و ترمیم و بازسازی انبار بود که

در محورهای مختلف جبهه ها انجام وظیفه می کردند.^(۳۰) مهم ترین اقدامات این ستاد در ماههای اول جنگ را می توان به شرح زیر برشمرد:

- فعال کردن کلیه موتور تلمبه های کنار رودخانه کرخه و کرخه نور و فعال کردن کلیه کانال هایی بود که آب را از کرخه به جنوب جاده حمیدیه و سوسنگرد می برد.

در جنگ آب،
نوع زمین باید چنان
هوشمندانه انتخاب شود
تا متوقف ساختن نیروی
مهاجم را در مقابل مناطق
زیر آب رفته تضمین کند

۱. پس از بحث های فراوان، مقرر شد کلیه کارهای مربوط به جنگ آب در ستادی زیر نظر سه وزیر (وزرای دفاع، نیرو و راه و ترابری) انجام پذیرد. در فرودین سال ۱۳۶۰ این ستاد، مسئولیت اجرایی طرح را به سازمان آب و برق خوزستان واگذار نمود که در ضمن نمایندگانی از سه وزیر مربوطه نظارت دائمی داشته باشند.^(۳۱)
۲. طرح های آبی که تا این تاریخ انجام شده بود شامل طرح تداوم پمپاژ و همچنین اضافه کردن آب رودخانه کرخه نور توسط سد تنظیمی کرخه بود. طرح استفاده از کانال های متروکه که شهید حسن باقری دقیقاً مناطق حضور دشمن را رصد می کرد شامل کانال هایی می شد که بر زمین نیروهای عراقی مسلط بودند و با سرریز کردن آب در مناطق حضورشان، آنان را یا در محاصره آب و در معرض تهدید و حمله رزمندگان قرار می داد یا مجبور به عقب نشینی می کرد. ضمناً روستاهای زیر کرخه که عراقی ها در آن مستقر بودند شامل: دب خردان، صفحات، بت شمالی، عبوده، شمس، شلیعی، سیدحمید و ... می شد.



شهید چمران)، وزیر نیرو (شهید مهندس عباسپور) و مدیران ارشد سازمان آب و برق خوزستان با هدف پیگیری اجرای «طرح استفاده از آب»، در دفتر شهید چمران برگزار شد. در این جلسه لزوم استفاده از آب، ذخیره سازی و خروج آب سدها و ایجاد سیلاب های مصنوعی به عنوان یک تاکتیک نظامی مورد تأکید قرار گرفت. همچنین در این جلسه، گزارش های متعددی از آثار موفقیت آمیز غرق آب کردن مواضع دشمن که باعث توقف و یا تغییر مسیر قوای مهاجم عراقی شده بود ارائه گردید و چنان هیجانی در برخی از حضار ایجاد کرد که در همان جلسه بر اجرای عملیات های بزرگ تر و مهم تر «جنگ آب» اتفاق نظر حاصل شد.^۱

البته تا این مقطع (۱۳۵۹/۷/۲۶ تا ۱۳۵۹/۷/۲۵) چهار طرح شامل: «تداوم پمپاژ تلمبه خانه ها، طرح سیلاب کرخه، طرح استفاده از کانال های متروکه و طرح استفاده از آب پخش حمیدیه» (که به عنوان اولین دوره از جنگ آب به حساب می آید) به اجرا درآمده بود.^(۲۸) اجرای هر یک از این طرح ها تأثیر شگرفی بر جای گذاشت و موجب توجه بیشتر مقامات نظامی برای طراحی، برنامه ریزی و اجرای آن تا آخرین روزهای جنگ (و حتی بعد از آن) شد؛ به نحوی که تا پایان جنگ جمعاً ۳۰ طرح طی چهار دوره زمانی، به شرح زیر به اجرا آمد:

طرح های دوره دوم جنگ آب خوزستان در سه منطقه و طی دوره زمانی (۱۳۵۹/۷/۲۵ تا ۶۱/۴/۳۰) در مناطق ذیل انجام شد:

الف) منطقه جنوب اهواز

- طرح سد خاکی سید شریف: احداث سد خاکی بر روی رودخانه کرخه در قریه سید شریف و هدایت آب به طرف «دب حردان» که عراقی ها

در آن منطقه مستقر بودند.

- طرح سد خاکی کوهه: احداث سد خاکی بر روی رودخانه کرخه نور در قریه کوهه و هدایت آب به سمت جنوب کرخه نور.

- طرح ایستگاه پمپاژ و کانال (شهید) چمران. در جبهه مقابل، عراقی ها با ایجاد خاکریز و بریدن جاده و هدایت آب به طرف رودخانه کارون، به مقابله با این اقدامات پرداختند.

ب) در منطقه غرب اهواز

- طرح سد جرگه سید علی: احداث سد خاکی بر روی رودخانه کرخه در نزدیکی جرگه سید علی و کیلومتر ۱۷ جاده حمیدیه سوسنگرد و هدایت آب کرخه توسط کانال به طرف جنوب جاده حمیدیه سوسنگرد که محل استقرار نیروهای عراقی بود.

- طرح کانال کوت:

ایجاد کانال در منطقه کوت (کنار جاده حمیدیه سوسنگرد) و انتقال آب کرخه برای کمک به آب سد جرگه سید علی.

- طرح کانال مالکیه: استفاده از کانال سمت راست سد تنظیمی کرخه و ایجاد آب گرفتگی در جنوب منطقه ... اکبر تا نزدیکی بستان.

- نیروهای عراقی برای مقابله با این اقدامات به ایجاد خاکریز و هدایت آب به طرف رودخانه کرخه نور مبادرت کردند.

می بایست از مین گذاری در مناطقی که قصد بهره گیری از تاکتیک جنگ آب وجود دارد، اجتناب شود

۱. در این خصوص، رئیس اداره نظارت بر منابع آب سازمان آب و برق خوزستان در گپ خصوصی با مدیر عامل سازمان به وی پیشنهاد می دهد تا چنانچه وزیر نیرو دستور دهد رودخانه کرخه کور را در محل سد سید شریف خواهد بست و آب را به سمت عراقی ها در «دب حردان» روانه می کند. مهندس سرداری با تشخیص تأثیرات این طرح، موضوع را با عباسپور (وزیر نیرو) طرح و موافقت وی را جلب می کند و بدین طریق بستر طراحی «جنگ آب» موسوم به طرح «سید شریف» کلید می خورد.^(۲۹)

طرح های دور سوم (۱۳۶۱/۴/۳۰ تا ۱۳۶۳/۲/۲۰)

- احداث کانال آب و تخلیه آب گرفتگی منطقه.
- بریدن دژهای شرقی و غربی جزیره جنوبی
- مجنون و آب اندازی در مقابل پاتک نیروهای
- زرهی عراق.
- تشکیل گردان پمپ.
- احداث کانال سیدالشهدا(ع) با هدف تخلیه
- آب گرفتگی شمال منطقه پاسگاه زید.
- بریدن دژ عراق در منطقه زید و انحراف آب به
- داخل خاک عراق.

نیروهای عراقی در مقابل با استفاده از کانال پرورش ماهی، شکستن آن و ایجاد آب گرفتگی در منطقه پاسگاه بویان، بستن کانال خروجی هورالعظیم (کانال سویب) و بالا بردن سطح آب هور با هدف غرق جزایر، احداث کانال غربی شرقی سویب، طلائی، کوشک و ارسال آب به سمت مواضع نیروهای ایرانی به مقابله برخاستند.

طرح های دوره چهارم (۱۳۶۳/۲/۲۰ تا ۱۳۶۷/۳/۲۷)
- احداث کانال ۸۰ کیلومتری سلمان (ادامه کانال**ج) در منطقه شرق و غرب رودخانه کارون تا خرمشهر**

- طرح سیلاب های کارون: ذخیره و رهاسازی آب
- سدهای دز و کارون و ایجاد سیلاب های
- مصنوعی در جنوب اهواز در شرق و غرب
- کارون محل استقرار نیروهای زرهی عراق.^۱
- طرح انحراف رودخانه کارون: احداث خاکریز در
- رودخانه کارون برای انحراف آب به طرف کانال
- بحره.
- طرح کانال بحره: احیای کانال قدیمی بحره که آب
- را از رودخانه کارون (در جنوب اهواز) به طرف
- هور شادگان هدایت می کرد.
- طرح بستن نهرهای شادگان.
- طرح سد هالوب: احداث سد تنظیمی بر روی
- رودخانه کارون در نزدیکی دارخوین،
- روستاهای هالوب و ام نوشه و احداث کانال
- برای هدایت آب کارون.
- در مقابل، عراق با جلوگیری از عبور آب از زیر
- جاده اهواز - خرمشهر، نیروهایش را از کنار
- رودخانه کارون به غرب جاده اهواز - خرمشهر
- عقب کشید.

۱. استفاده از سد دز: در نوروز سال ۱۳۶۰، آب سد دز در حد بسیار زیادی باز شد و با بالا آمدن آب، مسیر کارون از طریق کانال هایی که ایجاد شده بود به دشت وسیع، حذافصل کارون تا جاده اهواز خرمشهر در منطقه ای به طول ۱۳۰ کیلومتر و عرض ۲۵ کیلومتر هدایت گردید. پس از آن نیروهای خودی مواضع خود را تخلیه کردند و دشمن هم تا جاده آسفاته اهواز - خرمشهر عقب نشینی کرد و در مواضع متکی به جاده مستقر شد. این آب گرفتگی که تبعات آن تا عملیات ثامن الائمه منطقه را تحت تأثیر قرار داده بود توسط دژی که عراق در شمال خرمشهر ایجاد کرده بود به کارون هدایت و سطح ارتفاع آن کنترل می شد تا به خرمشهر که در اختیار عراق بود سرایت نکند. طرح هایی نیز برای انهدام این دژ بررسی شد، از جمله انهدام دژ توسط مین یا شلیک موشک، که هر کدام به دلایلی از جمله عرض زیاد دژ که به هشت متر می رسید اجرا نگردید. در هر صورت، استفاده از طرح های آب گرفتگی - که به جنگ آب هم معروف بود - بخشی از اقدامات موثر و بعضاً بی اثر جبهه خودی علیه دشمن بود که عموماً از تابستان سال ۱۳۶۰ قطع گردید.^(۳۹)

۲. طرح سد در روستای هالوب: با حضور کارشناسان طرحی نسبتاً گسترده و با اصول فنی در روستای هالوب در ۱۵ کیلومتری دارخوین اجرا گردید. طرح عبارت بود از: احداث سد آهنی با استفاده از لوله های ضخیم به قطر یک متر که در صورت تکمیل قادر بود ارتفاع آب را به صورت کنترل شده در پشت سد بالا بیاورد و پس از آن کارون از طریق کانالی به عرض پنجاه متر که در پیچ تند رودخانه، قبل از هالوب، ایجاد شده بود، به دشت غربی منطقه هدایت گردد. با تکمیل طرح، کارون به جبهه غربی سرازیر گردید اما پس از یکی دو روز، فشار آب سد را منهدم کرد و طرح با شکست نسبی روبه رو گردید. طرح هالوب به خاطر این که امکان عبور و مرور پیاده خودروی سبک را برای مدت کوتاهی ایجاد کرده بود به پل هالوب هم معروف گردید و در اواخر سال ۱۳۵۹ اجرا گردید.^(۴۰)

۳. طرح «جنگ آب» حتی در خلال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۷ و پس از آن نیز ادامه یافت که بعضی طرح های آفندی و برخی پدافندی محسوب می شدند؛ از جمله طرح کانال سلمان ۲: کانال سلمان و سلمان ۲ از جمله کانال های پدافندی قوی می باشند که در زمان پذیرش قطعنامه در فاصله ۲/۵ کیلومتری بین دژ ج.ا.ایران و دژ عراق از طلائی (وصل به هورالعظیم) تا نهر خین (وصل به اروند) را غرقاب نمود. طرح کانال غدیر: این کانال با اهداف سلمان ۱ و ۲ ولی با توان و قدرت چندین برابر طراحی و ۹۰٪ بپایه آن اجراء گردیده است. این کانال علاوه بر اهداف پدافندی قوی، می تواند کانال آفندی بسیار قوی تلقی شود. زیرا چنانچه دژ عراق از طلائی تا کوشک و از کوشک تا زید هر کجا بریده شود، این کانال شرق بصره را به زیر آب خواهد برد. در سیلاب سال ۱۳۷۲ باز کردن کانال غدیر باعث کاهش سطح آب اهواز و نجات این دژ از سیلاب شد.

جنگ آب در دوره جنگ تحمیلی وجود دارد می توان گفت این تاکتیک برای کشوری که بخشی از سرزمینش توسط ارتشی بیگانه اشغال شده، با توجه به زیر ساخت های منابع آبی که در عقبه نیروهای خودی وجود دارد، می تواند بیشتر مثر ثمر باشد. به عبارت دیگر، تاکتیک جنگ آب یک تاکتیک تدافعی است که نیروهایی که در حالت پدافندی قرار دارند از آب به عنوان یک مانع بازدارنده بهره می برند. حداقل چنین فرضیه ای را می توان در مورد جنگ ایران و عراق صائب دانست. نیروهای ایرانی با استفاده از منابع آبی

فراوانی که در خوزستان در اختیار داشتند توانستند به بهترین شکل مانع از موفقیت استراتژی نبرد برق آسای ارتش عراق شوند و با کاستن از سرعت پیشروی آن، زمان لازم را برای کسب آمادگی جهت مقابله نیروهای

**تاکتیک جنگ آب،
یک تاکتیک تدافعی است
که نیروهایی که در حالت
پدافندی قرار دارند از آب
به عنوان یک مانع بازدارنده
بهره می برند**

خودی با آن به دست آورند. در مقابل ارتش عراق نیز در دوره تنبیه متجاوز و ورود نیروهای نظامی ایران به خاک عراق به کرات از این تاکتیک در منطقه جبهه جنوب، علیه نیروهای خودی بهره گرفت. در مقاله حاضر که با تکیه بر منابع و اسناد دست اول ایرانی و عراقی و نیز برخی از مصاحبه ها با دست اندکاران جنگ آب در کشورمان به نگارش درآمده، تلاش شد ضمن ارائه اصول نظری برای جنگ آب، کاربرد این تاکتیک از سوی نیروهای نظامی کشورمان در اوایل جنگ تشریح گردد.

شهید چمران) از جنوب غربی اهواز تا منطقه طلائیة.

- احداث حوضچه طلائیة برای ذخیره آب.
- احداث کانال شیردم.
- احداث کانال ۵۰۰ متری شرقی غربی امام علی(ع) و اتصال آن به کانال شیردم.
- در جبهه مقابل، عراق با تقویت دژ کوشک - طلائیة و احداث دژ دیگر به موازات آن به مقابله با طرح های جنگ آب ایران مبادرت کرد.^(۳)

نتیجه گیری

در طول دوره جنگ تحمیلی، در سطوح مختلف طراحی استراتژی، تاکتیک و فناوری نظامی، نوآوری های عدیده ای توسط فرماندهان، طراحان و متخصصین حوزه های مختلف صورت گرفت که این نوآوری ها با توجه به محدودیت هایی که کشورمان در زمینه های مختلف با آن روبه رو بود توانست ضمن جبران این کاستی ها و محدودیت ها، تا حدی ابتکار عمل را نصیب نیروهای نظامی کشورمان بکند. چنین نوآوری هایی را در تمام طول دوره جنگ هشت ساله و در جریان تمام عملیات های انجام شده توسط نیروهای خودی می توان سراغ گرفت. در این راستا، تاکتیک جنگ آب که از آغازین روزهای جنگ تحمیلی توسط رزمندگان اسلام به اجرا درآمد از مهم ترین و تأثیرگذارترین نوآوری هایی بود که صورت گرفت.

مهم ترین تأثیر اجرای این تاکتیک در اوایل جنگ، کاهش سرعت پیشروی ارتش عراق و عدم کارایی کافی نیروهای زرهی و مکانیزه عراق، که نقطه قوت این ارتش محسوب می شد، در دشت های مسطح خوزستان بود. به مرور زمان و آشنایی دو طرف به دامنه اثرات جنگ آب و سازوکارها و استلزامات آن، هر دو کشور به بهره برداری از این تاکتیک پرداختند و دو کشور رقابت تنگاتنگی را در این زمینه داشتند.

از مجموع منابع و اسناد معدودی که درباره

یادداشت‌ها

۱. جمشید سرداری، جنگ آب در خوزستان به روایت اسناد دوران دفاع مقدس، دانشگاه امام حسین؛ معاونت مهندسی و پدافند غیرعامل با مرکز مطالعات و پژوهش‌های مهندسی، ۱۳۸۸ پیشین، برگرفته از سند ۸۶ ص ۱۵۹ و سند ۱۱۴، ص ۱۸۶.
۲. همان، سند شماره ۵۴، ص ۱۲۹.
۳. همان، سند شماره ۶۶، ص ۱۴۱.
۴. همان، سند شماره ۷۲، ص ۱۴۵.
۵. همان، سند شماره ۶۵، ص ۶۹.
۶. همان، جلسه کارشناسی در مورد چگونگی انحراف آب کارون، سند شماره ۱۷، ص ۸۴.
۷. همان، سند شماره ۱۷، ص ۸۴.
۸. همان، اثرات طرح جنگ آب بر دشمن؛ دستورالعمل حدود مسئولیت سپاه سوم عراق (سند عراقی)، سند شماره ۸۶، ص ۱۵۹.
۹. آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، سند شماره ۶۰۴۲۱.
۱۰. آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، سند شماره ۶۴۲، ص ۶۵۱، سند شماره ۶۴۳، ص ۶۳۱ و سند شماره ۶۴۲، ص ۶۲۸.
۱۱. سرداری، پیشین، سند شماره ۲۱۶، ص ۲۸۹.
۱۲. همان، اسناد شماره ۲۰۲، ص ۲۷۹ و ۴۹، ص ۱۲۴.
۱۳. آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، سند شماره ۶۰۴۲۱.
۱۴. سرداری، پیشین، سند شماره ۶، ص ۶۹.
۱۵. آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، سند شماره ۶۰۴۲۱.
۱۶. نشریه ویژه خبرگزاری پارس، ۵۹/۷/۳.
۱۷. روزنامه کیهان، ۵۹/۷/۴، گ ۲، ص ۶۴.
۱۸. سرداری، پیشین، طرح تداوم پمپاژ، گزارش نوبه‌ای حسن باقری، سند شماره ۳، ۵۹/۳/۶، ص ۶۵.
۱۹. همان، گزارش ستاد عملیات مرکزی سازمان آب و برق خوزستان، سند شماره ۴، ۵۹/۷/۸، ص ۶۶.
۲۰. همان، استفاده از آب به عنوان مانع پیشروی نیروی زرهی عراق «سند شماره ۵، ۵۹/۷/۸، ص ۶۷.
۲۱. همان، سند شماره ۶، ص ۶۹.
۲۲. همان، ص ۸۵.
۲۳. گفتگوی نویسنده با آقای مهندس جمشید سرداری (مدیر اسبق سازمان آب و برق خوزستان).
۲۴. سرداری، پیشین، سند شماره ۷۸، ص ۱۵۲.
۲۵. همان، ص ۵۲۲.
۲۶. همان، سند شماره ۱۱، ص ۷۴.
۲۷. همان، سند شماره ۱۲، ص ۷۹.
۲۸. همان، صص ۷۰۳ تا ۷۰۲.
۲۹. علی بنی لوحی، نبردهای شرق کارون به روایت فرماندهان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹.
۳۰. همان، ص ۱۱۰.
۳۱. سرداری، پیشین، صص ۷۰۳ تا ۷۰۷.



اسناد مربوط به جنگ آب در جنگ عراق و ایران

تهیه و تدوین:

گروه پژوهش فصلنامه

در طول جنگ تحمیلی، استفاده از ابتکارات نوین برای ایجاد موانع مصنوعی و استفاده از موانع طبیعی از سوی هر دو کشور برای گرفتن آزادی عمل از نیروهای طرف مقابل به کرات مشاهده شد و به جرأت می توان گفت در این جنگ، دنیا شاهد کاربردی شدن بسیاری از الگوهای جدید دفاع و استفاده از موانع دفاعی بود. در این راستا، تاکتیک جنگ آب جایگاه و اهمیت زیادی در استراتژی های آفندی و پدافندی دو کشور ایفا کرد. هرچند ابتکار استفاده از آب برای زمین گیر کردن یگان های زرهی و مکانیزه عراق، نخستین بار از سوی نیروهای نظامی ایران اجرا شد اما یگان های عراقی نیز با درک اهمیت این تاکتیک ایران، به سرعت در این زمینه به صورت عملیات پیش دستانه و یا برای خنثی نمودن طرح های جنگ آب ایران، اقدامات گسترده ای را اجرا نمودند. در این بخش، ۷ سند از اسناد ایرانی و عراقی مربوط به جنگ آب ایران و عراق درج شده است.										اشاره		

♦ سند شماره ۱

سفارشات در مورد سیل مورخ ۵۹/۱۰/۲۴

(سند عراقی)

موضوع اصلی: طرح سیلاب های کارون

شماره سند: ۰۱۱۴

فرستنده: فرمانده نظامی سیل در بصره سرهنگ

حامد احمد یاسین

گیرنده: کلیه واحدهای منطقه بصره

طبقه بندی: بکلی سری

شماره: سیل ۱۰۸۹۸۱

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۲۴ برابر ۱۹۸۱/۱۱/۱۴

متن زیر مربوط به سفارش های سیل در منطقه

بصره در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۴ می باشد:

۱. هدف: مبارزه با سیل در استان بصره و پادگان ها و

یگان های مستقر در آن؛

۲. فرمانده سیل: فرمانده منطقه بصره سرهنگ حامد یاسین؛



۶. مشخص کردن مناطق:

الف) منطقه پادگان معقل

فرمانده: سرهنگ دوم اداری سعدالدین عطا محمد
سعیدف فرماندهی نیروی دریایی و دفاع ساحلی.
محدوده تحت مسئولیت: مناطق کلیه واحدهای
فرماندهی نیروی دریایی و دفاع ساحلی.
مأموریت:

- تقسیم کردن منطقه به بخش‌های کوچک تر و
تعیین فرماندهان آنها و مشخص کردن
مسئولیت‌ها.
- اختصاص دادن خودروها و چادرها و وسایل
استحکامات از امکانات فرماندهی و آب‌رسانی شاخه
بصره برای هر بخش.
- تهیه طرح مقابله و ارسال یک نسخه از آن به این
یگان.

ب) منطقه شمالی استان بصره:

فرمانده: سرهنگ دوم عبد علی محری جاسم، واحد
۲۰۹۷

محدوده تحت مسئولیت: از هارثه تا شهر مدینه،
نیروهای اختصاص داده شده: همچنانکه در زیر
شرح داده شده از منابع فرماندهی جیش الشعبی در
بصره تأمین می‌شود.

۳. معاون: فرمانده واحد ۲۰۹۷؛

۴. این قرارگاه در فرماندهی منطقه بصره گشایش
می‌یابد؛

۵. وظایف قرارگاه:

الف) هماهنگ کردن اقدامات مقابله با سیل با
مسئولان اداره محلی،
ب) انتشار یک نشریه در مورد سطح آب [اروند رود]
شط العرب و هور،
ج) شناسایی مناطق برای مشخص کردن موارد زیر:
- نقاط ضعف سیل‌بندها و وسایل مورد نیاز برای
مستحکم کردن آنها،
- تنظیم جدولی برای طرح انبار کردن کیسه‌های
شنی و سایر وسایل مورد نیاز برای هر منطقه،
- مطلع ساختن مسئولین از نکات مهمی که به
هنگام شناسایی با آن برخورد می‌کنند.
- ارسال گزارش مفصل شناسایی به این یگان،
- اطلاع فوری این یگان به هنگام رسیدن سطح آب
به مرحله خطرناک، و
- تماس با اداره آبیاری بصره به منظور تأمین وسایلی
هم‌چون کلنگ و بیل علاوه بر وسایلی که در واحدها
موجود است (کیسه شنی).

مأموریت:

تقسیم منطقه به بخش‌های کوچک‌تر زیر:

- بخش اول: شامل ناحیه هارثه می‌باشد و فرمانده آن نیز فرمانده قاطع جیش الشعبی در منطقه هارثه خواهد بود. نیروهای اختصاص داده شده برای این کار از نیروهای جیش الشعبی در منطقه هارثه تأمین خواهد شد.

- بخش دوم: شامل ناحیه نشوه می‌باشد و فرمانده آن نیز فرمانده قاطع جیش الشعبی در منطقه نشوه خواهد بود و نیروهای اختصاص داده شده برای این کار نیز از نیروهای جیش الشعبی در منطقه نشوه تأمین خواهد شد.

- بخش سوم: شامل شهرستان قرنه می‌باشد و فرمانده آن نیز فرمانده قاطع جیش الشعبی در قرنه خواهد بود و نیروهای اختصاص داده شده برای این کار نیز از نیروهای جیش الشعبی در منطقه قرنه تأمین خواهد شد.

- بخش چهارم: شامل بخش مدینه می‌باشد و فرمانده آن نیز فرمانده قاطع جیش الشعبی در شهر خواهد بود.

اداره آبیاری بصره نیاز منطقه را از نظر وسایل استحکاماتی تأمین خواهد کرد.

ج) منطقه مرکزی:

فرمانده: سرهنگ دوم سعدی جاسم محمد، واحد ۴ محدود و مسئولیت: از رودخانه گرمه علی در شمال تا رودخانه سراجی در جنوب.

نیروهای اختصاص داده شده: چنان‌که در زیر شرح داده می‌شود از منابع فرماندهی جیش الشعبی در بصره تأمین خواهد شد.

این منطقه به بخش‌های کوچک‌تر زیر تقسیم می‌شود:

- از ایستگاه تولید برق رودخانه گرمه علی تا نجیبیه را شامل می‌شود و فرمانده آن نیز بر حسب دستور قاطع جیش الشعبی منطقه معقل تعیین می‌شود. نیروهای اختصاص داده شده به این کار نیز نیروهای جیش الشعبی در منطقه معقل خواهند بود.

- شامل پالایشگاه مفتیه واقع در کناره راست [اروند رود] شط العرب می‌باشد و فرمانده و نیروهای اختصاص داده شده به این کار نیز از نیروهای جیش الشعبی منطقه معقل تأمین خواهد شد.

- شامل رودخانه سراجی می‌باشد و فرمانده و نیروهای اختصاص داده شده به این کار نیز از قاطع جیش الشعبی در بصره تأمین خواهد شد.

- شامل سیل بند جدید غربی است که از سیل بند راه آهن تا ایستگاه تلویزیون بصره (داخل) را شامل می‌شود و فرمانده و نیروهای اختصاص داده شده آن از قاطع جیش الشعبی در بصره تأمین خواهد شد.

- وسایل استحکاماتی مورد نیاز توسط آبیاری شاخه بصره تأمین می‌شود.

د) منطقه شرقی:

فرمانده: سرهنگ دوم جمیل محمد جیاد، واحد ۴۲ محدود و مسئولیت: از رودخانه سویب تا دعیجی واقع بر سیل بند جدید می‌باشد.

نیروهای اختصاص داده شده: نیروهای جیش الشعبی منطقه [اروند رود] شط العرب می‌باشند.

این منطقه به بخش‌های کوچک‌تر زیر تقسیم می‌شود:

- از [اروند رود] شط العرب تا تپه سیاه (خارج) را شامل می‌شود و فرمانده و نیروهای اختصاص داده شده از قاطع جیش الشعبی [اروند رود] شط العرب تأمین خواهد شد.

- بخش دوم شامل تل الاسود (تپه سیاه) (داخل) به طرف پل خالد بن ولید می‌باشد و فرمانده و نیروهای اختصاص داده شده به آن از قاطع جیش الشعبی [اروند رود] شط العرب تأمین خواهد شد.

- بخش سوم از پل خالد بن ولید به طرف رودخانه دعیجی را شامل می‌شود و فرمانده و نیروهای اختصاص داده شده به آن از نیروهای قاطع جیش الشعبی [اروند رود] شط العرب تأمین خواهد شد. - نیاز وسایل استحکاماتی منطقه از آبیاری اداره بصره تأمین خواهد شد.

ه) منطقه جنوبی:

فرمانده: سرهنگ دوم یوسف علی خلیل، مرکز آموزش پیاده بصره.

محدوده مسئولیت: از شمال رودخانه سراجی تا شهرستان فاو را شامل می‌شود.

چنانچه در ذیل شرح داده شده نیروهای اختصاص داده شده برای این منظور از منابع فرماندهی جیش الشعبی تأمین خواهد شد.

این منطقه به بخش‌های کوچک‌تر زیر تقسیم می‌شود:

- بخش اول؛ منطقه ابی الخصب ابوفلوس: از شمال رودخانه سراجی تا جنوب کارخانه کود شیمیایی (داخل) امتداد دارد و فرمانده آن نیز فرمانده قاطع جیش الشعبی در منطقه ابی الخصب خواهد بود و نیروهای اختصاص داده شده نیز از نیروهای جیش الشعبی در منطقه تأمین خواهد شد.

- بخش دوم؛ منطقه بلجانیه مطوعه: این منطقه از شمال کوت الزین تا جنوب قطعه را شامل می‌شود و فرمانده آن فرمانده قاطع جیش الشعبی در سبیه خواهد بود و نیروهای اختصاص داده شده به آن نیز از نیروهای جیش الشعبی در منطقه تأمین خواهد شد.

- بخش سوم؛ منطقه سیحان: این منطقه از شمال پاسگاه قطعه (داخل) تا جنوب واصلیه (خارج) را شامل می‌شود و فرمانده و نیروهای اختصاص داده شده به آن از قاطع جیش الشعبی سبیه تأمین خواهد شد.

- بخش چهارم؛ از شمال واصلیه تا جنوب زیادیه (داخل) را شامل می‌شود و فرمانده و نیروهای اختصاص داده شده به آن نیز از قاطع جیش الشعبی فاو تأمین خواهد شد.

- بخش پنجم؛ منطقه فاو: از شمال معامر (داخل) تا جنوب راس البیشه (داخل) را شامل می‌شود و فرمانده و نیروهای اختصاص داده شده به آن نیز از قاطع جیش الشعبی فاو تأمین خواهد شد.

- نیاز وسایل استحکاماتی منطقه نیز از اداره آبیاری تأمین خواهد شد.

۷. در صدهای اعلام آماده باش:

الف) آماده باش (الف) در مواقع زیر اعلام می‌شود: اولاً؛ هنگامی که آب‌های هورالحمار از دریچه سیل بند جدید نزدیک محله قادسیه عبور کند و یا دستوری که از این قرارگاه صادر شود. ثانیاً؛ هنگام طغیان آب‌های [اروند رود] شط العرب و رسیدن آنها به پادگان معقل واقع در داخل استان. ثالثاً؛ هنگام بالا آمدن سطح هور و رسیدن آن به سیل بند شرقی.

رباعاً؛ کارهایی که در هنگام آماده باش باید صورت گیرد: - اعزام گشتی‌های دو نفره با میانگین یک گروه گشتی در هر کیلومتر.

- جلوگیری از خراب شدن سیل‌بندها و کناره‌های آنها.

- مراقبت شدید از سیل‌بندها.

- مراقبت از مواضع بخش‌های هارثه، نشوه و دو کناره [اروند رود] شط العرب، هور الحمار، کارخانه کاغذسازی، خانه‌های مسکونی و ایستگاه برق.

ب) آماده باش (ب) در مواقع زیر اعلام می‌شود:

بالا آمدن سطح آب هور الحمار و [اروند رود] شط العرب و رودخانه سویب به درجه‌ای که سیل‌بندها و کناره‌ها را تهدید کند. البته با توافق فرمانده سیل و ادارات محلی این آماده باش (ب) اعلام می‌شود.

کلیه اعمال ذکر شده در آماده باش درجه (الف) در این آماده باش هم اجرا خواهد شد.

گزارش فوری هرگونه تخریب و اجرای شناسایی مستمر. تدابیر زیر به عنوان مقدمه‌ای برای امر تخلیه بایستی اجرا گردد:

- هر منطقه می‌بایست نیروی حفاظتی خود را برحسب دستور فرمانده قاطع به منظور شناسایی محل‌های مناسب برای تخلیه به هنگام صدور فرمان اعزام دارد.

- آماده شدن برای اجرای طرح از قبل تعیین شده تخلیه فرمانده قاطع به هنگام صدور فرمان

- ایجاد ارتباط با استانداری بصره به منظور استفاده از وسایل نقلیه موجود با سیل و صدور سفارشات لازم در این مورد.



ج) اعلام آماده باش (ج) (صددرصد) در مواقع زیر اعلام می شود:

- بالا آمدن سطح هور به ۴-۵ متر و بنا به دستور مهندس آبیاری بصره.

- فرمانده قاطع به تهیه طرح تخلیه منطقه خود اقدام نموده و یک نسخه از آن طرح را به این یگان ارسال نماید.

- بایستی لیست درخواست وسایل استحکاماتی منطقه به این قرارگاه ارائه شود و همچنین یک نسخه آن نیز به منظور تأمین مایحتاج به اداره آبیاری بصره فرستاده شود.

۸. بایستی اداره بصره به انبار کردن وسایل مقابله با سیل و توزیع آن به هنگام نیاز اقدام نماید.

۹. فرماندهان مناطق به اتفاق فرماندهان بخش ها بایستی منطقه های خودشان را شناسایی کرده و هر یک کارهای مقابله را بر حسب مسئولیت خویش تقسیم و هماهنگ نمایند.

۱۰. بعد از پایان فصل سیل و طغیان آب فرماندهان مناطق موظفند گزارش مفصلی که در آن وضعیت سیل بندهای منطقه شرح داده شده است به این یگان ارسال دارند.

سرهنگ حامد احمد یاسین
فرمانده نظامی سیل در بصره

♦ سند شماره ۲

طرح تداوم پمپاژ طرح سد سید شریف

(سند عراقی)

موضوع فرعی: گزارش شناسایی فرماندهی گروه

زرهی ۳۵ عراق از زمین و مناطق در محاصره آب

شماره سند: ۰۱۰۵

فرستنده: فرماندهی گروه زرهی ۳۵ عراق

طبقه بندی: بسیار محرمانه

تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۶ برابر با ۱۹۸۱/۱/۵ میلادی

از فرماندهی گروه زرهی ۳۵، تاریخ ۱۹۸۱/۱/۵

گزارش شناسایی

۱) هدف

بیان کیفیت زمین و مناطق در محاصره آب

۲) زمین

الف) وضعیت عمومی: زمین باز به فعالیت و حرکات زرهی کمک می کند به جز مناطقی که در آن آب وجود دارد و یا در محاصره آب می باشند. مهم ترین مانع برای ما، رودخانه کرخه کور است. چندین دهکده در منطقه وجود دارند که مهم ترین آنها روستای کوهه می باشد. همچنین، در منطقه چندین جنگل کثیف و متفرق وجود دارد.



هـ) جنگل‌ها

در منطقه جنگل‌های انبوه وجود دارد. از مختصات (۵۱۶۸) شروع می‌شود و تا مریحه، مختصات (۵۷۷۱) راست و چپ رودخانه و از رامسه، مختصات (۵۶۷۴) تا حمیدیه امتداد دارد و جنگل انبوهی از ملاشیه، مختصات (۶۴۶۸) به سوی رامسه مختصات (۵۶۷۴) کشیده شده است.

۳) زمین‌های محاصره شده در آب:

الف) اقدامات انجام شده در برابر آب‌گرفتگی

زمین‌ها

- نیروهای ایرانی ابتدا اقدام به باز کردن آب در منطقه شمالی ازرق حشیش کردند و در حال حاضر تمایل دارند این کار را به سمت ملاشیه، یعنی جلوی تیپ پیاده مکانیزه هشتم، ادامه دهند. آنها همچنین آب را در منطقه از طریق کانال متروکه‌ای که آب مواضع را از کرخه می‌گیرد و به نزدیکی دهکده مریحه می‌برد، رها کرده‌اند که گسترش آن به سوی ازرق حشیش می‌باشد.

در برابر فعالیت‌های نیروهای ایرانی، عملیات احداث سد جلوی مواضع گروه زرهی دیر یاسین هفتم به اتمام رسید (سد شماره ۱ نزدیک ازرق حشیش).

ب) رودخانه‌ها و انه‌ار: رودخانه، مانع اصلی و مهم برای وسایل مکانیزه می‌باشد، عرض آن ۲۰ متر می‌باشد که ارتفاع آب آن در مناطق مختلف فرق می‌کند، به طوری که حداکثر ارتفاع آب، ۷۰ سانتی‌متر در مختصات شبکه (۴۹۶۹) تا مختصات شبکه (۴۲۷۲) می‌باشد و گودی آب بعد از آن بالا می‌رود. اما گودی آب از مختصات شبکه (۵۷۷۱) تا مختصات شبکه (۴۹۶۹) غیرمشخص است.

ج) کانال‌ها: در منطقه چندین کانال وجود دارد که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱. کانال شماره ۱: از روستای مریحه، مختصات (۵۷۷۱) شروع می‌شود.
۲. کانال شماره ۲: از کرخه اصلی، مختصات (۵۲۸۴) سرچشمه می‌گیرد و تا طراح تا مختصات (۵۴۷۵) ادامه می‌یابد.
۳. کانال شماره ۳: کوت هواشم تا طراح می‌باشد و به شعبه‌های مختلف تا غرب طراح، انشعاب پیدا می‌کند.

د) راه‌ها

راه ام طمیر کوهه: از ام طمیر مشخصات شبکه (۶۷۵۹) شروع می‌شود و از قریه کوهه می‌گذرد و به صورت موازی با رودخانه کرخه کور می‌گذرد.

پیشروی آب در منطقه بین ۱ تا ۲ سانتی متر بود. عملیات ما: احداث سد خاکی شماره ۶ و وصل کردن آن به سد شماره (۵) و همچنین ایجاد شکاف در سد شماره (۴). آب در مواضع گروه پیاده هشتم مکانیزه، نفوذ کرد و آنها را به زحمت انداخت و بر روی سد شماره ۲ اثر کرد و شکاف‌هایی ایجاد کرد و تعدادی از مواضع را غرق کرد (مواضع گروه زرهی دیر یاسین سابق). همچنین نیروهای خودی پشت ارزق حشیش و پایگاه به عملیات سدسازی اقدام کردند تا جلو آب را بگیرند. در این راستا شکافی در جاده سابق خرمشهر - اهواز ایجاد کردند و آب را به سوی رودخانه کارون هدایت کردند، اما ارتفاع آب در قسمتی از منطقه بیش از یک متر است و اکنون به طور مداوم پمپاژ آب ادامه دارد.

د) پوشانیدن مناطق در رودخانه کرخه کور

نیروهای ایرانی، آب را از رودخانه کرخه اصلی و کرخه کور به سوی طراح سرازیر کرده‌اند. آنها آب را از طریق کانال شماره (۱) و (۲) در شرق و غرب منطقه طراح سرازیر می‌کنند. در اثر این اقدام، روستای مشخصات شبکه (۴۹۶۹) به طرف (۴۲۷۲) به صورت دریاچه که عرضش متجاوز از ۳۰۰ الی ۷۰۰ متر است با آب پوشیده شد است.

ه) اهداف نیروهای ایرانی از جنگ آب

۱. آنها در صدد هستند با زیر آب بردن منطقه و محاصره آبی، مانع از هرگونه هجوم و تعرض واحدهای ما شده و از اشغال مناطق بیشتری از آنچه اکنون در اختیار داریم، جلوگیری کنند.
۲. آنها می‌خواهند با عقب راندن واحدهای ما، شهر اهواز را از زیر آتش توپخانه خارج کنند.
۳. آنها همچنین درصدد هستند با محدود کردن جبهه ما و جلوگیری از پاسخ‌گویی به آتش توپخانه و خاموش کردن آتش ما، در آینده فرصت لازم را برای هجوم و حمله پیدا کنند. در چنین حالتی لازم است مناطق خشک را (که در محاصره آب نیست) زیر نظر بگیریم و این مناطق را زیر پوشش واحدهای مقدم (جلو) قرار دهیم تا از هجوم نیروهای ایرانی جلوگیری کنیم.

همچنین کار احداث سدی در جلوی مواضع واحدهای تیپ پیاده هشتم مکانیزه پایان یافت که ارتفاع سد، ۳ ۲/۵ متر می‌باشد (سد شماره ۲). در این رابطه احداث سد دیگری پشت سد اول به مسافت ۱۰۰ متر برای اطمینان بیشتر و برای مواقعی که سد اول شکسته شود یا ارتفاع آب به ۲/۱۰ متر برسد، پایان پذیرفت.

ب) آب‌گرفتگی منطقه بعد از ۱۹۸۰/۱۱/۱ (۱۳۵۹/۸/۱۱)

عملیات نیروهای ایرانی: بعد از اینکه دشمن متوجه شد که آب‌گرفتگی زمین‌های منطقه ارزق حشیش نتیجه‌ای نبخشید، تصمیم گرفت آب را به طرف مواضع تیپ پیاده هشتم مکانیزه در منطقه مشخصات منطقه (۶۵۶۲) سرازیر کند. با این اقدام، آب مواضع این تیپ، حتی پایگاه آن را فرا گرفت. از این رو واحدهای تیپ هشتم به عقب، در این مواضع که هم‌اکنون مستقر است، منتقل شد. آب تا پشت مواضع گروه زرهی دیر یاسین پیش آمد و تا پشت ارزق حشیش و پشت راه ام‌طمیر - کوهه را فرا گرفت.

عملیات ما: ساختن سد خاکی در طرف راست گروه زرهی دیر یاسین قدیم، به اتمام رسید (سد شماره ۲) برای جلوگیری از پیشروی آب و غرق شدن مواضع گروه پیاده هشتم مکانیزه، با احداث سد خاکی بر روی راه ام‌طمیر - کوهه به ارتفاع ۲/۵ متر (سد شماره ۴) ارتفاع آب در پشت راه ام‌طمیر کوهه بالا آمد و یک سد خاکی نیز (سد شماره ۵) در پشت سد راه ام‌طمیر کوهه ساخته شد. با احداث این سد، به ارتفاع ۳ متر و عرض ۲۰ متر و بلندی آب شروع به زیاد شدن نمود و به سوی مواضع گروه زرهی کندی فعلی، سرازیر می‌شد.

ج) آب‌گرفتگی منطقه بعد از ۱۹۸۱/۱/۵ (۱۳۵۹/۱۰/۱۶)

عملیات نیروهای ایرانی: ایرانی‌ها اقدام به سرازیر کردن آب از مشخصات شبکه (۵۲۶۶) کردند و آب به سوی شرق در جهت شماره ۱۹ مشخصات شبکه (۵۵۶۲) سرازیر شد و در مرتبه آخر، آب در طرف چپ به مواضع گروه زرهی کندی نفوذ کرد و

حال حرکت است. گزارشات دریافتی از سایر یگان ها نیز حاکی بود که حدود یک گردان تانک دشمن به حوالی حمیدیه رسیده و قریباً جاده اهواز - حمیدیه را قطع خواهد کرد.

بالگردهای رزمی هوانیروز با حداکثر توان خود به تانک های دشمن حمله کردند و افراد سپاه پاسداران و ژاندارمری و گروه جنگ های نامنظم شهید چمران و دانشجویان دانشکده افسری در حوالی حمیدیه با تشکیل گروه های ضدتانک به نیروهای دشمن یورش بردند و تعداد قابل ملاحظه ای از ادوات زرهی دشمن را منهدم نمودند. دشمن با دادن تلفات و خسارات زیادی مجبور به عقب نشینی به جنوب رودخانه کرخه کور و منطقه دب حردان گردید و خطر بسیار جدی که تمام منطقه اهواز و سوسنگرد را تهدید می کرد، از بین رفت. در این عملیات برای اولین بار با آب انداختن به زمین های منطقه مانع بزرگی در حرکت آزاد تانک ها و نفربرها و خودروهای دشمن ایجاد شد و این ابتکار سبب شد تا تانک ها و نفربرها زرهی دشمن در باتلاق ایجاد شده از حرکت بازمانند و توسط آر. پی. جی زن های شجاع و دلاور شکار شدند

♦ سند شماره ۴

موضوع اصلی: طرح سیلاب های کارون کانال بخره

موضوع فرعی: آبگرفتگی جلوی نیروهای دشمن از غرب دارخوین تا جنوب انرژی اتمی

شماره سند: ۰۱۶۷

فرستنده: گزارش های نوبه ای سردار سرلشکر

پاسدار شهید حسن باقری

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره ۱۲۵

تاریخ: ۵۹/۱۱/۱۵

محور دارخوین

آب جلوی نیروهای دشمن را در غرب دارخوین تا جنوب انرژی اتمی گرفته، اما راه پشت این نیروها که

۴. ایرانی ها مناطق را به واسطه تلمبه های آب، که به وسیله خودروها، حمل می شوند، غرق می کنند یا با استفاده از سد رودخانه کرخه کور و دفع آب به وسیله تلمبه آب به خصوص در مناطق جنوب و شرق کرخه کور اقدام به زیر آب بردن زمین های اطراف می کنند، چرا که سطح آب در رودخانه کرخه کور نسبت به زمین های اطراف رودخانه خیلی پایین است، بنابراین ضرورت دارد برای مقابله با این وضعیت اقدامات زیر انجام شود:

- اجرای کمین ها و اعزام گروه های گشتی به منطقه ای که دشمن از آنجا آب را سرازیر می کند و نابودی تلمبه های آب و نا امید کردن دشمن از هجوم.

- احداث کانال برای تغییر دادن جهت آب به طرف رودخانه کارون یا به سوی رودخانه کرخه کور. این کار نیازمند ماشین های سنگین به خصوص برای حفر کانال است.

- مراقبت از رودخانه کرخه کور و جلوگیری از استفاده دشمن از آب رودخانه به ویژه در منطقه جنگل های اراضی جریحه (۵۷۷۱) تا قریه کوهه (۵۱۶۹) به وسیله دشمن برای غرق آب کردن منطقه.

سرتیپ ستاد

نوری جروح سلمان

فرمانده گروه زرهی ۳۵

♦ سند شماره ۳

موضوع اصلی: طرح تداوم پمپاژ طرح سیلاب های کرخه نور^۱

موضوع فرعی: استفاده از آب به عنوان مانع پیشروی

نیروی زرهی عراق

شماره سند: ۰۰۰۵

تاریخ: ۱۳۵۹/۷/۸

... در این روز بالگردهای هوانیروز در حین گشت زنی در منطقه متوجه شدند نیروهای دشمن بین حمیدیه و سوسنگرد به شمال کرخه کور نفوذ کرده و به سمت حمیدیه و جاده سوسنگرد در حال پیشروی هستند و یک ستون دیگر دشمن نیز در جنوب اهواز و منطقه دب حردان به سمت حمیدیه در

۱. این سند از کتاب هشت سال دفاع مقدس جلد دوم ص ۸۵ حوادث روز هشتم مهرماه ۵۹ برداشت شده است.



به طرف غرب می باشد آب نگرفته است. سطح آب کارون نیز در دارخوین مرتباً پایین می آید ...

محور حمودی

نیروهای مستقر دشمن در منطقه حمودی در همان وضعیت سابق بوده و هیچگونه تغییری مشاهده نشده است. ضمناً ارتفاع سدی که دشمن در منطقه احداث نموده بیشتر شده و یک بولدزر و یک لودر و نیز یک بیل مکانیکی دشمن که در حال مرتفع و مستحکم نمودن سد بوده اند مشاهده شده است.

پیوست شماره ۱۵: تخلیه اطلاعاتی یک پناهنده عراقی

طبق اظهار یک ستوان دوم وظیفه عراقی (مهندس کشاورزی) که در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۴ در منطقه دارخوین به نیروهای اسلام پناهنده شده، تیپ ۱۵ مکانیزه عراق متشکل از سه گردان مکانیزه و یک گردان تانک می باشد که به هر گردان مکانیزه یک گروهان تانک مأمور می باشد. قرارگاه تیپ ۱۵ مکانیزه در جفیر می باشد و گردان ۲ مکانیزه به همراه گروهان ۲ تانک و یک آتشبار توپخانه ۱۵۵ م م و یک آتشبار ضد هوایی ۵۷ م م در منطقه ای به حدود ۲ کیلومتر در غرب کارون حدود ۸ کیلومتری

دارخوین گسترش دارد. مأموریت این واحد، تأمین نیروهای عراقی برای جلوگیری از حمله ایران از منطقه دارخوین می باشد و تاکنون چندان درگیر نبوده است. این گردان دارای حدود ۳۰ نفر و ۱۳ دستگاه تانک تی ۵۵ می باشد. این نیرو تاکنون از مین استفاده نکرده است. یک گردان دیگر از تیپ ۱۵ مکانیزه در اطراف پادگان حمید و گردان دیگرش در منطقه آبادان می باشد.

طرح آب

پس از تهیه طرح آب و توجه آن برای نیروهای نظامی در اهواز و آبادان، آب دو سد دز و گتوند باز شد و از سد اول ۱۵۰۰ متر مکعب و دومی ۳۰۰۰ متر مکعب در ثانیه آب گرفته شد و پیش بینی های حدودی برای روستاهایی که احتمالاً در محاصره آب قرار می گرفتند انجام گرفت و آب در ساعت ۶:۴۰ پنجشنبه ۵۹/۱۱/۹ باز شد و پس از حدود سه روز به اهواز رسید. به طور کلی در حدود شوشتر، آب فشار چندانی نداشت و در منطقه اهواز آب در حدود سه متر در بستر رودخانه بالا آمد و کانالی نیز برای انتقال آب کارون از یک کیلومتری اهواز تا منطقه دب حردان احداث شده بود که از زیر جاده اهواز



اندیمشک در کنار پلیس راه اهواز و زیر جاده حمیدیه عبور می‌کرد و تقریباً ۵۰ متر مکعب در ثانیه آب را منتقل می‌کرد. به علت اینکه آب فشار چندانی نداشت، آب را به وسیله سه تلمبه به کانال هدایت کردند که ادامه آن در این کانال چندان موفقیت‌آمیز نبود. همچنین روی رودخانه کرخه کور در روستای کوهه در حدود مختصات شبکه (۶۷-۵۲) از قبل سدی زده شده بود و آب این رود نیز به سمت غرب و جنوب جریان یافت که نیروهای عراقی به احداث یک سد خاکی قوی اقدام نمودند که این اقدام را بی‌اثر نمود. آنها همچنین نقطه‌ای از جاده اهواز خرمشهر را در شمال روستای تخیطیه شکافتند که باعث شد آب به سمت جنوب منحرف شود و حتی تا حدی نیروهای خودی را نیز تهدید کند که با احداث کانال، آب به رود کارون هدایت شد. در مجموع اجرای طرح آب در منطقه اهواز به علت وجود این سد خاکی و شکافتن جاده توسط نیروهای دشمن و اینکه نیروهای منطقه موفق نشدند شکاف را پر کنند یا سد را منفجر نمایند، اثر مثبتی نداشت. طبق اظهار طراح آب، مهندس سرداری (رئیس اداره آب و برق خوزستان)، اثر عمده آب در مناطق جنوبی و ماردار خواهد بود. اثرات آب در جنوب کارون به شرح

زیر بوده است:
آب، روستای نثاره کوچک را محاصره نمود و کناره جاده را گرفته است.
آب از روستای دریسه به سمت شرق کارون تا جاده را فرا گرفت.
آب از انحنای رودخانه کارون در شمال سلمانیه به سمت جنوب غربی و شرق سرازیر شده و تا نزدیکی نیروهای عراقی رسیده است.
آب از طریق یک کانال قدیمی از سلمانیه به سمت نهر شادگان جریان یافته است.
در سه کیلومتری جنوب سلمانیه آب تا ۲۰۰ متری جاده اهواز خرمشهر رسید.
از سه کیلومتری جنوب سلمانیه تا حفار شرقی که در اشغال دشمن است اطلاعی در دست نیست.
آب، غرب روستای ماردار را گرفته اما رفت و آمد در شرق روستا همچنان جریان دارد.
از روستای حفار شرقی تا آبادان، آب در تاریخ دوشنبه ۵۹/۱۱/۱۳ تا کناره کارون و کنار سنگر برادران پاسدار بالا آمد که سریعاً به علت جزر دریا پایین رفت و هیچ اثری نداشت.
طرح آب را در ۵۹/۱۱/۱۴ تمام شده اعلام کردند و اظهار داشتند که این مرحله فقط آزمایشی بوده است.

♦ سند شماره ۵

موضوع اصلی: طرح جنگ آب دشمن
موضوع فرعی: طرح دفاع آبی توسط دشمن در
مواضع فتح

شماره سند: ۰۶۴۲

فرستنده: فرمانده نزاچا قرارگاه کربلا

گیرنده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره ۱۶ ۹۴۱/۳

تاریخ: ۱۳۶۱/۴/۲۰

گزارش نوبه ای اطلاعاتی شماره ۵۴۲

مدرک: نقشه ۱۵۰/۰۰۰ خوزستان

مدت دوره از ساعت ۰۰: ۱۸ روز ۶۱/۴/۱۹ الی ۰۰:

۱۸ روز ۶۱/۴/۲۰

♦ سند شماره ۶:

موضوع اصلی: طرح آب دشمن
موضوع فرعی: آب هدایت شده توسط کانال از نهر
صویب

شماره سند: ۰۶۴۷

فرستنده: ستاد مرکزی سپاه

گیرنده: سماجا ۳

طبقه بندی: سری

تاریخ: ۱۳۶۱/۷/۳۰

تلکس: اخبار واصله از قرارگاه مرکزی کربلا در

تاریخ ۱۳۶۱/۷/۲۹

۱) آبی که توسط کانال از نهر صویب در حال هدایت
شدن است در ۲ جناح در حال جاری شدن می باشد:
الف: در شمال خط لجمن که قسمتی از میدان مین
را دربر گرفته است.

ب: در کنار دنباله شرقی سیل بند اول که هم اکنون
به غرب سیل بند دوم رسیده و به شدت در حال
افزایش می باشد.

۲) در خشکی جنوبی واقع در هور، کانالی کشیده شده
که عمق آن ۳/۵ تا ۴ متر و عرض آن ۱۰ متر می باشد؛
این کانال از شمال به جنوب کشیده شده و فاصله آن
با کناره شرقی خشکی ۲ کیلومتر می باشد.

راهکارهایی را که دشمن ممکن است در آینده بکار برد:
الف: هدایت آب در سطح وسیع بین نیروهای خودی و
دشمن و در نتیجه مسدود نمودن تمام معابر شناسایی شده.

ب: خارج کردن نیروهای عمده خود از منطقه و
انتقال آن به منطقه میانی / موسیان دهلران مهران
و یا غرب. هدف دشمن از این فعالیت ها، جلوگیری
کامل از نفوذ نیروهای خودی و در نتیجه خارج کردن
و کاستن نیروهای خودی در منطقه می باشد.

مسئول مرکز فرماندهی ستاد مرکزی

فراهانی

۱) وضع کلی دشمن

دشمن ضمن پدافند و تکمیل مواضع و استحکامات
پدافندی در مورخه ۶۱/۴/۲۰، به سرازیر کردن آب به
طرف مواضع فتح اقدام نمود که در ساعت ۰۰: ۱۲
روز ۶۱/۴/۲۰ آب به نزدیکی مواضع گردان ۲۵۶ در
مختصات ۸۷ ۱۵ نقشه ۵۰۰۰۰: ۱ قطعه نیم ایستگاه
نود رسیده و آب به سمت جنوب (مقابل منطقه
نصر) در حال پیشروی می باشد.

در ساعت ۲۳ روز ۶۱/۴/۱۸ صدای حرکت و
جابجایی تانک های دشمن از غرب شلمچه به گوش
می رسید به نظر می رسد این حرکت و جابجایی به
مناسبت حرکت آب در منطقه می باشد.

عمق میدان مین دشمن در مقابل پاسگاه بوبیان ۵۰
متر گزارش شده است. طبق شناسایی انجام شده از
پشت پاسگاه کوت سواری، خاکریزی از شرق به
غرب احداث شده که امتداد آن در غرب به کانال
خین متصل می شود و در شمال این خاکریز میدان
مین به عمق ۶۰۰ متر با سیم های خاردار گسترده
شده است.

فعالیت های مهندسی دشمن علاوه بر تحکیم
مواضع و تکمیل میادین مین و کانال ها، بخشی نیز
مربوط به ایجاد مسیر مناسب جهت حرکت آب به

♦ سند شماره ۲

موضوع اصلی: طرح جنگ آب دشمن (عملیات رمضان)

موضوع فرعی: شکستن کانال ماهی

شماره سند: ۶۴۳۰

فرستنده: اطلاعات عملیات لشکر نصر

شماره: ۸۶/۹

تاریخ: ۶۱/۴/۳۰

۱) برابر گزارش برادران دیده بان که در مقابل پاسگاه کوت سواری مستقر می باشند، در ساعت ۳:۳۰ بامداد مورخه ۶۱/۴/۳۰ در فاصله ۵۵۰ متری شمال پاسگاه کوت سواری آب را مشاهده می نمایند.

۲) جهت آب از سمت غرب به سمت شرق بوده و به وسیله دو خاکریز به ارتفاع تقریبی ۴ متر و به فاصله ۴۰ متر از یکدیگر آب به سمت شرق پاسگاه کوت سواری هدایت می شود.

۳) عمق آب در مقابل دهانه آن تقریباً ۶۰ سانتی متر بوده؛ اما در سایر نقاط، آب از عمق کمتری برخوردار است.

۴) گسترده گی آب در مقابل دهانه آن از خاکریز دشمن تا دژ عراق بوده و در جهت جنوب تا پاسگاه کوت سواری و به سمت شمال تا فاصله ۱۳۰۰ متری پیشروی داشته است.

۵) برابر گزارش های واصله، جهت حرکت های چندروز گذشته دشمن در حومه پاسگاه کوت سواری از سمت جنوب غربی و آخرین حرکت های دشمن در همین جهت عبارت است از:

- پرواز بالگرد،

- تردد جیپ های فرماندهی،

- فعالیت شدید مهندسی.

نتیجه این که به احتمال قوی جریان آب از جنوب کانال پرورش ماهی می باشد.

توضیح یک) لازم به توضیح است که در روز جاری حرکت های افراد پیاده دشمن و خودروهای آن از این سمت بیشتر بوده است.

توضیح دو) آبی که از سمت پاسگاه بوبیان به سمت جنوب جاری بود ساکن شده است.

گزارش نوبه ای؛ تیپ ۲۱ امام رضا منطقه واگذاری از جنوب سیل بند عرایض تا شمال خین، مدت دوره از ساعت ۱۸، ۶۱/۴/۲۸، ۶۱/۴/۲۹:

وضعیت زمین: دشمن مبادرت به احداث یک کانال به عرض و عمق تقریبی ۳ متر در شمال غربی پاسگاه کوت سواری به فاصله ۱۲۰۰ متری و به سمت جنوب تا جاده آسفالت شلمچه - بصره امتداد یافته است. احتمالاً دشمن شرق کانال را مین گذاری نموده است. توضیح: شاخص آن دیده می شوند.

مسئول اطلاعات عملیات لشکر نصر

سیدعلی حسینی



کندو کاوی درباره کتاب دا

(خاطرات سیده زهرا حسینی)^۱

به اهتمام: سیده اعظم حسینی

معرفی و نقد: دکتر عباس خلجی*



این کتاب، خاطرات سیده زهرا حسینی از روزهای شروع جنگ در خرمشهر است. بانو حسینی در آن ایام تنها ۱۷ سال داشت و خاطرات او گوشه‌ای از تاریخ تلخ جنگ و سقوط خرمشهر را بازگو می‌کند که

تاکنون توصیف این حوادث به این شکل بیان نشده بود.

راوی خرمشهری کتاب «دا» در روزهای نخستین جنگ و به فاصله پنج روز، پدر و برادرش را در نبردهای دفاعی خرمشهر از دست می‌دهد. زهرا به همراه خواهر چهارده ساله اش لیلا در غسالخانه جنت آباد خرمشهر نقش غساله برای زنان شهید خرمشهری را به عهده می‌گیرد. خرمشهر در آستانه سقوط است؛ اما او به مانند بسیاری از مردم از شهر خارج نمی‌شود و حتی در برخی از مقاومت‌های

مقدمه

خاطره گوئی و رمان نویسی دو سبک مهم و اصیل در روایت حوادث تاریخی برای نسل‌های آینده و ثبت و ضبط و انتقال تجارب تلخ و شیرین نسل‌های پیشین و نسل حاضر برای نسل‌های آینده است. با این حال، متأسفانه ادبیات انقلاب اسلامی، به ویژه ادبیات پایداری و مقاومت (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و سایر تحولات بحران‌های داخلی) تاکنون نتوانسته آثار فاخر و گرانبهایی که در شأن انقلاب اسلامی و پایداری ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس باشد، تقدیم مخاطبان کند. با این وجود، تک ستاره‌هایی در آسمان ادبیات فارسی در حال فروغ است که آهنگ دل نواز این تک مضراب‌ها امیدواری تولید آثار ادبی بیشتر و در خوری را در این عرصه مطالعاتی نوید می‌دهد. در این میان، کتاب دا روایت ناب و اصیلی از زبان یک ناظر عینی درباره چرایی و چگونگی آغاز جنگ تحمیلی و فرایند تهاجم وحشیانه و غیرانسانی نیروهای بعثی به شهر خرمشهر را ارائه می‌کند و تصویر جانگدازی از روند تبدیل این شهر به خونین شهر را به نمایش در می‌آورد.

۱. ر.ک. به: دا: خاطرات سیده زهرا حسینی، به اهتمام سیده اعظم حسینی، چاپ چهل و نهم، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری

سازمان تبلیغات اسلامی)، ۱۳۸۸، ۸۱۲ صفحه.

* استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

فصل، و فصل پنجم شامل ده فصل می باشد. ضمائم آن نیز شامل چهار مصاحبه و گفتوگو با شاهدان عینی برخی از وقایع آن دوره و چهار نقل قول از سه شاهد عینی دیگر و یک سند از کتاب مستندی که درباره نبردهای خرمشهر منتشر شده و صدق وقایع و حوادث راوی را تایید می کنند، می باشد.

البته فلسفه نحوه ساماندهی کتاب و چرایی و چگونگی تنظیم فصول در این بخش های پنجگانه مشخص نیست. تناسبی میان حجم فصول و بخشهای مختلف آن وجود ندارد. ضمن آن که فلسفه وجودی گفت و گو و مصاحبه و نقل قول مستند برای خوانندگان کتابی که ادعای نگارش یک رمان واقعی و تاریخی را دارد، هرگز روشن نیست.

راوی این اثر، خانم سیده زهرا حسینی است که در عنوان جوانی با این شرایط بحرانی روبه رو می شود و با دست خویش پیکر خونین و پاره پاره پدر و برادرش را به خاک می سپارد. وی به جمع آوری پیکر شهدا و مجروحین از سطح شهر مبادرت می ورزد و در امر امداد به مجروحین و مصدومین در درمانگاه موقت مسجد جامع خرمشهر به صورت شبانه روزی فعالیت می کند و حتی به منظور توزیع غذا و مهمات رسانی و آبرسانی به رزمندگان و مدافعان خط مقدم جبهه پیشقدم می شود و به یاری همزمان مرد خویش می شتابد. وی در نهایت، در روز بیستم مهر ۱۳۵۹ و پس از ۲۰ روز مقاومت و پایداری تحسین آمیز در امور مختلف خدمات رسانی به رزمندگان و مردم بی پناه خرمشهر، در هنگام درگیری با نیروهای بعثی در خطوط مقدم جبهه (گمرک خرمشهر) از ناحیه ستون فقرات مجروح و به آبادان و ماهشهر و سربندر اعزام می شود. با این حال، از اعزام به پشت جبهه خودداری می کند و دوباره خودسرانه به خرمشهر باز می گردد که این بار به اجبار جهت مداوا به پشت جبهه اعزام می گردد. وی در روای بازگشت به وطن خویش، یعنی خرمشهر، پس از طی مراحل درمان و پشت سر نهادن دوران اولیه

خرمشهر نیز شرکت می کند. ترکش به ستون فقراتش اصابت می کند و به شدت مجروح می شود. آخرین مدافعان خرمشهری پس از مقاومتی دلیرانه از شهر خارج می شوند و خرمشهر به خونین شهر تبدیل می شود. در حالی که زهرا حسینی در بیمارستانی در شیراز دوران سخت مجروحیت را طی می کند، خبر سقوط خرمشهر به او می رسد. رویای بازگشت به خرمشهر لحظه ای او را رها نمی کند تا اینکه خرمشهر در عملیات بیت المقدس آزاد می شود و راوی کتاب، دوباره به این شهر بازمی گردد...

این مطالب بخشی از حوادث پر فراز و نشیب کتاب «دا» است که ماجرای زندگی متلاطم و پرهیاهو، اما زیبا و خواندنی زهرا حسینی در روزگار سخت جنگ تحمیلی بر ایران را روایت می کند.

هدف این نوشتار معرفی، ارزیابی، و نقد کتاب در قالب نقد شکلی، نقد روشی و

نقد محتوایی از سویی و آرایه برخی انتقادات سازنده و اصلاحی برای بهبود شکلی، روشی و محتوایی اثر در چاپ های آتی است. البته در این نقادی پس از شرح مزایا و نقاط قوت کتاب، برخی از نقاط ضعف و کاستیها آن نیز مطرح خواهد شد.

معرفی محتوای کتاب

کتاب «دا» علاوه بر شناسنامه و تقدیم نامه و فهرست مطالب، از یک مقدمه، پنج بخش، و چهل فصل، ضمائم، عکس ها و فهرست اعلام تشکیل شده است. بخش اول دارای سه فصل؛ بخش دوم ده فصل، بخش سوم پانزده فصل، بخش چهارم دو

کتاب دا، روایتی ناب از
تهاجم نیروهای بعثی به
خرمشهر و فجایع
خسونت بار و خونین و
ویرانگر آنان را به تصویر
می کشد

سپاهیان محمود افغان به شهر اصفهان است. بنابراین، خرمشهر نماد مقاومت و پایداری ایران و راوی نماد مظلومیت نسلی مقاوم، ایثارگر و سربلند است. نسلی که ناخواسته درگیر جنگ نابرابری شد که هشت سال به طول انجامید و بسیاری از سرمایه‌های انسانی، معنوی و مادی کشور را به کام خود کشید. اما از سوی دیگر در این دوره حماسه‌هایی خلق شد که در تاریخ ایران و پس از دوران صدر اسلام، بی‌نظیر بود. زیرا مردم در سال‌های خونین دفاع مقدس سرفرازانه به میدان آمدند و از همه سرمایه‌ها و داشته‌های خود گذشتند. حال باید از یک چنین شکوهی جانبداری کرد و هرگز نباید این سترگی مردان و زنان ایران و ددمنشی دشمن را به فراموشی سپرد. دشمنی که به تباهی ما اراده کرده بود، اما به یاری خداوند نتوانست.

مطالعه کتاب - خاطرات یا رمان - دا به رغم وجود برخی ایرادات و اشکالات شکلی، روشی و محتوایی از سویی و برخی انتقادات ادبی به آن، به همه جوانان کشور توصیه و پیشنهاد می‌شود.

نقد کتاب

الف) نقد شکلی

کتاب دا از نظر ویژگی‌های شکلی در حد مطلوبی قرار دارد، از جمله این که:

۱. صحافی کتاب مناسب و کاغذ آن مرغوب است و از حروفچینی چشم‌نوازی برخوردار می‌باشد.
۲. کتاب دارای مشخصات و شناسنامه کامل، فهرست مطالب اجمالی، مقدمه راوی و فهرست اعلام است.
۳. کیفیت جلد مرغوب و طرح جلد کتاب مناسب است.

با وجود این برخی ایرادات شکلی در این کتاب به شرح زیر قابل مشاهده است:

۱. علیرغم گذر از مرز هفتاد چاپ، فاصله نامتعارف میان حروف یک کلمه در سرتاسر

نقا‌هت، تلاش نافرجامی را برای اعزام به منطقه آبادان آغاز می‌کند تا در امر امداد رسانی به مجروحین جنگی سهمی گردد که شرح کامل آن که به درگیری وی و دوستانش با تکاوران نیروی دریایی و سپس دستگیری‌شان می‌انجامد، بسیار خواندنی است. بالاخره وی پس از ازدواج با یکی از فرماندهان عملیاتی خرمشهر می‌تواند در منطقه آبادان مستقر شود. اینک او با روایت تاثیرگذار خویش از آنچه در خرمشهر و از مردم بی‌گناه و بی‌پناه و مدافعان غیور و جان‌برکف این شهر دیده است، اثر ماندگاری در تاریخ ادبیات پایداری برای جوانان کشورمان آفریده است.

خوانندگان و علاقه‌مندان آثار ادبی حوزه دفاع مقدس در کتاب ارزشمند و تاثیرگذار سفر به گرای ۲۷۰ درجه شاهد بلوغ نسل نوجوانی هستند که در فرایند جنگ تحمیلی و دفاع مقدس مشارکت می‌کنند. آنان با پذیرش مسئولیت سنگین رزمندگی و دفاع از مرز و بوم و شرف و مردانگی مردم ایران، مردانگی و جوانمردی و البته مظلومیت خود را به رخ جهانیان می‌کشند. کتاب دا نیز سرنوشت نسلی را به نمایش می‌گذارد که به طور ناخواسته درگیر جنگی نابرابر با دشمنی غدار و ستمگر می‌شود که تا بن دندان به تسلیحات اهدایی شرق و غرب مسلح است و از پشتیبانی مادی و معنوی نظام جهانی بهره‌مند است. با این حال، دشمن به هیچ اصول انسانی، اخلاقی، و قانونی پایبند نیست و با زیر پا نهادن قواعد بازی و لگدکوب کردن کنوانسیون‌های بین‌المللی، به طور وحشیانه‌ای به مناطق غیرنظامی و شهرهای مرزی ایران یورش می‌آورد و بی‌رحمانه مردم بی‌دفاع و بی‌گناه آنها را به خاک و خون می‌کشد و بدین سان، حقوق بشر و نهادهای مدعی حقوق بشر را به سخره می‌گیرد.

کتاب دا، روایتی ناب از تهاجم نیروهای بعثی به خرمشهر و فجایع خشونت‌بار و خونین و ویرانگر آنان را به تصویر می‌کشد که یادآور هجوم وحشیانه مغول‌ها به ایران و حمله ویرانگر

در واقع، کتاب دارای ۵ بخش و ۴۰ فصل است که به لحاظ موضوعی و زمانی فصل‌ها از هم تفکیک شده‌اند؛ بدون آن که توضیحی در این باره ارائه شده باشد. تا فصل ۱۴ کتاب، خاطرات روای به صورت روز شمار نقل شده و از فصل ۱۴ به بعد این نظم دچار خدشه گشته و تا روز بیستم مهر که روز مجروح شدن خانم حسینی است، کار روایت به این شکل نامنظم ادامه پیدا کرده است. اما پس از آن تا پایان کتاب سیر داستانی دوباره تداوم یافته است.

ج) نقد محتوایی

ویژگی‌های مثبت ذیل را می‌توان برای محتوای کتاب دا در نظر گرفت:

۱. روایت صادقانه و باورپذیر وقایع به گونه‌ای که همدلی و همراهی مخاطب و خواننده را برمی‌انگیزد و او را به متن حوادث می‌برد، تا جایی که خواننده تا پایان کتاب مایل به کنار نهادن کتاب نیست و همواره در صدد پیگیری قضایای کتاب است.
۲. روایت حماسی و شورانگیز وقایع، تأثیر روحی قابل توجهی را بر خواننده می‌گذارد و مقاومت و پایداری شجاعانه مدافعین خرمشهر را به طور تحسین‌برانگیزی تصویر می‌کشد.
۳. راوی، با نقل صادقانه و خالصانه و جزئیات وقایع، توانسته پیام شهدا و رزمندگان اسلام را به بهترین شکل ممکن به نسل‌های آینده منتقل کند.
۴. کتاب رسالت خویش را روایت قصه پر درد و رنج نسل جوان و انقلابی کشور قرار داده که ناخواسته در کمترین زمان زیر بار مسئولیت‌های سنگین سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی - دفاعی قرار گرفت و بدون طی کردن دوران متعارف جوانی و نوجوانی به سرعت به بلوغ فکری و اجتماعی رسید. راوی، روایت گر سرنوشت حسرت‌بار و نوستالژیک (خاطره‌انگیز) جوانان ایرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و دوران دفاع از کشور است.

- متن و گاهی عدم رعایت فاصله مناسب میان حروف دو کلمه جداگانه وجود دارد.
۲. عدم رعایت اصول روشی در نگارش رسم الخط فارسی، کلمات و واژگان در کتاب مشهود است.
 ۳. کتاب نیازمند یک ویرایش دقیق فنی و ادبی، به ویژه پس از پشت سر نهادن چاپ‌های متعدد است. بنابراین، اعمال یک بار اصلاحات چاپی و در نظر گرفتن ارزیابی‌ها و نظرات انتقادی لازم است.
 ۴. عدم توضیح برخی واژگان نامأنوس کردی و عربی و محلی در پاورقی کتاب، درک کتاب را برای خوانندگان فارسی مشکل کرده است. هر چند که برخی از آنها توضیح داده شده است.

ب) نقد روشی

۱. تمایز روشی روشنی در میان یک متن خاطره با متن یک رمان داستانی وجود ندارد.
۲. کتاب فاقد یک سبک روایی دقیق و روشن برای نگارش یک رمان خاطرات است. تمایز تاریخی یا حادثه‌محور برای روایت خاطرات و وقایع نگاری کتاب وجود ندارد. در واقع، سبک روایی و ادبی مشخص، معیار و ملاک تنظیم‌کننده متن نبوده است. از این رو، کتاب سیر تاریخی و زمانی دقیقی را طی نمی‌کند. راوی گاهی در روایت‌های خود مجبور به توصیف رویدادهای گذشته می‌شود که این امر، سیر منطقی روایت موضوع و حادثه را به هم می‌زنند و باعث تداخل موضوعی می‌شود.
۳. نقد روشی دیگر بر کتاب دا این نکته است که از نگاه مخاطب و خواننده مشخص نیست آیا این کتاب یک رمان تاریخی است یا خاطرات مستند یک شاهد عینی حوادث دوران آغازین روزهای آغاز جنگ تحمیلی می‌باشد. در این میان، توضیحات مبهم راوی که در مقدمه کتاب در مورد شیوه تنظیم فصول ۱ تا ۱۴ به صورت سیر تاریخی و پس از آن به صورت موضوعی درج شده است، کمکی برای حل این مشکل نمی‌کند.

لباس، ضبط واکمن و دوربین شهید سید علی حسینی و تعدادی عکس است که علی از شخصیت‌های انقلابی کشور همچون شهید بهشتی، شهید چمران و ابوشریف، که به عیادتش آمده بودند گرفته بود. کیف دیگر سید علی که از محل شهادتش در مدرسه دریابند رسانی به دست آمده، یک کیف سامسونت شامل تکه‌ای موم برای ورزش دست‌ها، عرق‌گیر، ملافه بیمارستان میثاقیه، یک وصیت‌نامه و یک پاکت پر از عکس‌های علی است که او در هنگام بستری بودن در بیمارستان گرفته بود. این عکس‌ها، شامل عکس‌هایی با شخصیت‌های انقلابی کشور همچون

آقایان آیت‌الله... خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، آیت‌الله... بهشتی، حجة الاسلام فلسفی و ملاقات کنندگان مردمی و در محل بهشت زهرا و مصلاهی نماز جمعه تهران بود.^(۱) ۲. در برخی از موارد نوعی لجاجت، یک دندگی و سرسختی غیرمنطقی راوی در متن حوادث به تصویر کشیده می‌شود که این

مسئله به باورپذیری قصه آسیب زده است. این مورد به ویژه در تعلل وی برای اعزام به پشت جبهه و استکفاف از تصمیم گروه پزشکی بیمارستان ماهشهر و دربندسر به خوبی مشهود است.

۳. تأکید بیش از حد راوی بر خیانت بنی صدر از باورپذیری وقایع می‌کاهد و روند موضوعی کتاب را مختل می‌سازد. این رویکرد انتقادی و دیدگاه معارضه جویانه از سویی ناشی از شور و هیجان دوران جوانی و روح انقلابی راوی و از سوی دیگر ناشی از کمبودها و بی‌تجربگی‌های روزها و ماه‌های ابتدای جنگ است که در سراسر جبهه‌ها وجود داشت و صف‌آرایی و رقابت‌های

۵. به طور کلی، کتاب تصویر روشنی از وقایع پس از انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی در منطقه جنوب کشور و به ویژه خرمشهر ارائه می‌کند و درد و رنج مردم محروم و شجاعت و جانفشانی جوانان غیور این خطه از مرز و بوم ایران را به نمایش می‌گذارد، به گونه‌ای که خواننده خود را در متن حوادث می‌بیند. روایت دقیق جزئیات حوادث، نقش زیادی در این فرایند ایفا می‌کنند. با این وجود برخی از ایرادات محتوایی کتاب را نمی‌توان نادیده گرفت:

۱. بعضاً اشتباهات تاریخی در روایت حوادث وجود دارد که احتمالاً ناشی از گذر زمان و فراموشی و غفلت راوی کتاب است و تنظیم‌کننده مطالب نیز متوجه این ایرادات نبوده است. به طور مثال شهید سید علی حسینی برادر راوی در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۰ به شهادت رسیده، در حالی که زندان دوله‌تو در منطقه سردشت کردستان در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۱۹ از سوی جنگنده‌های عراقی بمباران گردیده و حدود ۷۰ نفر از زندانیان رزمنده و انقلابی آن به شهادت رسیدند. در واقع، پس از بمباران این زندان پرده از جنایات گروهک‌های وابسته به بیگانگان برداشته شد. بنابراین، روایت راوی از افشاگری آن شهید درباره سفاکی‌های حزب دمکرات یا کومله در این زندان نمی‌تواند، واقعیت داشته باشد.^(۲) یا در جای دیگری از کتاب، راوی از کیف امانتی برادرش سید علی حسینی و محتوای آن در مسجد جامع خرمشهر سخن می‌گوید که در محل مطب دکتر شیبانی باقی مانده و مفقود شده است. در حالی که کیف دیگری را نیز ایشان از خدمه و پرستاران بیمارستان شهید مصطفی خمینی در تهران تحویل می‌گیرد که محتوای این کیف نیز به ویژه عکس‌ها شبیه همان کیف اولی در خرمشهر است. راوی توضیح نمی‌دهد که آیا این همان کیف است یا دو کیف جداگانه هستند؟ و اگر این گونه است، چرا محتوای آنها شبیه هم است. محتوای چمدانی که وی از خدمه بیمارستان شهید چمران تحویل می‌گیرد، شامل وسایل شخصی،

این کتاب تصویر روشنی از وقایع پس از انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی در منطقه جنوب کشور و به ویژه خرمشهر ارائه می‌کند

سیاسی در سطوح بالای نظام نوپدید سیاسی، آن را تشدید می‌کرد.

۴. مدافعان خرمشهر و سایر رزمندگان جبهه‌های جنگ تحمیلی هیچ‌گاه از سوی ناظران منصف و بی‌طرف به جنگ طلبی و آتش افروزی متهم نشده‌اند که راوی در صدد پاسخگویی به این اتهام برآمده است. در واقع، دفاع جانانه و دلاوی و جانبازی و ایثارگری آنان هیچ‌گاه در نزد مردم ایران زیر سوال نرفته و همگان به آن واقف هستند و آن را همواره پاس می‌دارند.

نتیجه‌گیری

نلسون ماندلا رهبر مبارز و آزادی‌خواه آفریقایی جنوبی پس از پشت سر نهادن سی سال تجربه تلخ حبس و زندان در دوران رژیم نژادپرست آپارتاید این کشور، با بزرگمنشی، بخشندگی و آزادگی خاصی که نویدبخش آینده‌ای انسانی، زیبا و مسالمت‌آمیز بود، چنین گفت: «می‌توانم ببخشم؛ اما نمی‌توانم فراموش کنم.» اینک ما نیز اگر از آنچه که بر این سرزمین گذشت، بگذریم، هرگز نمی‌توانیم و نباید آن را فراموش کنیم. بنابراین، ثبت و ضبط و مستندسازی وقایع دوران دفاع مقدس و حماسه‌های جاویدان ملت ایران امری ضروری است تا آیندگان به عمق این فجایع و اوج مظلومیت و ایثارگری ملت ایران پی ببرند. بدین سان، خاطره‌نویسی و رمان‌نویسی بر پایه مشاهدات عینی مدافعان و رزمندگان اسلام یکی از بهترین راههای غنی‌سازی و ماندگاری ادبیات پایداری و تقویت زبان فارسی است. کتاب ارزشمند دا نیز در این بستر قابل بررسی، تحلیل و ارزیابی است.

به گفته مرتضی سرهنگی: «سربازی که خاطرات زمان جنگش را نمی‌نویسد، جنگش را ناقص و ناتمام رها می‌کند و سربازی که خاطرات زمان جنگش را می‌نویسد، برای ابد، بیست ساله باقی می‌ماند. حرف این آدم بیست ساله را، همه بیست ساله‌ها می‌فهمند.» کتاب دا مصداق عینی

این کلام قصار است. زیرا راوی با نگارش و نشر خاطراتش توانسته، فضای عمومی خرمشهر در آغازین روزهای تهاجم دشمن بعثی به خرمشهر را زنده ساخته و آن را جاودانه سازد. بنابراین، نام و یاد خرمشهر همواره بر تارک تاریخ معاصر و ادبیات پایداری ایران زمین خواهد درخشید و در طول سده‌های متمادی، نسل‌های کنونی و آتی ملت ایران بر حماسه‌های جاویدانی که توسط فرزندان دلیر این مرز و بوم در این خطه آفریده شد، میاهات خواهند ورزید و با افتخار از آن یاد خواهند کرد. با این وجود، تاریخ هیچ‌گاه مصائب و فجایعی را که توسط دشمن بر مردم بیگناه این خطه حماسه‌آفرین رفته، فراموش نخواهد کرد.

این کتاب اگرچه بسیار ارزشمند و قابل تحسین و نویدبخش تولید آثار ادبی فاخری در حوزه دفاع مقدس می‌باشد؛ با این وجود، پس از فروش فوق‌العاده‌ای که در خلال ۱۲ ماه اخیر داشته است، اکنون به نظر می‌رسد نیازمند یک بازنگری فنی، روشی و محتوایی است. زیرا به رغم محتوای ارزشمند آن نمی‌توان از نگاه انتقادی نسبت به آن غفلت کرد. در واقع، ضمن برشمردن نقاط قوت و برجستگی‌های کتاب، نقاط ضعف و کاستی‌های آن را نباید نادیده گرفت. کاری که در حد توان در این نوشته به آن پرداخته شد. البته بهره‌گیری از نقاط قوت و مزایا و نقاط ضعف و معایب این تجربه گران سنگ می‌تواند، نهادهای متولی، صاحب‌نظران و نویسندگان حوزه ادبیات پایداری را در خلق آثار قوی‌تر و غنی‌تر یاری رساند.

یادداشت‌ها

۱. دا: خاطرات سیده زهرا حسینی، به اهتمام سیده اعظم حسینی، چاپ چهل و نهم، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی)، ۱۳۸۸، ص ۴۵۶.
۲. همان، صص ۳۸۰-۳۸۱.

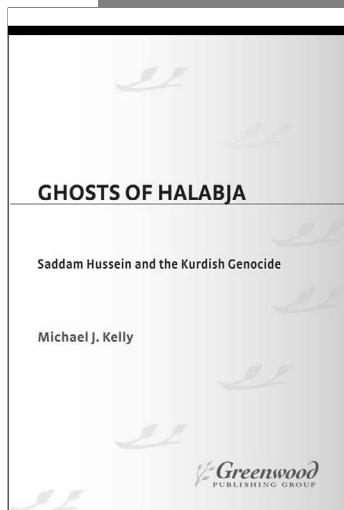
ارواح حلبچه:

صدام و نسل کشی اکراد

نویسنده: مایکل کلی

معرفی و نقد: دکتر حیدرعلی بلوچی*

MICHAEL J. KELLY, GHOSTS OF HALABJA: Saddam Hussein and the Kurdish Genocide, (Westport: 2008, PRAEGER SECURITY INTERNATIONAL), pp. 181.



نسبت به این موضوع می توان شناسایی و مطالعه کرد:

۱. اولین رویکرد، برخورد انسان دوستانه با این موضوع و کمک به قربانیان حادثه و تأمین مایحتاج درمانی آنهاست. یعنی همان کاری که رزمندگان ایرانی حتی با به خطر

انداختن جان خود برای جمع آوری و انتقال مصدومین به بیمارستان ها به منظور درمان و مداوای آنها انجام دادند. کمک های پزشکی برای مردم منطقه هنوز هم در قالب گروه ها و سازمان های غیردولتی ادامه دارد.

۲. هم زمان، مردم کرد در گوشه و کنار جهان نیز با رویکرد قومی و احساسی، همبستگی و علاقه خود را برای افشای این جنایت نشان دادند. امری که هنوز هم ادامه دارد و به خصوص نخبگان کرد با برگزاری مراسم سالگرد، یاد و خاطره قربانیان این جنایت را گرامی می دارند. رویکرد دولت ها و جامعه بین المللی نیز در آن زمان با

مقدمه

۱۷ مارس ۱۹۸۷ را به راستی می توان یک روز غم بار و تراژدیک در تاریخ بشریت تلقی کرد. عمق و آثار این فاجعه به قدری دردناک است که تا مدت های مدید، این جنایت صدام فراموش نخواهد شد. با گذشت بیش از ۲۰ سال از این فاجعه هنوز زوایای تاریک آن برای جامعه بین المللی روشن نشده است. صدام که پیش از آن نیز به کرات از سلاح های شیمیایی علیه مردم و رزمندگان ایرانی استفاده کرده بود، در این روز حتی به شهروندان خود رحم نکرد و با بمباران شیمیایی حلبچه، مردم این شهر کردنشین را با استفاده از عوامل کشنده اعصاب، حادثه تلخی را رقم زد که جان بیش از ۵۰۰۰ نفر را گرفت و هزاران نفر را مصدوم کرد. بازماندگان و نجات یافتگان این حادثه هنوز یاد و خاطره این حادثه تلخ را فراموش نکرده اند و درد و آلام ناشی از این جنایت هولناک هنوز از چهره مردم و گوشه و کنار این شهر رخت بر نبسته است.

اما در گذشته در مقابل این فاجعه چه موضعی اتخاذ و چه اقداماتی انجام شد؟ در حال حاضر وضعیت چگونه است و برای آینده چه می توان و چه باید کرد؟

با نگاهی به گذشته، رویکردهای مختلف ذیل را

* دکترای روابط بین الملل و کارشناس ارشد وزارت امور خارجه

مربوط به جنایات صدام منتشر کرده است. نویسنده کتاب آقای مایکل کلی متولد ۱۹۶۸ است. وی دارای رتبه علمی دکترای حقوق از دانشگاه کریگتون و استاد رشته حقوق در همین دانشگاه و نیز رئیس انجمن دانشکده های حقوق دانشگاه های امریکا است و تاکنون چندین کتاب و مقاله درباره حقوق مخاصمات مسلحانه و نیز سازمان ملل و حقوق داخلی امریکا چاپ و منتشر کرده است که بعضاً جوایز علمی معتبری را نیز کسب کرده اند.

ذیلاً با مروری بر خلاصه محتوایی کتاب به نقد و بررسی آن می پردازیم:

محتوا و ایده اصلی

مقدمه کتاب با توضیح نویسنده درباره اعدام صدام در روز عید قربان شروع می شود و سپس با یک فلش بک به شرح فراز و نشیب زندگی سیاسی صدام، از زمان تحصیل تا رسیدن به اوج قدرت در عراق بر می گردد. در این بخش دو نکته حائز اهمیت است که می توان از آنها به عنوان نکات ناگفته در خصوص صدام یاد کرد: نخست، توصیف صدام توسط سفیر وقت انگلیس در عراق قبل از ریاست جمهوری او در این کشور بود که در یادداشت محرمانه خود به لندن در سال ۱۹۶۹ وی را قاطع ترین چهره در میان بعضی ها معرفی می کند. دیگری، دلیل اعدام زود هنگام صدام قبل از باز شدن پرونده های دیگر علیه وی بود، به خصوص که مسلمانان از اجرای مراسم اعدام در روز عید قربان خودداری می کنند. به نظر نویسنده، توجیه ظاهری این امر در قوانین عراق جدید نهفته است که طبق این قوانین هر محکوم به اعدام می بایست تا سی روز از زمان صدور حکم اعدام شود. روز عید قربان با سی امین روز صدور حکم اعدام صدام مصادف بود و لذا مسئولین عراقی در ساعات نیمه شب و قبل از آغاز روز عید قربان، صدام را اعدام کردند! اما گذشته از این مسئله، بحث اصلی در بخش اول پس از معرفی تاریخی کردستان به عملیات

ملاحظات سیاسی بسیار غلیظ همراه بود. چرا که هیچ کدام ولو با علم به انجام این جنایت توسط صدام نخواستند او و کشور عراق را محکوم نمایند و حتی در قالب مواضع مبهم و کلی، بر شک و شبهه هایی که عمداً توسط عراق علیه ایران مطرح می شد افزودند. تنها بعد از حمله عراق به کویت بود که دولت امریکا با انتشار اسناد مربوط به این موضوع از انجام این جنایت توسط صدام پرده برداشت.

۳. در نهایت می توان به یک رویکرد حقوقی در قبال این حادثه اشاره کرد که باید از همان ابتدا و به درستی اتخاذ می شد اما بنا به دلایل عدیده ای به طور کامل و متقن در این زمینه اتخاذ و اعمال نگردید. این رویکرد منحصر به یک گروه قومی و ملی نبوده و تاکنون در موارد مختلف نمونه هایی از آن در گوشه و کنار جهان مشاهده شده است. بررسی های انجام شده نشان می دهد حادثه

فوق از ابعاد مختلف هنوز به بررسی و مطالعه بیشتر نیاز دارد. بر این اساس، کتاب حاضر می خواهد به بخشی از نیازهای مطرح در رابطه با این حادثه پاسخ دهد. قبل از ورود به بحث به یقین می توان گفت که این اثر آخرین اثر در این باره نخواهد بود و نیاز به آثار جامع تر دیگر هم چنان به قوت خود باقی است.

در هر صورت و در پاسخ به این احساس نیاز، انتشارات پریگر کتاب ۱۸۱ صفحه ای حاضر را در سال ۲۰۰۸ در قالب دیباچه ای از راعد الصالح، رئیس دیوانعالی عراق، یک مقدمه، سه بخش و یک نتیجه گیری همراه با برخی ضمائم و مستندات

امریکا با تشکیل و برگزاری
سریع محاکمه صدام در یک
دادگاه عراقی که کاملاً
تحت کنترل خودش بود،
می خواست پرونده صدام را
زودتر ببندد

کردها اشاره کرد.

اما بمباران حلبچه از نظر دولت عراق، بخشی از عملیات انفال محسوب نمی شد زیرا هدف این عملیات، تخلیه روستاهای کرد نشین بود، در حالی که حلبچه در ساختار کشوری عراق یک شهر محسوب می شد. به گفته نویسنده کتاب: در حالی که نیروهای ایرانی در ۱۷ مارس ۱۹۸۸ تقریباً شهر حلبچه را تصرف کرده بودند و کردها هم نه تنها مقاومت نکرده بلکه به ایرانی ها کمک هم کرده بودند، دولت عراق در تلاقی این اقدام کردها و به منظور اخراج نیروهای ایرانی از شهر، عمداً به بمباران شیمیایی متوسل شد. در این راستا، حسن المجید چندین ساعت با سلاح های متعارف به شهر حمله کرد و مردم برای حفظ جان خود به پناهگاه های مختلف هجوم بردند و آنگاه حسن المجید که می دانست به دلیل عناصر تشکیل دهنده بمب شیمیایی این عناصر خیلی زود پائین می آیند شهر را هدف حملات شیمیایی قرار داد و بدین ترتیب پناهگاه ها به اتاق مرگ تبدیل شدند.

نویسنده کتاب در بخش دوم به تحولات سیاسی، نظامی و استراتژیک بین دو جنگ خلیج فارس در دهه ۱۹۹۰ و اوایل اولین دهه قرن ۲۱ می پردازد. ایده اصلی مطرح شده در این بخش این موضوع است که هر چند کردها ممکن است در هدف اشتراک نظر داشته باشند اما در عمل و متدلوژی کاملاً متفاوت از هم دیگرند و این امر تا حدود زیادی آنها را از رسیدن به هدف مشترک دور کرده است. از نظر نویسنده در حالی که در طول تاریخ، کردها اقلیت های قومی را در ترکیه، ایران، عراق و سوریه تشکیل داده اند و همه آنها رویای تشکیل حکومت متحد کرد را دنبال کرده اند، اما به دلیل وفاداری های غیرهمسو نتوانسته اند برای تحقق این آرمان متحد شوند. در واقع، کردها نه تنها به طوایف مختلف تقسیم می شوند که این نشان از ادامه وفاداری های سنتی در میان آنهاست، گرایشات سیاسی مدرن آنها نیز بعضاً در برابر هم قرار گرفته است. برای اثبات این امر، ملاحظه

انفال و بمباران شیمیایی حلبچه می پردازد. به نظر نویسنده، حس مشترک بسیاری از کردها اعتقاد بر خیانت شرکای سیاسی آنها در طول تاریخ بوده است چرا که در برهه های مختلف حکومت های منطقه از آنها علیه رقبای خود استفاده کرده و به محض تغییر اوضاع و احوال، کردها وجه المصالحه قرار گرفته اند؛ این مسئله حتی در جنگ اول امریکا علیه عراق در سال ۱۹۹۲ نیز به وضوح روشن بود چرا که نیروهای امریکایی در حالی که می توانستند به راحتی صدام را از قدرت ساقط کنند، به دلیل منافع سیاسی خود نه تنها از این امر صرف نظر کردند حتی سرکوب وحشیانه کردها البته در کنار شیعیان توسط دولت عراق را مورد چشم پوشی قرار دادند. کردها اعدام صدام قبل از محاکمه او به دلیل ارتکاب جرم نسل کشی و بمباران شیمیایی حلبچه را نیز مصداق دیگری از این خیانت ها می دانند.

عملیات انفال در هشت مرحله در سال ۱۹۸۸ و به دنبال جنگ ایران و عراق توسط دولت عراق به قصد نسل کشی کردها اجرا شد که در اثر آن نه تنها صدها هزار نفر از کردها بی خانمان شده و به کوچ از سرزمین آبا و اجدادی خود مجبور شدند بلکه هزاران نفر حتی بدون طی مقررات قانونی و به طور دسته جمعی و با استفاده از شیوه ها و ابزاری های مختلف از جمله سلاح شیمیایی که از آنها به عنوان "سلاح خاص" یاد می شد به کام مرگ فرستاده شدند. گورهای دسته جمعی بسیاری بعد از سقوط صدام در کردستان عراق کشف شده که همگی شواهد روشنی برای ارتکاب جرم نسل کشی می باشند. در واقع، یکی از پرونده های بسیار مهمی که می بایست علیه صدام طرح می شد، همین موضوع بود که علاوه بر کشفیات فوق، اسناد محکمه پسند زیاد دیگری هم در این رابطه موجود است که از جمله آنها می توان به متن کتبی و یا دستورات تلفنی ضبط شده دال بر نقش صدام و فرماندهان ارشد عراقی به خصوص حسن المجید معروف به علی شیمیایی در سرکوب

شده تغییر یافت که می شد او را به دلیل جرائم ارتكابی در گذشته مورد محاکمه قرار داد؛ در عین حال صدام نیز می توانست برای دفاع از خود از وکیل استفاده نماید. بر این اساس، پس از تشکیل دادگاه ویژه، قتل عام اهالی روستای دجیل به عنوان اولین موضوع در دستور کار در این دادگاه قرار گرفت و در نهایت براساس مستندات همین پرونده حکم اعدام صدام و چند دهه حبس برای او صادر شد.

پس از آن، در ادامه همین بخش به دادگاه انفال پرداخته می شود که البته این دادگاه نه در عراق بلکه در هلند برگزار شده است. در این دادگاه فرانس فان آنرات، یک تاجر هلندی فروشنده عوامل شیمیایی به صدام در زمان جنگ با ایران، محاکمه و به دلیل مشارکت در ارتكاب جرم علیه بشریت به ۱۷ سال زندان محکوم شده است.

در نهایت به موضوع عدم مراجعه و یا تشکیل یک دادگاه بین المللی پرداخته شده و نویسنده با اشاره به ضعف ظرفیت قضات عراقی و با نگرش انتقادآمیز نسبت به روند تعقیب قضایی در کشورهای اسلامی براساس مقررات شریعت، به طور ضمنی اظهار می دارد: امریکا با تشکیل و برگزاری سریع محاکمه صدام در یک دادگاه عراقی که کاملاً تحت کنترل خودش بود، می خواست پرونده صدام را زود ببندد، زیرا در صورت تشکیل یک دادگاه بین المللی، کشورهای ثالث نیز به هر ترتیب در این روند مشارکت می کردند که این امر مطلوب امریکا نبود.

در نهایت، نویسنده در بخش نتیجه گیری اعلام می کند که اعدام سریع صدام قبل از اینکه محاکمه او به دلیل پرونده انفال و یا بمباران شیمیایی حلبچه برگزار شود هر چند برای بسیاری و به ویژه کردها مورد انتظار نبود زیرا خواسته بر حق آنها محاکمه و مجازات او بود؛ اما وی اشاره می کند که تنها صدام نبوده است که قبل از پایان محاکمه قانونی به هر دلیل عمرشان به پایان رسیده است. بلکه جنایتکاران جنگی دیگری نیز در طول تاریخ

رقابت های حزب دموکراتیک کردستان و جبهه میهنی کردستان به تنهایی کافی است چه رسد به خط مشی های سیاسی متفاوت آنها با کردهای کشورهای دیگر که بعضاً حتی از گرایشات مارکسیستی و اسلامی نیز برخوردارند. برخی از آنها با دولت همسایه متحد شده و یا بعد از چندی با همان متحد خود به دشمنی برپا خاسته اند. بعضی از آنها به شیوه های مسالمت آمیز برای رسیدن به اهداف سیاسی خود معتقدند و برخی دیگر شیوه مبارزه مسلحانه را برای تحقق اهداف سیاسی خود انتخاب کرده اند. همین امر به نقطه ضعف تاریخی کردها تبدیل شده و کشورهای منطقه با آگاهی از این امر به راحتی آنها را به ابزاری برای رسیدن به تأمین منافع زودگذر خود تبدیل کرده اند. در نتیجه هر چند تشکیلات خودمختار کردستان عراق جرقه امید را برای تشکیل دولت متحد کرد در دل کردها روشن کرده اما تحقق این امر در آینده ای نزدیک، محال به نظر می رسد.

بخش سوم کتاب نیز به محاکمه صدام اختصاص داده شده است. در قسمت اول این بخش، روند تشکیل دادگاه ویژه عراق برای محاکمه صدام توضیح داده شده است. درواقع از بین چند گزینه تشکیل دادگاه بین المللی ویژه، تشکیل دادگاه نظامی، محاکمه در یک دادگاه امریکایی، مراجعه به دیوان بین المللی دادگستری و یا دیوان بین المللی کیفری، گزینه مزبور انتخاب شد. در این قسمت، صلاحیت و اختیارات و بخش های این دادگاه توضیح داده شده و سپس در قسمت بعدی جریان محاکمه صدام و هم دستان او به دلیل قتل ۱۴۸ نفر از اهالی روستای دجیل در سال ۱۹۸۲، شکنجه و محاکمه غیرقانونی اهالی این روستا و در نهایت تخریب کامل آن توضیح داده شده است.

در واقع، صدام پس از دستگیری توسط نیروهای امریکایی موقعیت اسیر جنگی را داشت اما با تحویل او به دولت عراق در سال ۲۰۰۴ موقعیت او از اسیر جنگی به یک مجرم بازداشت

یافت بلکه دوران انتظار بر خورداری از عدالت برای کردها نیز بدون این که طعم آن را بچشند به پایان رسید.

در هر صورت این کتاب با یک سازماندهی منطقی، موضوع جنایات صدام علیه کردها را تعقیب می کند و در این راستا از منابع مختلفی بهره گرفته است. هر چند که رجوع به منابع نمود چندان زیادی در متن کتاب ندارد و علاوه بر آن موضوعی تا این اندازه مهم، تجزیه و تحلیلی به مراتب بیشتر و طولانی تر از این کتاب طلب می کند. به خصوص که این کتاب به طور طبیعی برای آشنایی خواننده با فضای بحث ناگزیر از

پرداختن به بحث های تاریخی و تبیین سابقه موضوع بوده است و در این راستا نویسنده نتوانسته - و البته نمی توانست - صرفاً به موضوع بمباران شیمیایی حلبچه بپردازد.

همچنین، جا دارد بپرسیم که کتاب حاضر در چارچوب کدامیک از

کتاب «ارواح حلبچه»
با یک سازماندهی منطقی،
موضوع جنایات صدام علیه
کردها را تعقیب می کند

رویکردهای یاد شده در بخش مقدمه نقد و بررسی حاضر می گنجد؟ در نگاه اول با توجه به پیشینه علمی نویسنده، اولین تصور می تواند غلبه رویکرد حقوقی را در این کتاب تداعی کند. اما در کمال تعجب باید گفت که چنین چیزی حقیقت ندارد و در عوض نگاه تاریخی و سیاسی نویسنده کتاب بر تجزیه و تحلیل حقوقی آن غلبه دارد.

در مورد بحث حقوقی، حتی باید یادآور شد برخی نقائص محتوایی در استدلال های مطرح شده برای اثبات ادعاهای موجود، مبانی مربوطه را تضعیف کرده است. به عنوان مثال در قسمت مربوط به دادگاه انفال علیرغم اهمیت بسیار زیاد حکم

بوده اند که پرونده آنها چنین وضعیتی پیدا کرده است. به عنوان مثال هرمان گورینگ جنایتکار آلمانی در جریان دادگاه نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم خودکشی کرد و یا متهم ژاپنی دیگری در همان زمان خودسوزی کرد و پینوشه نیز قبل از محاکمه در شیلی به مرگ طبیعی مرد و در آخرین مورد شاهد بودیم که اسلوبودان میلوشویچ بدلیل تجویز نادرست دارو در بازداشتگاه هلند جان سپرد. مورد صدام نیز می تواند از چنین مواردی تلقی شود، اما آنچه تعجب برانگیز است، عدم ادامه محاکمه صدام حتی پس از مرگ او بود که دادگاه ویژه می توانست با بررسی و اثبات مدارک مربوط به هر پرونده، وظیفه دادرسی خود را به درستی به انجام برساند. امری که راعد الصالح، رئیس دیوان عالی عراق، نیز به طور ضمنی آن را تأیید کرده است.

نکته قابل ذکر در پایان این قسمت، آوردن برخی ضمائم مهم است که جنایات متعدد صدام و حمایت برخی کشورهای دیگر و از جمله امریکا از صدام را در پروژه های تولید بمب شیمیایی و یا اسناد و مدارک ارائه شده برای محکومیت صدام در دادگاه ویژه را به خوبی نشان می دهد.

نقد و ارزیابی

در مجموع کتاب حاضر به بیان ناگفته های جنایات صدام علیه کردها و به خصوص کاربرد نامشروع سلاح شیمیایی علیه آنها و در نهایت محاکمه صدام اما نه به دلیل این جنایات بلکه به خاطر جنایات دیگر او می پردازد؛ امری که به طور مشروع انتظار می رفت در دادگاه به اصطلاح ویژه محاکمه صدام اتفاق می افتاد، اما این چنین نشد. در این راستا، انگیزه های صدام در ارتکاب این جنایات و هم چنین انگیزه ها و دلایل سیر خاص اتفاقات دادگاه ویژه نیز در این کتاب توضیح داده شده است. پایان زود هنگام محاکمه صدام و اعدام او، بسیاری از ناظران بین المللی را به این جمع بندی رساند که با مرگ صدام نه تنها دوران دیکتاتوری او پایان

هنگام و آن هم به دلیل منافع سیاسی خود، در آستانه جنگ اول با عراق در دهه ۱۹۹۰ به طور صریح به نقش عراق در ارتکاب جنایت فوق اذعان کرد.

اما صرف نظر از مطالب فوق، با توجه به پرونده بسیار حساس جنگ تحمیلی و این که در اثبات کاربرد سلاح های شیمیایی توسط عوامل رژیم بعثی عراق، جمهوری اسلامی ایران نفع مشترکی با سایر قربانیان این رژیم دارد، انتشار هر گونه گزارش و سندی در این رابطه و از جمله کتاب حاضر بایستی با هدف بهره برداری لازم، به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. این امر نه تنها برای نهادها و دستگاههای مسئول و ذیربط بلکه برای مراکز تحقیقاتی و افراد صاحب نظر نیز یک وظیفه ملی تلقی می شود.

دادگاه در رسیدگی حقوقی به کاربرد سلاح های شیمیایی - اولاً عنوان این بخش کاملاً نادرست نام گذاری شده است؛ زیرا این دادگاه که اینجانب نیز فرصت شرکت در برخی از بخش های آن را داشتم نه برای رسیدگی به پرونده انفال بلکه با ابتکار دستگاه قضایی هلند و بر اساس شکایت ۱۵ کرد عراقی و سه مصدوم شیمیایی ایران برگزار گردید. از بین کردهای عراقی برخی در بمباران حلبچه و برخی در مواقع دیگر شیمیایی شده بودند. ثانیاً، فرد متشاکی نیز نه صدام و فرماندهان ارتش عراق، بلکه یک تاجر هلندی به نام فرانس فان آنرات بود. هرچند اتهامی که کردهای عراقی به آنرات وارد می کردند با اتهامی که منتسب به صدام بود یکسان بود و آن هم نسل کشی بود، دادگاه هلندی در نهایت مشارکت آنرات در جرم جنایت جنگی و نه نسل کشی را احراز کرد و در عمل کاری به جنایات خود صدام نداشت و اصلاً صلاحیت چنین کاری هم نداشت. در حالی که نویسنده بر این گمان است که در این دادگاه صدام محکوم شده است. بعلاوه، دادگاه بدوی در حالی که آنرات را به ۱۵ سال حبس و پرداخت جریمه محکوم کرده بود، دادگاه تجدید نظر در سال ۲۰۰۷ با افزایش حبس او به ۱۷ سال، پرداخت جریمه را منتفی کرده بود. روشن است که در حالی که کتاب در سال ۲۰۰۸ چاپ شده است، نویسنده تنها نتیجه دادگاه بدوی را لحاظ کرده و تحولات بعدی را دنبال نکرده است.

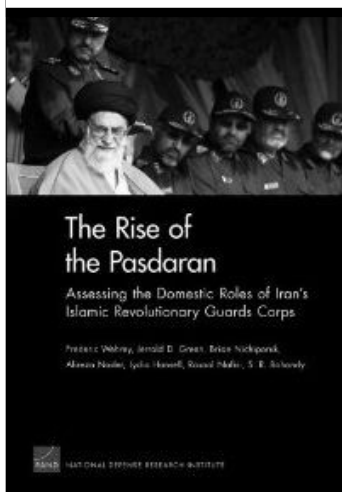
از جمله نتایج ارزشمند حکم این دادگاه، احراز بمباران شیمیایی حلبچه توسط عراق براساس اظهارات شکات و شهود و از جمله یکی از کارشناسان فنی سابق سازمان ملل و نیز یافته های تحقیقات دادستان بود. عوامل بعثی تا مدت ها این جنایت را به جمهوری اسلامی ایران نسبت داده بودند و حتی در حال حاضر نیز در تریبون های حامی آنها چنین مطالبی تکرار می شود که البته حکم این دادگاه پاسخی قطعی به طرح این اتهامات است. مضافاً بر این که دولت امریکا نیز هر چند دیر

خیزش سپاه؛ ارزیابی نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عرصه داخلی ایران

نویسنده: فردریک وهری و دیگران

معرفی و نقد: دکتر غلامرضا خسروی*

Frederic Wehrey, et al., The Rise of the Pasdaran; Assessing of the domestic Roles of Iran's Islamic Revolutionary Guards Corps, RAND.



(۱) عرصه بازیگری سپاه در ساختار و روند سیاستگذاری امنیتی کشور، به دلیل وجود دیگر نهادهای دخیل امنیتی نظامی محدود است. علی رغم تفوق نسبی سپاه در این ارتباط، این نهاد انحصار کاملی بر عرصه و

موضوعات امنیتی کشور ندارد و اساساً برای دسترسی به منابع قدرت و تأثیرگذاری بر خط مشی های امنیتی، ناگزیر به رقابت با دیگر نهادهای امنیتی چون نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات، وزارت کشور و وزارت دفاع است. در عین حال تصمیم گیری در مورد بسیاری از مسائل کلان امنیتی کشور بر عهده شورای عالی امنیت ملی است. بنابراین نفوذ و دامنه بازیگری سپاه در عرصه امنیتی - نظامی محدود است و این نقش آفرینی بیش از آن که قانونی و رسمی باشد، عمدتاً غیررسمی است.

(۲) عملکرد سپاه در عرصه داخلی تا حدود

مقدمه

همان گونه که از عنوان فرعی کتاب مشخص است موضوع محوری این کتاب بررسی نقش سپاه و روند تکاملی آن در عرصه داخلی جامعه ایران است. در این چهارچوب نویسندگان در هفت فصل کتاب (یک فصل مقدمه و یک فصل نتیجه گیری) به ارائه تصویری کامل از فعالیت های سپاه پاسداران در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی ایران کوشیده اند. از این منظر، مباحث کتاب صرفاً بر نقش این نهاد در عرصه داخلی تمرکز دارد و حوزه خارجی از جمله بررسی توانایی های نظامی و عملیاتی آن در خارج از کشور و یا در مقابله با تهدیدهای بالقوه خارجی به ویژه تهدیدات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی که در چندسال اخیر افزایش یافته شامل مباحث کتاب نیست.

نقش سپاه در عرصه سیاستگذاری امنیتی - نظامی

نویسندگان در فصل دوم گزارش، از رهگذر بررسی نقش سپاه در عرصه سیاستگذاری امنیتی و همچنین توضیح فضای سیاسی کشور به ویژه نیروهای سیاسی عمده آن، به دو نکته زیر اشاره می کنند:

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

ریشه در نوع فعالیت های متفاوت سپاه در شهرها و روستاها داشته باشد. با این توضیح که فعالیت های سپاه در مناطق روستایی عمدتاً عمرانی است، حال آن که در شهرهای بزرگ عموماً تمرکز بر فعالیت های فرهنگی و سیاسی در عرصه جامعه مدنی است.

ورود سپاه به عرصه مدنی؛ فعالیت های آموزشی و ایدئولوژیکی

فصل چهارم بر فعالیت های رسانه ای، آموزشی، ایدئولوژیکی و عقیدتی سپاه در جامعه می پردازد. به عقیده نویسندگان، این مهم از رهگذر به کارگیری طیف وسیعی از ابزارها صورت می گیرد. دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در سپاه، دفتر سیاسی سپاه، بسیج دانشجویی، بسیج اساتید، برگزاری اردوهای آموزشی تفریحی، ایجاد پایگاههای خبری تحلیلی، انتشار روزنامه و بولتن های محرمانه، از جمله ابزارهایی است که سپاه برای ترویج باورهای مذهبی و سیاسی در متن جامعه به کار می گیرد. هدف عمده این فعالیت های فکری سیاسی، نهادینه کردن ارزش های مذهبی سیاسی در درون جامعه، تقویت حس وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران، به ویژه اصل ولایت فقیه و مقابله با چالش های فکری و فرهنگی جامعه است. در همین چهارچوب سه وظیفه عمده برای بسیج به عنوان شاخه مردمی سپاه تعریف شده است: افزایش توانائی بسیج در دفاع از کشور و جنگ نامتقارن در برابر تهدیدهای خارجی، مقابله با تهدیدهای نرم از جمله کودتای نرم و انقلاب رنگی و در نهایت امدادسانی در صورت وقوع حوادث طبیعی و غیرمترقبه.

گسترش فعالیت های اقتصادی

نویسندگان در فصل هفتم، به بررسی فعالیت های اقتصادی تجاری سپاه در جامعه می پردازند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از جنگ تحمیلی

زیادی متأثر از فضا و آرایش نیروهای سیاسی است که به باور نویسندگان «سنت گرایان محافظه کار»، «اصلاح طلبان»، «محافظه کاران عمل گرا» و «رادیکال ها»، از بازیگران کلیدی و مسائلی چون چگونگی ایجاد توازن میان جزم اندیشی و عمل گرایی، سازگاری میان مدرنیته و آموزه های انقلابی اسلامی و ایجاد همگرایی میان توسعه اقتصادی و خودبسندگی فرهنگی از جمله چالش های پیش روی آن است. لذا نوع و نحوه عمل سپاه در عرصه داخلی به شدت تحت تأثیر فضای سیاسی کشور است که رقابت های شدید میان

جناح های سیاسی کشور از ویژگی های بارز آن محسوب می شود.

کارکردهای متنوع داخلی

فصل سوم با عنوان «نقش های متنوع داخلی؛ خاستگاه و تکامل» به روند تکاملی نقش سپاه پاسداران در طول سه

دهه گذشته پرداخته است. نویسندگان با تبیین فعالیت سپاه و بسیج در دوران اولیه انقلاب، جنگ تحمیلی، ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و سیدمحمد خاتمی می نویسند: این دو نهاد با تأکید بر نقش سازنده و مثبت خود، در صدد کسب اعتبار و مشروعیت در بین مردم هستند. با این وجود، رویکرد مردم به سپاه و بسیج، یکسان نیست و در این زمینه شکاف و تفاوتی میان مناطق روستائی و شهری وجود دارد. روستانشینان عمدتاً برداشت مثبتی از عملکرد این دو نهاد دارند، در حالی که بخشی از جامعه شهرنشین چنین نگرشی ندارند. به عقیده نویسندگان، این تفاوت نگرش، می تواند

به نظر نویسندگان کتاب،
راهبردهای اقتصادی آمریکا
برای مقابله با تهدید ایران،
نه تنها موجب تضعیف سپاه
نخواهد شد بلکه به گسترش
قدرت آن خواهد انجامید

که در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی، به خاطر شرایط سیاسی حاکم بر کشور، سرعت بیشتری گرفت.

کتاب تأکید دارد سپاه به لحاظ فکری و سیاسی، نهاد یکپارچه و یکدستی نیست و گرایش‌های مختلف سیاسی در آن حضور دارند. با این که یکپارچگی سیاسی فکری همواره در پیکره سپاه وجود داشته و تداوم نیز پیدا کرده است.

در اوایل انقلاب، زمانی که آقای محسن رضایی فرمانده این نیرو بود، آن را از کنترل دولت خارج کرد و تحت نظر شورای انقلاب در آورد. در آن زمان این اقدام،

مخالفت‌هایی را به دنبال داشت که در نهایت به استعفای تعدادی از این مخالفین از سپاه منجر شد

در مجموع به عقیده نویسندگان، نفوذ و قدرت سپاه پاسداران در جامعه ایران حفظ خواهد شد و ایسن نهاد در شکل دهی به آینده

سیاسی کشور نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

آن گونه که ملاحظه کردیم، گزارش به بررسی فعالیت‌های متنوع و متعدد سپاه در جامعه ایران در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی پرداخته و تلاش داشته تا تصویر کامل و فراگیر از آن ارائه دهد. گزارش دارای یافته‌ها و تحلیل‌های تازه‌ای می‌باشد و از این منظر برخی از یافته‌های آن منطبق با بسیاری از پندارهای رایج پژوهشی در غرب نیست و آنها را به چالش می‌گیرد. برخلاف بسیاری از برداشت‌های رایج

هشت ساله و تا حدود زیادی به ابتکار آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت کشور، پا به عرصه فعالیت‌های اقتصادی نهاد. ایشان بر این باور بود که نهادهای دولتی باید خود درآمدزایی و استقلال مالی داشته باشند. لذا سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۹ به تأسیس قرارگاه خاتم‌الانبیاء اقدام کرد که در حقیقت بازوی اقتصادی و مهندسی آن محسوب می‌شود. این نهاد در بسیاری از پروژه‌های عمرانی و زیرساختی کشور از احداث جاده و سدسازی گرفته تا استخراج معادن و احداث لوله‌های نفت و گاز شرکت داشته و با شهرداری تهران و وزارت نفت قراردادهای پیمانکاری امضاء کرده است.

به نظر نویسندگان کتاب، راهبردهای اقتصادی آمریکا برای مقابله با تهدید ایران، نه تنها موجب تضعیف سپاه نخواهد شد بلکه به گسترش قدرت و حوزه نفوذ اقتصادی آن خواهد انجامید. همچنین ورود سپاه به عرصه اقتصادی، می‌تواند موجب نارضایتی بخش خصوصی به ویژه تجار و بازرگانان سنتی را موجب گردد.

سپاه در عرصه سیاست

فصل ششم کتاب به نقش‌آفرینی سپاه پاسداران در عرصه سیاسی می‌پردازد. به نظر نویسندگان، انگیزه‌های ایدئولوژیک - عقیدتی، سپاه را به ایفای نقش سیاسی آشکار و وسیع‌تر سوق داده است. در حالی که برخی از احزاب و گروه‌های سیاسی، ورود سپاه به عرصه سیاست را در تعارض با مبانی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و منافع کلان کشور ارزیابی می‌کنند، برخی دیگر، مدافع مداخله سیاسی سپاه در کشور می‌باشند و آن را در راستای اندیشه‌های امام خمینی(ره)، اهداف اولیه شکل‌گیری این نهاد و مطابق قانون اساسی می‌دانند.

ورود سپاه به عرصه سیاست به طور مشخص به دوران پس از جنگ و رحلت امام خمینی(ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی، باز می‌گردد. روندی

به نظر نویسندگان،
انگیزه‌های ایدئولوژیک -
عقیدتی، سپاه را به ایفای
نقش سیاسی آشکار و
وسیع‌تر سوق داده است

ساختارهای سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی
ایران چگونه است.

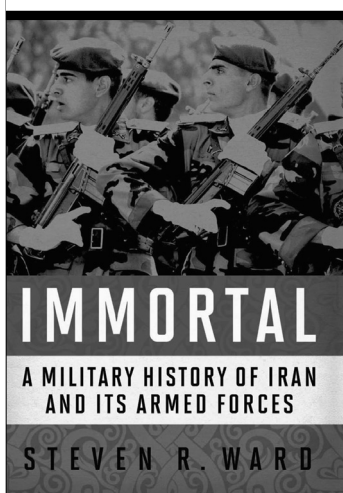
در غرب در مورد سپاه پاسداران، به باور نویسندگان سپاه یک نهاد صرفاً انقلابی و یا نظامی نیست که هدف اساسی اش صدور انقلاب و یا ماجرایی خارجی باشد. همچنین یک نهاد صرفاً اقتصادی تجاری با منافع خاص مادی صرف نیست بلکه نهادی پیچیده با کارکردهای گوناگون از جمله اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، نظامی و سیاسی است و در نتیجه نیرویی به شدت محافظه کار می باشد. از طرف دیگر حضور گسترده سپاه در عرصه داخلی کشور و برتری نسبی آن در این حوزه، یک نمونه استثنائی و بی نظیر نیست. در بسیاری از کشورها، نیروهای نظامی و ارتش، تمایل زیادی به ایفای نقش های گوناگون سیاسی اجتماعی و اقتصادی داشته و نمونه سپاه پاسداران، قابل مقایسه با فعالیت های ارتش در دو کشور پاکستان و چین می باشد. ارتش پاکستان در بسیاری از فعالیت های اقتصادی حضور و بنیادهای مالی، تجاری و خیریه خاص خود را دارد. ارتش چین نیز پیش از این بر اقتصاد این کشور کنترل زیادی داشت اما در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی رهبران حزب کمونیست به این جمع بندی رسیدند که ادامه این وضعیت می تواند بر سلامت و ثبات اقتصادی تأثیر منفی به جای نهد، ارتش را از فعالیت های اقتصادی منع نمودند. این کتاب می تواند تصویر روشنی از برداشت محققان غربی از ساختارهای سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد. علیرغم اینکه نویسندگان کتاب بعضاً در برخی از موضوعات، رویکرد متفاوتی از تصویرسازی های رایجی که در عرصه رسانه ای در خارج از کشور علیه نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد ارائه داده اند اما نباید از نگاه غرض آلودی که در لایه لای سطور کتاب وجود دارد و سعی دارد چهره مخدوشی از سپاه پاسداران ارائه کند غفلت کرد. در مجموع، مطالعه و ترجمه این کتاب حداقل در سطح درون سازمانی توصیه می گردد تا مشخص گردد در خارج از کشور نوع دیدگاهها به

جاوید

تاریخچه نظامی ایران و نیروهای مسلح آن

نویسنده: استیون آر. وارد

معرفی و نقد: دکتر عبدالله قنبرلو*

Steven R. Ward, *Immortal: A Military History of Iran and Its Armed Forces* (Washington, Dc: Georgetown univ, 2009).

سازمان‌های نظامی ایران جزو سازمان‌های نظامی اثرگذار بر تحولات بین‌المللی بوده‌اند. اما همواره مشکلات اساسی‌ای داشته‌اند که امروز نیز در بدنه نظامی جمهوری اسلامی وجود دارد.

مقدمه

«جاوید» واژه‌ای است که در ماه‌های پایانی حکومت محمدرضا پهلوی در وصف نیروهای نظامی ویژه شاه که علی‌الظاهر منظم و سرزنده به نظر می‌آمدند، توسط مقام نظامی امریکایی کلنل کالین پاول استفاده شد. استیون وارد، نویسنده کتاب، این واژه را به طور کنایه آمیزی استفاده می‌کند، چرا که به نظر وی در طول تاریخ ایران، ارگان‌های نظامی این کشور با فراز و فرودهای شگرفی مواجه بوده‌اند. البته مسلم است که این تحولات تا حد زیادی تابع تحولات سیاسی کشور بوده است، اما نویسنده بر آن است که در کنار عوامل سیاسی، مجموعه‌ای از متغیرهای جغرافیایی، جامعه‌شناختی و فرهنگی باعث شده نیروها و ساختار نظامی ایران مستعد بی‌ثباتی‌ها و تحولات اساسی باشد. به نظر وارد، برخی از ویژگی‌های مهمی که امروزه در ساختار و اجزاء نظامی ایران وجود دارد، مختص امروز نیست و در گذشته‌های دور از جمله دوره‌های پارتیان، ساسانیان، صفویه و قاجاریه نیز وجود داشته است. نظامیان ایران در طول تاریخ به انحاء مختلف جهت‌گیری شرایط جهان را تحت تأثیر قرار داده‌اند. حتی در تاریخ معاصر نیز

دو مبحث اساسی کتاب

۱) عوامل تاریخی و جغرافیایی سیستم نظامی ایران یک دسته از عواملی که شرایط نظامی ایران را تحت تأثیر قرار داده، عوامل تاریخی، فرهنگی، و جامعه‌شناختی است. ایرانی‌ها به خاطر سابقه امپراطوری و کشورگشایی، غرور ملی خاصی دارند و در همین چهارچوب حاضر به پذیرش یک نقش ضعیف و حاشیه‌ای نیستند. در دوره پیش از اسلام، ارتش ایران چندبار در برابر ارتش امپراطوری عظیم روم نمایش قدرت موفقی بر جا گذاشت. پس از حمله اعراب و ورود اسلام اگرچه تا دوره‌ای عظمت امپراطوری ایران افول کرد، اما بعدها مجدداً در قالب

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

اعمال کردند که دولت عراق بدون رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده خود تقاضای پایان جنگ کرد. در نهایت، ایران در شرایطی آتش بس را پذیرفت که موازنه قدرت به نفع عراق سنگینی می کرد و این مطلوب ایرانی ها نبود. پس از پایان جنگ، جمهوری اسلامی ایران سرمایه گذاری فراوانی برای تبدیل ایران به یک قدرت نظامی عمده به عمل آورد. اگر چه ایران یک قدرت نظامی مهم در منطقه است، اما پیشرفت های نظامی ایران کند و نامنظم بوده و در نهایت ارگان های نظامی ایران در یک موضع تدافعی باقی مانده اند. دو ویژگی فرهنگی مهم که امروزه سیاست گذاری نظامی ایران را تحت تأثیر قرار داده عبارتند از:

۱. غرور ملی خاصی که نوعی احساس متمایز بودن و خاص بودن را برای ملت ایران در پی دارد؛ و
۲. هراس و بیزاری از بیگانگان مداخله گر که برای ایرانی ها نوعی احساس ناامنی ایجاد کرده است. غرور ملی ایرانیان محصول کامیابی های گذشته و بیگانه گریزی آنها محصول دخالت های بیگانگان در ادوار مختلف تاریخی بوده است. احساس ناامنی به خاطر دخالت های بیگانگان محدود به دوره جمهوری اسلامی نیست، بلکه قبلاً نیز وجود داشته است. دو ویژگی مذکور در عین حال که محرک نوعی نظامی گری در نظام های سیاسی ایران بوده، بعضاً فرصت مناسبی در اختیار افراد قدرت طلب قرار داده تا به بهانه حفظ وحدت و غرور ملی و مقابله با دخالت های بیگانگان به پی ریزی یک نظام سیاسی اقتدارگرا و مستبد روی بیاورند.

در کنار عوامل فوق الذکر یک سری عوامل جغرافیایی نیز در ساختار نظامی ایران مؤثر بوده اند. این عوامل جغرافیایی به انحاء مختلف شرایط تاریخی، فرهنگی و سیاسی را نیز تحت تأثیر قرار داده اند. نقش عوامل جغرافیایی در مقایسه با عوامل تاریخی، فرهنگی و سیاسی بنیادینی که به نظر می رسد ایران همچنان که در گذشته به علت قرار گرفتن در پل ارتباطی بین شرق و غرب یا آسیا و اروپا برای قدرت های مداخله گر شرایط و سوسه انگیزی داشته، امروزه نیز به خاطر اهمیت و حساسیت خاصی که

سلسله های پادشاهی دیگری تا حدی احیا شد. غرور و احساسات ملی خاصی که ایرانیان داشتند باعث گردید اسلام نیز در این کشور جهت گیری متمایزی داشته باشد. صفوی ها برای بازسازی پایه های قدرت ایران پروژه شیعی سازی ایران را در دستور کار قرار دادند و با تلفیق اسلام و علایق ملی ایران به نمایش قدرت در برابر امپراطوری عثمانی سنی مذهب پرداختند.

در سده های اخیر، ایران مجدداً در معرض هجوم بیگانگان قرار گرفت، اما مجدداً به سمت بازسازی پایه های قدرت حرکت کرد. در سده ۱۹، روسیه و انگلستان دو قدرت عمده فعال در امور داخلی ایران بودند، به گونه ای که این دخالت ها منجر به بروز جنگ هایی گردید. در پی جنگ های ایران و روسیه، بخش های وسیعی از خاک ایران به روسیه منضم گردیدند. پس از به قدرت رسیدن پهلوی ها کار بازسازی نظامی ایران به شکل نسبتاً مدرن از سر گرفته شد که در پی آن ایران به یک قدرت منطقه ای مهم تبدیل گردید. محمدرضا پهلوی حتی به این نیز رضایت نمی داد و آرمان هایی برای تبدیل ایران به یک قدرت نظامی جهانی در سر داشت. وی در حالی به ارتش خود افتخار می کرد که در بین نظامیان گرایش های قابل توجهی برای همراهی با انقلابیون و براندازی رژیم شاه وجود داشت و در نهایت همین تعدد مراجع وفاداری، به اضمحلال ارتش ایران انجامید.

پس از انقلاب اسلامی و در حالی که ارتش عراق به تجاوز علیه سرزمین ایران اقدام کرده بود، به سرعت ساختار نظامی ایران به شکل دیگری بازسازی گردید. نیروهای نظامی ایران چنان فشار سنگینی علیه عراق

ایران به لحاظ جغرافیایی
از چنان شرایط دفاعی
مستحکمی برخوردار
است که اگر ایران را
یک دژ نظامی بنامیم،
اغراق زیادی نکرده ایم

مهم جغرافیایی دفاعی ایران است که حتی برای قدرت‌هایی نظیر ایالات متحده نیز نگران کننده است.

دولت ایران همسایگانی دارد که در گذشته بارها با آنها نزاع داشته است. ایران هم هدف حمله ترک‌ها و هم اعراب بوده است. ملی‌گرایی خاصی که ایرانیان امروز دارند، نمی‌تواند زمینه‌ساز برقراری اتحاد امنیتی بین ایران و همسایگانش گردد. ایرانی‌ها همچنان در پی آنند که قدرت و عظمت ویژه‌ای در منطقه کسب کنند و همسایگان خود را تحت تأثیر قرار دهند. آنها برای اجرای این پروژه در پی اتحاد با همسایگان‌شان نیستند، بلکه می‌خواهند

به صورت مستقل این مسیر را طی کنند. تحلیل بسیاری از ناظران و دولتمردان ایرانی این است که همسایگان در پی تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای هستند و در این راستا با ایران رقابت می‌کنند. این برداشت همراه با ملاحظات و حافظه تاریخی خاصی که بر اذهان عمومی ایرانیان

حاکم است، منجر به نوعی بلندپروازی نظامی گرایانه شده است.

۲) مشکلات ریشه‌دار در سیستم نظامی ایران

یکی از ویژگی‌های مهمی که از دوره باستان در ارگان‌های نظامی ایران وجود داشته، عبارتست از فقدان هویت یکپارچه، ثابت و پایدار که از عوامل مهم تزلزل‌ها و ناجاوید بودنشان به حساب می‌آید. این فقدان یکپارچگی، امروزه در تفکیک ارتش از سپاه پاسداران و رویکرد متفاوت آنها به موضوع کارایی نظامی خود را نشان می‌دهد. البته این به معنی دست کم گرفتن نیروهای ایرانی نیست. جنگجویان ایرانی بارها

منطقه خاورمیانه و به خصوص خلیج فارس دارد، در معرض دخالت‌های بیگانگان قرار دارد. این موضوع گویای تأثیر جغرافیا بر تاریخ، فرهنگ و سیاست است. اما عوامل جغرافیایی دیگری وجود دارند که در اسکلت‌بندی و جهت‌گیری نظامی ایران تأثیر آشکاری دارند. به عنوان مثال، با وجود سواحل طولانی‌ای که ایران جهت ارتباط با آب‌های آزاد دارد، نیروی دریای ایران در طول تاریخ ضعیف بوده است. از عوامل جغرافیایی مهمی که در این وضع اثرگذار بوده، پوشش جنگلی ضعیف و فقدان الوار مناسب در نواحی ساحلی خلیج فارس است. همین ضعف باعث شده در طول تاریخ تمرکز سرمایه‌گذاری نظامی ایران عمدتاً بر روی نیروی زمینی باشد.

ایران به لحاظ جغرافیایی از چنان شرایط دفاعی مستحکمی برخوردار است که اگر ایران را یک دژ نظامی بنامیم، اغراق زیادی نکرده‌ایم. بخشی از مرزهای ایران در برابر رشته کوه‌های پیچیده و صعب‌العبوری است که بسیاری از آنها در بخشی از فصول سال پوشیده از برف است. البته در دنیای مدرن، سلاح‌هایی چون موشک و هواپیما بر این موانع فائق آمده‌اند، اما اهمیت نظامی آنها همچنان چشمگیر است. در عین حال، بخشی از مرزهای ایران آبی اعم از مرزهای رودی یا دریایی است. سواحل آبی، نظارت و کنترل نیروهای ایران بر مرزها را آسان‌تر می‌سازد. کم‌ابری بودن آسمان ایران اگرچه فرصت مناسبی در اختیار مهاجمین هوایی قرار می‌دهد، اما بخشی از هوای ایران به دلایلی چون طوفانی بودن و وجود ذرات گرد و غبار معلق، مانع نفوذ دشمن می‌شود. شکست عملیات نظامی آمریکا در طبرستان محصول همین فرصت جغرافیایی ایران بود. بخشی از سواحل ایران به دلیل شن‌زار بودن یا باتلاقی بودن موانع مهمی در برابر نفوذ دشمنان قرار می‌دهد. در مجموع، سرزمین ایران شرایط جغرافیایی خاصی دارد که حتی امروزه نیز که پیشرفت‌های بزرگی در عرصه فناوری نظامی به عمل آمده، همچنان برای امنیت ایران بسیار با اهمیتند. امروزه نزدیکی و کنترل ایران بر تنگه هرمز یکی از نمودهای

نزدیکی و کنترل ایران بر تنگه هرمز یکی از نمودهای مهم جغرافیای دفاعی ایران است که حتی برای قدرت‌هایی نظیر ایالات متحده نیز نگران کننده است

است. در سال ۱۹۹۰ با ایجاد نیروی قدس، نقش سپاه در پیشبرد اهداف نظام پرننگ تر گردید. نیروی قدس، در واقع شاخه سپاه پاسداران در خارج از کشور است. طی سال‌های گذشته، سپاه و نیروی قدس در امر آموزش و اجرای عملیات‌های نظامی توسط گروه‌های مبارز به موفقیت‌های قابل توجهی رسیده‌اند. عملیات‌های نظامی مورد توجه سپاه عمدتاً با سازوکارهای غیرمتعارف انجام می‌شود و بیشتر شکل نامنظم و پارتیزانی دارد.

رویکرد ارتش و سپاه به مسئله حرفه‌ای‌گری و مدرنیزاسیون مغشوش است. اصولاً اکثر رهبران جمهوری اسلامی ایران موافق حرفه‌ای‌گری نظامی به شکل مدرن نیستند. البته در جنگ با عراق مشخص شد پیشبرد برنامه‌های نظامی تا حدی مستلزم رعایت نقش حرفه‌ای نظامیان است. این تجربه به نفع ارتش تمام شد، چرا که گرایش بیشتری به نقش حرفه‌ای داشت. پس از جنگ نیز ارتش گرایش بیشتری به حرفه‌ای بودن و مهارت‌های تکنیکی داشته است. البته پس از جنگ، سپاه نیز تا حدی به سمت کارکردهای نظامی حرفه‌ای گرایش پیدا کرده و دیسپلین و سلسله مراتب نظامی در سازمان سپاه جا افتاده است، اما همچنان از چهارچوب‌های یک ارتش حرفه‌ای مدرن فاصله زیادی دارد.

سیاست زدگی و پیوند نظامیان با سیاست در ایران قدمت زیادی دارد. امروزه، طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران وظیفه حفاظت از نظام جمهوری اسلامی را بر عهده گرفته که این وظیفه با دخالت سپاه در امور سیاسی همراه بوده است. نقش سپاه در ساختار سیاسی کشور به ویژه در سال‌های پس از جنگ با عراق تقویت گردیده و حضور نیروهای سپاهی در مجلس و پست‌های دولتی افزایش یافته است.

در مورد ضعف‌ها یا نامتناسب بودن فناوری‌های نظامی ایران، همواره یک عامل یعنی محدودیت‌های مالی نقش آفرین بوده است. در دوره اخیر، تحریم‌ها و محدودیت‌های بین‌المللی نیز به عنوان عامل مهمی در این زمینه تأثیر گذار بوده‌اند. البته دولت‌های ایران

نشان داده‌اند که در خلق تاکتیک‌های غیرمنتظره و غافلگیر کردن دشمن توانایی بالایی دارند. آنها در جنگ‌ها شجاعت و ایثارگری بالایی نشان داده‌اند. نیروهای مسلح ایرانی در عین داشتن باورهای وطن پرستانه و دینی، سوابق جالب توجهی در تبعیت از حاکمان سیاسی خود دارند. حاکمان نیز از سازوکارهای فکری و انگیزشی مناسبی برای کسب پیروزی نظامی بهره می‌گیرند. اما این مزیت‌ها با آسیب‌هایی همراه است. این آسیب‌ها تا حد زیادی تحت تأثیر نحوه ارتباط نظامیان با حکومت بوده است. از مهم‌ترین مشکلاتی که در فرایند شکل‌یابی ساختارهای نظامی ایران چه در حال حاضر و چه در گذشته اثرگذار بوده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- استمرار دوگانگی در سازمان نظامی؛
 - حرفه‌ای‌گری نامنظم یا بعضاً تعارض با حرفه‌ای‌گری؛
 - مشکلات مستمر ناشی از سیاست زدگی؛ و
 - استفاده نامنظم و ناقص از فناوری‌ها و تسلیحات جدید متناسب با نیازهای نیروهای مسلح.
- دوگانگی در سازمان نظامی ریشه درازی دارد. به عنوان مثال، در دوره امپراطوری ساسانیان، اردشیر تلاش کرد ارتش مقاوم و وفاداری مستقل از سربازان ایالتی ایجاد کند. در دوره‌های مختلف، حکومت‌های ایران برای ایجاد ثبات در نظام سیاسی با ایجاد دوگانگی به فدا کردن کارایی نظامی روی می‌آوردند. چنین تفکیکی در دوره معاصر در ارتش محمدرضا شاه نیز وجود داشت. در دوره جمهوری اسلامی نیز سپاه پاسداران به منظور ایجاد ثبات در نظام سیاسی کشور ایجاد شد و در این راستا، به خصوص پس از پایان جنگ با عراق امتیازات ویژه قابل توجهی دریافت کرده است. ارتش پذیرفته که برای مبارزه با دشمنان در مقایسه با سپاه از موقعیت پایین‌تری برخوردار است. نظام ترفیع درجه در ارتش نیز عمدتاً براساس وفاداری سیاسی انجام می‌شود. دولت برای ایجاد وفاداری و روحیه رزمی در نظامیان چه در سپاه و چه در ارتش، نقش ویژه‌ای به ایدئولوژی دینی قائل است. اما ایدئولوژیک کردن نظامیان در سپاه بسیار پرننگ‌تر

یک نظر مؤثر و ارزشمند تلقی شود، اما نمی توان برای همیشه به آن تکیه کرد. یکی از خطراتی که ممکن است یک نیروی آماده ایثارگری داشته باشد، این است که بدون محاسبه استراتژیک دست به اقداماتی بزند که عواقب سنگینی برای امنیت ملی کشور به دنبال داشته باشد. در جریان جنگ با عراق، نیروهای سپاه تا مرز درگیری با نیروهای امریکایی پیش رفتند، اما به دلایلی عملی نشد. نقش حرفه ای یک نیروی نظامی اقتضا می کند که اقداماتش در چهارچوب محاسبات استراتژیک عقلانی صورت گیرد.

۳) قابلیت های نظامی تهدیدکننده در ایران امروز

ساختار نظامی ایران با وجود نواقص و ضعف هایی که دارد، پتانسیل ها و توانمندی های قابل ملاحظه ای برای تهدید منافع ایالات متحده و سایر قدرت های بزرگ دارد. ایران برای دفع تهدیدات به برخی سازوکارهای بازدارنده مجهز است که عمده ترین آنها را می توان چنین بیان کرد:

ایران چندبار دشمنان خود را به بستن تنگه هرمز تهدید کرده است. هر چند بستن تنگه هرمز ممکن است عملی نباشد، اما حداقل ایجاد اختلال و ناامن کردن این تنگه مهم و استراتژیک برای ایران کار سختی نیست؛

ایران از نیروی هوایی و موشکی نسبتاً قدرتمندی در منطقه برخوردار است، به گونه ای که می تواند نقاط و مراکز استراتژیک و مهمی را در منطقه هدف قرار دهد.

ایران با گروه های مبارز منطقه مرتبط است و می تواند در صورت نیاز از این گروه ها بهره برداری کند.

ضعف ایران در حوزه تسلیحات متعارف، دولت ایران را به سمت تقویت انرژی غیرمتعارف پیش برده است. بسیج نیروهای آماده عملیات انتحاری، تقویت عوامل خارجی غیردولتی و توسعه سیستم های تسلیحاتی غیرمتعارف از جمله این ابزارهاست. ایران در پی انتقال این پیام به دشمنان خود و در رأس آنها امریکا است که در صورت اقدام نظامی باید آماده

همواره در تخصیص بودجه، معمولاً امتیازات خاصی به بخش نظامی قائل بوده اند، اما این رویکرد راه حل مشکل نبوده است. در دوره شاه، ارتش ایران به تجهیزات نظامی پیچیده ای مجهز بود، اما آنها با ظرفیت های موجود متناسب نبودند. در سال های پس از جنگ ایران و عراق، دولت ایران با وجود موانع مختلف خارجی و داخلی توانست ساماندهی جدیدی برای تجهیز به فناوری های نوین داشته باشد. سه برنامه مهم جهت بازسازی سازمان نظامی ایران عبارت بودند از: ۱. کاهش تعداد نیروهای مسلح؛ ۲. تأکید بر روش های کم هزینه تر جهت بازسازی سیستم های موجود نظیر تهیه لوازم یدکی؛ و ۳. اهتمام برای تجهیز به قابلیت های بازدارنده و تلافی گر. در عین حال جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده تا حد ممکن برای تأمین تسلیحات و مهمات سبک و سنگین، به خودکفایی برسد که در این راستا به ویژه در حوزه تسلیحات و مهمات سبک، موفقیت های قابل توجهی داشته است.

از دیگر مشکلاتی که در تاریخ نظامی ایران غالباً وجود داشته بدرفتاری و نگاه تحقیرآمیز به نظامیان به خصوص سربازان بوده است. از عوامل مهم این موضوع، انتظاراتی بوده که حکومت ها غالباً از سربازان خود داشته اند. انتظار آنها این بوده که سربازان برای حفظ حکومت و کشور باید همواره آماده قربانی شدن باشند؛ در حالی که به سلامتی و شأن سربازان کم توجهی می شده است. چنین مسایلی در ارتش های حرفه ای و مدرن امروزی کم شده است. حکومت های ایران بیش از اینکه با تجهیز به فناوری های جدید و آموزش های مؤثر و کم هزینه تر روش های جنگیدن به پیروزی برسند، به تقویت روحیه مقاومت و از خودگذشتگی روی می آورده اند که این روش اگرچه ممکن است موفقیت هایی در بر داشته باشد، اما اولاً پرهزینه است و ثانیاً پایدار نیست.

این مسئله امروزه نیز در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی کاملاً رایج است. تلاش دولت بر این است که روحیه بسیجی گری را در میان نظامیان سپاه و حتی ارتش تقویت کند. البته چنین روشی ممکن است از

بین المللی را بی اساس و بعضاً توطئه آمیز می داند. مؤلفه دیگر موقعیت بازدارنده ایران نیروی زمینی آن است. در نیروی زمینی نیز با وجود توانمندی های متعارف قابل توجهی که وجود دارد، تأکید تصمیم گیران ایرانی بر توسعه توانمندی های غیرمتعارف آشکار است. این جهت گیری به خصوص پس از سقوط بغداد در سال ۲۰۰۳ و تقویت حضور نیروهای آمریکایی در منطقه پررنگ تر گردیده است به گونه ای که مکرراً از روش جنگ نامتقارن در برابر نیروهای آمریکایی صحبت به میان آمده است. در کنار آموزش نیروها در امر روش های آماد و پشتیبانی، تحرک و جنگ با دشمن، سلاح هایی ویژه نظیر برخی سلاح های سنگین دوش پرتاب (جهت هدف قراردادن بالگردها) تدارک و ذخیره شده است. در چارچوب روش دفاع موزاییکی، نیروهای ایرانی در نقاط مختلف پراکنده خواهند شد، به نحوی که برای دشمن مهاجم هیچ نقطه امنی برای پیشروی در خاک ایران وجود نخواهد داشت. در مجموع، فرماندهان ایران بر آنند حتی با پذیرش خسارت های جانی و مالی بالا، حداکثر صدمات را بر نیروهای دشمن وارد کرده و به هر قیمتی از پیروزی شدن آنها جلوگیری به عمل آورند.

جمع بندی

استیون وارد پس از بحث های مفصلی که در مورد نقاط قوت و ضعف نظامی ایران به عمل می آورد، مجدداً به این جمع بندی می رسد که گرایش ایران به جنگ غیرمتعارف تا حد زیادی محصول نواقص و محدودیت های ایران در نیروها و تسلیحات متعارف است و تا زمانی که بنیان های متعارف ساختار نظامی ایران بهبود نیابد، ایرانی ها به تسلیحات و روش های غیرمتعارف جنگ گرایش خواهند داشت. ایرانی ها به دلایلی که در آغاز ذکر شد سرسختی ها و بلندپروازی های خاص خود را دارند و برای آنها پذیرش ضعف و انفعال نظامی بسیار سخت است. به همین جهت برای تحکیم موقعیت نظامی خود سیاست ها و استراتژی های پیچیده و پرهزینه ای را به کار می گیرند.

پرداخت هزینه های بسیار سنگینی باشند. موقعیت ژئواستراتژیک ایران می تواند در پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران بسیار راهگشا باشد. این کشور قوی تری نیروهای (متعارف و غیرمتعارف) دریایی منطقه را دارد و این نیرو یکی از ابزارهای آن برای تهدید تنگه هرمز است. به عنوان مثال، تجهیز سپاه پاسداران به قایق های تندرو و سیستم های مین گذاری برای امنیت تنگه هرمز بسیار تهدیدزاست. برنامه سپاه برای ایجاد نیروی دریایی عمده تاً بر روش های غیرمتعارف مبتنی است.

موشک های بالستیک، بازوی استراتژیک نیروی هوایی و قلب دکترین بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران است. سناریوی حمله موشکی ایران زمانی مهم به نظر می آید که این حمله با کلاهک های حاوی مواد غیرمتعارف انجام شود. اما مقامات جمهوری اسلامی مکرراً تصریح کرده اند که حملات ایران تدافعی و تلافی گرانه خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران در کنار قابلیت های موشکی، به تعدادی هواپیمای جنگنده و بمب افکن مجهز است. اگرچه ایران از نیروی هوایی نسبتاً قدرتمندی در منطقه برخوردار است و می تواند به واسطه آنها ناامنی های بزرگی ایجاد کند، اما با ضعف ها و نواقصی مواجه است. از حدود سیصد جنگنده ای که ایران دارد، اکثریت آنها کهنه اند و برای آمادگی و انجام عملیات مؤثر، دارای مشکلات جدی هستند. از آنجا که بخشی از هواپیماها توسط شرکت های آمریکایی ساخته شده اند، تأمین قطعات آنها امروزه برای ایران مشکل و دردسرساز است. برای حفاظت از امنیت هواپیماها یک رویکرد دفاعی منفعل در پیش گرفته شده که در چهارچوب آن ایران به پراکنده سازی و قرار دادن هواپیماها در پناهگاه های مستحکم و نقاط مخفی اقدام کرده است.

توانایی های ایران در حوزه تسلیحات غیرمتعارف مبهم است و اصولاً برآورد دقیقی در مورد کم و کیف این برنامه ها وجود ندارد. علنی شدن تأسیسات هسته ای نظنز و اراک در سال ۲۰۰۳ به نگرانی ها در مورد مقاصد ایران زده است. دولت ایران همواره فعالیت های هسته ای اش را صلح آمیز معرفی کرده و نگرانی های

same time, limiting the effects of these factors on the enemy. Hence, the ability to command the war using these features is of decisive importance to be successful in battle. So, artificial and natural barriers and other land resources as well as exploiting them play an important role in providing increased combat power and combat readiness. Hence, in Iran-Iraq war barriers and fortifications were used very frequently.

Key Words: *Water War, Iran-Iraq War, Impediment Definition, Water Impediment, military operations*



Document and Reports

Water War Documents in Iran-Iraq War

Research Group

Note:

During the imposed war, both sides showed new innovations in using natural and artificial obstacles to restrict the other side. In other words, in this war we can see operational use of some new defence models and the use of offensive obstacles. Among these strategies, water war played an important part in offensive and defensive strategies of the two countries. Although for the first time, Iran used water to confuse the Iraqi Mechanized and armored forces, Iraqi forces used it as preemptive operations or to frustrate Iran's water war plans as well. In this section you will see 7 Iranian and Iraqi documents about the imposed war



Book Review

In this section, four books are introduced and reviewed one of which is in Farsi and the three others are in English:

1. Azam Hussein, DA Book: Memoirs of Zahraa Hussein, Tehran, sore publisher, 1388.pp 812.
2. Frederic Wehrey, etal., The Rise of the Pasdaran; Assessing of the domestic Roles of Iran's Islamic Revolutionary Guards Corps, RAND, pp.
3. MICHAEL J. KELLY, GHOSTS OF HALABJA: Saddam Hussein and the Kurdish Genocide, Westport, PRAEGER SECURITY INTERNATIONAL, 2008, pp. 181.
4. Steven R.Ward, Immortal: A Military History of Iran and Its Armed Forces, Washinton, Dc: Georgetown univ, 2009.

Some governments, especially the United States, introduced their vital interests as an excuse to justify their presence and intervening in the region! Doubtlessly, without financial and arms support of regional and trans-regional powers, Saddam Hussein's Baath regime could not survive until its March 2003 overthrow by American forces, but it would have been ended up by Iraqi people at the very beginning of the imposed war.

X ■ X

Dr. Morad Kaviani

Key Words: *Lebensraum or Vital Space, Iraq, Baath Regime, Iran, Saddam, Persian Gulf and Geopolitics*

X ■ X

Mehdi Khodaverdi

[illegible]

At the end, it concludes that, its internal and regional structure gave Iraqi regime an agentive chance to invade Iran and hence to reproduce the structures in its desired format. On the other hand, the ideational structure of Iran's Islamic revolution provided it with another agentive opportunity to mobilize all its internal capacity and to reproduce the central concepts of this semantic structure based on the requirements of the first decade of its life. Here, the termination of the war is attributed to the structural changes in the international system and exploitation of America from these changes that in their own turn are introduced as the beginning point of American hegemony in the world.

Kay Word: *Iran - Iraq war, Constructivism, Iran, Iraq, American*



3. Women's political participation in Iran-Iraq War (1359-1367)

DR.Farhad darvishi and Azam Emami

Active presence and participation of Iranian women in Iran-Iraq war during the years 1359 to 1367 was a new and rare experience in popular participation history in Iran. Considering women's isolation and limited social activities in Iran, their spontaneous and active participation during the Iran-Iraq war, can be seen as the result of the Islamic revolution and the war that changed their limited participation to an active one. According the classic and current views, political participation of women in societies is mainly based on components such as education, age, urbanization, and ..., but at that special historical point in Iran, values revive how and how much influence women in the historical section, enter ourselves by Islamic Revolution, the most important cause of political participation of women in history it has been. This article is descriptive-explanatory. First, how the political participation of women in war and then explain the factors inhibiting and it has been.

Kay Word: *Iran-Iraq War, American, Soviet Russia, Great Powers, Ecounomic Aid, Military Aid*



4. Regional and Trans-regional Financial and Arms Assistance to Iraq During The Imposed War Against Iran

Ruhollah Qaderi Kangavar

The main purpose of this paper is analyzing and determining the amount of financial-military aids offered by different countries at three levels to the Ba'ath regime in Iraq during the imposed war against Islamic Republic of Iran: superpowers, great powers and regional countries. However, any war between two warring sides creates a series of threats and opportunities for the third countries and forces them to clarify their position toward the war and the countries involved in it to face the threats or to use the opportunities. The imposed war was not an exception to this fact.

Abstracts

Preface

Iran-Iraq War: a sociological review



Articles

1. The Role of War in the Socialization and Identity of Iranians: from Epistemology of Lakatos to Ontology of Wendt

Nabi Ullah Ebrahimi

This paper analyses the role of the imposed war on Iranian identity and socialization. This war is worth investigating because of its political and social importance in modern Iran and its impact on the discourse and identity of the affecting forces, both governmental and non-governmental. Iran-Iraq war can be discussed considering Iranians' socialization and their identity in both internal and international level. In other words, the effect of Iran-Iraq war on the type and the role of identity in internal and international level are noticeable. In addition, the impact of the imposed war on Iranians' socialization process is one of the main points analyzed in this work. The assumption of this research is that among three science epistemology paradigms, falsification of Paper, paradigm of Cohen and the research program of Lakatos, the third one can best explain Iranian identity and confirm this point that Iran-Iraq war plays an important role in forming Iranian identity.

Key Word: *Iran - Iraq War, Identity, Khoramshahr, Socialization, Martyr, Resistance, Lakatos*



2. Iran-Iraq War: A Sociological View (Giddens' Constructualism Approach)

Heidar Ali Masoodi and Samaneh Khan Beigi

The imposed war has been discussed from different points of view by now most of which have focused on the military and hardware aspect of this war. So this essay wants to review it applying constructivism approach of Giddens. First of all it presents us with a theoretical framework based upon the mentioned approach. Then it refers to Iraq as an agent, considering its internal and regional structures at the beginning of the war and the agentive role of Iran in relation to its ideational structure during the war, and then to the interactive role of the United States with the international system at the end of the war.

Contents

Editorial Note

Iran-Iraq War: a sociological review 5

Articles

The Role of War in the Socialization and Identity of Iranians 9 DR. Nabi Ullah Ebrahimi

Iran-Iraq War: A Sociological View (Giddens' constructuralism approach) 23 DR. Heidar Ali Masoodi & Samaneh Khan Beigi

Women's political participation in Iran-Iraq War (1359-1367) 37 DR. Farhad darvishi & Azam Emami

Regional and Trans-regional Financial and Arms Assistance To Iraq During The Imposed War Against Iran 51 DR. Ruhollah Qaderi Kangavar

Lebensraum in Geopolitical Strategy of Iraq during Saddam Regime 71 Dr. Morad Kaviani

Smart Look and Creative Mind as a Ground for the Idea of Water War 85 Mehdi Khodaverdi

Iran-Iraq War Documents and Reports

Water War Documents in Iran-Iraq War 105 Research Group

Book Review

DA Book: Memoirs of Zahraa Hussein 117 DR. Abbas khalaji

The Rise of the Pasdaran; Assessing of the domestic Roles of Iran's Islamic Revolutionary Guards Corps 123 DR. Gholamreza Khosravi

Ghosts of HALABJA: Saddam Hussein and the Kurdish Genocide 129 DR. heydarali Balogi

A Military History of Iran and Its Armed Forces 133 DR. Abdollah Ganbarlo

In The Name of God

The Quarterly on Sacred Defence

**NEGIN
IRAN**

Vol.9 □ No.32 □ Spring 2010

Publisher	IIRG's Sacred Deffence Document Center
Executive Manager	Major General Mohammad Ali Jafari
Managing Editor	Dr. Hossein Ardestani
Editorial Board	Dr. Gholam Ali Rashid, Dr. Hossein Alaei, Dr. Mahmood Yazdanfam, Hamid Aslani
Referees of This Issue	DR.Ebrahim Motagi, DR.Homeyra Moshirzade, DR.Hossein Ardestani, DR.Mahmood Yazdanfam, DR.Mohammad Hossein Jamshidi
Internal Manager	Seid Masood Mousavi
Page Setting & Cover Designer	Seid Abbas Amjad Zanjani
Type	Zahra Talei
Publishing Supervisor	Mohammad Behrozi
Support Affairs	Ahmad Avazabadian
Address	8/1 Boromand Alley, Martyre Varkesh St & South Mofatteh Ave, Tehran, Iran.
Email	neginiran@gmail.com
Telefax	+98 21 - 88307282
Price	12000 R